اطلاعات

سه شنبه ۳۰ دی ۱۳۹۳ - ۲۸ ربیع الاول ۱۴۳۶ - ۲۰ ژانویه ۲۰۱۵ - سال هشتادونهم - شماره ۲۶۰۷۲ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

زنگنه: بی‌تدبیری‌های گذشته توسعه صنعت نفت را عقب انداخت

* وزیر نفت: دولت برنامه‌ای برای افزایش قیمت بنزین ندارد
* مشکل تامین خوراک به خصوص گاز طبیعی در سال آینده برای صنایع پتروشیمی نخواهیم داشت

صفحه ۴

حزب‌الله لبنان: پاسخ ما به جنایت رژیم صهیونیستی شدید و قاطع خواهد بود

* به دنبال شهادت شماری از نیروهای حزب‌الله در حمله هوایی اسرائیل به جولان سوریه حزب‌الله در مرز لبنان با فلسطین اشغالی به حال آماده‌باش در آمد
* رژیم صهیونیستی از بیم اقدام تلافی جویانه حزب‌الله، نشست امنیتی برگزار کرد

صفحه ۱۶

نهاوندیان: بساط فساد و نظارت گریزی باید برچیده شود

* رئیس دفتر رئیس جمهوری در همایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان تهران: فضای سرمایه‌گذاری در ایران نوید آغاز فصل جدیدی را به جهانیان می‌دهد
* حضور ایران در اقتصاد جهانی یکی از ۳ محور اصلی برنامه‌های دولت است
* بخش خصوصی باید مدیریت فعالیت اقتصادی را بر عهده بگیرد
* دولت به دنبال ایجاد شرایط محیط کسب و کار است و عزم این مسئله وجود دارد که خطاهای گذشته تکرار نشود
* درآمدهای متکی بر رانت را در اقتصاد ایران دیگر نباید جستجو کرد
* آسیب‌پذیری ایران از کاهش قیمت جهانی نفت بسیار کمتر از بازیگران این صحنه است
* رئیس کل سازمان سرمایه‌گذاری خارجی: ظرف یک سال آینده به طور قطع شفاف‌سازی در حوزه سرمایه‌گذاری صورت خواهد گرفت
* مبحث تامین منابع خارجی برای کشور یک ضرورت ملی است

صفحه ۴



رئیس جمهوری و اعضای دولت در روز هوای پاک با مترو به محل کار رفتند

صفحه ۲

صعود مقتدرانه تیم ملی فوتبال به جمع ۸ تیم برتر آسیا

صفحه ۱۴

مذاکره ظریف با وزیران خارجه ۱+۵ در داووس و مونیخ

* ظریف: در گفتگو با ۱+۵ وارد جزئیات مسائل هسته‌ای شده‌ایم
* اصل غنی‌سازی، ضرورت برداشتن تحریم‌ها و حفظ برنامه هسته‌ای ایران مورد قبول همه واقع شده است
* عراقچی: دور بعدی مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵ اواسط بهمن‌ماه برگزار می‌شود
* معاون وزیر خارجه روسیه: ایران و گروه ۱+۵ تا نیمه اول فروردین ماه موافقتنامه سیاسی را امضا می‌کنند

محمد جواد ظریف مذاکره خود با جان کری را «صریح و جدی» توصیف کرد و گفت: مذاکرات پیچیده شده و وارد جزئیات شده‌ایم و در مذاکرات بین المللی هم گرفتاری همیشه در جزئیات است.

وزیر امورخارجه صبح دوشنبه در روز هوای پاک و در متروی تهران در جمع خبرنگاران در مترو گفت: کلیات در مذاکرات مشخص شده است؛ اصل غنی سازی، ضرورت برداشتن تحریم ها و حفظ برنامه هسته ای ایران مورد قبول همه واقع شده است. چند ماه پیش رو که در حال مذاکره هستیم در باره جزئیات گفتگو می شود.

ظریف اضافه کرد: در جزئیات ممکن است مثلا در مورد سانتریفیوژها یا موارد مشابه علاوه بر طول دوران مذاکره متخصصان ساعت ها و روزها با استفاده از برنامه های کامپیوتری و مدل سازی انتخاب های مختلف را بررسی کنند.

این یک نشان و افتخار ملی ما هم محسوب می شود که در مورد اقداماتی که دانشمندان جوان ما می کنند بهترین دانشمندان غربی ساعت ها مطالعه انجام دهند تا جزئیاتش را مشخص کنند.

وزیر امورخارجه کشورمان با بیان این که به مرحله ای رسیده ایم که در آن، جزئیات بسیار جدی است گفت: نکته ای که همیشه تاکید کرده ایم

بقیه در صفحه ۲

استاد مشفق کاشانی غزل سرای نامی ایران به رحمت ایزدی پیوست



* زنده یاد مشفق کاشانی یکشنبه‌شب حین شعرخوانی در انجمن شاعران ایران دچار ایست قلبی شد
* وزیر ارشاد: استاد مشفق کاشانی حلقه وصل غزل دیروز و امروز بود
* دکتر لاریجانی: در تمامی آثار زنده یاد کاشانی اهداف نظام و انقلاب فراوان به چشم می‌خورد
* مراسم تشییع پیکر استاد مشفق کاشانی ساعت ۹ صبح امروز از مقابل تالار وحدت برگزار می‌شود

صفحه ۳



ویژه ادب و هنر ضمیمه اطلاعات امروز

یادداشت

مدیریت مطالبات

فتح الله آملی

برخی دوستان و همکاران مطبوعاتی و رسانه‌ای اخیراً دربارهٔ نقد دولت راه و روشی را در پیش گرفته‌اند که به نظر می‌سد با توجه به شرایط سخت و دشواری که در آنیم، چندان شرط انصاف نباشد.

اینکه با آگاهی از شرایط سخت اقتصادی و تنگناهای به وجود آمده، پی در پی شوخ به چشم آوریم و وعده‌های دولتیان را به رخ بکشانیم و بر طبل مطالباتِ و توقعات بکوبیم؛ آیا راه و روش درستی به نظر می‌رسد؟ کار خبرنگار و اصولاً کار رسانه، جدای اطلاع‌رسانی، نقد حاکمان و مطالبه خواسته‌های مردمی است. خبرنگار عضو یا کارمند دولت نیست. مجیزگویی و لاپوشانی و منفعت‌طلبی و قلم‌فروشی هم خیانت در امانت روزنامه‌نگاری است؛ اما در همین حال روزنامه‌نگاری به‌خصوص در فضای اعتقادی و دینی، هرگز بی‌انصافی وبی‌تقوایی را برنمی‌تابد و جدای آن منافع ملی از جمله اصولی است که حتما باید مراعات شود.

همه ما می‌دانیم که کشور در چه وضعیتی قرار دارد. به‌خصوص اقتصاد کشور با چه چالش‌هایی روبروست. نمی‌توان پذیرفت عزیز همکاری که در دوره نفت صد دلاری و بریز و بپاش‌های متوالی و طلافروشی و پول چاپ‌کنی و تورم ۴۰ درصدی، زبان تند و منتقدِ خود را کند کرده بود، حال با پرچم دفاع از محرومان و مستضعفان و کارگران عَلَم مخالفت برافزازد. حال از افزایش شدید دستمزدها و ضرورت به‌کارگیری نیروهای جدید در بدنه دولت و استخدام‌های تازه و... سخن بگوید و از لزوم بودجه‌های بیشتر دولتی و الزام دولت به عمل به وعده‌های انتخاباتی و...

قدر مسلّم تمامی اقدامات دولت فعلی قابل دفاع نیست و عملکرد دولت هم در مدیریت اقتصاد کشور نقدهای چندی می‌طلبد، اما این نقدها باید در مسیر و جهتی باشد که سمت و سوی مطالبات عمومی را به سمت و سوی اقتصاد مقاومتی هدایت کند؛ نه آنکه به هزینه‌های دولت بیفزاید.

در حال حاضر منافع و مصالح ملی ایجاب می‌کند که به کاهش مطالبات و لزوم صرفه‌جویی در هزینه‌ها بپردازیم. می‌توان از دولت خواست که درباره قطع یارانه طبقات ثروتمند، چرا اقدام عملی صورت نمی‌دهد؟

می‌توان از دولت پرسید که به چه دلیل ۶۰ درصد اقتصاد مالیات نمی‌دهند و شما برای آن چه کرده‌اید؟ می‌توان از او خواست که در شرایط فعلی بسیاری از ردیف‌های غیرلازم و غیرضروری بودجه را حذف و یا کم کند. می‌توان از او پرسید چرا باید مالیات حقوق و درآمد برای همه ده درصد باشد؟ کسی که دو میلیون تومان حقوق می‌گیرد با کسی که ده میلیون تومان، آیا نباید مالیات متفاوتی بپردازند تا عدالت بهتری محقق شود؟ می‌توان پرسید که چرا اسامی بدهکاران بزرگ بانکی را اعلام نمی‌کنید و چرا حجم نقدینگی مثل گذشته افزایش پیدا کرده؟ و... دهها سؤال از این دست که در جهت و مسیر اقتصاد مقاومتی و انضباط مالی است و اشکالی هم ندارد. اما اینکه بپرسیم چرا یارانه فلان کالا را کم کرده‌اید؟ چرا حقوق‌ها را دوبرابر نمی‌کنید؟ چرا بودجه فلانِ مرکز مذهبی یا فرهنگی را فقط ده یا بیست درصد اضافه کرده‌اید؟ و یا اصلاً افزایش نداده‌اید؟ چرا قیمت سوخت یا ارز را پایین نمی‌آورید؟ و... سؤالاتی از این دست که هزینه‌های دولت را افزایش می‌دهد، آنهم با علم به اینکه می‌دانیم اوضاع اقتصادی چه حال و روزی دارد، هم‌جهت با مدیریت توقعات اجتماعی متناسب با شرایط حال کشور نیست.

همه می‌دانیم که دولت از خود پولی ندارد. باید درآمدی داشته باشد تا از آن محل هزینه کند. بخش مهمی از درآمدهای دولت تا به حال از محل فروش نفت تأمین می‌شد. این درآمد در حال حاضر به کمتر از نصف رسیده است. همه هم می‌دانیم که یک اقتصاد به شدت وابسته به نفت را نیز نمی‌توان به یکباره غیرنفتی کرد.

از طرف دیگر بسیاری از خدمات دولت هم به جای درآمد، هزینه‌بر است؛ چون یارانه‌ای است. حامل‌های انرژی نظیر برق، آب، گاز، گازوئیل و بنزین با یارانه عرضه می‌شود و محل درآمد هم نیست. در حالت رکود هم نمی‌توان به افزایش شدید درآمدهای مالیاتی امید بست. پس در چنین شرایطی افزایش هزینه‌های دولت و هر مطالبه‌ای که به افزایش هزینه‌هایش منجر شود، از چه محلی قابل تأمین است؟

سخن اصلی و تقاضای اصلی نگارنده این است که به عنوان یک وظیفه ملی همگی دست در دست هم دهیم و به‌خصوص در جایگاه رسانه بدون دخالت دادن هر انگیزه سیاسی و یا جناحی و حزبی، به گونه‌ای در جهت‌دهی و مسیربخشی به مطالبات عمومی حرکت کنیم که به نظام اسلامی و به دولت در جهت عبور از این گردنه دشوار کمک کند. ناگفته پیداست که این سخن به معنای حمایت بی‌چون و چرا از اقدامات دولت و یا کارگزارانش نیست. اتفاقاً در هر مقطعی که دیدیم حرکت دولت با نوعی انحراف از مسیر اصلی همراه شده است، باید زبان به انتقاد گشود و مسیر را اصلاح کرد.

کوته سخن آنکه همه باید یکدل و یکصدا شویم و بدون توجه به آنکه دولت نماینده چه جریانی است، با در نظر داشت منافع ملی کمک کنیم که دولت بتواند این شرایط سخت را نه یک تهدید بلکه یک فرصت برای نجات اقتصاد کشور از بیماری مهلک عادت به سبک زندگی بچه‌پولداری ملی ببیند.

تجمع اعتراض‌آمیز جمعی از دانشجویان و مردم تهران مقابل سفارت فرانسه

تجمع جمعی از دانشجویان بسیجی و دیگراقشارمردم تهران دراعتراض به هتک حرمت ساحت پیامبر(ص) دیروزدرمقابل سفارت فرانسه برگزار شد.

به گزارش ایسنا، تجمع کنندگان شعارهای حسین حسین شعار ماست شهادت افتخار ماست، لبیک یا محمد(ص)، مرگ بر فرانسه، مرگ بر اسرائیل، فرانسه فرانسه ننگت باد، لااله الاالله محمد رسول الله، مرگ بر فرانسه و صهیونیسم، خونی که دررگ ماست هدیه به رهبر ماست، مرگ بر داعش آمریکایی و... سر دادند.

همچنین تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی با عنوان «من محمد (ص) را دوست دارم» به زبان‌های مختلف جهان عکس‌هایی از پسرشهیدعماد مغنیه، پرچم‌های یا حسین(ع)، لا اله الا الله وعکس‌هایی از مقام معظم رهبری و ... در دست داشتند.

در ادامه این تجمع اعتراض‌آمیز، احمد توکلی یکی ازنمایندگان مجلس گفت: حمله به این روزنامه بدکاره به نظر ساختگی است و توسط نیروهای جاسوسی موساد و سیا انجام شده است.

وی گفت: در حالی که در فرانسه رفتارهای غیراسلامی علیه مسلمانان انجام می‌شود وزارت خارجه کشورمان رفتار مناسب از خود نشان نمی دهند .

سپس حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان در سخنانی گفت: کشورهای اروپایی مانند سگ قلاده به گردن مهار خود را به دست آمریکا داده‌اند. ما هنوز جنایات دفاع مقدس را فراموش نکرده‌ایم.

در ادامه تجمع کنندگان بیانیه‌ای را در محکومیت توهین به پیامبر اسلام خواندند.

دراین بیانیه ،باتاکید براین که روند رو به رشد گرایش به اسلام در بین مردم کشورهای غربی، حاکمان این کشورها را به تکاپوی جلوگیری از امواج خروشان این حرکت با سیاه‌نمایی چهره رحمانی اسلام ناب محمدی انداخته ،آمده است :حمله مشکوک و پرابهام هفته گذشته مترسک‌های ریش‌دار صهیونیست‌ها، با ادعای دروغین دفاع از اسلام، به دفترمجله دست چندم و مبتذل‌نویس شارلی ابدو در فرانسه، بار دیگر بهانه مورد نیاز سردمداران تفکر الحاد را برای تنگ کردن فضا بر مسلمانان و ترسیم چهره‌ای خشن از اسلام، به دست آنان داد. اگرچه اصل داستان تعریف شده توسط دولت فرانسه در این باره خود دارای شبهات فراوانی است.

این بیانیه با طرح این پرسش که حاکمان کاخ الیزه اکنون در برابر این سئوال منطقی قرار دارند که آیا زمانی که با رویای سقوط حکومت مشروع و قانونی سوریه، به ایجاد گروه‌های خونریز و تروریستی می‌پرداختند، حساب بازگشت این تروریست‌ها به کشورهای‌شان در اروپا را نیز کرده بودند؟آورده است:

دانشجویان بسیجی و انقلابی ایران، همصدا با ملت شریف و مسلمان این کشور و همه مسلمانان بلکه آزادیخواهان جهان، ضمن محکوم کردن سناریوی پرابهام حمله تروریستی در پاریس، توهین بی‌شرمانه گردانندگان نشریه فرانسوی به پیامبراعظم را که تحت تاثیرحمایت های بی دریغ دولت این کشورانجام گرفت، به دولتمردان فرانسه پیشنهاد می کنیم که به جای توسل به این اقدام های بی‌شرمانه، در مورد حقیقت پیام اسلام و دلیل گرایش روزافزون مردم خسته از لیبرالیسم در اروپا، به این دین الهی بیشتر بیندیشند و بدانند که با خاک پاشیدن به رخ خورشید نمی‌توانند از تابش انوار آن جلوگیری کنند.

شمخانی: جریان تروریسم در عراق رو به انهدام کامل است

محمد سالم الغبان، وزیر کشور عراق که به تهران سفر کرده است پیش ازظهر دیروز با علی شمخانی نماینده مقام معظم رهبری و دبیر شورای عالی امنیت ملی دیدار و گفتگو کرد.

به گزارش ایسنا، علی شمخانی در این دیدار با تبریک پیروزی‌های مستمرارتش و نیروهای مردمی عراق در جبهه مبارزه با تروریسم تکفیری اظهار داشت: علی رغم کمک های پنهان اطلاعاتی، تسلیحاتی و مالی برخی کشورهای منطقه ای و فرامنطقه‌ای به این گروه‌ها، روند انهدام کامل جریان تروریسم درعراق و استقرارامنیت و آرامش دراین کشور با شتاب قابل ملاحظه ای در جریان است.دبیر شورای عالی امنیت ملی، برگزاری موفق کنگره عظیم اربعین از سوی دولت عراق را آزمونی کم نظیر در ارزیابی قدرت و صلاحیت ارتش و نیروهای امنیتی این کشور در برقراری امنیت بدون نیاز به مداخله کشورهای خارجی ذکر کرد و افزود : مشارکت روزافزون نیروهای مردمی از ادیان، اقوام، مذاهب و طوایف مختلف در عرصه مبارزه با تروریسم و حمایت مراجع عظام دینی از این روند، مهمترین ضرورت شکل گیری امنیت پایداردرعراق است.وی با اشاره به اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی در نقض حاکمیت دولت سوریه و به شهادت رساندن جمعی از رزمندگان حزب الله در منطقه قنیطره اظهار داشت: بدون شک این اقدام در تداوم همکاری با تروریست های تکفیری صورت پذیرفته و تکمیل کننده رویکرد حاکمان تل آویو در استفاده از جریان تروریسم به منظور ایجاد منطقه حایل در مرزهای جعلی این رژیم است.

شمخانی اقدام اخیر رژیم صهیونیستی و کمک‌های تسلیحاتی آمریکا به گروه‌های تروریستی که از طریق بار ریزی در مناطق تحت اشغال داعش در عراق انجام می‌شود را حلقه های زنجیره بی صداقتی در مبارزه با تروریسم بیان کرد و افزود: تجربه گذشته نشان می دهد که جریان مقاومت پاسخ اقدام های تروریستی رژیم صهیونیستی را با شدت و قاطعیت انقلابی در زمان و مکان مورد نظر خود خواهد داد.وی توسعه همکاری‌های راهبردی میان دو کشور را فراتر از حوزه های دفاعی، امنیتی و سیاسی بیان کرد و با اشاره به اراده و تلاش دو دولت برای شکوفایی بیش از پیش همکاری‌های اقتصادی همه جانبه میان ایران و عراق اظهار داشت: نمایشگاه معرفی فرصت‌های همکاری اقتصادی میان ایران و عراق به زودی با حضور گسترده شرکت‌های ایرانی در بغداد برگزار و زمینه ورود دو کشور به مرحله جدیدی از همکاری‌های اقتصادی گسترده ایجاد خواهد شد.محمد سالم الغبان وزیر کشورعراق هم دراین دیداربا تبیین وضع رو به توسعه توانمندی‌های امنیتی این کشور در شرایط جدید افزود: با تدابیر اتخاذ شده شرایط امنیتی در بیشتر استان‌های عراق به ویژه شهر بغداد در وضع بسیار مناسبی است.وزیر کشورعراق با اشاره به توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران دربخش‌های مختلف امنیتی و انتظامی خواستار توسعه همکاری دوکشور در حوزه های سخت‌افزاری، نرم افزاری و آموزشی میان ایران و عراق شد.

شهادت سردار «الله‌دادی» دردفاع ازمردم مظلوم سوریه

روابط عمومی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در اطلاعیه‌ای از شهادت سردار سرتیپ پاسدار «محمدعلی الله‌دادی» در جغرافیای مقاومت اسلامی و در دفاع از حرم اهل بیت (ع) و مردم مظلوم سوریه خبر داد.

به گزارش پایگاه خبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در بخشی از این اطلاعیه آمده است: سردار سرتیپ پاسدار محمدعلی الله‌دادی از فرماندهان شجاع، مخلص و خردمند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که نقش آفرینی‌های مؤثر وی در دوران دفاع مقدس و سپس در فرماندهی سپاه الغدیر استان یزد، برای همیشه ماندگار و الهام‌بخش نسل‌های امروز و فردای میهن اسلامی خواهد بود.این اطلاعیه افزوده است: این فرمانده مؤمن و ولایتمدار که در مقام مستشاری برای کمک به دولت و ملت سوریه در مقابله با تروریست‌های تکفیری سلفی به این کشورعزیمت کرده بود، مشورت‌های تعیین کننده‌ای در راستای توقف و خنثی‌سازی جنایات و توطئه‌های این فتنه صهیونیستی تروریستی در جغرافیای سوریه ارائه داد و نام و یاد خود را در زمره مدافعین و حامیان مقاومت اسلامی و ضدصهیونیستی ثبت کرد.

در ادامه این اطلاعیه با اشاره به نحوه شهادت سردار الله دادی آمده است: گروهی از رزمندگان و نیروهای مقاومت اسلامی همراه با سردار رشید اسلام محمدعلی الله دادی در حین بازدید از منطقه "قنیطره" مورد حمله بالگرد نظامی رژیم صهیونیستی قرار گرفتند که بر اثر این جنایت این سردار دلاور همراه با تعدادی از اعضای حزب الله به شهادت رسیدند.

این اطلاعیه با تاکید بر این که بی تردید شهادت سردار الله دادی و رزمندگان حزب الله عزم و اراده مقاومت اسلامی درعرصه مقابله با رژیم صهیونیستی و پیگیری آرمان‌های اسلام عزیز را جدی‌تر خواهد کرد، تصریح کرد: اقدام جنایتکارانه رژیم صهیونیستی در نقض حریم هوایی کشور سوریه بار دیگر نشان داد که فتنه تروریستی داعش و جریان‌های تکفیری در چارچوب سیاست‌ها و برنامه‌های نظام سلطه و صهیونیسم و با هماهنگی سران کاخ سفید و رژیم اشغالگر قدس، علیه امت اسلامی طراحی شده است و برای دستیابی به اهداف و مقاصد شیطانی خود، هیچگونه پایبندی به قوانین بین‌المللی و اصول اخلاقی و انسانی ندارد.در پایان این اطلاعیه با تبریک و تسلیت شهادت سردار الله‌دادی و تعدادی از رزمندگان حزب الله و مقاومت اسلامی به محضر حضرت ولیعصر(عج)، مقام معظم رهبری و ملت‌های لبنان، سوریه و ایران آمده است: برنامه‌های تشییع، تدفین و گرامیداشت سردار رشید اسلام سرتیپ پاسدار محمدعلی الله‌دادی متعاقباً به آگاهی مردم ایران خواهد رسید.

رئیس جمهوری و اعضای دولت در روز هوای پاک با مترو به محل کار رفتند

رئیس جمهوری با تأکید بر این که دستیابی به هوای سالم و مطلوب نیاز به کمک تمامی مردم دارد، گفت: مشکلات زیست‌محیطی فراوانی وجود دارد که در یکسال و نیم گذشته اقدامات فراوانی برای حل آنها انجام شده است، اما برای رسیدن به نقطه مطلوب نیاز به حضور و کمک تمامی مردم داریم.

حجت‌الاسلام والمسلمین روحانی دیروز به مناسبت روز هوای پاک پس از استفاده ازمترو برای حضور در محل کارخود، اظهارداشت: پیش از این و در دوران قبل از ریاست جمهوری گاهی اوقات از وسیله نقلیه عمومی استفاده می کردم و مترو وسیله خوبی است که در اختیار مردم قرار گرفته و سالیان بسیاری برای راه‌اندازی آن تلاش شده است.

رئیس جمهوری افزود: امروز استفاده مسئولان از وسایل حمل و نقل عمومی به مناسبت روز هوای پاک نمادین است، برای اینکه مردم توجه کنند که باید به یک هوای سالم و مطلوب برسیم و یکی از راه‌های رسیدن به این نقطه استفاده از وسایل نقلیه عمومی و استفاده کمتر از وسایل نقلیه شخصی است.

روحانی ضرورت توجه به زمین، آب و هوای پاک را مورد اشاره قرار داد و اظهار امیدواری کرد که این روز، آغاز توجهی از سوی مردم و مسئولان برای مبارزه با آلودگی هوا و تلاش همگانی و دلسوزانه برای رسیدن به نقطه مطلوب باشد.

وی درباره صحبت‌های خود با مردم در داخل قطار شهری، گفت: این اتفاق بسیار خوب بود که ناگهان با جمعیتی روبه‌رو شویم که خواست‌هایی دارند و از پیش درباره اولویت‌هایشان هم فکر نکرده اند . برخی از این خواست ها یی که مطرح شد، قابل پیگیری است.

روحانی گفت: برخی راجع به سیاست خارجی نظر داشتند و می‌خواستند که مذاکره ادامه داشته باشد، برخی راجع به شرایط مترو و ازدحام و شلوغی بیش از حد در برخی ساعات گلایه داشتند، برخی راجع به دانشگاه و کنکور و مشکلات مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا نظراتشان را مطرح کردند و خانمی راجع به اخلاق عمومی در جامعه و اقداماتی که باید انجام شود، سخن گفت.

در این حضور سرزده، رئیس جمهوری به همراه دکتر معصومه ابتکار رئیس سازمان محیط زیست، حد فاصل ایستگاه آزادی تا ایستگاه امام علی(ع) را با قطار شهری طی کردند و رئیس جمهوری با قرار گرفتن در کنار مردم، پای صحبت‌های آنها نشست و دیدگاه‌هایشان را درباره مسائل روز شنید.

بر اساس این گزارش، رئیس جمهوری همچنین در جلسه هیات وزیران با تشکر از حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی و خدمات ارزشمند وی در ستاد اقامه نماز، تأکید کرد: تمامی زندگی و عالم فیض حق است و شکر این نعمت غیرقابل شمارش الهی میسر نیست و نماز حلقه اتصال عبد با معبود و اقل شکر به درگاه الهی است.

روحانی که پس از ارائه گزارشی درباره فعالیت ها و اقدامات ستاد اقامه نماز صحبت می کرد، نماز را بر پایه تعالیم قرآن کریم بالاترین ذکر خداوند و بازدارنده از زشتی‌ها دانست.

رئیس جمهوری اقامه نماز را وظیفه دولت دانست و تمامی دستگاه‌ها را به حمایت معنوی و مادی از این فریضه دعوت کردو حمایت معنوی را در گرو رفتار شایسته و الگویی مدیران برشمرد.

رئیس جمهوری، بزرگترین رسالت در تقویت فرهنگ نماز را در جامعه برعهده آموزش و پرورش و آموزش عالی دانست و نقش الگویی معلمان و رفتار آنان را از مهمترین عوامل در تقویت بنیان‌های دینی دانش‌آموزان اعلام کرد.

روحانی اظهار داشت: با تربیت صحیح نسل جوان، آسیب‌های فرهنگی بی‌تأثیر می‌شوند.

رئیس جمهوری با تأکید بر لزوم وجود نمازخانه در جاده‌ها و پاکیزگی ونظافت آنها، اهمیت مساجد و نمازخانه‌ها را به عنوان عبادتگاه مؤمنان، یادآور شد .

هیأت وزیران در این جلسه ، کمیسیون فرهنگی دولت را مأمور بررسی پیشنهادها و تقویت فرهنگ نماز در جامعه کرد.

در ادامه، تعدادی از پیشنهادهای دستگاه‌های اجرایی پس از بحث و بررسی، به تصویب هیأت وزیران رسید.

بر این اساس ،با تصویب دولت، برای مقابله و پیشگیری از حوادث غیرمترقبه، مبلغ ۲۰۰۰ میلیارد ریال به سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و مبلغ ۳۰میلیارد ریال به شهرستان آران و بیدگل اختصاص یافت.

همچنین مبلغ ۲۰میلیارد ریال اعتبار با عنوان «هزینه‌های پیش‌بینی نشده – کمک» بابت برگزاری کنفرانس مبارزه با خشونت و افراطی گری در اختیار وزارت امور خارجه قرار گرفت.

هیأت دولت برای تکمیل ساختمان شبکه آبیاری زهکشی قره سو زرین گل و تکمیل سدلاستیکی آقدکش در استان گلستان، مبلغ ۴۰میلیارد ریال اعتبار اختصاص داد .

برای مبارزه با پدیده خشکسالی، دولت به ترتیب مبلغ ۱۰۰ میلیارد ریال اعتبار برای تأمین علوفه عشایر در اختیار سازمان امور عشایر کشور و مبلغ ۳۰میلیارد ریال برای تأمین آب آشامیدنی شهری شهر عنبران در اختیار استان اردبیل قرار داد.

اختصاص مبلغ ۴۰میلیارد ریال اعتبار بابت بخشودگی هزینه‌های آب و برق مصرفی منطقه زلزله‌زده دشتی و تنگستان در استان بوشهر، از دیگر مصوبات جلسه هیأت وزیران بود.دولت بابت پرداخت مطالبات سازمان تأمین اجتماعی هم مبلغ ۱۰هزار و ۱۵۰میلیارد ریال به عنوان «اعتبارات موضوع فروش سهام، سهم‌الشرکه، اموال، دارایی ها و حقوق مالی و نیروگاه‌های متعلق به دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی وابسته و تابعه» به این سازمان اختصاص داد.

دومین جلسه شورای عالی محیط زیست

دومین جلسه شورای عالی محیط زیست در دولت یازدهم دیروز همزمان با روز هوای پاک به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری ،دکتر روحانی در این جلسه با اشاره به اهمیت مسائل زیست محیطی، بر پرهیز از بخشی‌نگری در تدوین آیین‌نامه‌ها و قوانین مربوط به محیط زیست تأکید کرد و خواستار همکاری و هماهنگی تمامی نهادها و وزارتخانه‌ها برای حفظ و صیانت از منابع طبیعی کشور در عین توجه به موضوع توسعه و مسائل اجتماعی شد.

در این جلسه، موضوع قانون چگونگی جلوگیری از آلودگی هوا پس از ۱۰سال مورد بازنگری قرار گرفت و مصوب شد، استاندارد جدید در زمینه خروجی آلاینده‌های وسایل نقلیه موتوری تعیین شود.

همچنین کلیات سند مطالبه ضرر و زیان قانون صید و شکار برای جلوگیری از شکار بی‌رویه و قاچاق حیات وحش تصویب و قرار شد جزئیات بیشتر با هماهنگی دستگاه‌های مربوطه مورد بررسی قرار گرفته و سپس به عنوان مصوبه ابلاغ شود.

اعضای شورای عالی محیط زیست همچنین کلیات طرح اعلام ۴منطقه جدید حفاظت شده را مورد تأیید قرار دادند. این طرح برای جلوگیری از فرسایش و تخریب طبیعت و حفظ منابع طبیعی از سوی سازمان حفاظت ازمحیط زیست و منابع طبیعی ارائه شده است. بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی تا سال ۲۰۲۰باید ۱۷درصد از عرصه سرزمینی و ۱۰درصد از سواحل به شیوه‌های مختلف جزء مناطق حفاظت شده قرار گیرد.

غار درفک در استان گیلان و آبشار شوی در استان خوزستان به عنوان جاذبه طبیعی ملی، جنگل ابر در استان سمنان به عنوان منطقه حفاظت شده و منطقه سمندر یک در استان لرستان به عنوان پناهگاه حیات وحش، ۴منطقه جدید حفاظت شده هستند.

در این جلسه مقرر شد سازمان حفاظت ازمحیط زیست و منابع طبیعی آیین‌نامه اقدام ملی برای مقابله با گرد و غبار و ریزگردها را برای تصویب به هیأت دولت ارسال کند. همچنین کلیات طرح تعرفه خدمات آزمایشگاهی از دیگر مصوبات جلسه شورای عالی محیط زیست بود.

دکتر معصومه ابتکار معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان حفاظت ازمحیط زیست و منابع طبیعی در این جلسه با ارائه گزارشی از وضع محیط زیست کشور اقدام نمادین رئیس جمهوری در استفاده از قطار شهری برای رسیدن به محل کار خود را ارزشمند توصیف و اظهار امیدواری کرد استفاده از وسایل نقلیه عمومی از سوی شهروندان بیش از پیش مورد اقبال قرار گیرد.وی با اشاره به مصوبه دولت در زمینه مبارزه با آلودگی هوا، از بازرسی متوالی خطوط تولید خودروسازان برای تولید خودرو یورو ۴، خبر داد و بازنگری در استانداردهای موجود در معاینه فنی خودروها را گام بلند در مبارزه با آلودگی هوا دانست.

رئیس سازمان حفاظت ازمحیط زیست از حضور قضات، وکلا، حقوقدانان، فقها و کارشناسان در تدوین قانون مطالبه ضرر و زیان قانون صید و شکار خبر داد و گفت: قانون باید از یکسو جنبه بازدارندگی برای متخلفان داشته باشد و از سوی دیگر باعث صیانت از گونه‌های جانوری در کشور شود.ابتکار تعیین مناطق حفاظت شده را برای صیانت از منابع طبیعی کشور ارزیابی کرد و گفت: در مناطق حفاظت شده حداقل زمین‌خواری و تغییر کاربری انجام شده است.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری: مردم استحقاق همه گونه خدمت را دارند

سرویس سیاسی – اجتماعی: مراسم معارفه نماینده ولی فقیه در سازمان هلال احمر و رئیس این سازمان روز گذشته برگزار شد تاحجت الاسلام والمسلمین معزی عهده‌دار مسئولیتی شود که مرحوم آیت الله غیوری پیش از این به عهده داشت و دکتر ضیایی، در جایگاه دکتر فرهادی، رئیس پیشین این سازمان بنشیند.

به گزارش خبرنگار ما، در این مراسم که با حضور رئیس دفتر مقام معظم رهبری، معاون اول رئیس جمهوری و وزرای علوم و بهداشت در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی برگزار شد، حجت الاسلام محمد محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری گفت: مردم استحقاق همه گونه خدمت را دارند و هر چه به این ملت خدمت کنیم کم است.

وی با اشاره به این که رسالت نظام و حکومت اسلامی خدمت به درماندگان بوده چون اصلی اسلامی و قرآنی است، گفت: تشکیلات جمعیت هلال احمر در کشور منشا خدمات بزرگی بوده و کارهای درخشانی داشته به ویژه بعد از انقلاب و در طول انقلاب این جمعیت با چراغ خاموش منشا خدماتی به ایرانیان و مستضعفان خارج از کشور بوده است.حجت الاسلام محمدی گلپایگانی افزود: نیروهای جمعیت هلال احمر باید اولین نیروهایی باشند که به مناطق حادثه دیده می روند و پرچم این جمعیت را بلند کنند زیرا ظرفیت بزرگی دارد که باید از آن استفاده کنند به ویژه از جوانانی که در نهایت قوت جسمی و روحی هستند.

وی با بیان این که نمایندگی ولی فقیه و سازمان جمعیت هلال احمر یک ید واحده هستند، گفت: نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با دیگر بخش های این جمعیت به صورت یکپارچه و پیوسته همکاری کند.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری در ادامه با بیان این که هر جا نظام و رهبر معظم انقلاب احساس کردند و تذکری دادند مردم پشت سر ایشان قرار گرفتند، گفت: ارتباط صمیمی و خالصانه ای بین مردم و رهبر فرزانه انقلاب وجود دارد و چنین ارتباطی در هیچ جای دنیا وجود ندارد.

حجت الاسلام محمدی گلپایگانی با اشاره به این که مردم برای زنده نگهداشتن حماسه ۹ دی ماه بسیار تلاش کردند، گفت: ارتباطی صمیمی و خالصانه بین رهبری و مردم وجود دارد و چنین چیزی در هیچ جای دنیا نیست.رئیس دفتر مقام معظم رهبری با اشاره به حوادث اخیر منطقه گفت: در حوادث عراق کسی فکر نمی کرد این کشور نجات یابد و این دشمنان گرگ و خونخوار داعش که روی هیتلر را سفید کرده‌اند شکست بخورند. در حالی که با فتوای آیت‌الله سیستانی همه مردم عراق برای دفاع از سرزمین خود بسیج شدند.

حجت‌الاسلام محمدی گلپایگانی، کشورهایی را که به دنبال مبارزه با تروریست هستند، مظهر تروریست خواند و گفت: اسراییل حیوانی به تمام معنا و کودک کش است و در تظاهراتی به عنوان مبارزه با تروریست رئیس آن در صف اول شرکت می کند.

هلال احمر با حضور مردم ماندگار شده است

در ادامه این مراسم، حجت‌الاسلام والمسلمین معزی نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر شالوده و بنیان اهداف هلال احمر را منطبق بر فرهنگ اسلامی دانست و گفت: فرهنگ اسلامی برانجام فعالیت های نوع دوستانه تاکید دارد و هلال احمر که یک جمعیت مردم نهاد و خیریه بین المللی است با حضور مردم قوام یافته و ماندگار شده است.وی بابیان این که کمک های مادی، معنوی و حضور داوطلبانه مردم دراین جمع از مضامینی است که مورد تاکید دین اسلام قرار دارد، گفت: باید از حضور گرانسنگ مردم به درستی استفاده شده و تکریم و احترام به حقوق انسان ها در اهداف و برنامه های جمعیت هلال احمر جایگاه ویژه ای داشته باشد.

نماینده ولی فقیه در سازمان هلال احمر با اشاره به این که احترام به انسان فارغ از جنس و مراتب جغرافیایی است، گفت: کمک رسانی به انسان ها در هنگام وقوع بحران و حفظ جان انسان و همچنین ارائه خدمات آرامش بخش به افراد گرفتار از اهداف جمعیت است. همچنین بازگرداندن اعتماد به نفس و باز شکوفایی این افراد از اهداف جمعیت هلال احمر باید باشد.

وی توجه به خسارات روحی به افراد را یکی از برنامه های مهم عنوان کرد و گفت: توجه به بهداشت روانی افراد حادثه دیده از مهم ترین برنامه ها است.

حجت الاسلام معزی گفت: پالایش و نظارت بر انجام امور و اصلاح فرآیندها از وظایف نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر است و انجام درست فعالیت ها سبب جلب اعتماد و حمایت مردم از این جمعیت می شود.

دکتر محمد فرهادی، وزیر علوم و رئیس سابق جمعیت هلال احمرهم گفت: هلال احمر ارگانی موفق و پرکار است و امیدوارم برنامه های تحولی کنونی در جمعیت هلال احمر ادامه پیدا کند.

وی با بیان این که جمعیت هلال احمر ایران با ۹۲ سال سابقه جایگاه ویژه ای در نهضت صلیب سرخ دارد، گفت: هلال احمر ایران جزو ۱۰ جمعیت توانمند دنیا است و حرکت و برنامه های رو به رشدی در این جمعیت در حال انجام است.

فرهادی گفت: یکی از برنامه ها و فعالیت های کنونی در جمعیت هلال احمر برنامه نظام تحولی است که کارها بر اساس استراتژی و برنامه ریزی دنبال می شود.

پیشگیری از آسیب بسیار اهمیت دارد

رئیس جمعیت هلال احمر هم در این مراسم معارفه با بیان این که این جمعیت در طرح نظام سلامت به وزارت بهداشت کمک می کند، گفت: این جمعیت یکی از جمعیت هایی است که دولت ماموریت های خاص به آن واگذار کرده و جمعیت هلال احمر می تواند بازوی وزارت بهداشت در طرح تحول نظام سلامت باشد.

سید امیر محسن ضیایی با بیان این که ۹۲ سال جمعیت هلال احمر ایران فارغ از جنس، رنگ و نژاد به کارهای انسان دوستانه پرداخته است، گفت: یکی از بزرگترین ماموریت های جمعیت هلال احمر امدادرسانی به افراد حادثه دیده است. اما پیشگیری از آسیب بسیار بیشتر اهمیت دارد و باید در مرکز توجه قرار گیرد.ضیایی به طرح «هر خانواده یک امدادگر» اشاره کرد و گفت: باید آموزه‌های امدادی در جامعه نهادینه شود چرا که هر ریال سرمایه گذاری در امر پیشگیری و آموزش، ۴ برابر صرفه جویی را به همراه دارد.

وی با اشاره به این که ظرفیت زیادی در جمعیت هلال احمر وجود دارد، گفت: در گذشته برنامه هایی برای ارتقای جمعیت هلال احمر اجرا شده است که بعد از این هم پیگیری خواهد شد. جمعیت هلال احمر ایران یک سازمان بین بخشی است که علاوه بر تعامل با سازمان های دیگر با نهادهای بین المللی هم ارتباط دارد.

ضیایی با بیان این که جمعیت هلال احمر برای حرکت در مسیر اهداف خود نیازمند حمایت دولت و مجلس است، گفت: به روزسانی برنامه های جدید در هلال احمر از ضروریات است و باید از تجربیات همکاران در هلال احمر استفاده کنیم.

ضرورت سیاست زدایی از هلال احمر

در پایان این مراسم، اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهوری هم با تاکید بر این که جمعیت هلال احمر در عین حمایت دولت، باید به سمت استقلال مالی حرکت کند، گفت: امروز یکی از برکات خوب جمهوری اسلامی ایران حضور مقام معظم رهبری به عنوان نعمت بزرگی به ویژه برای طبقه ضعیف جامعه است. ایشان همیشه به ما دولتی‌ها می فرمایند باید کار بیشتر و مهم تری برای این طبقه از مردم انجام دهیم.

او ادامه داد: جمعیت هلال احمر نه دولتی و نه عمومی است، بلکه سازمانی مردم نهاد است که بزرگترین رسالتش ایجاد و حفظ سرمایه های داوطلبانه است. جهانگیری با بیان این که در جمعیت هلال احمر به قشر جوان، خلاق و داوطلب توجه ویژه ای شده است، گفت: بیش از یک میلیون جوان داوطلب در این سازمان سرمایه بزرگی به حساب می آید. جمعیت هلال احمر باید این نیرو را به گونه‌ای آموزش دهد که در مواقع نیاز بتواند به خوبی کمک کند.معاون اول رئیس جمهوری سیاست زدایی از چهره هلال احمر و توجه به فرهنگ داوطلبانه را از ضروری ترین اقداماتی که باید در این جمعیت تداوم یابد دانست و گفت: دولت به اعتبار بخشیدن این سازمان توجه می کند و در عین حال که حمایت مالی و معنوی اش را معطوف به این سازمان کرده، انتظار دارد جمعیت هلال احمر همواره به عنوان پایگاهی عام المنفعه در عرصه های بین المللی حضور داشته باشد و به سمت استقلال در زمینه‌های مالی پیش برود.وی با بیان این که کشور ما در منطقه ای پرمسأله و پرآشوب قرار گرفته است، گفت: کشورهای منطقه دچار بحرانند و نیاز به کمک کشوری دارند که محور ثبات و امنیت منطقه است. بنابراین نقش جمعیت هلال احمر ایران در منطقه بیشتر مورد تاکید قرار می گیرد.جهانگیری با بیان این که ایران یکی از کشورهای حادثه خیز به حساب می آید که از ۴۳ بلای طبیعی ۳۳ مورد در ایران اتفاق می افتد، گفت: دولت در حد وسع خود به جمعیت هلال احمر کمک خواهد کرد تا این جمعیت به اهداف والای خود برسد.

مذاکره ظریف با وزیران خارجه ۱+۵ در داووس و مونیخ

بقیه از صفحه اول

این است که باید طرف مقابل بپذیرد اگر می خواهد با ایران به راه حل مذاکراتی برسد باید از سیاست فشار دست بر دارد.

ظریف ادامه داد: نمی توانند هم مذاکره کنند و هم فشار را وارد کنند؛ فکر می کنم موضوع روشن شده و فقط درباره ساز و کارها مذاکره می کنیم.

وی خاطرنشان کرد: امیدواریم با بحث جدی در وقت لازم به نتیجه برسیم البته کار دشواری است و ممکن است به نتیجه رسیدن دشوار باشد اما ما با اطمینان، اعتماد به نفس و امید به خدا جلو می رویم.

رایزنی بعدی با کری؛ شاید هفته دیگر

وی درباره این که آیا در هفته های آینده نیز با کری دیدار خواهید داشت یا خیر گفت: در آخر این هفته به همراه تعداد دیگری از وزرای ۱+۵ در داووس برای اجلاس مجمع جهانی اقتصاد خواهیم بود و هنوز برنامه ریزی قطعی برای دیدار صورت نگرفته اما فرصتی است تا در این اجلاس مذاکره کوتاهی داشته باشیم.

وزیر امورخارجه کشورمان تصریح کرد: در داووس همه وزرای خارجه مشغول صحبت و میزگردهای مختص اجلاس هستند و من نیز باید در سه میزگرد حضور یابم و حضور ما نیز آنچنان طولانی نیست؛ همزمانی حضور من و جان کری در اجلاس کوتاه است لذا احتمال این که با کری یا سایر اعضای ۱+۵ ملاقات کنم وجود دارد اما زمان آن کوتاه است.

ظریف ادامه داد: بعد از اجلاس داووس کنفرانس امنیت مونیخ وجود دارد و براساس شنیده ها وزرای ۱+۵ در مونیخ حضور دارند و احتمال یک دور دیگر مذاکرات ۱+۵ در مونیخ هم وجود دارد.

وزیرامورخارجه کشورمان درباره این که آیا رئیس جمهور ی هم در اجلاس جهانی داووس حضور خواهند داشت یا خیر گفت: خیر .رئیس جمهوری امسال شرکت نخواهد کرد.

ظریف درباره این که کدام یک از مقامات دولتی در داووس شرکت خواهند کرد گفت: احتمالا آقای نهاوندیان نیز در این اجلاس حضور خواهند یافت.

وزیر امورخارجه کشورمان درباره اینکه آیا سندی در مذاکرات اخیر ایران و آمریکا به دست آمده که بخواهند به ۱+۵ ارائه دهند گفت: البته ما با ۱+۵ مذاکره می کنیم و مذاکرات ایران و آمریکا در راستای مذاکرات ۱+۵ است. همانطور که گفتگوهای خوبی با روس ها داشتیم و در سفری که به فرانسه و آلمان داشتم نیز گفتگوهای خوبی داشتیم، بحث ها با آمریکا حول همان موضوع های بحث با اروپا و روسیه و چین است.

ظریف یادآور شد: چینی ها در وین پیشنهادهای خیلی خوبی آوردند و روس ها نیز در مورد همکاری با ایران در حوزه غنی‌سازی و تولید سوخت نظرات خوبی داده اند؛ فرانسوی‌ها در مورد گداخت هسته ای نظرات خوبی را ارائه دادند؛ یعنی زمینه های مختلفی مطرح شده و به صورت غیررسمی نوشته هایی هم بین طرف ها هم در زمینه همکاری های موجود رد و بدل شده است .

وی گفت: اما آن کاری که باید صورت گیرد در نهایت تدوین یک متن مشترک با ۱+۵ است نه با آمریکایی ها؛ ضرورت دارد که بگویم علت اینکه به نظر می رسد ما با آمریکایی ها زیاد صحبت می کنیم در دو وجه مورد بررسی است یکی اینکه ما تنها جای گفتگوهایمان با آمریکایی ها در چارچوب ۱+۵ است در صورتی که دوستان ما با سفرای فرانسه، آلمان و کاردار انگلیس ملاقات می کنند و همکاران ما در برلین و پاریس، لندن، پکن به صورت روزانه با همتایان خود ملاقات دارند و با آمریکایی‌ها تنها زمان گفتگوهایمان در زمان مذاکرات ۱+۵است.

وی ادامه داد: این ها باعث می شود به نظر برسد ما با آمریکایی ها خیلی ملاقات می کنیم در صورتی که این گونه نیست چرا که زمانی که برای گفتگو با روس ها یا سایر همتایان ملاقات می کنیم بیشتر از آمریکایی ها ست .

با فشار کار به نتیجه نخواهد رسید

ظریف تصریح کرد: امروز همه می دانند که موضوع تحریم نه تنها یک ابزار فشار برای جمهوری اسلامی شده بلکه یک ابزار دعوای سیاسی در داخل آمریکا شده است و این نشاندهنده اشتباه محاسباتی دولت آمریکا در این خصوص است و ضرورت دارد اگر می خواهند موضوع به نتیجه برسد و اگر می‌خواهند یک سابقه مثبت در این زمینه ایجاد شود هر چه سریعتر این بازی فشار بر ایران را خاتمه دهند چرا که با فشار هیچگاه کار به نتیجه نخواهد رسید.

وی در پاسخ به این پرسش که شما گفته‌اید در این ۴ ماه سعی می کنیم به نتیجه ای برسیم گفت: در واقع یک هفته برای رسیدن به توافق کافی است و این در صورتی است که همه طرف ها به این واقع بینی برسند که تحریم کارایی ندارد و برنامه هسته ای ایران در ابعاد مختلف ادامه می یابد . بهترین راه برای اینکه اطمینان پیدا کنند برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است این است که این برنامه به صورت شفاف و تحت نظارت آژانس ادامه داشته باشد و این یک واقعیت است .همه به این واقعیت رسیده اند که برنامه هسته ای ایران ادامه خواهد داشت و تحریم ها باید برداشته شود و این جزئیات است که کار را طولانی کرده است.

آماده ایم تا بهمن به نتیجه برسیم

وزیر امورخارجه کشورمان تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران با هدف رسیدن به نتیجه وارد مذاکرات شده ولی این کار با هدف حفظ دستاوردهای علمی و منافع ملی است لذا اگر طرف مقابل آمادگی داشته باشد ، آماده‌ایم تا بهمن ماه و سالگرد پیروزی انقلاب به نتیجه برسیم.

ظریف درباره سفرش به فرانسه و اینکه منتقدین گفته اند در این شرایط نباید به فرانسه سفر می کرد گفت: سیاست خارجی ایران باید فعال باشد. ما با قهر کردن نمی توانیم سیاست خارجی را دنبال کنیم. ما باید در همه صحنه‌ها حضور داشته باشیم و دیدگاه هایمان را به صورت شفاف، منطقی و جدی بیان کنیم.

وی در ادامه درباره سفرش به فرانسه افزود: فرانسه نقش قابل توجهی در مذاکرات هسته ای داشته و یک دوران این کشور موتور محرکه مذاکرات ایران و ۳ کشور اروپایی بود . ما علاقه مندیم این نقش را مجددا داشته باشد؛ فرانسه یک شریک تجاری مهم ایران است و می تواند در حوزه هسته ای نیز یکی از شرکای خوب ایران باشد.

وزیر امورخارجه کشورمان افزود: یکی از موضوعات با همتای فرانسوی بحث هسته‌ای بود و در موضوع افراط از نوع اقدامات خشونت آمیزی که در منطقه صورت می گیرد و هم توهین به مقدسات که یکی از مظاهر افراط است. امروز فرانسه محلی است که این بحث جهانی در آن صورت می گیرد و ضرورت دارد جمهوری اسلامی در این زمان ها حضور داشته باشد و مواضع بسیار شفافی نیز در این زمینه داشته ایم. ظریف افزود: ما افراط را در توهین به مقدسات محکوم می کنیم و در این زمینه پیشگام بوده ایم و در ملاقاتم با وزیر خارجه فرانسه موضع و دیدگاه منطقی خود را بیان کردم.

وزیر امورخارجه کشورمان تاکید کرد: جمهوری اسلامی ایران همانطور که رهبر معظم انقلاب فرمودند حرف حساب و منطقی دارد و این حرف ها را بدون خجالت و نگرانی و با اعتماد به نفس کامل به همه حوزه ها میزند و بیان می کند؛ ما خطوط قرمز دیدگاه های نظام، رهبری و مردم را رعایت می کنیم و همزمان حضور فعال در دیپلماسی داریم و منافع کشور و اسلام را پیش می بریم و با اسلام هراسی و ایران هراسی باید مقابله کرد.

ظریف ادامه داد: امروز شرایطی پیش آمده که اسلام هراسی و ایران هراسی در حال رنگ باختن است و افراطیون مزاحمت هایی ایجاد می کنند که باید با آنها برخورد کرد و باید با بهترین سیاست ها در مقابل آنها ایستاد تا نتوانند این میزان در منطقه ما کشتار و ناامنی ایجاد کنند.

علت پیاده روی با کری

وی در ادامه در پاسخ به این پرسش که پیاده روی با آقای جان کری آیا پیشنهاد شما بوده یا وی گفت: نخیر، به دلیل اینکه جلسه صریح و جدی داشتیم شاید نیاز بود که چند دقیقه ای بحث ها متوقف شود و به شکل دیگری ادامه یابد؛ این کارها در بحث های دیپلماسی خیلی طبیعی است؛ ژنو دو ایراد داشت، یکی اینکه هتل باغ و حیاطی نداشت و دیگر اینکه کوچه‌های کنار هتل که چند دقیقه ای در آن قدم زدیم پر از خبرنگار بود و آنها هم این گونه سوژه‌ها و عکس ها را می پسندند.

ظریف ادامه داد: بیش از اندازه مورد نیاز پرداختن به این حواشی کمکی نمی کند؛ حرکتی که آنجا شد بدون حاشیه سازی بود و صرفا به دلیل این بود که مذاکرات از حالت نسبتا تنش آلودی که پیدا کرده بود خارج شود تا بتوان با استفاده از هوای پاک مقداری فضای مذاکرات تغییر پیدا کند.

وی اضافه کرد: مذاکرات بسیار فشرده بود و تنها زمان استراحت ما همان یک ربع پیاده روی و زمان نماز بود که جلسه بسیار جدی بود و فرصت استراحت وجود نداشت؛ فکر می کنم دوستانی که بیش از ظرفیت موضوع در این زمینه استفاده سیاسی می کنند اشکالی ندارد، ما آمادگی داریم که دوستان استفاده سیاسی کنند؛ همیشه گفته ام مذاکرات ما یک حرکت ملی است و جناحی نیست و من هیچگاه در عمرم جناحی نبوده ام و نخواهم شد ولذا دوستان مطمئن باشند من برای اهداف جناحی چنین کاری را نمی کنم چرا که جناحی ندارم و از دوستان نیز توقع دارم که منافع ملی را فدای ملاحظات جناحی نکنند.

اتحادیه اروپا مذاکرات ژنو را جدی و مفید ارزیابی کرد

اتحادیه اروپا هم در بیانیه کوتاهی، مذاکرات هسته ای ایران در ژنو را جدی و مفید ارزیابی کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه به نقل از بیانیه اتحادیه اروپا، دیدارهای روز یکشنبه مسئولان سیاسی ۱+۵ و نمایندگان ایران در مورد پرونده هسته ای کشورمان جدی و مفید بود و در اوایل ماه فوریه (اواسط بهمن) از سر گرفته خواهد شد.

این گزارش افزود: مذاکرات میان مسئولان سیاسی آمریکا، انگلیس، چین، فرانسه، روسیه و آلمان به ریاست هلگا اشمید معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و عباس عراقچی معاون وزیر امور خارجه ایران برگزار شد.

این گزارش بااشاره به‌این که خبری ازمحتوای مذاکرات منتشر نشده است، افزود: شرکت‌کنندگان در این مذاکره تصمیم گرفته اند به منظور مفید واقع شدن گفتگوها محتوای آن را اعلام نکنند.عباس عراقچی معاون وزیر خارجه ایران، مذاکرات ژنو را خوب و گسترده ارزیابی کرد.

بقیه در صفحه۱۶

هاشمی‌رفسنجانی: راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال را به عنوان تابلو وحدت مردم به جهانیان نشان بدهیم

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، تفرقه‌افکنی بین مردم را برنامه تاریخی استبداد و استعمار و فرعون‌های ستمگر دانست و گفت: باید با اتحاد به استقبال دهه فجر برویم و راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال را به عنوان تابلو وحدت مردم به جهانیان نشان بدهیم.

به گزارش روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی صبح دیروزدردیداراعضای ستاد بزرگداشت شهدای منصورون که از مبارزان تشکیلاتی سال‌های قبل از انقلاب هستند، پیشتازان انقلاب اسلامی را سرمایه‌ای برای کشور و یادآور روزهای پرشکوه دهه فجر خواند و گفت: خوب است که جوانان با سوابق مبارزان و ماهیت انقلابی آشنا شوند.

وی با تشریح اوضاع نفسگیرزندان‌ها و شکنجه‌های جسمی و روحی مبارزان، به خاطره‌ای از زندانی شدن آیت‌الله خامنه‌ای اشاره کرد و گفت: هشت ماه از ایشان خبر نداشتیم و در سفر مبارزاتی به اروپا و آمریکا، مقابل سازمان ملل بودم که خبر آزادی‌اش را شنیدم و از همانجا کارت پستالی حاوی نمادی از زندان و آزادی برایشان فرستادم.

هاشمی رفسنجانی با تجلیل از زحمات گروه‌های متعدد انقلابی، مانند منصورون، گفت: در مقابل آن‌ها گروه ولایتیون بودند که مبارزه را بر افراشته کردن پرچم ضلالت می‌دانستند و شگفتا که الان خود را وارث انقلاب می‌دانند و از مردم طلبکارند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید موکد بر نقش مردم در همه مراحل انقلاب، گفت: نباید با تشکیل گروه‌های جعلی و شعارهای انحرافی و توخالی صف اتحاد مردم تضعیف شود که مهمترین سرمایه نظام است.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، تفرقه‌افکنی بین مردم را برنامه تاریخی استبداد و استعمار و فرعون‌های ستمگر دانست .

یادداشت

به یاد استاد مشفق کاشانی

جلوه وقار و متانت در چهره‌ای صبور و آرام

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی خسروی

گوهر کان ادب مشفق کاشانی بود
«شهریار»

غزل سرای بزرگ معاصر، شاعر دینمدار، استاد مشفق کاشانی روی در نقاب خاک کشید و دوستان و ارادتمندان خود را در سوگ نشاند. این شاعر بلند آوازه فراتر از هنر شاعری آراسته به فضائلی چون فروتنی، مناعت طبع، ادب، پاکبازی و آزادگی بود. وقار و متانت در چهره صبور و آرام او نمایان و شوریدگی و غوغای عشق از قلم سحر انگیز او می‌بارید. ویژگی‌های شعر استاد را باید از زبان اساتید فن شنید که حتماً در روزهای آینده به آن خواهند پرداخت. مرحوم سید محمد علی جمالزاده در نامه‌ای به آن عزیز نوشته بود: «طبع روان و سرشت خداداد که از مواهب بسیار بسیار گرانبهای غیبی است تنها به بندگان زبده و نخبه و به اخیار عطا شده است و مشفق سهم بسزایی از آن دارد و در همه روزگار و آینده منبع فیض عمیم خواهد گردید.»

استاد مشفق شاعری بود آزاده که هنر خود را مایه بردگی و ذلت خود نکرد، گرچه در فشار و سختی روزگار ولی با مناعت طبع زیست. او هیچگاه جانب مردم را رها نکرد چه در سالهای دفاع مقدس که مکرر در جمع رزمندگان حضور می‌یافت و با اشعار حماسی و شورانگیز خود در تقویت روحی آنان و ضرورت دفاع از کشور بر اساس اندیشه نورانی امام خمینی می‌کوشید، و چه پس از آن که هر جا پای منافع ملی و دفاع از دین و عقیده و حقوق مردم در میان بود از روی رغبت و رضا به رغم برخی ملاحظات حاضر می‌شد. استاد مشفق کاشانی به همراه اساتید گرانمایه: مهرداد اوستا، محمود شاهرخی، سپیده کاشانی، صفا لاهوتی و سید ابراهیم ستوده در سالهای ۱۳۶٤ تا ۱۳٦۸ در تشکلی با نام «انجمن ادبی و هنری بنیاد ۱۵ خرداد» که به ابتکار آیت الله شیخ حسن صانعی شکل گرفته بود، نقش بسیار اساسی در شکل دهی تفکر هنری جوانان و هدایت معنوی و انقلابی آنان ایفا کرد. در این انجمن جوانان برومندی چون آقایان ساعد باقری، سهیل محمودی و عبدالجبار کاکایی حضور فعال داشتند که امروز خود از نقش آفرینان عرصه هنر متعهد به شمار می‌آیند. این جانب نیز که به عنوان معاون فرهنگی بنیاد توفیق مجالست با آن اساتید و حضور در شبهای شعر رزمندگان و بسیجیان را داشتم خاطره‌های ارزشمندی از اخلاص، دیانت، مردانگی و غیرت ملی آن عزیزان به یاد دارم. در اینجا رشته سخن را به دست استاد مهرداد اوستا می‌سپارم که در باره جایگاه و روحیات استاد مشفق کاشانی با نثر زیبایش حق سخن را ادا کرده است:

«بی هیچ تردید مشفق کاشانی یکی از برگزیدگان شعر معاصر می‌باشد که در لحن و سبک، استادی مسلّم است و این معنی هنگامی روشن می‌شود که با روحیه و طرز فکر او آشنا باشیم. تعیّن روحی و فروتنی بزرگوارانه او بالاتر از احساس و شوریدگی اش قرار دارد، و در این روزگار، که خود نمایی با اظهار وارستگی و اظهار دوستی شدید و تظاهر به حال و شوریدگی، «طبیعت ثانی» برای هنرمندان شده است، او سخت تودار و به ظاهر متکبر و دیرجوش است، روح او با هر تظاهری مخالف است. هیچ کس او را، چنان که شیوه مجلس آرایان سبکبار است در مجلسی، در حال «جذبه» یا «گریه» و یا سرمستی ندیده است. او در اعماق روح خود می‌گرید و ناله او در چهار دیواری دلش به گوش می‌رسد. روح دریایی و آشفته او در پرده‌ای از یک آرامش فاخر نهان است.» دیگر اساتید و بزرگان معاصر هر کدام به گونه‌ای در مقاطع مختلف از امتیازات شعری و وارستگی اخلاقی مرحوم مشفق کاشانی سخن‌ها گفته‌اند که به نقل مطلبی از مرحوم استاد سید محمد حسین شهریار بسنده می‌کنم. آن استاد بزرگوار در ضمن شعر زیبایی چنین سروده است:

اوستادان گرانقدر فراوان لیکن
عشق و عرفان نه به هر مدعی ارزانی بود
مشفق و حالت و استاد اوستا و مرا
گاه در لطف سخن جنبه عرفانی بود
یکی از زبده‌ترین ذوق معاصر با من
گوهر کان ادب مشفق کاشانی بود

ماده تاریخ رحلت استاد مشفق کاشانی

این جانب پس از مطالعه شعر استاد شهریار، مصراع «گوهر کان ادب مشفق کاشانی بود» را با حروف ابجد محاسبه کردم که معادل «۱۲۲۳» بود. با افزودن «قلم» که حروف آن، مساوی «۱۷۰» است، عدد «۱۳۹۳» به دست آمد که تاریخ سال جاری و سال وفات آن استاد گرانمایه است. این موضوع را در قالب دو بیت زیر سروده و تقدیم ادب‌دوستان می‌کنم:

یادمان سال* بلند اختر کاشان مشفق
وامی از شاعر برجسته ایرانی بود
شد «قلم» همره و تاریخ وفاتش را گفت:
«گوهر کان ادب مشفق کاشانی بود»

این نوشتار را با ابیاتی از آن عزیز سفر کرده، در بارهٔ مظلومیت مسلمانان به پایان می‌برم. مرحوم استاد مشفق کاشانی در این اشعار، پیامبر گرامی اسلام (ص) را مخاطب قرار داده است، همان شخصیت بی نظیری که از آغاز خلقت انسان تا انقراض عالم هیچ انسانی در منش و شخصیت، عظمت و بلندی روح، علم و عقل، تواضع و دل سوزی، عبودیت و حق گرایی همسنگ او نیامده و نتواند آمد. متأسفانه این روزها گروهی شیطان انسان نما آن پیامبر صلح و عدالت را به استهزاء گرفته و احساسات جهان اسلام را برانگیخته‌اند. و ذکر این ابیات را در این شرایط ویژه، بهانه‌ای برای طلب آمرزش و علو درجات سراینده آن، مرحوم استاد مشفق کاشانی قرار می‌دهم:

یا رسول الله سر بردار از خاک حجاز
این جهان را شعله ور در آتش عصیان ببین
دیو خون‌آشام استکبار را مست از غرور
در شبستان ستم هم‌کاسه شیطان ببین
کفر را برخاسته چون سیل بنیان‌کن نگر
کشتی اسلام را سرگشته در توفان ببین
دین و ایمان سخره خودکامگان روزگار
علم و تقوی را اسیر پنجه دیوان ببین
این جهان‌خواران مرگ‌آواز بی‌آزرم را
سرخوش از نابودی اندیشه انسان ببین
مسلمین را کاروان در کاروان بی‌خانمان
خانمان‌ها را به هر جا بی‌سر و سامان ببین

خداوند آن شاعر و ادیب آزاده را با پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت معصومین (ع) محشور گرداند.

پی‌نویس:
* واژه‌ای است که به جای ماده تاریخ برگزیده‌ام

استاد مشفق کاشانی، غزل سرای نامی ایران به رحمت ایزدی پیوست

عباس کی منش معروف به مشفق کاشانی غزل‌سرای پیشکسوت ایران، شامگاه ۲۸ دی در هشتاد و نه سالگی به رحمت ایزدی پیوست.

به گزارش ایسنا، عباس کی‌منش سال ۱۳۰٤ شمسی در شهر کاشان دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کاشان و تحصیلات عالی را تا درجه فوق لیسانس در تهران به پایان برد. او سال‌ها در آموزش و پرورش به‌کار مشغول بود.

افشین علا شاعر و قائم مقام انجمن شاعران درباره چگونگی درگذشت مشفق کاشانی به ایسنا می‌گوید: یکشنبه شب (۲۸ دی‌ماه) جمعی از شاعران به همراه سیدمحمد خاتمی، رییس جمهور اسبق کشورمان، جشنی به مناسبت تولد سهیل محمودی در انجمن شاعران ایران برگزار کردیم که طی آن شاعران به شعرخوانی پرداختند. از جمله این شاعران مشفق کاشانی بود که متاسفانه هنگام خواندن شعر ناگهان دچار عارضه ایست قلبی شد و بلافاصله به بیمارستان ایرانمهر تهران منتقل شد، اما تلاش پزشکان بی‌نتیجه بود و این شاعر گران‌قدر از دنیا رفت.

در مراسم تولد سهیل محمودی دکتر صادق خرازی، خانم دکتر الهی قمشه ای، خانم دکتر فاطمه راکعی، خانم دکتر اشراقی، ساعد باقری، افشین علا و اسرافیل شیر چی حضور داشتند.

برخی آثار به‌جامانده از مشفق کاشانی این عنوان‌ها هستند: «صلای غم» تضمین ۱۲ بند محتشم کاشانی، «خاطرات» (سال ۱۳۲٤)، «سرود زندگی» (سال ۱۳٤۲)، «شراب آفتاب» (سال ۱۳٤۲)، «آذرخش» (گزینه اشعار)، «آینه خیال» (سال ۱۳۷۲)، «بهار سرخ سرود» (سال ۱۳۷۳)، «هفت بند التهاب» (سال ۱۳۷۵)، «نقشبندان غزل» (سال ۱۳٦۵)، «انوار ۱۵ خرداد» (سال ۱۳٦۵)، «خلوت انس» (سال ۱۳٦۸)، تصحیح «دیوان حاج سلیمان صباحی بیدگلی» با همکاری پرتو بیضایی (سال ۱۳٤۰)، «مجموعه شعر جنگ»، «تذکره شاعران معاصر» و «راز مستان».

ریاست شورای شعر و ترانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ریاست هیأت مدیره انجمن شاعران ایران نیز از جمله فعالیت‌های مشفق کاشانی در دوران زندگی‌اش بود.

سازمان هنری رسانه‌ای اوج که چندی پیش مراسم بزرگداشتی را برای مشفق کاشانی برگزار کرد در معرفی این شاعر این گونه نوشته است: «عباس کی منش (مشفق کاشانی) مرداد ۱۳۰٤ در کاشان به دنیا آمد. او در دوره دبیرستان و بعدها نیز در اداره فرهنگ کاشان با برخی شاعران آن زمان از جمله سهراب سپهری دوست و همکار بود. شعرهای این افراد در روزنامه‌های آن زمان کاشان به چاپ می‌رسید و محتوای آن‌ها بیش‌تر انتقاد از سرمایه‌دارانی بود که کارگران فرش را استثمار می‌کردند. مشفق با اتمام تحصیلات به استخدام اداره فرهنگ کاشان درآمد و همزمان به تحصیل نیز پرداخت. مشفق در سال ۱۳۳۳ برای ادامه تحصیل در رشته بودجه و حسابداری راهی تهران شد. حضور در پایتخت در آن سال‌ها موجب توجه مشفق به مباحث سیاسی و اجتماعی شد. مشفق کاشانی موفق شد در سال ۱۳٤۰ از دانشکده علوم اداری دانشکده حقوق در مقطع کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شود و در نهایت در سال ۱۳۵۸ نیز بازنشسته شد.

مشفق به همراه برخی شاعران دیگر از جمله مرحوم مهرداد اوستا، مرحوم طاهره صفارزاده و سیدعلی گرمارودی از جمله چهره‌های برجسته شعر بودند که با حرکت مردم به رهبری امام خمینی (ره) همراهی و آن را تایید کردند و به همین جهت از سوی بسیاری از مجامع روشنفکری بایکوت شدند. مشفق کاشانی با شروع جنگ تحمیلی بارها و بارها همراه تعداد دیگری از شاعران در جبهه‌ها حاضر شد و برای رزمندگان شعرخوانی کرد. او از آن زمان در شورای عالی شعر وزارت ارشاد به فعالیت مشغول شد. مشفق همچنین در دومین مراسم همایش چهره‌های ماندگار در سال ۱۳۸۲ به عنوان چهره ماندگار رشته ادبیات مورد تقدیر قرار گرفت.

رهبر معظم انقلاب در خصوص مشفق و شعرهایش عقیده دارند: علاوه بر جنبه شعری محض، دو خصوصیّت دیگر هم در آقای مشفق هست که قابل توجّه است: یکی این‌که شعر ایشان در خدمت هدف‌های دینی و هدف‌های انقلابی است. از اوّل انقلاب شعر ایشان، چه شعر مذهبی و به اصطلاح شعر آیینی و چه شعرهایی که درباره مسائل انقلاب گفتند، همه مفید و اثرگذار است. وقتی که دشمن و بعضی از دوست‌های نادان سعی می‌کنند فضاها را تیره و تار جلوه بدهند، می‌گویید اگر هوش و گوشی وجود دارد، این‌جا پنجره‌ها باز است. نکته دوّم شخصیّت ایشان است. انسان محترم و آراسته به اخلاق خوب محسوب می‌شوند. ما در طول این حدود سی و چند سال که با ایشان آشنا هستیم، همیشه این رفتار را از ایشان ملاحظه کردیم. ایشان را، آقای حمید را - این پیشکسوت‌های شعر معاصر را - بایستی ارجمند داشت و عزیز داشت.»

پیام وزیر ارشاد

وزیر فرهنگ در پیامی درگذشت استاد مشفق کاشانی را تسلیت گفت.

علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی ضایعه درگذشت "مهدی مشفق کاشانی "شاعر پیشکسوت کشورمان را تسلیت گفت. به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متن این پیام به شرح زیر است:

بریز اشک نیازی از نمازستان بی خویشی
برآر آهی ز سوز سینه ی درد آشنا اینجا

باردیگر ستاره‌ای از آسمان فرهنگ و ادب ایران پر گهر به خاموشی گرایید.

خبر درگذشت استاد مهدی مشفق کاشانی که از غزل سرایان والا مقام و چیره دست معاصر بوده باعث اندوه فراوان شد. "استاد مشفق" به راستی حلقه وصل غزل دیروز با غزل امروز بود و یکی از وارثان امین گنجینه هزار ساله شعر فاخر و نادر پارسی محسوب می‌شود. وی که به پیر شعر انقلاب شهره بود به همراه برخی از شاعران برجسته زمانه خویش در شکوفایی هر چه افزون تر درخت تناور انقلاب اسلامی تلاش وافری نمود و همواره در اشعارش اهداف انقلابی و مفاهیم آیینی و دینی را مد نظر داشت.

اینجانب ضایعه درگذشت آن مرحوم را به خانواده معزز ایشان و همه نیک اندیشان و اصحاب فرهنگ و هنر تسلیت عرض نموده از خداوند متعال برای روح پاک آن مرحوم آمرزش و علو درجات مسألت دارم.

پیام رییس مجلس

رییس مجلس شورای اسلامی در پیامی درگذشت شاعر برجسته مرحوم مشفق کاشانی را تسلیت گفت.

متن پیام دکتر علی لاریجانی به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحیم

فقدان شاعر برجسته و توانمند کشور مرحوم مشفق کاشانی موجب تاسف گردید.

آن مرحوم ذوق و تبحر فراوانی در سرودن اشعار با مضامین مذهبی و انقلابی و بویژه شعر آیینی داشتند که در تمامی آن‌ها، اهداف نظام و انقلاب فراوان به چشم می خورد که همواره برای علاقمندان تاثیر گذار بوده است. ایشان همواره تلاش زیادی در جهت تبیین ادبیات و شعر دینی و انقلابی از خود نشان دادند که نمونه های مهمی از زیبایی، حلاوت و انسجام موضوعات و سوژه‌ها بویژه در غزلهایشان تبلور یافته است.

اینجانب ضایعه درگذشت مرحوم مشفق کاشانی که اشعار و آثارشان در گنجینه فرهنگ کشور همواره به یادگار خواهد ماند را به جامعه فرهنگی و ادبی کشور، دوستداران و خانواده محترم شان تسلیت گفته و برای آن شاعر فقید علو درجات را از درگاه خداوند متعال مسئلت می کنم.

دقایقی قبل از درگذشت استاد مشفق کاشانی در انجمن شاعران ایران

از چپ به راست: زنده یاد استاد مشفق کاشانی ـ ساعد باقری ـ سید محمد خاتمی ـ افشین علا ـ خانم دکتر الهی قمشه ای ـ سهیل محمودی

تسلیت معاون فرهنگی ارشاد

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درگذشت مشفق کاشانی را تسلیت گفت.

در پیام تسلیت سیدعباس صالحی آمده است:

انا لله و انا الیه راجعون

خبر درگذشت استاد مشفق کاشانی، شاعر و استاد برجسته کشور، جامعه فرهنگی را سوگوار کرد و تمامی دوستداران شعر و ادب را متاثر ساخت. آن استاد فرزانه، که در دانش و هنر و کرامات انسانی از ستارگان دوران بود و سایه پرمهر خود را بر سر اهالی سرزمین فرهنگ و شعر و معنویت گسترد و در سالیان پیروزی انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس، با اخلاص و فداکاری، هنر و تجربه خویش را به میدان آورد.

شعر و قلم و سخن استاد مشفق، مدافع مرزهای فرهنگ اسلامی این سرزمین بود و حضور فعال ایشان در محافل ادبی و نهادهای فرهنگی، رهاوردهای ارزشمندی داشته است، از جمله راه‌گشایی و هدایت نسلی از شاعران جوان سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی که بعدها شاعرانی نام‌آور و جریان‌ساز شدند. فقدان استاد مشفق کاشانی اگرچه رخدادی اندوه‌بار است اما عمر پربرکت ایشان و آثار ارزشمند و دستاوردهای آن بزرگ‌مرد گنجینه‌ای است بی‌بدیل که موجب آرامش خاطر دوست‌داران استاد خواهد بود.

معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رحلت استاد مشفق کاشانی را به خاندان ارجمند ایشان، جامعه‌ی فرهنگی و مردم شریف ایران تسلیت می گوید و برای روح بزرگ آن ادیب فرزانه طلب رحمت و غفران الهی دارد.

باشد که استاد مشفق کاشانی که ده ها سال ستایش‌گر و مرثیه‌سرای اهل بیت علیهم السلام بود، در عالم باقی از برکات خدمت‌گزاری به آل‌الله متنعم شود.

پیام تسلیت معاون امور هنری

به گزارش روابط عمومی معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در پیام علی مرادخانی آمده است: «خوشا به حال مشفق کاشانی که در محفل دوستدارانش دعوت حق را لبیک گفت و بدا به حال ما که او را از دست دادیم و در این دنیای بی او، تنهاییم. مشفق کاشانی از کودکی در محضر مادرش با حافظ آشنا شد و پا به دنیای شعر و شاعری گذاشت و حالا شعرهای خود او در خاطر فارسی زبانان ماندگار خواهد شد. او از دوست‌داران اهل بیت بود و در رثای سید و سالار شهیدان اشعار زیبایی از خود به یادگار گذاشت. امیدوارم خداوند او را با خاندان عصمت و طهارت محشور کند.»

معاون امور هنری وزیر ارشاد در ادامه پیام خود آورده است: «آخرین شعری را که استاد کاشانی می‌خواست بخواند، ما امروز برای او می‌خوانیم: برخیز ز جانه وقت خواب است ای دوست/ بنشین که شب شعر و شراب است ای دوست

درگذشت این استاد بزرگ را به خانواده محترم او و دوستدارانش تسلیت می‌گوییم و برای بازماندگانش آرزوی صبر و شکیبایی دارم.»

پیام سیدمحمد خاتمی

جان گران و بلند پرواز شاعر گرانمایه و پژوهشگر ارجمند و پیش‌کسوت ادب متعهد ایران زمین و حماسه‌سرای انسان و عشق و انقلاب و آئین، استاد مشفق کاشانی جسم خاکی را رها کرد تا در جوار رحمت حق آرام گیرد و گوارا باد بر او لطف و رحمت الهی!

من این مصیبت بزرگ را به اصحاب فضل و فضیلت و ادب و هنر و به ارادتمندان فراوان آن فقید سعید و به ویژه به خاندان بزرگوارش و به همهٔ بستگان داغدار تسلیت عرض می‌کنم. و از درگاه حضرت پروردگار برای آن فقید سعید آمرزش و رحمت الهی و علوّ درجات، و برای بازماندگان معزّز تندرستی، شکیبایی و پاداش نیکو مسألت می‌کنم.

سیدمحمد خاتمی
۱۳۹۳/۱۰/۲۹

تسلیت فرهنگستان هنر

فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران با صدور پیامی درگذشت استاد مشفق کاشانی شاعر پیشکسوت را تسلیت گفت.

متن این پیام به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحیم
بر این کبود غریبانه زیستم چون ابر
تمام هستی خود را گریستم چون ابر

درگذشت مرحوم «مشفق کاشانی» غزل‌سرای پیشکسوت معاصر غباری از غم بر قاب چشم این کهن‌بوم و بر نهاد. سروده‌های این چهره ماندگار و برجسته شعر و ادب فارسی، نام و یاد ایشان را بر قله بلند غزل فارسی جاودان و درخشان خواهد نگاه داشت.

فرهنگستان هنر ضمن تسلیت درگذشت مرحوم مشفق کاشانی به مردم ایران و خانواده آن مرحوم، برای آن فقید سعید رحمت و مغفرت و برای بازماندگان صبر و شکیبایی از خداوند متعال آرزومند است.»

سروده علی معلم

به گزارش فارس، استاد محمد علی معلم دامغانی، رییس فرهنگستان هنر، در سوگ شاعر بزرگ کشورمان عباس کی‌منش ملقب به مشفق کاشانی که روز گذشته دارفانی را وداع گفت، ابیاتی چند سرود.

این سروده‌ها را با هم می‌خوانیم:

مهربان مشفق رفت شاعر عاشق رفت
از ستم عذر از زیست تا به غم وامق رفت
کرد داغش داغ دشمنش باد ق رفت
داغ دل بود از حذق شاعر حاذق رفت
عشق زاد غم زیست فتنه زاد عاشق رفت
عشق و اشفاق افسوس مهربان مشفق رفت
کیش مند عباس ساجد و صادق رفت
رحمتش باد از حق سوی حق فائق رفت

دکتر حداد عادل: مشفق کاشانی دینش را به انقلاب ادا کرد

مدیرعامل بنیاد سعدی گفت: استاد مشفق کاشانی یکی از پیشکسوتان شعر انقلاب بود و سمت استادی بر شاعران میان سال و جوان کشورمان داشت.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در گفتگو با مهر با بیان اینکه از شنیدن خبر درگذشت استاد مشفق بسیار متاسف شدم، گفت: مشفق کاشانی دین خود را به انقلاب ادا کرد و امیدوارم با روی سفید در پیشگاه خداوند و پیامبر اکرم (ص) حاضر شود.

حداد عادل در پایان گفت: شعر پخته، لطیف و معیار در قالب‌های سنتی، ویژگی آثار مشفق کاشانی بود.

پیام تسلیت بنیاد شعر و ادبیات داستانی

مدیرعامل بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایران نیز، درگذشت استاد مشفق کاشانی، شاعر پیشکسوت را به خانواده وی، جامعه ادبی، فرهنگی، هنری کشور تسلیت گفت.

متن پیام تسلیت مهدی قزلی به شرح زیر است:

«کل شیء هالک الا وجهه» فقدان استاد مستطاب، مشفق کاشانی در جامعه شعری امروز، ضایعه‌ای اسفناک است؛ زخمی است که دیر و سخت التیام خواهد یافت. استاد مشفق از بزرگترین شاعران معاصر بود که در تن شعر متعهد، روحی دوباره دمید. همراه و هم‌پای انقلاب دوید؛ در شادی‌های انقلاب سهیم بود و در غم‌هایش، شریک. درگذشت این شاعر متعهد را به خانواده محترمش، جامعه ادبی کشور و همه دوست‌داران شعر او تسلیت عرض می‌کنم. روانش شاد.

استاد حمید سبزواری: پشتم شکست!

در پی درگذشت زنده یاد مشفق کاشانی، استاد حمید سبزواری پیام تسلیتی به شرح زیر صادر کرد:

انا لله و انا الیه راجعون

ارتحال استاد بزرگوار و یار و همراه دیرین و عزیزم مشفق کاشانی افتخار شعر و ادب ایران را با ناباوری شنیدم.

پشتم شکست.

این حادثه مولمه بر همگان تسلیت باد.

به گزارش پایگاه خبری حوزه هنری، محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری پیام تسلیتی به مناسبت درگذشت استاد مشفق کاشانی صادر کرد و فقدان این چهره ماندگار شعر انقلاب را به خانواده محترم ایشان و جامعهٔ ادبی کشور تسلیت گفت.

متن پیام تسلیت محسن مومنی شریف به این شرح است:

بسم الله الحی القیوم
بر این کبود غریبانه زیستم چون ابر
تمام هستی خود را گریستم چون ابر

شاعر فرزانه و متعهد، استاد مشفق کاشانی را می توان به حق از معماران امارت رفیع شعر انقلاب نامید. بزرگ مردی که علاوه بر چیره دستی در شعر و ادب، همواره به جوان مردی و حسن خلق نیز شهره بود. بی شک فراق چنین مرد شریفی که اسوۀ ادب و اخلاق بود، داغ جان سوزی بر دل اهل ادب نهاد.

حوزه هنری فقدان این چهرۀ ماندگار شعر انقلاب را به خانوادۀ محترم ایشان و جامعۀ ادبی کشور تسلیت عرض کرده، از درگاه پروردگار حیّ متعال برای آن فقید گران مایه، رحمت و مغفرت و برای علاقه مندان و بازماندگان ایشان شکیبایی آرزومند است.

تسلیت دبیر کل نهاد کتابخانه‌ها.

دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی در پیامی درگذشت مشفق کاشانی را به کتابداران و اهالی فرهنگ و ادب تسلیت گفت.

متن پیام علیرضا مختارپور به شرح زیر است:

«انّا لله و انّا الیه راجعون
از موج فتنه چشم جهان غیرت یم است
وز تندباد حادثه پشت فلک خم است
صبح امید چون شب تاریک مظلم است
«باز این چه شورش است که در خلق عالم است»

درگذشت اعتبار و آبروی غزل معاصر، نشانه بالندگی شجره طیبه شعر پارسی و سند روشن اصالت و نجابت ادبیات سربلند ما، پیر جمع شاعران انقلاب اسلامی، -مرحوم "مشفق کاشانی"- را به همه کتابداران و اهالی فرهنگ و ادب تسلیت می گوییم.

استاد مشفق اسوه ادب، اخلاق و انسانیت، بر ادب پروری، اتصال شعر دیروز و امروز، مضمون‌پردازی و خلق مفاهیم اسلامی و ملی نقش بسزایی داشتند و علاوه بر تالیف سلسله مقالات ادبی و تحقیقی، اشعار وزین و بی شماری در شعر انقلاب، دفاع مقدس، شعر آیینی، مدایح و مراثی در خصوص اهل بیت، بالاخص ذکر مصیبت سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) سرودند که بی شک ایشان را فخر ادبیات ایران و از غزل‌سرایان برجسته معاصر کرد. شاعری که شعرش در خدمت هدف‌های دینی و انقلابی بود و قلم ماندگار ایشان از میان سطور موجود در کتب کتابخانه‌ها، به یاری شما عزیزان به دوستداران ادب و فرهنگ معرفی می‌شود. برای آن شاعر عاشورایی اجر عظیم و علوّ درجات را از خداوند منّان مسئلت دارم.»

محمدعلی بهمنی: یک استثنا در اخلاق بود

این شاعر در پی درگذشت مشفق کاشانی در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: جدا از تعارف‌هایی که بعد از فقدان هر کسی انجام می‌شود، باید بگویم این واقعا تعارف نیست که بگوییم مشفق کاشانی در زمینه اخلاق یک استثنا بود و برخورد محترمانه ای با دیگران داشت. همین شنبه مثل همیشه زودتر از همه به شورای شعر و ترانه آمده بود؛ همیشه زودتر می آمد که وقتی دیگران وارد می‌شوند، بلند شود و خوشامد بگوید. بهمنی در ادامه افزود: این با وجود درد عجیبی بود که مدت‌ها در وجودش داشت؛ ولی همیشه دوست داشت بلند شود و این کارش به دیگران انرژی مثبتی می‌داد.

این شاعر درباره شعر مشفق کاشانی نیز بیان کرد: در این مجال کوتاه نمی‌شود از شعر ایشان صحبت کرد؛ مهم این است که او انسان بزرگی بود. در زمینه شعر نیز در نسل خودش، شعرش شعر پیشرفته‌ای بود و این خیلی اهمیت دارد؛ چرا که شاعران بسیاری را داریم که از نسل خودشان عقب‌ترند.

> **تشییع پیکر استاد مشفق کاشانی امروز از مقابل تالار وحدت**
>
> فرزند مشفق کاشانی گفت: تشییع پیکر پدرم سه‌شنبه، ۳۰ دی ساعت ۹ صبح از مقابل تالار وحدت صورت می گیرد.
>
> امیرمسعود کی‌منش در گفت‌وگو با ایسنا، درباره تشییع پیکر مشفق کاشانی گفت: ابتدا به خاطر رفاه حال دوستان و آشنایان تصمیم بر این بود تا مراسم تشییع از محل خانه شاعران انجام شود، اما پس از صحبت با برخی از دوستان و به این دلیل که عرف مراسم تشییع هنرمندان از تالار وحدت است این مراسم نیز امروز صبح در تالار وحدت برگزار می‌شود.
>
> او افزود: محل خاک‌سپاری پیکر پدرم نیز قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) تعیین شده است.
>
> فرزند مشفق کاشانی درباره مراسم ترحیم مرحوم مشفق کاشانی گفت: این مراسم جمعه (سوم بهمن) از ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه تا ۱۱ در مسجدجامع شهرک غرب برگزار می‌شود.

دکتر علی موسوی گرمارودی: او چهره مهمی در غزل بود

دکتر علی موسوی گرمارودی او را چهره مهمی در غزل می‌داند و در عین حال از او به‌عنوان جوان یاد می‌کند.

این شاعر درباره مشفق کاشانی می گوید: مشفق کاشانی جزو غزل‌سرایان نئوکلاسیک و در زمره شاعرانی چون عماد خراسانی، نوذر پرنگ، یدالله بهزاد کرمانشانی و دیگران است.

او اظهار می کند: از آغاز تا امروز به لحاظ مضمون و محتوا غزل دارای مراتبی بوده و هفت و هشت جامه دربر کرده است؛ غزل عاشقانه، غزل عارفانه، غزل قلندرانه، غزل اجتماعی و ...، و غزل نئوکلاسیک که استاد مشفق یکی از استادان همین نوع اخیر است. استاد مشفق با گامی استوار از پیوندگان این راه است. زبان او در کمال استواری و سبک او عراقی است با گوشه‌چشمی گاه گاه به هندی.

گرمارودی با جوان خواندن مشفق کاشانی گفته است: این شاعر در آغاز دهه نهم خود عمر خود غزل‌هایی می گوید که خون جوان در آن جاری است.

فاطمه راکعی: تا آخرین لحظه هوش و ذکاوت شاعرانه خود را حفظ کرد

این شاعر و مدیرعامل انجمن شاعران اظهار کرد: استاد مشفق از بنیان‌گذاران انجمن شاعران ایران بودند. در تمام مدت آشنایی با تفکرات و توانایی های شعری ایشان رفتار بزرگ‌منشانه و انسانی از ایشان دیده بودیم، به طوری که دوست و دشمن با هر گرایش و سلیقه شعری به او ارادت داشتند. این موضوع به خاطر رفتار بزرگ منشانه او بود. راکعی در ادامه گفت: هرگاه شاعران جوان‌تر مشکلی داشتند استاد هیچ‌گاه دریغ نمی‌کرد و گاه با نوشتن نامه‌ای سعی در حل مشکلات آنان داشت. فکر می‌کنم بخشی از شاعران خاطراتی از این دست از ایشان داشته باشند. او افزود: استاد مشفق سال‌ها رییس هیأت مدیره انجمن شاعران بود و بنده مدیرعامل انجمن بودم. ایشان به لحاظ هوش و ذکاوت اداری و مالی بسیار دقیق بود و به مسائل اشراف داشت و در امور اداری و تصمیم‌گیری‌ها فعالانه شرکت می‌کرد. با وجود این‌که به علت کهولت سن کسالت‌هایی داشت اما هیچ‌گاه احساس خستگی نمی‌کرد.

این شاعر در ادامه گفت: مرحوم قیصر امین‌پور، مرحوم منوچهر آتشی و استاد مشفق سه شخصیت شعر ایران بودند که من هرگز ندیدم از ضعف جسمی و فیزیکی خود سخنی بگویند. این سه شخصیت از این نظر دارای ویژگی بودند. همیشه خیلی زنده و بانشاط و سرحال در جلسات حضور پیدا می‌کردند و تا آخرین لحظه هوش و ذکاوت شاعرانه خود را حفظ کرده بودند و کوچک‌ترین نشانی از ضعف ذهنی در این بزرگواران وجود نداشت.

راکعی همچنین گفت: استاد مشفق کاشانی دوشنبه، ۲۸ دی نیز با حال ضعیف به انجمن آمده و در حال خواندن شعر جدیدش بود که برای سهیل محمودی گفته بود، اما در حال شعرخوانی نفس‌شان از ادامه شعرخوانی بازماند. به عنوان همکار ایشان کوچک‌ترین رفتاری غیر از تواضع و مهربانی، انسانیت و دستگیری از او ندیده بودم. او دستگیر و مددکار شاعران از هر فکر و سلیقه شعری بود. شاعران بویژه شاعران انقلاب خود را قدردان وجود این بزرگ‌مرد و رادمرد می‌دانند.

کاکایی: عزیز بود

عبدالجبار کاکایی در پی درگذشت مشفق کاشانی نوشت:

«بر این کبود پرندینه زیستم چون ابر
تمام هستی خود را گریستم چون ابر

عباس کی‌منش با نام آشناتر مشفق کاشانی از شاعران غزل‌گو در دوران گذار غزل از گذشته به امروز، شاعری تغزلی، میانه‌رو، محافظه‌کار و جوانمرد بود. بخش خلاق زندگی شاعرانه او تا آستانه پنجاه‌سالگی در پیش از انقلاب سپری شد و چون بسیاری دیگر از «پنجاه‌ساله‌ها» نخواست در فرم و شکل شعر خود با توجه به ظهور «طرزهای تازه» تحولی ایجاد کند. سیلاب موضوعات اجتماعی و متداول و روزمره، مثل جنگ و انقلاب و هوس همراهی با آن‌ها هم اجازه نداد تا به غنای دستاوردهای گذشته خود بپردازد، اما در همین مرحله هم محل اعتبار و مورد اعتنای همه نام‌آوران عرصه غزل میانه بود، بویژه سیمین بهبهانی که با احترام خاص از ایشان یاد می‌کرد.

متاسفانه رسانه‌های رسمی و دولتی و مبلغ، تنها شاعر را در جهت «ماموریت‌های ویژه» خود عرضه می‌کنند و رسانه مستقلی نبود تا آن‌چه را دوستان «حلقه مشفق» از فکر و ذهن و خلاقیت و خاطرات و حافظه ایشان درمی‌یافتند منعکس کند و اساسا نه علاقه‌ای و نه بودجه‌ای در این زمینه وجود دارد و نه همتی و اراده‌ای، اما مصاحبت با مشفق که آینه تاریخ ادبی حوزه کلاسیک غزل فارسی معاصر بود، وقت دوستان نزدیکش را بسیار خوش می‌کرد.

زبان نرم و پرندینه، لحن مغازله‌ای و تجانس و تقارن واژه‌ها و هوشیاری در مراعات النظیرها و موازنه‌ها و ترصیع‌ها غزل مشفق را حتی در بین فارسی‌زبانان خارج از ایران به‌ویژه شبه قاره، دارای جایگاه خاص کرده بود. مشفق کاشانی غزل را در کنار شاعرانی چون ابتهاج و نوذر پرنگ و نیستانی و بهبهانی و منزوی و اوستا و شهریار تجربه کرد و مصاحبت با سهراب سپهری و علاقه به عالم موسیقی از او چهره‌ای وجیه المله ساخت. روح جوانمردی و تواضع او در استاد خواندن شاگردانش پدیدار بود.

بدون شک اگر رسانه مستقلی تنها برای عرضه توانایی‌های شعر شاعران معاصر وجود داشت در بین صداهای موجود، صدای غزل‌سرای پیر روزگار ما از صداهای مورد اعتنای حتی نسل جوان بود، اما در روزگاری که بزرگداشت‌ها و یادمان‌ها در زمان حیات شاعران جز به‌منظور بهره‌برداری سیاسی رسانه‌ها صورت نمی‌گیرد، حتی خبر مرگ شاعر نیز در بین تیترهای پرشمار خبرگزاری‌های سیاسی به سوژه‌ای برای صف‌بندی جناح‌ها تبدیل می‌شود و تابوت شاعران را از دو سو به سمت ساختمان‌های نمادین برای تشییع می‌کشند و خانواده‌ها معمولا در محاصره مصلحت‌اندیشان و سیاست‌بازان قرار می‌گیرند و اتفاقی که برای پیکر پاک شاعرانی چون آتشی و قیصر و... افتاد و ظاهرا هنوز بناست بیفتد.

مشفق عزیز بود و دوران ما که بگذرد و غبار خاطرات ما فرو بنشیند عزیزتر خواهد شد.»

علیرضا قزوه: مشفق کاشانی پیر شاعران انقلاب بود

در پی درگذشت استاد مشفق کاشانی شاعر پیشکسوت انقلاب اسلامی، علیرضا قزوه در سخنانی درباره شخصیت ادبی این شاعر ملی و آیینی گفت: مشفق کاشانی شاعر ملی، انقلابی و اسلامی بود و تمام نسل های شاعران انقلاب او را به استادی قبول داشتند.

علیرضا قزوه مدیر مرکز آفرینش های ادبی حوزه هنری در گفتگو با خبرنگار پایگاه خبری حوزه هنری با بیان این که مرحوم مشفق کاشانی به حق پیر شاعران انقلاب بود، اظهار کرد: در بین شاعران پیشکسوت انقلاب اسلامی یک استاد مشفق کاشانی داشتیم و یک حمید سبزواری داریم که هر دو هم متولد ۱۳۰٤ هستند. حمید سبزواری شاعر بزرگ شعر و ترانه انقلاب است و استاد مشفق کاشانی نیز با موضوعات مختلف انقلاب اسلامی شعر دارند. وی ادامه داد: هر وقت می خواستم با موضوعات انقلاب از ۱۵ خرداد گرفته تا پیروزی آن و رحلت امام (ره) و دفاع مقدس شعری انتخاب کنم به سراغ کتاب «آذرخش» ایشان می رفتم. چرا که استاد مشفق کاشانی در تمام مسائل انقلاب ورود کرده بود و شعر داشت. او شاعر ملی، انقلابی و اسلامی بود و تمام نسل های شاعران انقلاب او را به استادی قبول داشتند.

قزوه خاطر نشان کرد: همیشه در دیدار با مقام معظم رهبری، شعرخوانی شاعران با ایشان یا استاد حمید سبزواری شروع می شد و این موضوع به دلیل بزرگی و اهمیت این شاعران بوده است.

وی افزود: مقام معظم رهبری نیز چندین بار درباره ایشان صحبت کرده‌اند و فردا برای مراسم تشییع شان پیام خواهند داد. همه شاعران انقلاب کشور خود را شاگرد مشفق کاشانی می دانند.

قزوه یکی از بهترین شعرهای مشفق کاشانی را شعر «بهمن» وی دانست و گفت: روز گذشته در صحبتی که برای جمعی از کارمندان آموزش و پرورش داشتم، این شعر را خواندم.

بقیه در صفحه ۱٤

آخرین لحظه‌های زندگی استاد مشفق کاشانی به قلم افشین علا

اگر نبودم و به چشم نمی‌دیدم، هرگز باور نمی‌کردم که مرگ می‌تواند چنین باشکوه و زیبا باشد! شب عجیبی بود. کیک خریده بودیم، شام مختصری هم تهیه دیده بودیم با پول استاد و پول خودمان. نمی‌خواستیم فردا پچ پچ موذیانه موریانه‌های درخت شعر این روزگار را بشنویم که مثلا: «در انجمن شاعران با پول بیت‌المال برای خودشان جشن تولد می گیرند!» هر چند که بهانه این جشن، سالروز تولد شاعری چون سهیل محمودی باشد. شاعری که باید سالنی با ظرفیت چندهزار نفر برای بزرگداشتش اجاره می‌کردیم تا جا برای همه دوستدارانش فراهم شود. اما نه سهیل نیاز به این کارها داشت و نه ما توان برگزاری مراسمی در شأن او را داشتیم. هرچه بود بهانه‌ای بود برای دور هم جمع شدن، آن هم به شوق دیدار سیدمحمد خاتمی که بیش از هر کسی قدردان استاد مشفق‌ها و سهیل محمودی‌هاست. جمع سی چهل نفره کوچکی بودیم. اعلام هم نکرده بودیم که ازدحام نشود. هر چند می دانم خیلی از دوستداران سهیل گله خواهند کرد که چرا ما را نگفتید، اما چاره چه بود؟ انجمن در پرداخت حقوق اعضای اندکش هم مانده است. سالنی هم که نداریم. پس بهترین کار همین بود که خصوصی و با خرج خودمان مراسم کوچکی برگزار کنیم، مراسم کوچکی که البته با نام سهیل بزرگ بود و با حضور استاد مشفق و جناب آقای خاتمی. از چهره‌های دوست‌داشتنی دیگر: ساعد باقری، فاطمه راکعی، خانم الهی قمشه‌ای، صادق خرازی، اسرافیل شیرچی، سیدمحمود دعایی، احمد مسجدجامعی، بیوک ملکی، مصطفی رحماندوست، خانواده سیدحسن حسینی و قیصر امین‌پور، خانم کاظمی و همسرشان مهندس حساس، طاهره ایبد و...

استاد سالم و سرحال با عصای دوست‌داشتنی‌اش از راه رسید. سهیل را در آغوش کشید و تولدش را تبریک گفت. بدیهی است که جایی در صدر، نزدیک خاتمی عزیز بر صندلی نشست. از همیشه خوشحال‌تر بود. با آن‌که دخترش گفته بود شب پیش استاد از حال رفته است، از بستر بلند شده بود و آمده بود. مگر می‌شود تولد سهیل باشد و استاد مشفق نیاید؟ هیچ‌وقت توقع نداشتیم، حتی برای شرکت در جلسات هفتگی هیات مدیره. آخر استاد در آستانه نودسالگی بود. دل‌مان می‌لرزید از تصور این که اتفاقی بیفتد. ولی مشفق جوانمردتر از این حرف‌ها بود. می آمد، با عشق هم می‌آمد. انجمن شاعران ایران خانه دومش بود. مگر نه این‌که همه ما به این موضوع افتخار می‌کردیم؟ مگر نه این‌که همه ما زیر عکس استاد که رییس هیات‌مدیره انجمن بود، دور هم جمع می‌شدیم؟ او هم هوای تک تک ما را داشت. به احترام کوچک‌ترین‌مان هم - که من باشم - از جا بلند می‌شد. هر مراسمی هم که داشتیم با همان عصا خودش را می‌رساند؛ عصایی که برای آن شعر گفته‌ام! انجمن برایش میعادگاه بود. انگار آن‌جا عطر نفس‌های استاد شاهرخی، سید و قیصر را می‌شنید. اصلا خودش پایه‌گذار انجمن بود. اصلا اساسنامه اولیه انجمن در خانه خودش نوشته شده بود؛ خانه‌ای در خیابان ظفر که حالا هر گوشه آن استن حنانه‌ای شده است. خانه‌ای که در آن به روی همه شاعران باز بود، با بانویی که در عظمت روح، کفو استاد بود و دختری که شبانه‌روز خود را وقف مادر و پدری کرده بود که اصالت و بزرگی و شرف از سر و روی‌شان می‌بارید. خدا به افسون خانم عزیز صبر بدهد، به استن حنانه پدر، که به‌راستی تکیه‌گاه استاد بود.

بگذریم... اگر نبودم و به چشم نمی‌دیدم، شاید الان امشب، شبی که استاد استادانم را از دست داده‌ام، نمی‌توانستم همین چند خط مغشوش را هم بنویسم. خدا را شکر که بودم و دیدم نه مرگ را، که تولد استاد را! به‌درستی که همه چیز بوی تولد می‌داد. شعر آخر استاد هم با مضمون تولد بود؛ میلاد آفتاب، که آن را به سهیل عزیز تقدیم کرده بود.

آقای موسوی بلده آیه‌های شگفتی را برای شروع مراسم انتخاب کرد. از همان ابتدای برنامه انگار قصه آغاز شده بود؛ قصه بدرقه استاد! معنویت تلاوت آن شب بی‌نظیر بود. هیچ‌کس نمی‌خواست صوت آسمانی استاد موسوی تمام بشود. اما تولد بود و باید دوستان و دوستداران سهیل سخن می‌گفتند. چند نفری صحبت کردند. حاج آقا دعایی عزیز که با دو دسته گل از دیار کرمان آمده بود. خانم الهی قمشه‌ای که مثل همیشه با کلام شیرینش، انواری از قرآن و ادبیات فارسی را در محفل جاری کرد و ساعد عزیز که بین خاتمی و مشفق نشسته بود... شب عجیبی بود. از من قبول نمی‌کنید از آن‌هایی که بودند بپرسید. نوبت به استاد مشفق که رسید، طبیعی بود که به عنوان مجری برنامه به ایشان ادای احترام کنم. دلم نمی‌خواست ابراز عشق و ارادتم به استاد مشفق را خلاصه کنم. آخر واقعا دوستش داشتم. کسی که مشفق را بشناسد می داند چه می گویم. من نمی توانم توضیح بدهم که محبت مشفق با دل من چه‌ها می‌کرد. باز هم مثل همیشه با شیوه منحصر به فرد خودش تواضع کرد، ابرو بالا انداخت، سر خم می‌کرد و متواضعانه لبخند می‌زد. ای خدا! آن پیر بی‌بدیل از من که شاگرد شاگردانش بودم هم خجالت می کشید. مگر تعریف‌های من تعارف بود؟ آخ که هیچ‌وقت نتوانستم آن‌طور که می‌خواستم به او بگویم که دوستش دارم. اگرچه بارها این جمله را گفتم. همه گفتیم. هیچ جلسه‌ای نبود که من و استادانم ساعد، سهیل و خانم راکعی به استاد نگوییم که چقدر دوستش داریم. نگوییم که سایه سر ماست. نگوییم که چشم و چراغ انجمن ماست. نگوییم که جان‌مان به جان او بسته است. نگوییم که مواظب سلامتی‌اش باشد. شرمگینانه نگوییم که: استاد به‌خدا لازم نیست تشریف بیاورید، تلفنی هم امر کنید روی چشم می‌گذاریم... می گفتیم. همه این‌ها را بارها گفته‌ایم. اما به‌خدا سبک نشدیم. باز هم حرف داریم، باز هم عقده در گلو داریم. هیچ‌وقت نتوانسته‌ایم تمام حس‌مان را به او بگوییم. بگذریم....

شب عجیبی بود. استاد، سرحال‌تر از همیشه صحبت کرد. شگفتا که از سید و قیصر عزیزش گفت، و از آشنایی‌اش با آن‌ها و ساعد و سهیل و ... که پاره‌های جگرش بودند. با اشتیاق وصف‌ناشدنی از آقای خاتمی و حاج آقا دعایی تشکر کرد که آمده بودند تولد سهیل. از بزرگواری‌های‌شان گفت. از لطفی که آقای خاتمی به ایشان داشت و پیامی که چندی پیش برای بزرگداشت استاد فرستاده بود، و شعر خواند. آخرین شعرش را که همان روز گفته بود. برای تولد سهیل. راستی خوش به حال سهیل! آخرین شعر مشفق برای سهیل بود. سهیل آخرین مضمون شاعرانه‌ای بود که به ذهن پیر و قافله‌سالار شاعران جوانمرد خطور کرده بود. حقش هم همین بود...

برخیز ز جا نه وقت خواب است ای دوست
بنشین که شب شعر و شراب است ای دوست
در بزم سهیل، زهره با چنگ نواخت
میلاد بلند آفتاب است ای دوست...

عجیب نیست؟ خواندن این شعر درست دم مرگ؟ البته این آخرین کلمه‌های استاد نبود. در برابر تشویق حاضران، باز هم متواضعانه خندید. آخرین جمله‌اش را ساعد به یادم آورد. ساعت سه صبح که زنگ زدم جویای حال و وضعش باشم در این مصیبت طاقت‌سوز. آخرین کلام استاد این بود: دیگه چی بگم؟ ... با لبخند شرمسارانه همیشگی‌اش و سیدمحمد خاتمی گفته بود: بیش‌تر از این استاد را اذیت نکنیم! و استاد در جواب با علاقه‌ای وصف‌نشدنی به چهره خاتمی نگاه کرد و گفت: قربان شما... و سرش به زیر افتاد! باور کنید درست همین‌طور بود که گفتم. آخرین مخاطب استاد، خاتمی بود و بعد، سر استاد به پایین افتاد، همان‌طور نشسته. درست شبیه خواب ناگهانی و چرتی سبک! سکوت بود و سکوت. همه با حیرت به استاد خیره شده بودند. پس چرا ادامه نمی‌داد؟ حتی من گفتم: استاد! ادامه شعرتان.. شعر بخوانید... اما استاد به خواب رفته بود. تنفس مصنوعی و شوک هم فایده‌ای نداشت. نبض اندکی می‌زد، اما پیدا بود که مشفق از این عالم رخت بربسته است. تا اورژانس برسد مردیم و زنده شدیم. خانم راکعی به صورتش می‌کوبید و بی‌صدا گریه می‌کرد. ساعد بی‌هدف قدم می‌زد. حال غریبی داشت. همه از خود بی‌خود شده بودیم. باز هم آقای خاتمی که حواسش به ساعد بود! با صدای بلند گفت مواظب ساعد باشید. سیدمحسن خاتمی شاعر جوانی که مدت‌هاست فی سبیل الله بیش‌تر بار انجمن را به دوش می‌کشد با پیکر استاد روانه بیمارستان شد و ما حیران و سرگردان ماندیم. سهیل با چشمان قرمز از اشک، بهت‌زده درجا میخکوب شده بود. حتی فرصت نکرده بود در جواب شعر استاد و محبت بی‌دریغش، صحبتی بکند! یعنی مرگ این‌جوری هم می‌آید؟ شاعر حرف بزند، شعر بخواند، لبخند بزند و ناگهان سرش بیفتد پایین؟ پیرمردی نودساله با آن همه ضعف و ناخوشی خودش را به مراسم تولد فرزند شاعرش برساند و با تقدیم هدیه‌ای ماندگار به او، جان به جان‌آفرین تسلیم کند؟ آن هم با این همه متانت و زیبایی؟

به‌راستی خدا دیگر با چه زبانی فصیح‌تر از این با ما حرف بزند؟ دیگر چگونه واضح‌تر از این بگوید که عاش سعیدا و مات سعیدا... جز این است که خدا نمی‌خواست مردی به صلابت مشفق در بستر بمیرد؟ جز این است که از جا بلندش کرد و سوار بر بال فرشته‌ها به محفلی رساند که سادات بزرگواری چون خاتمی و دعایی و الهی قمشه‌ای، در آخرین لحظات عمر نورانی‌اش، بدرقه‌اش کنند؟

...خوش به حالت استاد! برای مواجهه با مرگ، حتی به طرفی خم نشدی! حتی عصایت را هم نخواستی، به عصایت هم تکیه ندادی. نشسته از جمع ما رفتی، اما به واقع، ایستاده رفتی. آخرین شعرت را خواندی و در آغوش فرزندان معنوی‌ات، شاگردانت، هم‌نفسان سالیان درازت، و در میعادگاه مالوفت، در قلب انجمن شاعران ایران، به رفیق اعلی پیوستی...

ما ناباورانه در انتظار خبر بهبودی‌ات بودیم، یعنی چیزی شبیه به معجزه! اما بهبودی تو در آغوش مهربان خداوند بود. خبر قطعی که رسید، خاتمی دعا می‌خواند و تسلی می‌داد. عجب شبی بود دیشب!

ممنونم آقای دعایی که آمدید. ممنونم خانم الهی که گفتید توان نداشتم اما آمدم. ممنونم آقای موسوی که آن آیه‌های دلکش را موسیقی متن خواب ابدی استادم کردی! ممنونم خانم راکعی که با گل‌های مریم به تولد سهیل آمدی و استادمان را با استشمام رایحه خوش آن، بدرقه کردی! ممنونم ساعد عزیز که در چنین شبی هستی! هستی که شانه‌ای برای گریه‌های‌مان باشی، هستی که تکیه‌گاه‌مان باشی وقتی که قرار است هر روز صندلی خالی استاد را ببینیم. ممنونم سیدمحسن خاتمی و جواد زهتاب عزیز، که مراسم رؤیایی تولد سهیل و میلاد حقیقی استاد مشفق را تهیه و تدارک دیدید. ممنونم صادق خرازی عزیز که با آن همه ضعف و بیماری، به کمک ماشتافتی و در دادن تنفس مصنوعی لحظه‌ای درنگ نکردی. ممنونم هادی گرجی که با آن دست‌های زحمت‌کشت، به سینه دریایی استادمان شوک وارد می‌کردی و می‌دانم خدا را به سیادت مادرت قسم می‌دادی که استادمان چشم باز کند. ممنونم از همه آن‌ها که بودند و استادمان را تا دروازه ملکوت بدرقه کردند. تا آغوش گرم قیصر و سید! تا آرامش لبخندهای آسمانی شاهرخی! و ممنونم سهیل عزیز که امشب شب تولدت بود. بهانه‌ای بود برای آمدن آن همه جان پاک که باز هم به انجمن شاعران ایران بیایند. هرچند برای بدرقه ابدی استاد مشفق کاشانی. به قول استاد مشفق: دیگه چی بگم؟... خسته‌ام. از همین حالا دلم برای استاد تنگ شده.

یاد فردا و فرداها که می‌افتم، پشتم می‌لرزد. یعنی واقعا معلم عشق و شاعری، استادمان مشفق کاشانی رفت؟

شعری که مردادماه امسال در بزرگداشت استاد مشفق کاشانی برای ایشان سروده بودم:

عمری بر این کبود، غریبانه زیستی...
ای تکیه بر عصازده، نازد عصا به تو
در ایستادگی، همه سروها به تو
ای تکیه‌گاه مردم دانا به حیرتم
تو تکیه بر عصا زده‌ای یا عصا به تو؟
از دامنت اگر که شوم دور، کم‌ترم
از چوب آن عصا که کند اتکا به تو
عمری بر این کبود، غریبانه زیستی
ای بغض ابرهای غریب آشنا به تو
سقف و ستون و رونق این انجمن تویی
عمری است کرده‌ایم همه اقتدا به تو
از ره چو می‌رسیم ز جا می‌شوی بلند
بنشین که در ادب نرسد قد ما به تو
در نام و در مرام، تو، تنها تو مشفقی
بخشیده منتهای شفقت خدا به تو
آن‌قدر با دلم تو عجینی که گوییا
دل بسته بودم از ازل از ابتدا به تو...
ابیات تو بهشت برین است از خدا
خود هم هزار بیت دهد در ازا به تو

افشین علا
۲۵ مرداد ۹۳»

٦۵ درصد بودجه پیشنهادی وزارت علوم محقق شد

معاون اداری، مالی و مدیریت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با اشاره به رشد ۱۹ درصدی بودجه آموزش عالی در سال آینده، به سهم ناچیز آموزش عالی از مجموع بودجه پژوهشی از تولید ناخالص داخلی اشاره کرد و گفت: از مجموع ٤ هزار میلیارد تومان بودجه پژوهش کشور، عددی کمتر از ٤۰۰ میلیارد تومان در اختیار دانشگاه‌های دولتی به عنوان اصلی ترین مراکز پژوهشی قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر محمدحسین امید در نشستی خبری با موضوع بودجه آموزش عالی با اشاره به روز هوای پاک و مدیریت سبز در دانشگاه‌ها گفت: به منظور بهینه‌سازی مصرف انرژی و استفاده از انرژی‌های نو، اولین پروژه زمین گرمایی در دانشگاه شیراز در حال اجرا است.

وی در تشریح آخرین وضعیت رشد بودجه سال آینده آموزش عالی افزود: این رقم معادل ۱۹ درصد است که به طور میانگین سهم موسسات پژوهشی و پارک‌های علم و فن آوری ۲۳ درصد، دانشگاه‌ها ۲۰ درصد، ستاد وزارت علوم ۳ درصد و مؤسسات تابعه ۸ درصد است.

قائم‌مقام ستاد خیرین وزارت علوم ادامه داد: براساس پیش‌بینی های به عمل آمده، به ٤۲ دانشگاه که رشد بودجه آنها کمتر از ۲۰ درصد است، کمک خواهد شد. وی به هزینه‌های امور فرهنگی، رفاهی و خدمات دانشجویی اشاره کرد و گفت: سرانه دانشجویی برای هر دانشجو در هر دانشگاه و هر کجای کشور، یک میلیون و ٦۵۰ هزار تومان محاسبه شده است.

دکتر امید افزود: اعتبار موردنیاز برای اداره استاندارد دانشگاه‌ها نیز ۸ هزار و ٤۰۰ میلیارد تومان برآورد شد که با بحث کاهش قیمت نفت و بودجه انقباضی، ۵ هزار میلیارد تومان از این مبلغ در لایحه بودجه پیش بینی شد. یعنی ٦۵ درصد بودجه پیشنهادی محقق شد.

وی در بخش دیگری از سخنانش به سیاست‌های ابلاغی علم و فن‌آوری از سوی مقام معظم رهبری اشاره کرد و ادامه داد: بر این اساس سهم تحقیقات از تولید ناخالص داخلی باید تا سال ۱٤۰٤ به ٤ درصد برسد که در حال حاضر این رقم کمتر از نیم درصد است.

دکتر امید ادامه داد: بر مبنای تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته در سطح جهانی، کشورهایی که کمتر از ۰/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی آنها به بخش پژوهش اختصاص یابد، عقب مانده تلقی می‌شوند. اگر این رقم بین ۰/۵ تا ۲ درصد باشد در حال توسعه و بالاتر از آن را توسعه یافته می‌دانند.

وی کسری بودجه کل دانشگاه‌ها را نیز هزار و ۵۲۰ میلیارد تومان اعلام کرد که عمدتا شامل بدهی به پیمانکاران، هزینه حامل های انرژی و هزینه‌های پژوهشی دانشجویان است.

درآمد اختصاصی دانشگاه‌ها موضوع دیگری بود که دکتر امید در مورد آن گفت: درآمد اختصاصی دانشگاه‌ها بیش از ۵ هزار میلیارد تومان است و به طور میانگین دانشگاه‌ها ۳۰ درصد از اعتبارات خود را از این محل تأمین می‌کنند که امیدواریم این رقم تا پایان برنامه ششم توسعه به ۵۰ درصد برسد.

زنگنه: بی‌تدبیری‌های گذشته توسعه صنعت نفت را عقب انداخت

درحالی که قیمت جهانی نفت بطور مستمر رو به کاهش است و صادرات این کالا به شکل خام چندان منفعتی برای کشور ندارد، دولت مصمم به تسهیل شرایط توسعه صنایع پتروشیمی و ایجاد ارزش افزوده در فرآورده های نفتی است.

این مطلب دیروز در همایش پنجاهمین سالگرد تأسیس شرکت ملی پتروشیمی در تهران اعلام شد.

مهندس بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت در این همایش با اشاره به اهمیت ایجاد ارزش افزوده در صنایع پایین دستی نفت گفت: در سالهای اخیر بی تدبیری باعث توسعه‌نیافتگی این صنعت شد نه تحریم‌ها؛ زیرا توسعه صنعت پتروشیمی در سالهای اخیر عزم و فرمانده نداشت. وی در ادامه با اشاره به ورود واحدهای تولید اتان و گاز مایع پارس جنوبی به مدار تولید گفت: در سال آینده مشکل تأمین خوراک به خصوص گاز طبیعی برای صنایع پتروشیمی نخواهیم داشت. زنگنه افزود: طرح‌های متعدد دیگری برای تأمین خوراک پتروشیمی طراحی شده یا در دست طراحی است.

وی با اشاره به نیاز صنعت پتروشیمی به تأمین فاینانس خارجی گفت: برآوردهای شرکت ملی پتروشیمی آن است که ما می‌توانیم ارزش کل تولیدات پتروشیمی را به بیش از ۷۰ میلیارد دلار برسانیم. وزیر نفت تصریح کرد: بازارهای خوبی در کشورهای همسایه ما وجود دارد. اما این کشورها اغلب صنایع پتروشیمی ندارند و باید تلاش کنیم از صادرکننده مواد اولیه به صادرکننده محصولات نهایی و تکمیل کننده زنجیره ارزش تبدیل شویم. وی با اشاره به استفاده ۸۷ درصد مردم از گاز طبیعی به عنوان سوخت گفت: مصرف گاز مردم در ماه‌های مختلف متفاوت است و ما از این تفاوت مصرف می توانیم در تأمین خوراک واحدهای پتروشیمی جدید بهره ببریم. زنگنه در حاشیه این همایش با اعلام اینکه اگر قیمت نفت تا ۲۵ دلار هم برسد، مشکلی برای توسعه صنعت نفت کشور وجود نخواهد داشت، تاکید کرد: دولت هیچ برنامه ای برای افزایش قیمت بنزین در سال آینده ندارد. مهندس محمدرضا نعمت زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت هم در این همایش گفت: ما باید آماده سرمایه گذاری در بخش پتروشیمی پس از تسهیل شرایط بین المللی باشیم و برای توسعه صنعت پتروشیمی باید از ابزارهای جهانی استفاده کنیم.

وی با انتقاد از این ادعا که تحریم ها اثر ندارد، گفت: تحریم ها ما را تا این حد محدود کرده اند پس چه طور می گویید که تحریم ها اثر ندارد؟ اگر ما تحریم را ظالمانه ندانیم به سراغ رفع آن نمی رویم. اگر ما تحریم را خیر و برکت بدانیم، باعث افزایش آن می شویم که همین اتفاق هم افتاده است. مهندس عباس شعری مقدم مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی هم در این همایش با اشاره به اینکه از مجموع ۶۰ میلیون تن ظرفیت ایجاد شده در صنعت پتروشیمی کشور، به دلیل کمبود خوراک فقط ۴۰ میلیون تن محصول تولید می شود، گفت: خط لوله اتیلن غرب تا میاندوآب در شرف اتمام است و اگر مشکل معارضین زمین ها حل شود، این خط لوله تا پایان امسال آماده بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.

نهاوندیان: بساط فساد و نظارت گریزی باید برچیده شود

اصلاح رابطه بانک‌ها با بنگاه‌های تولیدی در دستور کار جدی دولت قرار گرفته و ضرورت دارد تا بانک‌ها از شکل حاکمیتی خارج شوند تا بساط های فسادزا و تلاش‌های فرار از نظارت، یکبار برای همیشه جمع شود.

دکتر محمد نهاوندیان رئیس دفتر رئیس جمهوری دیروز در همایش فرصت‌های سرمایه گذاری استان تهران که با حضور سفیران کشورهای خارجی، سرمایه گذاران و بازرگانان در اتاق بازرگانی ایران برگزار شد، بااشاره به این مطلب گفت: فضای سرمایه گذاری در ایران نه در تبلیغ سیاسی دولتمردان بلکه در زبان کارآفرینان نوید آغاز فصل جدیدی را به جهانیان می‌دهد.

وی افزود: در ماههای اخیر هفته‌ای نبوده است که درخواست ملاقاتی برای یک هیأت اقتصادی خارجی نداشته باشیم و همه دنیا به دنبال بازبینی مناسبات اقتصادی‌شان با ایران هستند و به این نتیجه رسیده‌اند که اقتصاد ایران را دوباره باید شناخت. برخی فکر می‌کنند عقب مانده‌اند و متوجه غیبت‌شان در بازار ایران شده است.

رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران حضور ایران در اقتصاد جهانی را یکی از سه محور اصلی برنامه‌های دولت عنوان کرد و افزود: این مسأله هم اقتصاد ایران را دگرگون می‌کند و هم اقتصاد منطقه را متحول می‌سازد. بطوری که در بحث انرژی می‌توانیم هاب (قطب) منطقه شویم.

وی با تأکید براینکه در سه دهه اخیر با سرمایه‌گذاری عظیمی که بر روی نیروی انسانی کرده‌ایم، مسائل ما بسیار متفاوت شده است، افزود: در سی و چند سال گذشته دغدغه اقتصادی ما این بود که اسکله برای واردات گندم و تیرآهن کم داشتیم و حتی کوچکترین وسایل خانگی را از طریق واردات تأمین می کردیم؛ اما امروز بزرگترین افتخار ما این است که به تکنولوژی‌هایی دسترسی داریم که ماحصل دانش بومی است.

نهاوندیان ضمن تاکید بر اینکه نسل امروز ما می‌خواهد ایران جدیدی را بسازد، به این نکته هم اشاره کرد که اصلاح مناسبات دولت و فضای کسب و کار یکی از دیگر مسائلی است که به بلوغ اندیشه ای رسیده است و اکنون کمتر موضوع شکست بازار و دولت و دوگانگی آن مورد بحث است و همه به دنبال آن هستیم که چگونه رابطه دولت و فضای کسب و کار را بهینه کنند.

نهاوندیان تصریح کرد: الان به این نتیجه رسیده ایم که بخش خصوصی باید مدیریت فعالیت اقتصادی را برعهده بگیرد، اما دولت هم به دنبال ایجاد شرایط محیط کسب و کار است و عزم این مسأله وجود دارد که خطاهای گذشته تکرار نشود و نوسان پاندولی شرایط یا محدودیت همه امکانات به تاریخ پیوسته است.

وی همچنین با اشاره به اینکه رشد اقتصادی باید متکی بر بهره‌وری و نوآوری ساماندهی باشد، افزود: درآمدهای متکی بر رانت را در اقتصاد ایران دیگر نباید جستجو کرد و اگر در گذشته سودهای بادآورده‌ای ناشی از رفتارهای غلط ایجاد شده است، دیگر نباید در این اقتصاد جایی داشته باشد.

به گفته رئیس دفتر رئیس جمهوری، اصلاح ساختاری باید در ساده‌سازی و سالم‌سازی مقررات اقتصادی شکل بگیرد.

وی خاطرنشان کرد: اعتقاد دارم دهه پیش رو در ایران دهه‌ای کاملاً متفاوت با گذشته‌اش خواهد بود و اکنون همگان فهمیده‌اند که اقتصاد ایران طی سه دهه تحریم منزوی نشده، بلکه رشد کرده و از این میدان پیروز بیرون آمده است. اگرچه قبول داریم که نوساناتی هم وجود داشته، ولی می‌توانیم آن را به سوء تدبیرها و سوء مدیریت‌ها تعبیر کنیم. کما اینکه در یک سال و نیم اخیر دولت تدبیر و امید توانست با تدبیر سیاسی تورم را از ۴۰ درصد به کمتر از ۲۰ درصد برساند.

نهاوندیان بر این نکته صحه گذاشت که دولت برای هر کاری ابتدا جلسات کارشناسی متقنی را برگزار کرده و نظر کارآفرینان را جویا می‌شود.

وی افزود: برای همه کارشناسان آگاه محرز است که آسیب‌پذیری ایران از کاهش قیمت جهانی نفت بسیار کمتر از بازیگران این صحنه است.

نامبرده با بیان اینکه حتی فضای پیرامونی ما هم دگرگون شده است، خاطرنشان کرد: آتش خشم و خشونت که این روزها زبانه آن به کشورهای اروپایی هم اصابت کرده همه را بیدار ساخته و ایران به سرزمین اعتدال تبدیل شده است و الگوی ایران برپایه آرمان اسلامی که برپایه عقلانیت و تدبیر است، می تواند مشکل گشای چالش های سیاسی باشد. به یاد بیاوریم روزهایی را که تبلیغ‌های ایران‌ستیزانه، این کشور را عاملی برای تروریسم نشان می‌داد، ولی الان ما را جلودار مبارزه با تروریسم می‌دانند. ما این جهالت‌های افراطی را می‌شناسیم و از سر گذرانده‌ایم و توانسته‌ایم با آن مقابله کنیم. وی ادامه داد: ما ریشه‌های تفکرات غلط بر تفکرات دینی را می‌شناسیم و راه حل مردم‌سالاری را با احترام به آرمان‌های دینی می‌دانیم.

رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران بر این نکته تأکید کرد که دولت صادقانه اعلام کرده و پافشاری می کند که به دنبال سیاست گذاری باثبات است و دوران جست و خیزهای هیجانی به سر آمده و رشد پایدار جز با فهم مشترک بین دولت و بخش خصوصی که هر دو به آن اعتقاد داشته باشند و به آن عمل کنند، رخ نمی‌دهد.

وی افزود: هیچگاه اقدامی هایی برای تهییج‌های توخالی یا تهدیدهای زودگذر نمی‌کنیم و هیچ تصمیم اقتصادی صورت نمی‌گیرد، مگر آنکه جلسات کارشناسی پشت آن بوده و با کارآفرینان و دست‌اندرکاران آن حوزه مشورت شده باشد. در فرهنگ اقتصادی سیاست‌گذاران، اصل تولید ثروت برپایه کار مولد محترم شمرده شده است و از آن زمانی که ثروت را منفی بدانند یا از این طرف هرگونه ثروتی را مثبت بدانند، فاصله گرفته‌ایم. نهاوندیان اذعان داشت: با نگاه بر همین واقعیت‌ها آینده اقتصاد ایران را بسیار درخشان دانسته و امیدبخش‌ترین اقتصاد در دست‌نخورده‌ترین نقطه جهان می‌شناسم.

دکتر محمد خزاعی رئیس کل سازمان سرمایه گذاری خارجی هم در این همایش از عزم جدی دولت در حمایت از مقوله سرمایه گذاری داخلی و خارجی خبر داد و گفت: ظرف یک سال آینده به طور قطع شفاف سازی در حوزه سرمایه گذاری صورت خواهد گرفت و معضلات و مشکلات سرمایه گذاری در کشور رفع خواهد شد.

وی گفت: بحث تامین منابع خارجی برای کشور به صورت استخراج یا سرمایه گذاری خارجی یک ضرورت ملی است؛ چراکه الزام ما به قطع وابستگی به درآمدهای نفتی را نمایان می سازد. وی با بیان اینکه تامین منابع مالی از خارج هیچگاه موضوع مذمومی نیست، گفت: در چند بند اقتصاد مقاومتی به طور صریح بر افزایش بهره وری اقتصادی مالیات انتقال تکنولوژی تکیه دارد که این موضوعات ارتباط مستقیمی به تامین منابع مالی از طریق سرمایه گذاری داخلی و خارجی دارد. خزاعی اظهار داشت: هم اکنون در یک شرایط حساس در منطقه قرار داریم که یک جزیره امن و مقتدر به نام ایران در مرکز آن قرار دارد. همه مسایل این جزیره امن بر کل منطقه تاثیر گذار است و می تواند به توسعه اقتصادی، کاهش فقر و کارآفرینی در منطقه کمک قابل توجهی کند. وی ادامه داد: ما به مقوله سرمایه گذاری خارجی فقط به عنوان یک مقوله ملی نگاه نمی کنیم، بلکه مقوله‌ای برای ایجاد ثبات و رشد اقتصادی ما محسوب می شود. غلامحسین شافعی رئیس اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران هم در این همایش گفت: آنچه تاکنون در حوزه سرمایه گذاری شاهد بودیم، غیبت حاکمیت قانون بوده که این موضوع قاتل مدیریت و سرمایه گذاری خوب در کشور بوده است. وی افزود: آنچه مسلم است در حوزه سرمایه گذاری تاکنون کارنامه موفقی نداشته ایم و با توجه به پتانسیل ها و قابلیت هایی که جمهوری اسلامی ایران دارد، در عمل اتفاق موفقی در حوزه سرمایه گذاری رخ نداده است. رئیس اتاق بازرگانی ایران اضافه کرد: متاسفانه اقتصاد ایران در سال های گذشته متناسب با ریسک ها از فرصت ها برای سرمایه گذاری استفاده نکرده، زیرا دچار یک نااطمینانی در حوزه سرمایه گذاری شدیم و آنهایی که ریسک را پذیرفتند و اقدام به سرمایه گذاری کردند، از کرده خود پشیمان شدند. دکتر یحیی آل اسحاق رئیس اتاق بازرگانی تهران هم با اشاره به نیاز کشور به سرمایه گذاری ۱۰۰۰ میلیارد دلاری، گفت: مشکل فعلی فعالان اقتصادی نبودن نسخه اقتصادی نیست، بلکه مشکل فضای تصمیم گیری‌هاست. وی با اشاره به اینکه کشوری که در حوزه سرمایه‌گذاری اقدام کارآمدی را انجام ندهد، آینده خود را زیر سوال برده است، گفت: در حوزه اقتصاد باید با واقعیت‌ها روبرو باشیم و نباید این حوزه را تحت تاثیر تعارف‌ها و شعارها قرار دهیم. در این همایش همچنین مهندس هاشمی استاندار تهران از راه اندازی منطقه آزاد تجاری و منطقه ویژه اقتصادی تهران برای توسعه صنایع های تک و غیر آلاینده در اطراف فرودگاه بین المللی امام خمینی خبر داد و طرح اتصال ریلی شمال تهران به سواحل خزر را که ۷۰ کیلومتر از مسیر ۱۰۰ کیلومتری آن با حفر تونل در ارتفاعات البرز ایجاد می شود، به سرمایه گذاران خارجی عرضه کرد.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۴۸/۲۰ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۴۹/۸۵ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۴۳/۴۰ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۲۷۸/۴۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۰۳۲۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۰۳۴۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۵۱۶۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۷۲۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۷۴۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۰۴۴۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۲۰۲۰ تومان
دلار آمریکا (نرخ بانکی)	۲۷۳۹/۶ تومان
دلار آمریکا (نرخ آزاد)	۳۵۰۱ تومان
یورو (نرخ بانکی)	۳۱۶۶/۵ تومان
یورو (نرخ آزاد)	۴۱۲۹ تومان
پوند انگلستان (نرخ بانکی)	۴۱۴۷ تومان
پوند انگلستان (نرخ آزاد)	۵۳۳۳ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۷۴۵/۹ تومان
درهم امارات (نرخ آزاد)	۹۶۰ تومان

یک سوم بودجه سال ۹۴ بر اساس درآمدهای نفتی است

کمتر از یک سوم بودجه سال ۹۴ بر اساس درآمدهای نفتی تنظیم شده که این رقم در ۱۰ سال اخیر در پایین ترین حد خود قرار دارد.

محمدباقر نوبخت رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی با حضور در گفتگوی ویژه خبری گفت: بودجه سال ۹۴ با پیش بینی منابع و مصارف بر اساس اهداف برنامه پنجم توسعه اقتصادی تدوین شده و سیاست های اقتصاد مقاومتی به عنوان سند فرادستی در این بودجه در نظر گرفته شده است. رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی اظهار کرد: ۱۹ درصد رشد منابع ما مربوط به مالیات است که از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان در سال ۹۳ به ۱۱۹ هزار میلیارد تومان در سال ۹۴ افزایش یافته است. وی با بیان این که افزایش درآمد حاصل از مالیات به دلیل افزایش ضرایب نرخ های مالیاتی نیست، تصریح کرد: در ماه های گذشته ۹۸ درصد درآمد مالیاتی ما به دلیل شناسایی پایه های مالیاتی محقق شد. نامبرده ادامه داد: بخش دیگر درآمد ما از نفت است که رقم درآمد های این بخش حدود ۸ درصد در بودجه ۹۴ تقلیل داشته و درآمدهای نفتی در بودجه سال ۹۴ حدود ۷۱ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده است. همچنین ۷ دهم درصد از بودجه سال ۹۴ مربوط به اوراق مشارکت است که این رقم نسبت به سال جاری تغییری نکرد. وی یادآور شد: وابستگی بودجه سال آینده به منابع نفتی نسبت به ۱۰ سال گذشته در پایین ترین حد خود قرار دارد. همچنین بودجه بخش عمرانی هم در سال آتی ۱۶ درصد رشد کرده از این رو ترکیب بودجه نسبت به سال‌های اخیر متفاوت است. نوبخت درباره برخی اظهار نظرها درباره تضاد بودجه ۹۴ با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی توضیح داد: در سیاست مقاومت اقتصادی به رشد اقتصادی تاکید شده که در این زمینه یکی از اهداف مهم لایحه بودجه رشد ۳ درصدی اقتصادی است. همچنین در بخش طرح های عمرانی ۴۸ هزار میلیارد تومان بودجه درنظر گرفته شده که این رقم در گذشته ۴۱ میلیارد تومان بوده است. رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی افزود: در سال جاری برای هر بشکه نفت ۱۰۰ دلار پیش بینی کردیم و در بودجه سال ۹۴ با توجه به افت قیمت نفت، بودجه را بر اساس نفت ۷۲ دلار تنظیم کردیم؛ البته بودجه منعطف تنظیم شده و تاکید می کنم هیچکس نمی تواند با قطعیت بگوید قیمت نفت زیر ۷۲ دلار است.

تصویب ضوابط ایجاد سامانه های الکترونیک بانکی

ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی، ضوابط ایجاد و تکمیل سامانه های الکترونیکی در شبکه بانکی و چگونگی همکاری مراجع ذیربط در این زمینه را تصویب کرد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی در مصوبه‌ای، بانک مرکزی را مکلف کرد تا پایان امسال منظومه نه گانه سامانه‌های اطلاعاتی نظام بانکی را ایجاد و بهره برداری کند و امکان اتصال امن و سیستمی سایر دستگاه‌های اجرایی را به این سامانه‌ها فراهم آورد. اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری این مصوبه را در ۱۷ دی امسال برای اجرا به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی، ارتباطات و فناوری اطلاعات، کشور، اطلاعات، دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ابلاغ کرد.

نرخ مالیات در سال آینده افزایش نمی یابد

سرویس اقتصادی: صندوق تأمین مالی صنعت تولید خوراک دام و طیور بزودی ایجاد می‌شود.

دکتر علی طیب‌نیا وزیر امور اقتصادی و دارایی دیشب در پایان نشست شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی با بیان این مطلب گفت: کلیات تشکیل این صندوق به پیشنهاد شورای گفتگوی استان البرز در جلسه اخیر شورای گفتگوی کل کشور به تصویب رسید که برای تصمیم گیری نهایی به مراجع ذیربط ارسال خواهد شد.

وی همچنین در مورد پیش‌بینی دولت برای قیمت جهانی نفت در سال آینده گفت: چنین پیش‌بینی هرگز امکان‌پذیر نیست؛ کما اینکه گروهی از بنگاه‌های تحلیل گر بازار نفت هم‌اکنون رسیدن قیمت نفت به زیر ۴۰ دلار را پیش‌بینی می کنند و گروهی دیگر معتقدند به بالای ۸۰ دلار خواهد رسید. با این وجود میانگین قیمت استخراج شده از تحلیل این بنگاه‌ها ۶۵ دلار برای هر بشکه نفت است که در این صورت تعیین قیمت ۷۲ دلاری برای نفت در بودجه سال آینده منطقی است.

وزیر اقتصاد افزود: دولت مشغول طراحی تمام گزینه‌ها برای قیمت جهانی نفت در سال آینده است؛ بنابراین سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری کشور با فرض گزینه‌های افزایش یا کاهش قیمت نفت طراحی خواهند شد و ما هیچ مشکلی برای تأمین هزینه‌های کشور حتی در صورت سقوط قیمت جهانی نفت به بشکه‌ای ۲۵ دلار هم نداریم.

وی در تشریح این ایده افزود: در بودجه و در حوزه منابع صرفاً یک سری پیش‌بینی هایی گنجانده شده که ممکن است محقق نشوند. همچنین در بخش هزینه‌ها هم بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها صرفاً یک سقف و یک اجازه هستند و الزامی برای اجرا ندارند؛ بنابراین در صورت کاهش یا افزایش قیمت نفت، به راحتی میتوان منابع و هزینه‌های بودجه را مدیریت کرد.

طیب‌نیا افزود: همین امسال حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان با منابع در نظر گرفته شده در سال ۹۳ تفاوت داریم. با این حال در حوزه هزینه‌های عمرانی و جاری تا امروز هیچ مشکلی بوجود نیامده است.

به گفته وی، دولت تا امروز ۲۳ هزار میلیارد تومان بابت هزینه‌های عمرانی در سال ۹۳ پرداخت کرده است البته در روزهای پایانی سال گذشته هم ۱۱ هزار میلیارد تومان برای هزینه‌های عمرانی به تصویب رسید که تخصیص آن به امسال موکول شد. بنابراین در سال ۹۳ تا امروز ۳۳ هزار میلیارد تومان عملکرد پرداخت هزینه‌های عمرانی داشته‌ایم که این یک موفقیت چشمگیر برای دولت محسوب می‌شود.

وزیر اقتصاد همچنین نسبت به افزایش منابع درآمدی دولت تا پایان امسال اظهار امیدواری کرد و افزود: این در حالی است که ۳۰ هزار میلیارد تومان از منابع پیش‌بینی شده در قانون بودجه ۹۳ تا امروز محقق نشده است.

وی ادامه داد: با این وجود تمامی یارانه‌های پیش‌بینی شده در قانون بودجه ۹۳ پرداخت شده و مدیریت منابع و هزینه‌ها صرفاً در حوزه‌های غیریارانه‌ای بوده است.

طیب‌نیا همچنین با اشاره به اعلام نرخ عیدی کارمندان دولت در امسال گفت: هنوز هیچ تصمیمی راجع به این رقم گرفته نشده است. وی با اشاره به پیش‌بینی خود از نرخ تورم تا پایان سال گفت: قطعاً نرخ تورم امسال تا پایان اسفند از رقم هدف گذاری کمتر است و بین ۱۶ تا ۱۷ درصد خواهد بود. همچنین امیدواریم نرخ ۴ درصدی رشد اقتصادی کشور در ۶ ماهه نخست امسال برای نیمه دوم سال هم ادامه یابد. وزیر اقتصاد در پاسخ سؤال خبرنگار ما در مورد برخورد دولت با موضوع حذف یارانه‌های افراد پردرآمد گفت: ما می توانیم افراد پردرآمد را شناسایی کنیم، ولی هرچه قدر حوزه شناسایی ما وسیع تر شود، به همان میزان خطای ما در تشخیص عادلانه افراد بیشتر خواهد شد. وی ادامه داد: اگر قرار بود که فقط ۵۰۰ هزار نفر از افراد جامعه را مورد شناسایی درآمدی قرار دهیم، مسلماً میزان خطای ما کم بود ولی وقتی قرار است ۱۰ میلیون نفر را شناسایی کنیم، خطای نوع اول و دوم ما زیاد می‌شود.

وی در مورد نرخ مالیات سال آینده گفت: دولت بنا ندارد برای سال آینده نرخ مالیات را تغییر دهد و از نمایندگان محترم مجلس هم می‌خواهیم در بررسی لایحه بودجه مالیات را افزایش ندهند. چرا که این افزایش به معنای تحمیل فشار اقتصادی بیشتر به مردم یا تحقق نیافتن منابع مالیاتی پیش‌بینی شده در بودجه است. با این حال پایه مالیاتی سال آینده به دلیل نرخ تورم ۱۶ تا ۱۷ درصدی و همچنین نرخ رشد تولید ۴ درصدی نسبت به امسال افزایش خواهد یافت. وزیر اقتصاد افزود: بنابر مصوبه قانون برنامه پنجم نرخ مالیات بر ارزش افزوده از ابتدای فروردین سال ۹۴ یک درصد افزایش می‌یابد.

تیم اقتصادی دولت مسائل و مشکلات نظام مالی و بانکی را بررسی می کند

سرویس اقتصادی ـ تیم اقتصادی دولت مرکب از وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و رئیس کل بانک مرکزی، برای نخستین بار در گفتگویی رودررو باهم مسائل و مشکلات نظام مالی و بانکی کشور را مورد کنکاش قرار می‌دهند. به گزارش خبرنگار اقتصادی اطلاعات قرار است این گفتگوی رودررو در هفته نخست بهمن و در جلسه نخست چهارمین همایش بانکداری الکترونیک و نظام‌های پرداخت انجام شود. دکتر فرهاد نیلی رئیس پژوهشکده پولی و بانکی به همراه ناصر حکیمی مدیرکل فناوری اطلاعات بانک مرکزی در نشست خبری اهداف برگزاری چهارمین همایش بانکداری الکترونیک و نظام‌های پرداخت را تشریح کردند. این همایش قرار است روزهای ششم و هفتم بهمن در سالن همایش‌های برج میلاد برگزار شود.

به گفته نیلی در نخستین روز همایش، ابتدا آقای برت کینگ نظریه‌پرداز مشهور بانکی از کشور استرالیا پیرامون جهانی شدن فناوری‌های مالی و تحولات بانکداری جهانی سخنرانی می‌کند.

وی تأکید کرد: این همایش سه ویژگی چشمگیر دارد که شامل تلاقی فناوری و بانکداری سنتی، بحث و گفتگو درباره چالش‌های نظام بانکداری الکترونیک و یافتن راه‌حل‌های مناسب به جای انجام یک سخنرانی و یافتن راهکارهای مناسب برای اجرای طرح کارت اعتباری جدید بانکی است.

رئیس پژوهشکده پولی و بانکی درباره توجه به جنبه‌های حقوقی بانکداری الکترونیک گفت: در این رابطه از سه حقوقدان برجسته بانکی از انگلیس دعوت شده تا در جلسات تخصصی و کارگاه‌های آموزشی، مسائل مربوط به امور حقوقی را برای مدیران عامل بانک‌ها تشریح کنند.

سپس ناصر حکیمی مدیرکل فناوری اطلاعات بانک مرکزی اظهار داشت: یکی از موضوعات مطرح در نظام پولی کشور این است که چرا بانک‌ها از مردم سپرده‌های خرد می گیرند، اما در دادن تسهیلات خرد، مردم با مشکل مواجه می‌شوند. برای حل این مشکل، طرح کارت جدید اعتباری تهیه شده که با توجه به مبانی فقهی و شرعی و براساس تجربه جهانی، دارنده این نوع کارت بتواند براساس امتیازاتی که دارد و نه براساس موجودی حساب بانکی خود، در هر زمان که نیازمند است، از بانک پول بگیرد. حکیمی اضافه کرد: هر فرد که امتیازات بیشتری از جمله خوش حسابی داشته باشد می تواند از مزایای بیشتری با کارت اعتباری برخوردار شود.

وی یادآور شد: دولت قبلاً تصویب کرده بود که بین ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون کارت اعتباری در نظام بانکی صادر شود در حالی که هم‌اکنون فقط ۲ میلیون کارت اعتباری داریم، باید بانک‌ها پشتیبان تأمین نیازهای مالی مردم باشند، لذا امسال فعالیت جدی و با برنامه برای توسعه صدور کارت‌های الکترونیک خواهیم داشت.

بانک صادرات برای جایگزینی ۶۰هزار تاکسی فرسوده تسهیلات می پردازد

بانک صادرات ایران با امضای تفاهم‌نامه با ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور با اعطای تسهیلات جایگزینی ۶۰ هزار دستگاه تاکسی فرسوده موافقت کرد. به گزارش روابط عمومی بانک صادرات ایران، این بانک با درک حساسیت‌های ویژه دولت تدبیر و امید نسبت به محیط زیست با هماهنگی مراکز اسقاط خودرو پلیس راهور ناجا با انعقاد تفاهم‌نامه با ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور در گام نخست اعطای تسهیلات بانکی به جایگزینی تعداد ۶۰ هزار دستگاه تاکسی فرسوده و از آبانماه ۱۳۹۳ عملیات اجرائی خود را از طریق واحد پروژه اعطای تسهیلات به ستاد سوخت و با همکاری این بانک در سراسر کشور را رسماً آغاز کرده است. براساس این گزارش، این بانک که همیشه نقش کلیدی و تعیین کننده‌ای در توسعه اقتصادی کشور داشته است، در جهت اجرای مفاد اصل ۵۰ قانون اساسی به‌منظور ارتقای سطح زندگی هموطنان عزیز، با عزمی راسخ نسبت به از رده خارج کردن خودروهای فرسوده گام‌های مؤثری برداشته و اقدامات چشمگیری را انجام داده است.

مادر سالم، نوزاد تندرست

درستی‌ها و نادرستی‌های تغذیه به‌ویژه در مورد مادران شیرده

*** دکتر امید خلعتبری راد ـ متخصص تغذیه: هر غذایی را نخورید و بجایش از خوراکی‌های ویتامین‌دار و طبیعی تغذیه کنید و در برنامه‌هایتان ویتامین ب و کلسیم را که به فراوانی در شیر وجود دارد، در جایگاه ویژه‌ای بنشانید**

*** مادران نباید چشم به راه بمانند که دچار تشنگی شوند. بهترین الگوی تغذیه‌ای آنان، جایگزینی همه میان‌وعده‌های خشک بی‌آب مانند بیسکویت، با میوه‌های شیرین آبدار مانند پرتقال است**

*** رضا حسینی ـ پزشک: یک تغذیه درست، سرشکن‌کردن میزان غذای ۳ وعده‌ای به ۶ وعده است**

*** نادرست است اگر مادران بیاندیشند که به دست آوردن کالری، تنها با روآوری به مصرف زیاد مواد شیرین امکان‌پذیر است، بلکه تغذیه ترکیبی کالری‌زا است**

*** بهترین چربی‌ها، روغن‌های مایع زیتون تصفیه‌نشده و خام، دانه‌های انگور، ذرت، سویا و اندکی کره خوب نگهداری شده است**

*** نباید تشنگی به آب را با چای رفع کرد و یا این نیاز را به گونه‌ای بی‌پاسخ گذاشت یا نسبت به آن، بی‌اعتنا بود. بدن انسان، آب را با شتاب مصرف می‌کند و پوست ما نیاز حیاتی به آب دارد**

*** در میان بهترین‌های غذایی، میوه‌های آبدار شیرین و شیر و نیز در بدترین‌ها، شیرینی‌های قنادی (آرد سفیدشده با مواد شیمیایی و دارای جوش‌شیرین) و نیز سوسیس و کالباس قرار دارد**

نوجوان اگر رویش نشود به مادر بگوید ـ یا گفتنش را گونه‌ای ناسپاسی به فداکاری‌های او بداند ـ بی‌گمان به خود خواهد گفت که اگر زمان کودکیم در تغذیه مادر، کلسیم کافی وجود داشت، اینک هم خود او از بافت استخوانی خوبی برخوردار بود و هم من دندان‌هایم به این زودی پوسیده نمی‌شد.

بی‌گمان استفاده از رژیم سخت‌گیرانه و همزمان درست مادران، آنان را توانا می‌سازد که کودک‌شان را از غذاهایی مفید تغذیه کنند و یا شیری به آنان بدهند که سرشار از ویتامین و کلسیم و املاح کانی و اسیدامینه است.

دکتر امید خلعتبری راد ـ متخصص تغذیه در گفت‌وشنود با روزنامه اطلاعات در این باره می‌گوید: همه مواد حیاتی مورد نیاز نوزادان در شیرخشک‌ها هم وجود دارد، ولی به شکل مصنوعی و شیمیایی. امروز ما مواد بسیار به ظاهر مفید را به شکل شیمیایی مصرف می‌کنیم که برای نمونه می‌توان از برخی غذاهای کودک که در آن‌ها به جای گیاه پیله‌ای وانیل، از اسانس زیانبار وانیلین استفاده می‌شود و یا به جای است (پودر فوری و طبیعی خمیرمایه)، بکینگ‌پودر شیمیایی به کار می‌رود (که زیانش کمتر از جوش‌شیرین نیست). همانگونه که در برخی نانوایی‌ها هنوز هم در نان مصرفی مردم جوش‌شیرین با خمیرترش مخلوط می‌شود؛ چون هنوز این باور به وجود نیامده است که جوش‌شیرین، بخش جدانشدنی از پخت نان نیست!

این متخصص تغذیه باور دارد، خانمی که بچه‌ای را در وجود خود پرورده و با شیره جانش او را تغذیه کرده است و سپس زایمانی را پشت سر گذاشته و اینک نیز گزینه‌اش به جای شیرخشک، شیر خودش است، باید دوران شیردهی را نه در یک بازه زمانی کوتاه، بلکه تا ۲ سالگی استمرار بخشد.

امید خلعتبری راد گوشزد می‌کند: شیر مادر، مناسب‌ترین و طبیعی‌ترین غذا برای نوزادان است و آنان را در برابر بیماری‌ها ایمن نگه می‌دارد؛ از این رو مادران، بیش از کودک خویش به رژیم طبیعت‌گرا نیاز دارند و هر غذایی را نباید بخورند و بجایش خوب است تا می‌توانند از غذاهای ویتامین‌دار و طبیعی تغذیه کنند و در برنامه‌هایشان ویتامین «ب» و کلیسم را که به فراوانی در شیر وجود دارد، در جایگاه ویژه‌ای بنشانند. این شیر می‌تواند از شیرخشک بی‌چربی و مخلوط با ماست کفیر شیرین در خانه غنی شود.

او می‌افزاید: می‌گوییم مخلوط شود، چون ماست، سبب تجزیه زودتر شیر و گوارش آن می‌شود و مشکل برخی خانم‌ها را که نمی‌توانند شیر را به آسانی گوارش کنند، حل می‌کند؛ و به سبب حجیم‌بودن، از پرخوری آنان جلوگیری می‌کند؛ اندکی پنیر کم‌نمک (پتاسیم جایگزین نمک) اگر فایده‌ای نداشته باشد (چون همه مواد باارزش پنیر با آبش دور ریخته می‌شود) بی‌زیان است.

بهترین غذای مکمل برای درمان کارنکردن شکم (یبوست)، سبوس گندم و یا جوانه گندم تازه است که ۵ دقیقه در آب آهک خانگی، قارچ‌کشی شده باشد؛ و نیز مخلوط کردن یکی دو قاشق سبوس برنج و سبوس گندم (نانوایی بربری) در یک لیوان آب گرم و خوردن آن پیش از صبحانه است و همچنین گنجاندن یک کاسه کوچک سالاد پیش از ناهار و شام. ۸ لیوان آب سردشده به روش طبیعی (نه یخچالی) نیز در روز جای خود دارد.

غذاهای ویژه

به سفارش دکتر خلعتبری راد، مادران شیرده بهتر است از غذاهای آهن‌دار و نان سبوس‌دار غافل نشوند و از همه گروه‌های غذایی بر پایه «الگوی مخروط» استفاده کنند؛ که گروه نان‌سبوسی و برنج قهوه‌ای (کته) در قاعده مخروط قرار دارد و تامین کننده پروتئین، آهن و ویتامین‌های گروه «ب» است.

گروه میوه و سبزی‌ها در ردیف دوم مخروط قرار دارند و تامین کننده ویتامین‌ها و مواد معدنی مورد نیاز بدن مادران است و بهترین‌شان پرتقال، سیب‌های سرخ و زرد، کیوی، گریپ فروت توسرخ و آب هویج است. بهتر است اگر پرتقال را آب می‌گیرند، بجایش سیب را با پوست بخورند.

این متخصص تغذیه یادآور می‌شود که تخم‌مرغ (غیر نیمرو)، دانه‌ها و مغزها (فندق خام، گردو، پسته‌خام) و گروه گوشت‌ها (قرمز، مرغ، بوقلمون، ماهی) در ردیف سوم قرار دارند، که تامین کننده پروتئین و آهن مورد نیاز بدن کودک است.

او باور دارد: مادری که بر آن است تا به نوزادش شیر بدهد، ریسک بزرگ ولی شیرینی می‌کند، چون تصمیم می‌گیرد به جای کارخانه شیرخشک‌سازی – که به مادران اطمینان می‌دهند با محصولات آنان آسوده‌خاطر باشند که کودک‌شان خوب تغذیه خواهد شد – باید به جای خوردن رازیانه، شیر را غذای پایه قرار دهند. زیرا سلول‌های شیری بدن‌شان، مدام در حال تولید شیر برای نوزاد است. نوع شیر نیز باید طبیعی و به روز و فرآوری‌نشده باشد. بهتر است مادران به جای شیر غنی‌شده، با مشورت پزشک خود از مولتی‌ویتامین‌ها استفاده کنند و یا شیر مصرفی خود را در خانه و در میکسر با شیرخشک تازه بزرگسالان بیامیزند.

الگوهای درست غذایی

به اعتقاد دکتر رضا حسینی، یک تغذیه درست، سرشکن‌کردن میزان غذای ۳ وعده‌ای به ٦ وعده است.

این متخصص تغذیه همچنین می‌گوید: نادرست است اگر مادران بیاندیشند که به دست آوردن کالری، تنها با روآوری به مصرف زیاد مواد شیرین است؛ بلکه تغذیه ترکیبی (پروتئین‌ها، کربوهیدرات‌ها و لبنیات) کالری‌زا است و می‌تواند خیال‌شان را آسوده کند. بهترین چربی‌ها، روغن‌های مایع زیتون تصفیه‌نشده و خام، دانه انگور، ذرت، سویا و اندکی کره (خوب نگهداری شده) است. در پایانه‌های شب نیز یک سیب سرخ یا زرد ـ که خوب جویده شود ـ یا یک پیاله ماست شیرین شده با عسل، می‌تواند به خواب خوش کمک کند؛ یا انواع مواد لبنی غیرفرآوری در ساعت ۱۰ بامداد، نیم‌ساعت پیش از ناهار، عصرانه و ۷ شب، مفید خواهد بود.

دکتر حسینی معتقد است که ادامه انواع تنبلی ما به غذاخوردن نیز کشیده می‌شود و آدم‌ها باوجود داشتن دندان، غذاها را خوب نمی‌جوند. به هر رو به باور این متخصص تغذیه، مادران نباید از بابت غذایی که مطمئن هستند طبیعی و سالم است، نگرانی داشته باشند.

او می‌گوید: یک مادر زبان و واکنش‌های نوزادش را بیش از دیگران درک می‌کند و می‌تواند به سفارش‌های غذایی نوزاد خود، از زبان خود او گوش فرادهد و برنامه غذایی خود را تنظیم و پیگیری کند.

او با بیان این که غذایی که ۲۵ تا ۳۰ بار خوب جویده و با آب دهان ممزوج شود، بادآور نخواهد بود، می‌افزاید: حتی اگر این غذاها از خانواده کلم و یا شلغم باشد، زیرا سیب درختی نیز اگر خوب جویده نشود، در دستگاه گوارش انسان معمولی، بادآور است، پس بهتر است در کنار این میوه‌ها و سبزی‌ها از آب آن‌ها نیز مصرف شود. مادران نگران مزه تند سیر هم نباشند و بهتر است سیر را نیز در ماست شیرین‌شده با شیره خرما یا عسل، رنده‌ریز کنند.

دکتر حسینی درباره روحیه‌دادن به خود می‌گوید: اگر مادرشدن زنی خودخواسته است، دیگر چه نیازی به عصبی‌بودن؟ و اگر هم ناخواسته است، هنگامی که کودک را به دنیا آورده است، می‌تواند شادی و دلخوشی را جایگزین اندوه کند و برای کودک خود، مهماندار خوبی باشد. شیردادن به کودک در فاصله‌های ۳ ساعته، استراحت نیمروز، خواب ۸ ساعته و به هنگام و پیش از ۱۲ شب، ماندن در اتاقی با دمای متعادل و تهویه خوب و دارای رطوبت، پرهیز از پرخوری در یک وعده غذایی، خوردن دمنوش‌های طبیعی (غیرکیسه‌ای) با عسل طبیعی و الویت‌دادن به غذاهای گیاهی به جای گوشت زیاد، سفارش‌های لازم برای مادران شیرده است.

آب فراوان به کنترل درآمده

به گفته دکتر خلعتبری راد، مادران شیرده نباید چشم به راه بمانند که دچار «دهیدراتاسیون» و تشنگی شوند. بهترین الگوی تغذیه‌ای آنان، جایگزینی همه میان‌وعده‌های خشک بی‌آب مانند بیسکویت، و با مواد شیرین آبدار مانند پرتقال است.

او با این سفارش که مادران نباید تشنگی به آب خود را با چای رفع کنند و یا این نیاز را به گونه‌ای بی‌پاسخ بگذارند، یا نسبت به آن بی‌اعتنا باشند، می‌افزاید: بدن انسان، آب بدن را با شتاب مصرف می‌کند. پوست ما نیاز حیاتی به آب دارد، اما همین آب زیاد، شیره دستگاه گوارش را رقیق می‌کند، بنابراین باید آب مصرفی را یک‌ساعت پیش از وعده‌های غذایی یا یک‌ساعت پس از غذا بنوشند. مادران شیرده به بیش از ۸ لیوان آب در روز نیاز دارند و هیچ چیز هم جای آب خالص طبیعی را نمی‌گیرد. البته آب مخلوط انواع میوه (پرتقال، هویج، لبو) می‌تواند هم آب بدن مادران را تامین کند و هم ویتامین‌های مورد نیاز آنان را. در حالی آب مصرفی مادر در فرایندی در بدن او به مصرف تولید شیر می‌رسد، که آب بیش از اندازه، از تولید شیر می‌کاهد.

بهترین و بدترین غذاها

در میان بهترین‌های غذایی، میوه‌های آبدار شیرین و شیر و نیز در بدترین‌ها شیرینی قنادی (آرد سفیدشده با مواد شیمیایی و دارای جوش‌شیرین) و نیز سوسیس و کالباس قرار دارد.

سخن دکتر امید خلعتبری راد این گونه ادامه می‌یابد: تغذیه نادرست مادر ممکن است خود را در کودکی و نوجوانی فرزند نشان ندهد، ولی در جوانی برای نمونه در ناحیه پا بروز خواهد کرد که بسیار دیر خواهد بود. از این رو مادران اگر پیش از زایمان، سیگار می‌کشیدند، اینک تا پایان شیردهی باید آن را به کل کنار بگذارند. البته برخی پزشکان بر این باورند که راه آسان‌تر این است که کشیدن سیگار با زمان شیردهی، همزمان و نزدیک نباشد، ولی تجربه نشان داده است که برخی نوزادان، زمان جدول‌بندی شده برای درخواست شیر ندارند و همیشه برای نمونه، در ساعت ۱۲ ظهر، با گریه نوزاد درخواست شیر نمی‌کنند و یا اگر فاصله ۳ ساعته در شیردادن در برنامه است، رعایت ایجاد فاصله کشیدن سیگار با دادن شیر، برای مادر شدنی نیست یا بسیار سخت است، و نتیجه این که مادران حداقل تا ۲ سال برای نوزاد خود سیگار نکشند.

خلعتبری راد می‌افزاید: تنتورها، ید نمک یددار، ضد یبوست‌ها، آنتی بیوتیک‌ها، انواع داروها و الکل نیز با شیر از بدن مادر می‌تواند به بدن نوزاد راه بیابد و رشد بدنی و مغزی او را مختل کند.

به گفته دکتر خلعتبری، داروهای مجاز، آن‌هایی است که متخصصان نوزادان و تغذیه سفارش می‌کنند و می‌تواند شامل اسید فولیک باشد، که می‌توان در کنار آن از اسید فولیک‌های طبیعی (کلم چینی، ذرت، نخودها، اسفناج، جوانه گندم خانگی و آب پرتقال) هم مصرف کرد. به سبب آبیاری فاضلابی کشتزارهای سبزی، بهتر است بیشتر، میوه‌ها جایگزین مصرف سبزی‌های بوته‌ای شود.

این متخصص تغذیه باور دارد که «زینک» را نیز می‌توان از جوانه گندم خانگی، جو دوسر (که خود می‌شویید و در خانه آسیاب می‌کنید)، تخم مرغ آبپز (سیاه‌نشده) و نیز آرد سبوسی دریافت کرد.

خلعتبری همچنین معتقد است: در رژیم مادران شیرده، جایی برای خامه شیرین و شیرینی قنادیها و قهوه (حتی نسکافه)، شکلات‌های کارخانه‌ای (حتی تلخ و سیاه)، نوشابه‌های گازدار و دوغ (که پرنمک است) و غذاهای آماده و مواد کارخانه‌ای پروتئینی (سوسیس/ کالباس) وجود ندارد.

برنامه دایمی نرمش

مادران می‌توانند با کودک خود به پیاده‌روی بروند، یا به نرمش سبک و یوگا بپردازند.

روزها نیز از ساعت ۹ تا ۱۰ با قراردادن دست یا پای خود جلوی نور مستقیم خورشید، تا ۲۰ دقیقه در روز، به جذب ویتامین D مورد نیاز بدن خود کمک کنند.

رضا حسینی ـ پزشک در این باره می‌گوید: با این که در وضعیت عادی ورزش‌های سنگین برای خانم‌ها زیانبار است، گریز از ورزش توجیه‌پذیر نیست؛ و مادران دارای نوزاد می‌توانند به ورزش‌های سبک بپردازند، که سبب افزایش توان آنان و کاهش استرس می‌شود و از افسردگی‌های پس از زایمان می‌کاهد.

او معتقد است: برای بالارفتن روحیه مادران، خوب است آنان هنگامی که کودک در کنارشان و در سایه آفتاب قرار دارد، صبحانه خود را زیر نور خورشید میل کنند، با توجه به این که ۱۵ دقیقه نور خورشید در ساعت ۹ بامداد برای آنان بسیار مفید است.

او با این یادآوری که نرمش‌های روزانه، هورمونی را در بدن آزاد می‌کند که سبب شادی می‌شود، می‌افزاید: از این رو نرمش‌های روزانه از هر دارویی برای درمان افسردگی مفیدتر است. در حقیقت، نرمش یک روز در میان، در هوای آزاد به مادر آرامش روحی می‌بخشد؛ و در این میان، نرمش ساده یوگا بهترین است و سبب می‌شود که غده متابولیزم بدن تحریک شود و جریان خون برای تولید شیر بهتر، روان‌تر شود و مغز در راحت‌باشی فزون‌تر به کار خود ادامه دهد. بدن ما نیاز دارد که برای سرویس‌دهی، به آن کمک کنیم. این نرمش روزانه اگر در برابر کودک انجام گیرد، اثر خوبش را به کودک نیز خواهد بخشید؛ بنابراین ترس از بردن کودک به هوای آزاد –هنگامی که هوا خوب است– بی‌مورد است.

حسینی می‌گوید: مادران توجه داشته باشند که تنها ورزش‌های شدید و سنگین، سبب پیدایش اسید لاکتیک در شیر می‌شود، مزه آن را تغییر می‌دهد و از رغبت کودک به نوشیدن شیر می‌کاهد.

زمانی برای رژیم

بسیاری از خانم‌های باردار، پس از پشت‌سرگذاردن دوران بارداری و زایمان از اضافه‌وزن خود شکایت دارند و می‌خواهند که چربی و بار زیادی را به هر روشی کم کنند.

ولی بهتر است مادران تا ٦ ماهگی فرزند خود، چندان به فکر گرفتن رژیم‌های لاغری نباشند. اگر خانمی پس از زایمان خود، بیش از اندازه چاق است، باید یک رژیم لاغری تحت‌نظر و بسیار ملایم و کنترل‌شده در پیش گیرد؛ و آنگاه پس از یک‌سالگی نوزادشان می‌توانند با اندیشه آسوده‌تری رژیم لاغری بگیرند. البته رژیم لاغری در همه مادران شیرده، باید با سفارش‌های متخصص تغذیه همراه باشد.

دکتر رضا حسینی در این باره می‌گوید: مادران شیرده برای رهبانی از تندرستی خود و فرزندشان، باید دور رژیم‌های سخت، سنگین و خودسرانه را خط بکشند. این مادران می‌توانند در نهایت، ماهی ۲ کیلوگرم، آن هم پس از یک‌سالی نوزاد خود، وزن پایین بیاورند.

او با این یادآوری که مادران باید توجه کنند که مصرف گروهی از مواد غذایی در دوران شیردادن، نه‌تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه زیاد هم می‌شود، می‌افزاید: برای نمونه، خانم‌هایی که پیش از بارداری رژیم کاهش وزن داشتند، اینک نباید مصرف پروتئین‌های روزانه‌شان را کم کنند، بلکه باید با سفارش متخصص تغذیه خود، حجم و کیفیت پروتئین‌های دریافتی‌شان را بالا ببرند.

از دیگرسو، مادران شیرده، خوب است که مصرف میوه‌ها، سبزی‌ها، شیر و لبنیات را نیز در برنامه غذایی خود به مقدار زیادتر بگنجانند. حذف ناگهانی برخی از گروه‌های غذایی مانند نان، پروتئین‌ها یا حتی روغن‌ها از رژیم غذایی مادران شیرده، سفارش نمی‌شود.

ع.درویشی

جدول ۲۲۴۶۴

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱ – دو عامل سلامتی و خلاق تر بودن
۲ – شهر مهم سوئیس – افسر ارتش
۳ – داخل – صنعت ماهیگیری و تاسیسات مربوط به آن – مقابل گرم – ناپسند
۴ – بریدن شاخه های اضافه درخت – گریز غریزی – مقابل نیکی – لقب شیطان
۵ – نام ها – حمام سبک قدیم – ساختمان مرتفع
۶ – کشور آفریقایی همسایه الجزایر و نیجر – نوین – بندر بلغارستان
۷ – نام گلی – پایین کوه – کمربند طبی
۸ – حومه تهران – پرنده ای سیاه و خوش آواز
۹ – ناخن ستور – مدیریت ، مهتری – ایما
۱۰ – علامت صدای (ن) درقرآن مجید – شهر کرمان – ازنوشت افزار
۱۱ – میوه چند رنگ – شهر خوزستان – کلاس سواد آموزی
۱۲ – دزد – قطب مثبت – صنم – بعد از موعد
۱۳ – همگی – هستی و وجود – نوازش – درهم پیچیدن
۱۴ – لقب ها – شهری در استان اصفهان
۱۵ – از حد معین پیش تر رفتن

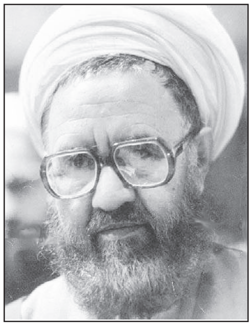
عمودی:

۱ – از تیم های فوتبال انگلیس – گوشی پزشکی
۲ – کاخ و شهری در فرانسه – شیوه
۳ – نگاه خیره – سر کرده ، رئیس لشکر – خطی در دایره – حرف انگلیسی
۴ – شهر مقبره دانیال نبی – از رودهای پر آب امریکا – پیش از این
۵ – نوعی قطع کتاب – شهر پیامبر(ص) – احسان ماندگار
۶ – دردمندی – تفریق – مجبور شده
۷ – بی نیازی – عارض و چهره – نام دخترانه – حرف همراهی
۸ – بیماری ویروسی ویژه مناطق گرمسیری – تا کردن ، خم کردن کاغذ یا پارچه
۹ – بله انگلیسی – مولد الکتریسیته – کلمه شگفتی – پسوند شباهت
۱۰ – شهری در کرمانشاه – طرف شور و رایزنی – آواز بلند
۱۱ – دانه کش بی آزار – فیلتر هوا – گرفتن
۱۲ – کمیاب – هر یک از ساختمان های درون سلول که عملکرد خاصی دارند – دیوار بلند
۱۳ – اشاره دور– شاخه ای از ریاضیات – ماه وسط تابستان – مرتجع لاستیکی
۱۴ – مات – برادر قابیل
۱۵ – از رنگ های ترکیبی، بنفش مایل به سیاه – فرار کردن

حل جدول ۲۲۴۶۳

بردگی در اسلام

استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری بخش نخست



اشاره: از استاد شهید، مرحوم آیت‌الله مرتضی مطهری آثار متعدد ارزشمندی به جا مانده که با گذشت سی‌وپنج سال از تاریخ شهادتش، هنوز مشتاقان را بر خوان گستردهٔ دانش خویش میهمان می‌کند. از آن جمله است متن حاضر که به تازگی چاپ شده و با عنایت «انتشارات صدرا» در اختیار ما قرار گرفته است. در مقدمه ناشر می‌خوانیم:

«بردگی در اسلام» عنوان پنج جلسه سخنرانی و پرسش و پاسخ استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری در جلسات بحث و انتقاد انجمن اسلامی پزشکان در بهار و تابستان سال ۱۳٤٦ش بوده است. متأسفانه نوار جلسه دوم این جلسات در دست نیست و از جلسه اول نیز فقط متنی که یکی از حضار در همان‌زمان در اختیار استاد شهید قرار داده موجود بود که طبعاً امکان‌مطابقت با نوار سخنرانی وجود نداشت و صرفاً آن متن تنظیم گردید. در این کتاب مانند سایر آثار آن متفکر شهید مباحث زنده ومطرحی مورد بحث و انتقاد قرار گرفته و گویی برای امروز بیان‌شده است و به تعبیر امام خمینی(ره) برای عارف و عامی سودمندو فرحزاست.

نکته‌ای که باید بیاموزیم، روش استاد مطهری در این گونه مباحث است که چگونه از سؤالات و انتقادات گاهی تند استقبال می‌کند و حتی مستمع را به سؤال و انتقاد ترغیب می‌نماید؛ به طوری که هر ناظری به خوبی احساس می‌کند که ایشان دنبال کشف حقیقت است و به تعبیر خود آن شهید روح علمی وانصاف در قضاوت دارد.

بخش دوم و آخر کتاب را یادداشتهای آن استاد شهید دربارهٔ‌بردگی تشکیل می‌دهد که علاوه بر این که می‌تواند به درک بهتر مباحث بخش اول کمک کند، به کار اهل تحقیق نیز می‌آید. جالب است که در این یادداشتها استاد مطهری ترتیب وعناوین ابواب کتابی را که خود می‌خواستند به نام «بردگی دراسلام» منتشر کنند به شرح ذیل آورده‌اند:

«مسائل کتاب بردگی در اسلام: مقدمه

بخش اول: تاریخچه بردگی در میان ملل گوناگون جهان

بخش دوم: علل و موجبات بردگی

بخش سوم: اوضاع بردگان در جهان قدیم

بخش چهارم: چرا بردگی محکوم است، فلسفه آزادی وغیر انسانی بودن و ضد عقل بودن بردگی، بحثی در اعلامیه‌های‌حقوق بشر و فلسفه آزادی و تاریخچه الغاء بردگی در عصر حاضر

بخش پنجم: بردگی در اسلام

بخش ششم: بردگی بعد از الغاء بردگی، مشتمل بر بحث ازماهیت نفاق و دورویی و اینکه پدیده عصر ماست و اینکه بردگی‌عصر حاضر به چه شکل و زیر چه نامی است، مخصوصاً وضع‌سیاهان آمریکا و وضع مستعمرات و اینکه سازمان ملل برای‌تحکیم بردگی ملل عقب نگه داشته شده است یا برای آزادی آنها.»

تنظیم و ویرایش علمی این مباحث توسط آقای دکتر علی‌مطهری، عضو هیأت علمی گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشکده‌الهیات دانشگاه تهران، انجام شده‌است. از خدای متعال توفیق بیشتر در نشر آثار آن به تعبیر امام‌خمینی متفکر و فیلسوف و فقیه عالی‌مقام و اسلام‌شناس عظیم‌الشأن را مسئلت می‌کنیم.

***

ریشه آزادی انسان[1]

بحث امروز ما درباره بردگی است. یکی از مسائلی که در عصر ما مطرح است نه از جنبه عمل بلکه از جنبه نظر، موضوع بردگی در اسلام است. اما اینکه از جنبه عمل مطرح نیست، چون از نظر عملی ملغی است و در دنیا مورد ندارد؛ ولی از جنبه نظر مطرح است چون مسئله بردگی که در اسلام بوده است، سؤال زیاد به وجود آورده است: چرا اسلام بردگی را تصویب‌کرده و الغاء نکرده است؟ این «چرا» باید تحلیل شود. «چرا الغاء نکرد»، یعنی این موضوع باید الغاء بشود و خلاف آن صحیح نیست. باید جنبه‌منطقی به اشکال بدهیم: بردگی ظلم است و تصویب آن، ظلم را تصویب می‌کند و این با قوانین اسلام که مدعی است طرفدار عدل است و می‌گوید **«انّ الله یأمرُ بالعدل»** خداوند فرمانی که می‌دهد بر مبنای عدالت است وخداوند عادل است و قانونی که وضع می‌کند عادلانه است، جور درنمی‌آید. این اشکال طور دیگری نیز مطرح می‌شود و آن این است: لازمه بردگی این است که بشر کالا باشد و این برخلاف حیثیت بشری است. و گاه به تعبیر دیگر می‌گویند که بردگی استثمار بشری توسط بشردیگر است. این خلاصه اشکالات است.

البته اشکال روشنی است و به اصطلاح قدری هم چسبنده است. ازآن وقت که حقوق بشر قدری شناخته و طرح شد، به این نکته پی بردند که بشر حقوقی دارد که طبیعت به او داده است و حقوق طبیعی قابل سلب نیست؛ مثلاً در «اعلامیه جهانی حقوق بشر» اولین ماده راجع به آزادی است که بشر آزاد آفریده شده‌است؛ بشر آزاد به دنیا می‌آید، آزاد باید زندگی کند و آزاد باید بمیرد و هیچ قدرتی حتی خودش نمی‌تواند این حق را از او سلب کند.

این به عنوان یک مسئله فقهی مطرح می‌شود: آیاجایز است شخصی آزادی را از خودش سلب کند و خود را بنده دیگری‌نماید اعم از اینکه پول بگیرد یا نگیرد؟ مسلماً جایز نیست. نویسندگان‌اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گویند مقصود این نیست که بعد از آنکه‌برده آزاد شد بتواند خودش را برده دیگری کند، بلکه بشر آزاد آفریده‌شده و چون آزاد آفریده شده است، نه خودش و نه دیگری نمی‌تواند او را برده قرار دهد. به عبارت دیگر بحث ما به آزادی برمی‌گردد؛ یعنی از نظر فلسفی باید جستجو کنیم که بشر آزاد آفریده شده است.

نظر ارسطو درباره بردگی

نقطه مقابل این نظر، افکاری است که از بعضی و ابتدا از ارسطو ذکر شده‌است. او معتقد است که بشر متفاوت آفریده شده است، بعضی آزاد و آقا آفریده شده‌اند و بعضی بنده. مدعی بود که اصولاً نوع خلقت انسانها متفاوت‌است و خیلی هم نمی‌توان نسبت به این مسئله استبعادکرد. می‌گوید شما چرا بین انسان و حیوان اختلاف قائل هستید؟ چرابرای حیوانات آزادی قائل نیستید؟ حیوان جاندار است، انسان هم‌جاندار است. حیوان هم لذت و الم و درد و رنج سرش می‌شود. چرا نسبت به آنها نمی‌گویید که آزاد باشند و بشر حق استفاده از آنها را ندارد که آنها را در یوغ مملوکیت خود درآورد. ناچار خواهید گفت درست است که آنها زنده و جاندار هستند، ولی درک و احساسات حیوانات با انسان متفاوت است؛ یعنی مملوکیت حیوان منافی با خلقت حیوان‌نیست. اسبی که صاحب و مالک داشته باشد و مالک حقوق او را بدهد،علوفه بدهد، اگر مریض شد معالجه کند و در حدود توانایی حیوان و نه مافوق توانایی از او بارکشی کند و سواری بگیرد، این برخلاف مصالح‌حیوان نیست. پشت این حیوان برای سواری ساخته شده است؛ چه اشکالی دارد که این عمل انجام شود؟

چه اشکالی دارد که افراد انسان‌برحسب نژادهای مختلف و منطق‌های مختلف،[2] به طور مختلف آفریده شده باشند؟ بعضی از نژادها به قول او یونانیها اهل فکر هستند، آنها باید فکر کنند و تحصیل کنند و برعکس، قومی هستند که اهل این حرفهانیستند، باید کار کنند. نژادی که نژاد آقا هست باید نژاد دیگر را مالک‌بشود و حقوق آنها را بپردازد.

ارسطو برای این موضوع یک ریشه فلسفی بر اساس اختلاف نژادها و اختلاف زبان قائل است و معتقد است اصلاً بشر دارای جنس «برده» و «آقا»ست. بوعلی سینا در «شفا» نظری نظیر همین دارد و معتقد است افراد بشر متساوی نیستند و بعضی افراد صلاحیت برای بردگی دارند.

موجب بردگی از نظر اسلام

مسلم در اسلام چنین اصلی بر این مبنا که مردم دوجنسی شناخته شده باشند که مثلاً سفیدپوست آقا و سیاه‌پوست برده باشد و یا مردم این طرف دنیا آقا و آن طرف برده باشند، نداریم و بالعکس خلاف آن را داریم و اسلام بین افراد مردم تفاوتی قائل نشده است. پس این اساس فلسفی‌مورد قبول نیست و آنچه در اسلام مبنای بردگی و مورد قبول است و بیش‌از آن مورد قبول واقع نشده است، در مورد اسیران جنگی است که جایز شمرده است که از اسیران جنگی برده گرفته شود، آنهم با توجه به اینکه جنگ در اسلام ریشه فکری و عقیده‌ای دارد و ریشه سیاسی و اقتصادی ندارد؛ و در این مورد هم «جایز» شمرده، نه اینکه «واجب» شمرده باشد.

می‌دانیم اسلام همزیستی با معتقدین به ادیان را گرچه ریشه‌توحیدی آنها آلودگی دارد جایز می‌داند. و غیر معتقدین به ادیان هم دوگونه‌اند: یکی اینکه مشرک‌اند، مثلاً بت‌پرست‌اند و اعتقاد به غیرخدا دارند که اسلام حق حیات برای آنها قائل نیست. دسته دیگر کسانی هستند که ملحدند و اصولاً پرستش را قبول ندارند، اعم از پرستش خدا یا غیر خدا؛ و من ندیدم که در جایی بحث بشود که آیا بین کسانی که ملحدند و هیچ گونه پرستشی در آنها وجود ندارد، با آنها که غیر خدا را می‌پرستند، اختلافی هست یا نه. باید بحث بشود که آیا بین آنها که غیرخدا را می‌پرستند با آنها که اصولاً پرستش را منکرند اختلافی هست یا خیر. من فعلاً راجع به این موضوع اظهارنظر نمی‌کنم؛ ولی روی این نظر تردید دارم که این دو دسته مساوی باشند.

ادامه دارد

پی‌نوشتها:

۱.[از این جلسه فقط متنی که یکی ازحضار در اختیار استاد شهید قرار داده بود وجود داشت و نوار سخنرانی موجودنیست. لذااگر احیاناً در موردی احساس نارسایی می‌شد امکان مراجعه به نواروجود نداشت.]

۲) [یعنی زبانهای مختلف]

خلوت انس

مرحوم استاد مشفق کاشانی در نگاه شاعران معاصر بخش اول



اشاره: از مجموعهٔ آثار ادبی انتشارات اطلاعات، چاپ و پخش کتاب سه جلدی «خلوت انس» است که حاوی اخوانیات مرحوم استاد مشفق کاشانی با شاعران معاصر است که پس از نشر مورد استقبال شاعران قرار گرفت. از آنجا که زندگینامهٔ مختصر مرحوم استاد به قلم خودشان در آغاز نوشتار زیر آمده، از توضیح بیشتر می‌پرهیزیم و تنها یادآور می‌شویم که آن استاد توانای خوشخو و راهنمای شاعران جوان، روز گذشته به سرای باقی رفت. یاد و نامش گرامی باد. آنچه در پی می‌آید، گزیده‌هایی پراکنده و تلخیص‌شده از آن کتاب است که تا حدودی جایگاه «مشفق» را در چشم شاعران نشان می‌دهد.

***

اندیشهٔ تهیه و تدوین و چاپ **خلوت انس** هنگامی شکل گرفت که من در زادگاه خود در آغاز کار شاعری با زنده‌یاد «سهراب سپهری» اخوانیه‌هایی با شاعران آن سامان رد و بدل می‌کردیم و بعدها که سپهری برای ادامهٔ تحصیل به تهران سفر کرد و من در سال ۱۳۳۳ راهی تهران شدم، به مناسبت‌هایی با آشنایی با شاعران و هنرمندان معروف معاصر همان طور که روال کار هنرمندان و شاعران از قدیم‌الایام بوده است این مکاتبات شاعرانه ادامه پیدا کرد.

بارهامی‌اندیشیدم که مجموعهٔ این یادها و یادبودها را که حاوی شادیها و غمها و تا حدودی سرگذشت و مسیر زندگانی گویندگان صاحب اثر و شکر و شکایتهاست، به دست چاپ بسپارم، ولی گرفتاریهای روزمرّه مانعی بود بر سر این راه، خاصه آنکه در نظر داشتم اگر اخوانیه‌ای در مجموعه چاپ می‌شود، برای اینکه خواننده با آثار و شرح حال شاعر آشنا شود، شرح حال و چند اثر نیز از شاعر آورده شود و به همین منظور از شاعرانی که با من ارتباط شاعرانه و پیوند دوستی داشتند، خواستم تا شرح زندگانی خویش را خود بنویسند با آثاری از خود...

آنچه را خود من درطول سالیان دراز سروده‌ام، بدون اینکه در آن تجدید نظر کنم، در این مجموعه آورده‌ام تا خواننده مسیری را که من طی کرده‌ام، باعنایت به شعرهای اوایل کار شاعری و امروز دریابد، گرچه در این راه پرپیچ‌و خم هنوز خود را کودکی نوپا می‌دانم که تازه قدم در راه گذارده است...

از مواردی که می‌توانم برآن تکیه کنم، امتیاز این مجموعه است نسبت به سایر تذکره‌های شعر معاصر، بدین‌معنی که پاره‌ای از شرح حالها به خامهٔ خود شاعران است و آنچه من نوشته‌ام، تلخیصی است از نوشتهٔ خود شاعران و بنابراین می‌توان آن را **مستندترین تذکرهٔ شعر** به حساب آورد. از نکات دیگر اینکه اخوانیه‌ها با شرح حال و آثار شاعران درآمیخته است و از این نظر کاری است درخور توجه، ابتکاری و بدیع.

و اما **شرح حال من**: نام: عباس. نام خانوادگی: کی‌منش معروف به «مشفق کاشانی»، تولد: سال اول مرداد ۱۳۰٤ شمسی، کاشان. تحصیلات: فوق‌لیسانس. مجموعه شعرها و کارهای تحقیقاتی که تاکنون از من انتشار یافته است:

۱ تضمین ۱۲ بند محتشم کاشانی به نام «صلای غم»، چاپ اول سال ۱۳۲۳، کتابفروشی اسلامیه.

۲ مثنوی شباهنگ، سال ۱۳۲۳، کتابفروشی سعادت، کاشان

۳ خاطرات، سال ۱۳۲٦، کتابفروشی سعادت، کاشان

٤ سرود زندگی، سال ۱۳٤۱، انتشارات زوّار

۵ شراب آفتاب، سال ۱۳٤۲، انتشارات زوّار

٦ آذرخش، گزینهٔ آثار، سال ۱۳٦۵، انتشارات کیهان

۷ دیوان حاج سلیمان صباحی بیدگلی با همکاری شادروان حسین پرتو بیضائی، سال ۱۳۳۸، انتشارات زوّار

۸ سه مجموعهٔ شعر در طول جنگ با همکاری استاد محمود شاهرخی «جذبه» و شاعر توانمند حسین لاهوتی «صفا» از انتشارات وزارت ارشاد اسلامی و مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر از شاعران معاصر.

۹ مجموعهٔ شعر «نقشبندان غزل» شامل غزلیات شاعران معاصر، انتشارات بنیاد ۱۵خرداد، سال ۱۳٦۵

۱۰ مجموعهٔ شعر پرتوی از انوار ۱۵ خرداد سال ۱۳٦۵ فراهم آورده‌ای از شاعران معاصر، انتشارات بنیاد ۱۵ خرداد، سال ۱۳٦۵

۱۱ مجموعهٔ شعر دیگری از شاعران معاصر، انتشارات بنیاد شهید، با همکاری استاد محمود شاهرخی (جذبه)، سال ۱۳٦۵

۱۲ مجموعهٔ شعر «کعبهٔ خونین» از شاعران معاصر، انتشارات سروش با همکاری استاد محمود شاهرخی، سال ۱۳٦۸.

۱۳ مجموعهٔ زیباترین شعرهای فارسی از شاعران گذشته و معاصر به نام: سیمای محمد(ص) در آینهٔ شعر فارسی با همکاری استاد محمود شاهرخی.

۱٤ مجموعهٔ زیباترین شعرهای فارسی از شاعران معاصر و گذشته به نام: «سیمای علی(ع) در آیینه شعر فارسی» وسیلهٔ انتشارات ادارهٔ کل اوقاف با همکاری استاد محمود شاهرخی.

* * *

مهدی اخوان ثالث (امید)

مهدی اخوان ثالث «امید» شاعر نامدار معاصر به سال ۱۳۰۸ در شهر مقدس مشهد چشم به جهان گشود. هنگامی که در مشهد اقامت داشت، با راه یافتن به انجمن ادبی استاد فقید محمود فرخ خراسانی، ضمن تحقیق و مطالعهٔ مداوم در ادب غنی فارسی، به هنر شاعری پرداخت. مسافرت و انتقال او به تهران با زمانی مصادف بود که «نیما» تازه داشت

*** مهرداد اوستا: دریغا که مردمی دیر سالی است رخت بربسته، آنچنان که اگر در این خشکسال کرامت، گلی شکفته یابی، جای بسی شگفتی است! «مشفق» یک استثنای تردیدشکن است، در روزگاری که همه چیز داریم، به جز آن فضیلت را که باید داشته باشیم**

نظریات خود را با نمونهٔ آثارش در معرض افکار عمومی قرار می‌داد. اخوان با شاعرانی دیگر با آشنایی با نیما بدو گروید و با توجه به اندوخته‌هایی که از شعر کهن فارسی داشت، به ترویج و نشر آثار او پرداخت. وی سرانجام در چهارم شهریور ۱۳٦۹، روی در نقاب خاک کشید و در جوار آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی به خاک سپرده شد. خطاب به مشفق کاشانی گوید:

همین از غم نه تنها چشم خون‌پالای من گرید
که همچون نخل باران‌خورده سر تا پای من گرید
نه چون شمعم که شب گرید، ولی آرام گیرد روز
که چشمم شب به روز و روز بر شبهای من گرید
مگر ابر بهار امشب غمی چون من به دل دارد
که می‌خواهد بدین سان تا سحر همپای من گرید
دو چشمم خشک شد امروز، از بس گریه بر دیروز
دگر امشب کدامین چشم بر فردای من گرید؟!
اجل خندان رسید و اشک‌ریزان رفت و بخشودم
فغان کاین دزد هم بر پوچی کالای من گرید
گریبان می‌درد با برق ابر و گرید از حسرت
که نتواند به قدر دامن دریای من گرید
«امید» این غم مگر «مشفق»[1] دهد تسکین که می‌بیند
همین از غم نه تنها چشم خون‌پالای من گرید
تهران، اردیبهشت ۱۳٤۵

مهرداد اوستا

مهرداد اوستا در سال ۱۳۰۸ در شهر بروجرد زاده شد. با اینکه طبعش بیشتر به قصیده‌سرایی متمایل بود، در سایر زمینه‌های شعر همانند غزل، مثنوی، دوبیتی‌های پیوسته، رباعی و غیره نیز استادی بود مسلم، قصاید او با آثار ناصرخسرو، خاقانی، مسعود سعد پهلو می‌زند؛ ولی از نظر اندیشه، آینه زمان و ترکیبات و استعارات تازه و بدیع در آثارش موج می‌زند. او سالها در دانشکدهٔ هنرهای هنرهای زیبا به‌تدریس زیبایی‌شناسی و فلسفهٔ هنر و ادبیات دراماتیک و نقد تاریخ هنر اشتغال داشت و در سال ۱۳۷۰ جهان ناپایدار را وانهاد. در سال ۱۳٤۰ که در بیمارستان سرخه‌حصار بستری شد، قطعهٔ غرّای «طبع طوفانی» را برای من بنده سرود که متقابلاً شعر «مهر دوست» را ساختم و تقدیم حضورش کردم و این است آن دو اثر که نشانی از محبت و احساس و برادری است:

ای بزرگ اوستاد، ای مشفق
که یکی چون تو معنی‌آرا نیست
سر برآرد ز گنج خاطر تو
گوهرانی، کجاش همتا نیست
طبع طوفانی گهرخیزت
هست دریا اگرچه دریا نیست
هست دریا، ولیک دریایی
که مر او را کرانه پیدا نیست
این چنینی و نیز شب‌پره را
چشم دیدار مهر رخشا نیست
مهر چون سر برآوَرد، پرتو
کرم شب‌تاب را هویدا نیست
غرچهٔ گول را خبر هرگز
از هنرمند مرد دانا نیست
آسمان عرصهٔ شکار هماست
عرصهٔ بوم شوم دروا نیست
که برازندهٔ چنین تشریف
هر بداندام پست‌بالا نیست
خود نیارد شناخت طبع تو را
گوهر آن که چون تو والا نیست
وانکه مشفق ندانَدت، بهره
خود ز شفقت نهاد او را نیست
که سرشته‌ست با نهاد تو مهر
چه کنم گر حسود بینا نیست؟
تو همی تاب زآنکه پروایی
ماه را از سگ بدآوا نیست
گر «اوستا» نه اُوستا باشد
چامه‌پرداز طوس اُستا نیست
کیست چونان که او به چامه، اگر
اوستادسخن، اوستا نیست؟
چه غم ار بود نارواش سخن
بی‌هنر را به گفته پروا نیست
آن که ناورد یک سخن سَخته
بهْ از اینم از او تمنا نیست
گاو سحرآفرین شود آنجا
که فروزنده کفّ موسی نیست
چو نیارد به شعر و حکمت راه
هَمْش پروای پور سینا نیست
به مدیح تو سرفرازم زانک
مدح آزادگان تبرّا نیست
گلشن علم را صفا تا هست
مزرع جهل را نوا، تا نیست
باد چون سرو، سربلندت نام
که مرا بیش ازین تمنا نیست
سرخه‌حصار، ۱۳٤۰/۱۰/۱

و این هم سخنی دربارهٔ مشفق کاشانی از مهرداد اوستا: «...مشفق ما نیز، یک استثناء تردیدشکن است، در چنین روزگاری که همه چیز داریم، به جز آن فضیلت را که باید داشته باشیم»:

گفتمی مام مروت شد عقیم
گر نه همچون تو یکی فرزند داشت
گفتمی بخت جوانمردی بخفت
گرنه با تو آسمان پیوند داشت
گفتمی شاخ کرامت خشک ماند
گرنه چون تو نخل شهدآکند داشت
گفتمی انصاف را گوهر شکست
گر نه مانند توئی دلبند داشت
آفتاب پارسی را بُد زوال
گرنه چون تو صبح شکرخند داشت
قحط سال مردمی شد «مشفقا»
چون تو روشن گوهری هرچند داشت
تو گلی تنها در این سوزان کویر
گر «اوستا» با تو دل خرسند داشت
گر به زهر نابکامی دل بسوخت
با سخنهای تو کامم قند داشت
تیرماه ۱۳٤۹

بیژن ترقی

از کودکی گوش جانش با نوای شعرای بزرگی نظیر بهار، شهریار، امیری فیروزکوهی، نیما، رهی معیری، پرتو بیضائی و گروه زیادی از سخنوران عصر آشنا شد و مایه اندوخت. از کارهای اوست: گردآوری دیوان صائب و کلیم کاشانی و تصحیح دیوان حزین لاهیجی و سروده‌ها و ترانه‌های بسیار. خطاب به مشفق کاشانی گوید:[2]

چو جام می، دل در خون نشسته‌ای دارم
که باده‌ای به سبوی شکسته‌ای دارم
ره گریز مرا بسته آن کمند دو زلف
چه دامهای به هم حلقه‌بسته‌ای دارم!
چو کودکان شب و روزم به گریه می‌گذرد
که مرغ خستهٔ از دام جسته‌ای دارم
شکار زخمی آن چشم ناوک‌اندازم
چه غمگسار به خون دست شسته‌ای دارم
ز خون من همه صحرا و دشت گلرنگ است
که زخم کاری بر دل نشسته‌ای دارم
نمی‌رسم به توای آرزوی رفته ز دست
که جان دردکش و پای خسته‌ای دارم

غلامحسین مولوی

غلامحسین مولوی (تنها) در سال ۱۳۰۳ در تبریز دیده به جهان گشود، تحصیلات خود را رشتهٔ تاریخ و جغرافیای علوم تربیتی به پایان برد و به دبیری اشتغال ورزید و به فعالیتهای ادبی پرداخت. دکتر ابراهیم باستانی پاریزی نوشته‌اند: «شعر مولوی اصالت خاص ادبی را دارد در عین اینکه زیبا و روان و از تعابیر و لغات مهجور بیگانه است، اما خصوصیات ادب فارسی را به طور کامل دارد تا جایی که گاهی باید او را از متتبعین سبکهای قدیم فارسی به حساب آورد. با همهٔ اینها نباید فراموش کرد که مولوی در زمینهٔ سبکهای امروزی نیز پیاده نیست و کم و بیش در این راه نیز قدم می‌زند و توفیق او نیز چشمگیر است...»

یادم نکنی دیگر، ای «مشفق کاشانی»
دردا که فراموشم، کردی تو به آسانی
من مهر تو را بر جان، یک عمر بپروردم
بی‌مهر چرا گردی؟ جانم ز چه رنجانی؟
تو مرد وفاکیشی، یکرنگ و صفاکیشی
آئین جوانمردی دانم که نکو دانی
با نامه و پیغامی، کن یاد ز گمنامی
باشد که دل و جانم، زین بیش نرنجانی
ای که نبُوَد چون تو هرگز به سبک‌روحی
زین گونه کجا شاید با خسته گرانجانی؟
باری نه من آن باشم کز تو گسلم پیوند
صدبار وگر افزون، از خویشتنم رانی
دیری است که من با تو پیوند وفا بستم
مهرت ز دلم راندن، هیهات که بتوانی
گفتار دری از نو رونق بگرفت از تو
ای گشته به هر محفل، شهره به سخندانی
گلزار ادب چون تو، کم دیده زبان‌آور
تو بلبل خوشخوان این طُرفه گلستانی
کی پنجه توان افگند، با چون تو سخن گستر؟
در عرصهٔ شعر نغز، تو فارس میدانی
بگرفت به من ایام بس تنگ و نمی‌دانم
چون خویش رها دارم، زین ورطهٔ طوفانی؟
ای شاعر آزاده، بنگر سوی افتاده
تنهای پریشان را، برهان ز پریشانی
گر از پی دلجوئی، نائی من نالان را
ترسم که گزی روزی انگشت پشیمانی
٦٦/۹/۱۷

محمود شاهرخی

استاد محمود شاهرخی (جذبه، زادهٔ ۱۳۰٦ در بم) در ادب فارسی و عربی و حافظه قوی یگانه و در انواع شعر فارسی شاعری چیره‌دست، در دوستی و بزرگواری مردی مردستان و از تبار فتیان بود. خطاب به مشفق کاشانی گوید:

غم عشق جز جان شیدا ندارد
که پروانه از شعله پروا ندارد
دل من سراید سرود محبت
جز این نغمه در پرده آوا ندارد
به جز مهر و اُلفت که جاوید بادا
دل مهرورزم تمنا ندارد
شد آکنده جانمَ چنان از محبت
که از بهر کین کسان جا ندارد
انوشه روانی که هرگز به گیتی
سر جنگ و کین و معادا ندارد
خوش آن دل که جز مهر در وی نگنجد
خوش آن سر که جز عشق سودا ندارد
به جز پرتو مهر و نور محبت
فروغی دگر بزم دنیا ندارد
دریغا اگر مهر و الفت نباشد
جز آن گر نباشد، دریغا ندارد
کسی را که باشد مُحبّی چو «مشفق»
ز بی‌مهر مردم محابا ندارد
همان رادمردی که از پاکبازی
سر و جان دریغ از احبّا ندارد
همان پرهنر اوستادی که چون او
کسی در سخن طبع والا ندارد
همان نکته‌پرداز نازک‌خیالی
که در پرده جز نقش رؤیا ندارد
ادیبا، تو را در سخن می‌ستایم
که از حق، خردمند، حاشا ندارد
بنازم بدان طبع چون گنج شایان
چنین گوهران کان و دریا ندارد
بنازم بدان ذوق و آن شعر دلکش
کس این مایه آثار زیبا ندارد
خیال است رنگین، ولی هر خیالی
چنین لعبتان فریبا ندارد
چنین نقش را کلک مانی نبندد
چنین شور، چنگ نکیسا ندارد
شود عقل و جان سرخوش از ساغر تو
که سُکر کلام تو صهبا ندارد
فری کلک شیرین شورآفرینت
که کس نِی بدینسان شکرخا ندارد
تو آن نغزگفتار معنی طرازی
که طرز تو هر معنی آرا ندارد
شکوه کلام تو کیوان نسنجد
فروغ بیان تو شعری ندارد
صفای تو را ای به نیکی «ستوده»[3]
رخ شبنم و برگ گلها ندارد
تو را «گلشنی»[4] خرّم و دلفروز است
که بیم زمستان و سرما ندارد
تو را بی گمان عشق باشد «معلم»[5]
وگرنه کس این طبع شیدا ندارد
نشیدی چنین نیست جز زندخوان‌را
سرودی چنین جز «اوستا»[6] ندارد
ز لطف خداوندگار «حمید»[7] است
که طبع تو جز شعر غرّا ندارد
تو را گر ستودم، ستودم هنر را
که کژطبع، پاس هنر را ندارد
ستایند نام‌آوران شعر «مشفق»
ثنائی چنین «جذبه» تنها ندارد
فروزنده ماناد خورشید طبعت
که این جلوه را مهر رخشا ندارد

به مشفق کاشانی:

دوش تا ره یافتم در خلوت رخشان آه
سر نهادم همچو طفل اشک، در دامان آه
شد غزال ماه گردون سیر صید لاغرم
بر نشان آمد چو از شست اثر، پیکان آه
بینوا بودم، ازین در بی‌نیازی یافتم
باد آبادان به عالم خانهٔ احسان آه
شد دلِ دردآشنایم گنج گوهرهای راز
تا سرشکم همچو لعل آویخت بر مژگان آه
یافت چون نقد روان قلب سیه‌رویم رواج
تا ز غش پالوده شد در آتش سوزان آه
در کویر نامرادی می‌شدم محو سراب
گر نمی‌شد سیل اشکم همدم طوفان آه
در حریم راز، کانجا درنمی گنجد خیال
من چو مَحرَم راه بردم از در پنهان آه
یافتم منشور دولت از در سلطان عشق
تا نهادم چون قلم سر بر خط فرمان آه
طالع «مشفق» چراغ‌افروز راه «جذبه» شد
تا به کوی مقبلان ره برد از سامان آه

نعمت‌الله بیضایی

نعمت‌الله بیضائی (ذکایی) در شرح احوال و آثار خود چنین می‌نویسد: «در سال ۱۲۸۳ش در آران کاشان به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدائی و قسمتی از علوم قدیمه را در آران آموختم و قواعد و فنون ادب را در نزد برادر استادم ادیب بیضائی شاعر فراگرفتم و پس از شش سال معلمی، سالی چند در شهرهای مختلف به تصدی ادارات ثبت به کار پرداختم. در سال ۱۳۲۲ انجمن ادبی را در تهران تأسیس کردم که پنج سال ادامه داشت، سپس به مناسباتی سه سال تعطیل شد و آنگاه در سال ۱۳۳۰ آن انجمن را مجدداً با تشکیلات وسیعتری دائر و آن را انجمن ادبی تهران نامیدم. این انجمن تاحال به خدماتی شایان توجه در اشاعه و پیشرفت شعر و ادب فارسی و راهنمایی مبتدیان فن موفق گردیده است.» خطاب به مشفق کاشانی گوید:

ای اختر سپهر سخندانی
یار عزیز، مشفق کاشانی
یاد تو در ضمیر چو بندد نقش
گردد فضای خاطر، نورانی
یادم نمی‌کنی و نمی‌دانم
حال من فسرده نمی‌دانی؟
در انجمن، رفیقان هر هفته
در وصف تو کنند سخنرانی
جای تو خالی است و همه پرسند
از من: کجاست مشفق کاشانی؟
ای موطن عزیز من، ای کاشان
ای مکمن فضیلت انسانی
یاد، آن زمان که در تو مرا بودی
شاداب خاطری به فراوانی
یادآن‌زمان که هر شب‌وروزم‌بود
در محضر ادیب سبق خوانی
یاد از محیط مکتب آرانت
وان نغمه‌های دلکش قرآنی
یادازرواق «محتشم» و «فیضت»
وان بقعه‌های دیگر نورانی
یاد از هوای مسجد میدانت
یاد از فضای مسجد سلطانی
ای «مشفق» عزیز، بیا یک شب
بنشین مرا به مجلس مهمانی
گردند مجتمع به رهی منزل
هر هفته دوستان ادب دانی
اینجا فراهم آیند از هر سو
کرمانشهی و یزدی و کرمانی
زنجانی و مراغی و تبریزی
شیرازی و قمی و خراسانی
اشعار آبدار همی خوانند
با لحن دلپذیر صفاهانی
جای تو خالی است که بر یاران
اشعار دلنواز فروخوانی

***اندیشهٔ تهیه خلوت انس هنگامی شکل گرفت که با سهراب سپهری اخوانیه‌هایی با شاعران رد و بدل می‌کردیم و بعدها این مکاتبات با هنرمندان معروف ادامه پیدا کرد. بارها می‌اندیشیدم که مجموعهٔ این یادها و یادبودها را که حاوی شادیها و غمهاست، به دست چاپ بسپارم**

بر یاد تو سرودم این چامه
شاید ز قید هجرم برهانی
باشد همی «ذکائی» مخلص را
دست دعا به ساحت سبحانی
خواهد به جان، سلامت یاران را
از پیشگاه رحمت یزدانی
تا آفتاب بردمد از مشرق
تا ماه راست چهرهٔ نورانی،
همواره بی‌دریغ تو را توفیق
بادا ز فضل یزدان ارزانی
تهران، هشتم تیرماه ۱۳۵۲

ریاضی یزدی

سید محمدعلی یزدی «ریاضی» در سال ۱۲۹۰ زاده شد. تحصیلات خود را تا مراحل عالیه به پایان برد و در ادبیات فارسی و عربی تبحر کامل داشت. در محافل ادبی به شاعر آل‌الله معروف بود و بیشتر آثارش در توحید و مدح و منقبت خاندان پیامبر اکرم(ص) سروده شده است. درگذشت او در روز ۱۳٦۱/۱۲/۲۹ اتفاق افتاد. خطاب به مشفق کاشانی گوید:

چوزد به‌لوح سخن نقش جاودان «مشفق»
بوَد جهان ادب را نگاهبان مشفق
به بوستان ادب گر هزاردستان نیست
چرا به بزم سخن گشته داستان مشفق؟
گرفت دست سخن را به پایمردی خویش
به اوج برشد و بگذشت ز آسمان مشفق
به باغ شعر چو گل خنده‌زد عروس سخن
که شعر هست گل عشق و باغبان مشفق
ز نغمه مرغ سخن اوفتد به کنج قفس
به کام خویش اگر درکشد زبان مشفق
سخن‌سرای و سخن‌آفرین، سخن‌پرداز
به کارگاه سخن هست بی‌گمان مشفق
به تار و پود سخن رنگ زندگی آمیخت
که داد بر تن تب‌دار شعر، جان مشفق
مرا «ریاضی» دست دعا بلند که: باد
ز لطف پاک خداوند در امان مشفق

ادامه دارد

پی‌نوشتها:

۱ـ مقصود مشفق کاشانی، دوست مهربان ارجمند «عباس کی‌منش» است که غزل مرا استقبال کرد و پس از وی، چند تن دیگر نیز در این طرح تازه غزلهایی گفتند.

۲ـ به اقتفای غزلی از مؤلف با این مطلع:
درین قفس که پر و بال بسته‌ای دارم
دل شکستهٔ در خون نشسته‌ای دارم

۳ تا ۷ـ استاد شاهرخی در قصیدهٔ بالا از استادان سخن: سید ابراهیم ستوده، سیدمحمود گلشن کردستانی، محمد علی معلم، مهرداد اوستا، حمید سبزواری یاد کرده است.

مقدمه‌ای بر شرح قبسات از میرسید احمد علوی عاملی از برجستگان مکتب اصفهان

شرح قبسات میرداماد

دکتر مهدی محقق رئیس انجمن مفاخر فرهنگی کشور بخش سوم و پایانی

اگر فرض را بر این بگذاریم که آنان می‌گفتند مباحث نور و ابصار و هندسه و ریاضیّات همراه با فلسفه از یونان به عالم اسلام وارد شد و این موجب گردید که مسلمانان با مطالعه علوم و اندیشه‌های یونانی، از قرآن کریم و حدیث نبوی جدا شوند، چرا در دوره‌هایی که میرداماد و صدرالدین شیرازی و فیض کاشانی و عبدالرّزاق لاهیجی و ملا مهدی نراقی و حاج ملا هادی سبزواری که همه آنان گفتار خود را مستظهر با آیات قرآنی و احادیث نبوی و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌کردند، باز هم مورد طعن و شتم همان «علما لقبان» قرار می‌گرفتند؟!

این چه مدینه فاضله‌ای بوده است که برگزیدگان از دانشمندان و فرزانگان و فیلسوفانش یکی شهر و دیار و درس و مباحثه را رها می‌کند و به روستا پناه می‌برد که خود را گمنام بسازد، و دیگری می‌نالد که در خانه‌های اهل علم جز خاک و سنگریزه چیزی یافت نمی‌شود، و سوّمی می‌گوید که مردم چنان عشق به تاریکی و غسق پیدا کرده‌اند که از معرفت ربّ‌الفلق محروم مانده‌اند.

شکوه ملاصدرا

این صدرالمتألّهین ملاصدرای شیرازی است فیلسوف و مفسّر قرآن که در آغاز کتاب «الاسفار الاربعه» خود می‌گوید:

از آغاز جوانی درخور توان خود، به فلسفه الهی پرداختم و آثار حکیمان سابق و فاضلان لاحق را دنبال و از کتابهای یونانیان به‌گزینی کردم و در برهه‌ای از زمان به خاطر آوردم که کتابی تألیف کنم که جامع متفرّقات کتابهای قدما باشد؛ اما جاهلان و اراذل به دشمنی من برخاسته بودند و من گرفتار گروهی گردیدم که چشمانشان از انوار و اسرار حرکت کور بود.

آنان تعمق در امور ربانی و تدبّر در آیات سبحانی را بدعت به شمار می‌آوردند. اندیشه آنان از این هیکل‌های ظلمانی فراتر نمی‌رفت و چون با علم و عرفان دشمن و طریق حکمت و ایقان را رها ساخته بودند، از علوم مقدسه الهی و اسرار شریف ربّانی محروم بودند؛ از این روی جهل علم خود را برافراشت و نشانه‌های خویش را آشکار ساخت. آنان دانش و فضل را نابود ساختند و عرفان و اهل عرفان را خوار داشتند و در نتیجه هر کس که در دریایی جهل و حماقت بیشتر غوطه‌ور بود، به قبول و اقبال نزدیکتر و نزد ارباب زمان، عالم‌تر و فاضل‌تر به شمار می‌آمد!

هنگامی که من حال را بدین منوال دیدم که در آن علم و اسرار آن کهنه شده و حق و انوار آن پوشانده گردیده، سیرتهای عادله نابود و اندیشه‌های باطله آشکار گشته، ناچار گردیدم که خود را در برخی از نواحی کشور منزوی سازم؛ زیرا پرداختن به علوم و صناعات و دفع معضلات و رفع مشکلات نیاز به اندیشه راحت و فراغ بال دارد و این از کجا پیدا می‌آید در این زمان که بزرگان و افاضل فرودست و فرومایگان و اراذل زیر دست شده‌اند و جاهل شریر به صورت عالم تحریر در آمده است؟[47]

از حقیقت علم اثری بازنمانده

و این ملامهدی نراقی فقیه و فیلسوف است که در آغاز شرح‌الهیّات کتاب «شفا»ی ابن سینا می‌گوید:

برترین فضائل نفسانی آراستگی به علوم و فنون و احاطه به حقائق اشیاست و برترین علم، علمی است که از علّت اولی و صفات جلال و افعال او بحث کند که همان «حکمت متعالیه» است که حکمای اوائل هرچند در تحقیق و تبیین آن کوشیده‌اند، ولی شیخ‌الرّئیس ابوعلی سینا از آنان گوی سبقت را ربوده است و در آن به تألیف و تصنیف پرداخته که از میان آنها الهیّات کتاب «شفا» شأنی اجل دارد؛ ولی از جهت دشواری مسائل آن، فقط برخی از فحول علما بر حل آن دست یافته و آنان به شرح و توضیح آن پرداخته‌اند، فقط به تعلیق حواشی بر برخی از مشکلات آن پرداخته‌اند و من شرحی بر آن نگاشته‌ام که چیزی از مطالب آن فروگذار نشده و اکنون آن را بر علما عرضه می‌دارم که فاسد آن را اصلاح و کاسد آن ترویج نمایند.

و من به قصور خود اعتراف دارم؛ چه، آنکه من در زمانی زندگی می‌کنم که فکر و اندیشه در آن تیره گشته و از حقیقت علم در آن عین و اثری بازنمانده، درهای ورودی و خروجی علم بسته و مراکز و معاهد آن تعطیل گردیده، خانه‌های علم خالی و خراب شده و آثار و نشانه‌های آن کهنه گردیده است. دانشمندان به اطراف زمین پراکنده و ناپدید شده‌اند و چه مصیبت‌هایی که بر سر آنان وارد نیامده است و آنان که بر جای خود مانده‌اند، گوشه‌های گمنامی را برای خود برگزیده و با اشک ریزان خود به اعتکاف پرداخته‌اند. در خانه‌هاشان جز خاک و سنگریزه چیزی یافت نمی‌شود و ملخهای آن خانه‌ها دست به عصا راه می‌روند!

سوگند به پروردگار نظام کامل جهان، آن که وجود را از عدم بیرون آورده یاران سابق و گذشتگان فاضل ما اگر در چنین زمانی تاریک و دوران تیره قرار می‌گرفتند، همچون ما به خشکی اندیشه دچار می‌گشتند و نام و نشانی از آنان باز نمی‌ماند.[48]

خشکسالی حکمت

و بالاخره این **حاج ملاهادی سبزواری** فیلسوف و عارف بزرگ است که در آغاز شرح غررالفرائد (= شرح منظومه حکمت) خود می‌گوید: زمان ما زمان خشکسالی حکمت است. بارانهای یقین از ابرهای رحمت کم می‌بارد؛ چرا که گناهان اهل غفلت و جهل فراوان گردیده و درهای آسمان عقل بر آنان بسته شده است. عشق به تاریکی آنان را از شناخت پروردگار سپیده‌دم بازداشته است. آنان از حق به باطل پرداخته و دل بر زیورها و تندیسها دوخته‌اند. از این روی توانایی آن را ندارند که در دیار کلیات گردش و در دریاهای حقایق شنا کنند؛ زیرا آنان باقیات صالحات را به جزئیات داثرات فروختند. آنان را نصیبی جز غبن افحش و بهره‌ای جز مار ارقش نیست. **اولئک الذین اشتروا الضلاله بالهُدی فما ربحت تجارتهم.**[49]

و به دنبال مطلب یاد شده می‌گوید: عنکبوتهای فراموشی بر حکمت تنیده‌اند و شخص حکمت با وجود بزرگواری در گوشه‌های گمنامی و دوری افکنده شده و او همچون سلطانی است که مردانش بر او شوریده‌اند، در حالی که مصلحت آن است که بدو پناه آورند، خاصّه علم الهی که آن را ریاست عالی بر همه علوم و مثل آن مثل ماه برآمده در برابر سایر نجوم است.[50]

تذکاری به طلاب و دانشجویان

آنچه یاد شد، تذکاری است برای طلاب و دانشجویان گرامی این سرزمین که در مطالعه آثار پیشینیان فقط به خواندن الفاظ و تفسیر معانی اکتفا نکنند، بلکه توجهی به جریان اندیشه‌ها در بسترگاه زمانی و مکانی خود معطوف دارند و مجموعه برخورد آرا و نظرها و حوادث و وقایع را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و با معیار عقل سلیم و فهم مستقیم بسنجند تا بدین وسیله بتوانند از اندیشه گذشتگان مایه‌ای از فکر و نظر برای آینده برگیرند و رخدادهای گذشته را آیینه عبرت جهت آینده قرار دهند و با این روش می‌توان امیدوار بود که تعقل و اندیشه، جای تنگ‌نظری و جمود فکری را که ده قرن بر کشور ما حاکم بوده، بگیرد و آن مدینه فاضله عادله که فقط در آرزو و آرمان وجود داشته، تحقق یابد. بعون‌الله تعالی و توفیقه.

منابع و مآخذ

٤۷. الاسفار الاربعه، صدرالدین شیرازی (تهران ۱۳۷۸ق)، ج۱، ص٦.

٤۸. شرح الالهیات من کتاب الشفاء، مهدی بن ابی ذرالنراقی (تهران ۱۳٦۵ش)، ص۲.

٤۹. شرح غرر الفرائد، بخش امور عامه و جوهر و عرض (تهران، ۱۳٤۸ش)، ص۳٦.

۵۰. مأخذ پیشین.

اقتصاد نفت در بحران قیمت ها

کاهش قیمت نفت در ماه‌های اخیر و پیش بینی تداوم این روند تا سال ۲۰۱۶ که از توطئه مشترک امریکا و عربستان سعودی ناشی می شود، پیامد های نامطلوبی را برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت و حتی اقتصاد غیرنفتی از جمله بازارهای سرمایه داشته و خواهد داشت.

بررسی اثرات کاهش قیمت نفت در دهه های گذشته بر اقتصاد کشورهای توسعه یافته حکایت از آن دارد که افت قیمت طلای سیاه برای جهان مطلوب نیست.به طوری که کارشناسان مسائل نفتی معتقدند از ۱۰ مورد افت شدید بهای نفت در سال‌های گذشته، ٦ مورد به شروع رکود اقتصادی فراگیر، دو مورد به فعالیت های تروریستی بین المللی و دو مورد دیگر منجر به بحران های سیاسی دیگر در این مناطق شده است.

تحلیل نشریه آمریکایی فارین افرز مبنی بر اینکه وضع بد ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی حاکی از انتخاب بدترین زمان برای جنگ نفتی عربستان علیه دیگر تولید کنندگان است، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نیکلاس مادورا رئیس جمهوری ونزوئلا با ایشان، مبنی بر کاهش عجیب قیمت نفت در یک مدت کوتاه حرکتی سیاسی و غیر اقتصادی است را تایید می‌کند.

ایشان با بیان آنکه دشمنان مشترک ما از نفت بعنوان یک حربه سیاسی استفاده می کنند و قطعا در این کاهش شدید قیمت نفت نقش دارند، توافقات صورت گرفته میان رؤسای جمهوری ایران و ونزوئلا برای مقابله هماهنگ با کاهش قیمت نفت را تایید کردند.

این نشریه آمریکایی با اشاره به مشکلات متعدد عربستان از جمله بیماری پادشاه، می افزاید: ادامه سیاست فعلی عربستان برای کاهش قیمت نفت با توجه به مشکلات کنونی این کشور اشتباه است.

این نشریه آمریکایی در مقاله ای با عنوان نمایشنامه نفت سعودی... چرا عربستان به کاهش قیمت نفت ادامه می دهد؟ از توطئه کاخ سفید و ریاض برای کاهش قیمت نفت پرده برداشته و ضمن اشاره به بیماری عبدالله بن عبدالعزیز پادشاه عربستان، به سیاست فعلی این کشور در کاهش قیمت نفت پرداخت.

احساس خطر دولت عربستان برای توافق نهایی مذاکرات وین ، وزیر امور خارجه این کشور را برای سفری چند ساعته راهی وین کرد و دور از انتظار نبود در مقابل این اقدام آمریکا باید خوش خدمتی خود را به سرمداران کاخ سفید ثابت می کرد بنابراین کاهش فزاینده قیمت نفت کلید خورد.

به هر حال کاهش قیمت نفت همه چشم ها را به سمت عربستان به عنوان کشوری که ۷۳ درصد از منابع زیرزمینی نفت را در اختیار دارد، دوخته است ؛ اگرچه این کشور و دیگر دوستانش همچنان اقدام خود را تایید کرده و بر تداوم عرضه سقف تولیدات خود پافشاری می کنند.

با این وجود تحلیل گران تکنیکال شاخص های اقتصادی معتقد هستند که هر محصولی برای خود تعدادی خط قرمز قیمتی موسوم به خط حمایت دارد، به طوری که در برابر کاهش بیشتر از آن مقاومت می شود.

براین اساس زمانی که خط قرمز شکسته شد، قیمت ها به یکباره سقوط می کنند و مقاومت در خط قرمز بعدی آغاز می‌شود.

بازار جهانی نفت هم در ماه‌های اخیر وضع مشابهی داشته به طوری که مقاومت قیمتی سنگینی در خط قرمز ها انجام شده، اما با تداوم فشارها به ناگاه خط قرمزها فروریخته و سقوط‌های بزرگ در بازار نفت شکل گرفته است.

قیمت ۱۰۰ دلار اولین خط قرمزی بود که قیمت ها در آن مقاومت کردند، اما با شکسته شدن این خط قرمز در فصل تابستان، قیمت ها به یکباره سقوط کرد و به سرعت به خط قرمز ۹۰ و ۸۰ دلار رسید.

نرخ ۸۰ دلار مهم ترین مقاومت در مقابل کاهش قیمت نفت خام بود که بسیاری از صادرکنندگان نفت خام امیدوار بودند قیمت ها بیش از آن کاهش نیابد، اما پس از چند هفته مقاومت این خط قرمز هم در نهایت شکسته شد و قیمت ها به سادگی به مرز ٦۰ دلار نزدیک شدند.

در یک ماه اخیر هم با عبور از خط قرمز ٦۰ دلار، همه امیدها به توقف کاهش قیمت ها در مرز ۵۰ دلار بود که آن هم در روزهای اخیر شکسته شد.

با توجه به اهمیت نرخ ۵۰ دلار برای نفت خام، تداوم و پایداری کاهش قیمت ها به زیر ۵۰ دلار هنوز قطعی نشده است، اما در صورت تثبیت قیمت ها در زیر ۵۰ دلار، به نظر می رسد بازار نفت، سنگین ترین سقوط را تجربه کند که در تاریخ این صنعت بی سابقه بوده است.

نرخ ۴۰ ، ۳۰ ، ۲۰ و ۱٤ دلار خط قرمز های بعدی هستند که کارشناسان نسبت به سقوط بیشتر قیمت به آنها هشدار داده اند.

یک تحلیلگر اخیرا به شبکه سی.ان.ان گفت این احتمال وجود دارد که قیمت نفت در سال ۲۰۱۵ به ۳۰ دلار در هر بشکه سقوط کند.

دارین نیوسام تحلیلگر ارشد نفتی می گوید: اگر روند کاهش قیمت نفت متوقف نشود، ممکن است به قیمت های اواخر سال ۲۰۰۸ و اوایل سال ۲۰۰۹ که ۳۰ دلار در هر بشکه بود، بازگردیم.

برخی تحلیلگران حتی نگاه بدبینانه تری دارند؛ برای مثال، جرمی وارنر از روزنامه سیدنی مورنینگ هرالد که پیشتر به درستی پیش بینی کرد بهای نفت سال ۲۰۱٤ به کمتر از ۸۰ دلار در هر بشکه می رسد، اکنون پیش بینی می کند بهای هر بشکه نفت در سال ۲۰۱۵ به بشکه ای ۲۰ دلار سقوط می کند.

تحلیلگر دیگری اخیرا در گفتگو با شبکه سی.ان.بی.سی اعلام کرد در بدترین شرایط احتمال می رود بهای نفت به ۱٤ دلار در هر بشکه برسد.

در عین حال باید اشاره داشت: طولانی شدن روند کاهش قیمت نفت خام، افزایش فشار بر بودجه، کاهش ذخایر ارزی و ناکامی در به زانو درآوردن شیل های نفتی، احتمال تجدید نظر عربستان در سیاست کاهش قیمت نفت را افزایش داده است.

چندی پیش بلومبرگ به نقل از شرکت های آمریکایی تولید کننده شیل های نفتی اعلام کرد، توان آنان برای تحمل کاهش قیمت نفت، از بسیاری از کشورهای اوپک که شریک عربستان سعودی محسوب می‌شوند، بیشتر است.

آرکیه دانهام رئیس یک شرکت تولید نفت شیل به بلومبرگ گفت: عربستان سعودی در آمریکا دست به یک قمار بزرگ زده است.پیامد کاهش قیمت نفت به چنین سطحی، برای دیگر کشورهای عضو اوپک خوفناک تر است.

ناکامی سیاست کاهش قیمت در به حاشیه راندن صنعت شیل نفت به حدی است که مرکز معتبر اقتصادی سیتی گروپ پیش بینی کرد عربستان سعودی در جنگ قیمت نفت پیروز نخواهد شد.

این مرکز اقتصادی خاطرنشان می کند: اگرچه هیچکس مطمئن نیست عربستان سعودی، کشوری که به پشتوانه ذخایر عظیم خود با کنترل عرضه نفت به بازار، قیمت نفت را کنترل می کند، واقعا آنگونه که ادعا می کند با کاهش قیمت نفت مشکلی نداشته باشد.

به عقیده کارشناسان، این خطر وجود دارد که قیمت پایین نفت، پروژه های حفاری پرهزینه نفت غیرمعمول در عربستان را غیرممکن سازد.

از سوی دیگر،عربستان سعودی به دنبال آن است که آنقدر به قیمت نفت اجازه کاهش دهد که تولید نفت شیل آمریکا مهار شود. اما به نظر می رسد رشد تولید نفت شیل آمریکا می‌تواند حتی در صورت تداوم کاهش قیمت نفت، افت سرمایه گذاری و کاهش دکل ها هم همچنان افزایش یابد.

در این زمینه سیتی گروپ پیش بینی کرد با کاهش قیمت نفت، از شتاب تولید نفت شیل آمریکا کاسته می شود، اما افزایش تولید متوقف نخواهد شد.

هدف دیگری که عربستان از کاهش قیمت نفت خام دنبال کرده، اعمال فشار اقتصادی و سیاسی به کشورهایی مانند ایران و روسیه بوده است.

اگرچه کاهش قیمت نفت خام فشار زیادی به مسکو و تهران وارد خواهد کرد و موجب کسری بودجه آنها خواهد شد، اما تاثیر منفی کاهش قیمت ها بر اقتصاد عربستان سعودی را هم نمی توان نادیده گرفت.

مشکل است که باور کنیم عربستان نتایج جغرافیای سیاسی این قمار خود را نداند. در عین حال به نظر می رسد این کشور امید دارد به این وسیله بر ایران به خاطر برنامه هسته ای و برخی سیاست هایش درمنطقه فشار بیاورد و از سوی دیگر بر سیاست روسیه در اوکراین هم تاثیر بگذارد، هرچند ظاهرا خبر ندارد که ایران بعد از پیروزی انقلاب همیشه از سوی قدرت های جهان به دلیل بهانه های واهی تحت فشار و تحریم ناجوانمردانه قرار داشته، اما هیچ گاه از مواضع اصولی خود عقب نشینی نکرده است.

تحلیلگران اقتصادی می‌گویند: ادامه کاهش نفت برای عربستان در سال ۲۰۱٤خسارت ۸۹میلیارد دلاری در پی خواهد داشت. به طوری که احتمالا این کشور را در تحقق اهداف بودجه‌اش دچار مشکل خواهد کرد.

طولانی شدن روند کاهش قیمت ها موجب می شود که عربستان بخش عمده ای از ذخایر ارزی خود را از دست داده و با مشکلات اقتصادی بیشتری مواجه شود.به عقیده کارشناسان، عربستان سعودی نمی تواند قیمت نفت را برای همیشه پایین نگه دارد، زیرا برای ایجاد تعادل در بودجه خود، دست کم به قیمت ۱۰۰ دلار در هر بشکه نفت نیاز دارد و با توجه به پتانسیل آشوب و ناآرامی در این کشور، قادر نیست به مدت طولانی با کسری بودجه ادامه دهد.

به هر حال شواهد حاکی از آن است که تداوم کاهش قیمت نفت، علامت نوید بخشی برای اقتصاد جهان نباشد. زیرا اقتصاد کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را در آینده به دلیل کاهش هزینه های بودجه ای و افت خدمات رفاهی و کاهش اشتغال با مشکل روبه رو خواهد کرد.

مجله اکونومیست با بررسی اثر قیمت نفت در بودجه سال آینده کشورهای عرب خلیج فارس می نویسد: با شروع افزایش قیمت نفت از سال ۲۰۰۷ حجم بودجه این کشور ها افزایش یافته و هر سالی که این رشد ها در بودجه تحقق یافته، پروژه هایی به اجرا در آمده که بهره برداری و کارکرد یا ادامه آن ها نیاز به منابع بیشتر از محل درآمد های نفتی داشته است.

در این گزارش بیان شده که این موارد علاوه بر کشورهای صادرکننده نفت خلیج فارس مانند عربستان، امارات، کویت و عمان، دیگر کشور هایی که صادرکننده نفت نبوده و به منابع همسایگان متکی هستند، نظیر بحرین را هم شامل می شود.

به هر حال کارشناسان اعتقاد دارند سیاستمداران کشورهای خلیج فارس به خاطر اجرای سیاست های امریکا و همراهی با عربستان، از بروز معضلات سیاسی و اجتماعی ناشی از تداوم کاهش قیمت نفت در کشورهای خود بی خبرند. زیرا ظاهرا نمی دانند که کاهش هزینه های بودجه ای به دلیل کاهش خدمات رفاهی و اشتغال در نتیجه سبب افزایش نارضایتی ها در این کشورها خواهد شد و از طرف دیگر حفظ این هزینه ها و جبران آن از طریق افزایش مالیات ها هم نوع دیگری از مشکلات و نارضایتی را در پی خواهد داشت.

هرچند عربستان به خاطر کاهش قیمت نفت مورد سرزنش قرار دارد و حاضر به کاهش تولید برای افزایش یا نگهداری سطح قیمت نفت نیست، اما به نظر می رسد جدا از اصرار ریاض برای مقابله و افزایش فشار بر ایران، به نظر می رسد دلایل دیگری همچون حفظ سهم بازار در بلندمدت هم به اندازه کسب درآمد ارزی مهم و قابل پیگیری است.علیرغم همه این ها باید اشاره داشت:دیر یا زود مقامات سعودی بایدروند همگرایی با سایر تولیدکنندگان نفت را در پیش گرفته و با توقف روند کاهشی قیمت نفت، جلوی واردآمدن خسارات بیشتر به خود و سایر کشورها را بگیرند؛و در این میان با توجه به شرایط موجود این مهم هر چه زودتر اتفاق بیفتد،به نفع اقتصاد جهانی خواهد بود.

اقتصاد کشاورزی و توسعه ایران

امروزه از کشاورزی به عنوان موتور محرکه اقتصادی در مدل های توسعه یاد می شود ولی بررسی سیر تکاملی در این بخش نشان می دهد به رغم همه تلاش های انجام شده، حرکت قطار توسعه کشاورزی درایران به دلیل عدم توجه به بنیان‌های اقتصادی با کندی همراه است.

بررسی اجمالی دستاوردهای کشاورزی ایران در سال های پس از انقلاب اسلامی نشان می دهد که دستیابی به مدل های توسعه در بخش کشاورزی همواره با چالش هایی روبرو بوده که واکاوی آن می تواند ترسیم کننده آینده ای روشن برای افزایش شاخص های اقتصادی باشد.

آنچه که همواره در چشم انداز فعالیت کشاورزی در ایران مورد غفلت قرار گرفته، توجه و عدم بازنگری در اقتصاد کشاورزی است و به جرات می توان گفت که موفقیت برخی کشورهای شاخص در تولیدات این بخش با کشاورزی اقتصاد محور بی ارتباط نیست.

از سوی دیگر، واکاوی وضع شاخص های اقتصادی در گذشته نشان می دهد که اقتصاد ملی کشورمان بر پایه کشاورزی استوار بوده و شاید کشاورزی از جمله بازوهای قدرتمند دولت ها در تامین هزینه ها به شمار می رفته است.

از آن جا که توسعه اقتصاد کشاورزی از منظر تأمین نیازهای غذایی مردم، تأمین مواد اولیه صنایع، اشتغال و ایجاد درآمد جایگاه خاصی دارد، استمرار آن می تواند در ثبات اجتماعی و رشد اقتصادی جامعه سهمی به سزا داشته باشد.

اکنون به نظر می رسد شیوه های دست یابی به توسعه در حوزه کشاورزی ایران بیشتر مبتنی بر تامین نیازهای اولیه مردم بوده و به مولفه های اقتصاد کشاورزی توجه کمتری شده است.

بررسی کارنامه دستاوردهای کشاورزی ایران نشان می دهد که دولت ها بیشتر از اقتصاد کشاورزی به تامین معیشت مردم توجه کرده اند و این بدین معناست که با توجه به ظرفیت های مستعد اقتصادی و ماهیت امر پژوهش های کاربردی ، زیر ساخت ها و شیوه نوین استقرار کشاورزی سودآور مورد واکاوی قرار نگرفته وصرفا به کشاورزی به عنوان تامین کننده نیاز کشور نظر شده است.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان حوزه اقتصادی، اتکا براقتصاد تک محصولی یا به عبارتی تکیه بر درآمدهای نفتی بزرگترین آفت بخش کشاورزی ایران است که به بررسی و بازنگری جدی نیاز دارد. در واقع تامین اشتغال پایدار، افزایش درآمد با تکیه بر تولید ناخالص داخلی، تامین نیازهای مصرفی، امنیت غذایی و ارزآوری را باید از کارکردهای شاخص توجه به بسترهای اقتصاد کشاورزی به شمار آورد که این مهم خود زمینه ساز توسعه اقتصادی و ملی است.بر اساس گزارش های سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) از بین ۲۳۱ کشور دنیا، تقریبا ۳/۱ درصد آنها در امر تولیدات کشاورزی پیشتاز بوده به نحوی که در تولید یک تا چند محصول کشاورزی، رتبه های اول تا دهم دنیا را به خود اختصاص داده اند.

فائو در آخرین اظهار نظر خود، ایران را کشوری بهره مند از ظرفیت های بالقوه کشاورزی دانسته که ضمن تأمین مایحتاج نیاز عمومی خود ، امکانات بالقوه تامین نیازهای غذایی خاورمیانه به ویژه حوزه خلیج فارس را هم خواهد داشت.

کشاورزی صادراتی ایران با وجود تولید حدود ۱۲۰ میلیون تنی انواع محصولات کشاورزی و کسب جایگاه مناسب ملی و منطقه ای در برخی از اقلام هنوز جایگاه واقعی خود را نیافته و واردات هنوز هم به عنوان یک نکته منفی در این زمینه خودنمایی می کند.ایران به واسطه بهره مندی ازاقلیم خاص آب و هوایی و شرایط جغرافیایی می تواند با بررسی الگوهای مختلف اقتصاد در مقوله کشاورزی به کانونی اثرگذار در تامین امنیت غذایی منطقه و خاورمیانه تبدیل شود.محصولات مبتنی بر صنایع تبدیلی در بخش کشاورزی هم از دیگر بخش های مورد غفلت قرار گرفته در حوزه اقتصاد کشاورزی ایران است که نیازمند بررسی و بازنگری تصمیم سازان این بخش است.از دیگر مزیت های توجه به اقتصاد کشاورزی می توان به کاهش مهاجرت جمعیت روستایی اشاره کرد که در این صورت ظرفیت های اقتصادی تولید در این بخش بارور شده و روستاها به کانون های اقتصاد محور کشاورزی تبدیل خواهند شد.

ارایه الگوهای نوین کشت، نیاز سنجی بازار، شناسایی ظرفیت های خالی تولید، بازاریابی خارجی و از همه مهمتر ارایه طرح های پژوهشی مرتبط از جمله مصداق های توجه به اقتصاد کشاورزی در ایران است.به نظر می رسد دولت تدبیر و امید با نگاه فرابخشی و فراگیر به امر کشاورزی ایران می تواند ضمن حمایت از سرمایه گذاری در این بخش و ارایه مشوق های لازم، تسهیل گر اقتصاد کشاورزی باشد که تحقق این امر به کشاورزی اقتصادی و سودآور هم منتهی می شود.

حسین مهدی‌زاده ـ ایرنا

هشدار به معامله گران وکالتی اوراق بهادار

مدیر امور حقوقی و بازرسی شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه (سمات) به معامله گران وکالتی اوراق بهادار هشدار داد با آگاهی از مشکلات و عواقب فراوان آن، این گونه معاملات پر ریسک را انجام دهند.

به گزارش روابط عمومی سمات، محمد صادق دبیری با بیان اینکه در بند (ب) ماده ۹۹ قانون برنامه پنجم توسعه به صراحت اعلام شده که تمام معاملات اوراق بهادار باید از طریق بورس و فرابورس انجام شود، گفت: مکانیزم معاملات اوراق بهادار در بازار سرمایه مشخص است اما برخی افراد به صورت آگاهانه و یا ناآگاهانه، معاملات خود را خارج از قیمت های مرسوم در این بازار انجام می دهند.

دبیری خاطرنشان کرد: برخی افراد به طور ناآگاهانه، سهام با ارزش خود را به افراد سودجو واگذار می کنند. در این روش، افراد بدون اطلاع از ارزش واقعی سهام خود، به صورت وکالتی سهامشان را با قیمت بسیار نازل به فروش می رسانند.

وی ادامه داد: اکثر افرادی که در دام اینگونه افراد سودجو می‌افتند، کارمندان زحمتکش شرکت هایی هستند که سهام آنها وارد بازار سرمایه شده اما این افراد به دلیل نداشتن آگاهی لازم، سهامشان را با قیمت های پایین می فروشند و در نهایت متضرر می شوند.

مدیر امور حقوقی و بازرسی سمات خاطرنشان کرد: برخی افراد نیز در قالب عقد صلح در دفاتر ثبت و اسناد، سهام خود را واگذار می کنند که این موضوع مغایر با بند (ب) ماده ۹۹ قانون برنامه پنجم توسعه است.

وی اضافه کرد: مشکلات در این گونه معاملات، زمانی بیشتر نمایان می شود که مصالح (شخص صلح کننده)فوت می کند. صلح‌نامه با وجود اینکه مطابق با اصول حقوقی بوده اما از نظر قوانین بازار سرمایه مغایر با بند (ب) ماده ۹۹ قانون برنامه پنجم توسعه است.وی گفت: وکالت نامه ها برای حفظ غبطه، صرف و صلاح موکل باید براساس دستورالعمل معاملات وکالتی تنظیم شود تا حق وکیل در اخذ ثمن حاصل از فروش، درصد دریافت سهام و افزایش سرمایه و ... به صورت شفاف مشخص شود.

دبیری تاکید کرد: معاملات وکالتی باید در مواردی خاص (مانند برای افراد از کارافتاده، تعدد وراث و یا ایرانیان مقیم خارج از کشور) جهت تسریع در انجام امور و با هدف توکیل صورت گیرد و سایر معاملات اوراق بهادار ثبت شده نزد سازمان بورس از مکانیزم شفاف بورس یا فرابورس انجام شود تا مشکلی برای معامله گران به وجود نیاید.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۶۵۸۳۵	۶۶۳۰۴/۳	۶۵۸۳۵	(۴۸۴/۲)	(۰/۷۳)
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۲۹۵۹/۸	۲۹۸۴/۶	۲۹۵۹/۸	(۲۴/۹)	(۰/۸۳)
شاخص آزادشناور	۷۴۷۲۱/۴	۷۵۳۷۸/۱	۷۴۷۲۱/۴	(۶۸۷/۸)	(۰/۹۱)
شاخص بازاراول	۴۸۴۸۸/۸	۴۸۸۷۲/۸	۴۸۴۸۸/۸	(۳۹۱/۴)	(۸/۰)
شاخص بازاردوم	۱۲۹۵۳۷/۱	۱۳۰۲۰۹	۱۲۹۵۳۷/۱	(۷۲۳/۹)	(۰/۵۶)
شاخص صنعت	۵۵۴۲۲/۳	۵۵۷۲۸/۹	۵۵۴۲۲/۳	(۳۳۳/۴)	(۰/۶)

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (دوشنبه۲۹/۱۰/۹۳)

مجموع حجم معاملات	۴۲۳/۱۴۶/۶۳۱ سهم
مجموع ارزش معاملات	۷۴۳/۳۴۴ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۳۴۰۷۷ معامله
ارزش بازار	۲/۹۶۵/۴۴۴ میلیارد ریال

پیش بینی هلدینگ گروه صنعتی ملی

شرکت هلدینگ گروه صنعتی ملی جدیدترین پیش بینی سال مالی ۹۳ را مبلغ ۵۵۵ ریال اعلام کرده است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه(سنا)، شرکت هلدینگ گروه صنعتی ملی پیش بینی درآمد هر سهم اصلی و تلفیقی سال مالی ۹۳ را در تیر و مهر ۹۳ به ترتیب مبلغ ۵۵۵ریال و ۷۰۲ ریال اعلام کرده است که این رقم در دی امسال به ۵۵۵ ریال رسید و طی ۹ ماه معادل دو درصد از پیش بینی هایش را محقق کرد.

بر اساس این گزارش هیات مدیره این شرکت قصد دارد ۹۰ درصد از سود خالص سال مالی ۹۳ را جهت تقسیم بین سهامداران به مجمع عمومی عادی سالانه پیشنهاد کند.

عرضه ضایعات صنعتی در تالار فرعی بورس کالا

تالار فرعی بورس کالای ایران میزبان عرضه ضایعات صنعتی و ذوب شدنی بود.

به گزارش روابط عمومی بورس کالای ایران، مدیرکالایی شرکت کارگزاری اردیبهشت ایرانیان گفت: بورس کالای ایران با توجه به تجربه‌های موفقی که در شفاف سازی و حذف رانت از مبادلات محصولات فولادی و پتروشیمی داشته است، با راه‌اندازی تالار فرعی، درصدد است تا بازار قراضه آهن را به عنوان یکی از مواد اولیه تولید فولاد شفاف کند، چرا که این بازار اکنون متولی و قیمت های شفافی ندارد.

بورس کالای ایران با توجه به تجربه ای که در شفاف‌سازی و حذف رانت از مبادلات محصولات فولادی و پتروشیمی داشته است، این بار با راه اندازی تالار فرعی، درصدد است، تا بازار قراضه آهن را به عنوان یکی از مواد اولیه تولید فولاد شفاف کند، چراکه این بازار اکنون متولی و قیمت شفافی ندارد.

معاملات تالار فرعی بورس کالا به دلیل نوپا بودن، تاکنون با روند آرامی دنبال می شد به طوریکه شرکت راه آهن در ۱۵ مهر امسال با عرضه و معامله ۵۰۰ تن براده فلزی، به طور رسمی تالار فرعی بورس کالای ایران را افتتاح کرد.

همچنین این شرکت هفته گذشته با دو محموله محور چرخ لکوموتیو به حجم ۳۰ تن و باطری فرسوده به حجم ۴۵ تن به تالار بورس آمد که خریداران از محصولات راه آهن استقبال کردند، اما پس از معاملات هفته گذشته، کارگزار عرضه کننده محصولات راه آهن از ۱۶ عرضه این شرکت در هفته جاری خبر داد.

مدیرکالایی شرکت کارگزاری اردیبهشت ایرانیان به عنوان عرضه کننده دو محصول شرکت راه آهن در هفته قبل گفت: با توجه به اینکه شرکت راه آهن، محصولات ضایعاتی خود را در بورس با قیمتی مناسب، شفاف و به دور از روند طولانی مزایده ها می فروشد، این هفته ۱۶ محموله خود را روی تابلوی معاملات تالار فرعی می برد.

محمد آقایی در مورد ۱۶ عرضه این هفته تالار فرعی گفت: ۳۴ تن چرخ دنده ضایعاتی، ۱۶۰ تن چرخ، ۴۰ تن استراکچر واگن باری، ۳۵۰ تن ریل ضایعاتی، ۱۵ تن مقاومت دینامیک، ۲۵ تن ضایعات چدن، ۴۰ تن کفش ترمز، ۲۵۰ تن انواع آهن آلات ضایعاتی، ۸۰ تن ضایعات واگن، ۲۸۵ تن واگن بار اسقاطی، ۶۰ هزار لیتر روغن سوخته، ۳۳۲ تن آرمیچر، ۴۰ هزار عدد تراورس چوبی و ۶ هزار و ۳۰۰ تن بشکه خالی از عرضه های دوشنبه و چهارشنبه تالار فرعی خواهند بود. همچنین از میان ۱۴ محصول فوق، دو محصول دوبار روی تابلوی معاملات می رود تا جمع عرضه‌های این هفته به ۱۶ برسد.

به گفته این کارگزار بورس کالا، عمده محصولاتی که در تالار فرعی از سوی شرکت راه‌آهن عرضه می شود ضایعات صنعتی و ذوب شدنی هستند به این معنا که فعالان صنایع مختلف از قطعات ضایعات صنعتی استفاده می کنند و ضایعات ذوب شدنی در کوره‌های ذوب مورد استفاده قرار می گیرد.آقایی افزود: مکانیسم معاملاتی بورس کالا می تواند به بازار قراضه کشور سروسامان دهد چراکه در حال حاضر عمده معاملات در اختیار افراد حقیقی بوده و فرار مالیاتی در این بازار بسیار زیاد است از این رو مسئولان باید از افزایش حجم معاملات تالار فرعی بورس کالا حمایت کنند.

مدیرکالایی شرکت کارگزاری اردیبهشت ایرانیان تاکید کرد: بورس کالای ایران با توجه به تجربه های موفقی که در شفاف‌سازی و حذف رانت از مبادلات محصولات فولادی و پتروشیمی داشته است، این بار با راه اندازی تالار فرعی، درصدد است تا بازار قراضه آهن را به عنوان یکی از مواد اولیه تولید فولاد شفاف کند، چرا که این بازار اکنون متولی و قیمت های شفافی ندارد.

وی از احتمال ورود یک شرکت بزرگ در تالار فرعی بورس کالا به عنوان خریدار گفت: با شرکت ماشین سازی اراک به توافقاتی برای خرید کالاهای عرضه شده در تالار فرعی بورس کالا رسیده‌ایم که با توجه به حضور این شرکت در بازار سهام و شفاف بودن صورت‌های مالی ماشین سازی اراک، به نظر می‌رسد این شرکت به زودی برای خرید کالاهای موردنیازش به تالار نقره ای بیاید.

براساس این گزارش، تالار فرعی بورس کالا دارای دو زیر شاخه اصلی است، زیر شاخه اول به معاملات املاک و مستغلات مربوط می شود به طوریکه ارگان‌های دولتی و بانک ها می‌توانند اموال مازاد خود را از طریق این تالار به فروش برسانند که دولت نیز در بسته خروج از رکود، بر انجام این کار از طریق بورس کالا تاکید کرده است.

زیر شاخه دوم به کالاهای خارج از گونه اختصاص دارد؛ این کالاها به دلیل آنکه دارای استاندارد لازم و توالی عرضه نیستند، امکان عرضه در تالار های اصلی بورس کالا را ندارند به این ترتیب راهی تالار فرعی می شوند که تا به امروز شرکت راه آهن به عنوان اصلی ترین عرضه کننده تالار فرعی در بخش کالاهای غیر استاندارد به شمار می رود.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
نورد آلومینیوم	۴,۲۲۵	۳۴۵
پارس سرام	۳,۷۳۱	۱۴۳
سامان گستراصفهان	۱,۵۷۸	۶۰
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۶۳۴	۶۲
رینگ‌سازی‌مشهد	۲,۲۹۸	۸۸
ساپیاآذین	۲,۵۶۹	۹۸
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۱۵,۳۵۴	۵۹۰
کارتن ایران	۳,۸۲۳	۱۴۷
سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۱,۸۷۸	۶۴
معدنی دماوند	۷,۶۳۵	۲۹۳
کنتورسازی‌ایران	۷,۷۶۷	۲۹۸
چینی ایران	۳,۴۷۷	۱۳۳
محورسازان‌ایران‌خودرو	۲,۶۸۹	۶۲
شهد	۶,۶۰۰	-۶۰
ایران تایر	۳,۷۹۹	۷۹
کاشی پارس	۷,۲۹۶	۴۲
تهران شیمی	۱۷,۷۱۳	۶۸۱
داروسازی روزدارو	۵,۷۰۳	۲۱۹
ح . ایران‌یاساتایروررابر	۲,۸۹۹	۱۲
سرما آفرین	۳,۳۹۹	۷۱
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۶۰۸	-۱
سیمان کارون	۵,۱۰۰	-۲۶
لیزینگ ایرانیان	۲,۰۴۰	۹
معادن باقق	۳,۴۴۰	۲۲
کاشی سعدی	۳,۱۸۰	-۱۳۲
کاشی وسرامیک حافظ	۳,۹۱۸	۱۴۶
فروسیلیس ایران	۲,۵۳۴	-۱۰۵
سیمان‌هگمتان	۴,۲۶۰	-۱۷۷
پتروشیمی‌فارابی	۹,۲۳۰	-۴۲
توسعه معدنی و صنعتی صبانور	۳,۷۷۲	-۱۵۷
سپنتا	۱۳,۳۳۱	-۳
سرمایه‌گذاری سپه	۲,۲۲۸	۱۰
دارویی رازک	۲۹,۲۵۶	۰
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۸۸۰	۲۸
سیمان تهران	۳,۰۱۲	۰
پتروشیمی فناوران	۲۵,۸۵۶	-۱۰۷۷
سیمان دورود	۱۳,۹۷۶	-۵۸۲
قندنقش‌جهان	۹,۳۹۷	-۳۹۱
لامپ پارس شهاب	۱۸,۵۷۲	-۷۷۳
ایران ترانسفو	۸,۱۸۸	-۳۴۱
فرآورده‌های تزریقی ایران	۸,۱۷۳	-۳۴۰
باما	۸,۴۰۰	-۱۰۶
سیمان‌هرمزگان	۱۲,۷۰۰	-۵۱۳
داروسازی‌زهراوی	۵۰,۴۶۵	-۲۱۰۲
خدمات‌انفورماتیک	۱۱,۲۹۷	۱۱
گروه صنعتی بارز	۱۱,۱۱۰	-۲۳
تولیدی‌مهرام	۹,۳۳۹	-۳۸۹
گلتاش	۱۱,۰۰۰	-۹۱
خوراک دام پارس	۹,۵۱۰	-۳۹۶
کشاورزی ودامپروی مگسال	۲۹,۶۲۵	-۷۷۹
سیمان شمال	۲,۶۶۹	-۱۱۱
فولاد آلیاژی ایران	۲,۶۴۴	-۱۱۰
کارخانجات‌داروپخش	۶,۷۶۸	-۲۸۲
دارویی لقمان	۴,۳۴۰	-۱۸۰
کیمیدارو	۸,۰۵۰	-۶۴
بیمه ملت	۱,۷۸۴	-۷۴
ملی صنایع مس ایران	۱,۷۷۸	-۷۴
سیمان بهبهان	۳۵,۷۱۲	-۱۴۸۸
دشت مرغاب	۱۰,۱۱۹	-۴۲۱
بانک پاسارگاد	۱,۵۹۸	-۷
پارس خزر	۷,۶۹۴	-۳۲۰
سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۱,۵۰۱	۰
داروسازی سینا	۱۳,۱۱۰	-۴۶۳
صنعتی آما	۴,۶۸۸	-۱۹۵
س.صندوق بازنشستگی کارکنان بانک	۱,۱۸۵	-۳۵
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۱۰,۶۹۰	۴۲
سازه پویش	۲۰,۳۵۲	-۸۴۷
سیمان کردستان	۳,۱۳۴	-۱۳۰
داروسازی اسوه	۱۵,۸۰۰	-۱۵۹
بانک‌اقتصادنوین	۲,۰۴۳	-۷۲
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۳,۰۶۰	-۵
پتروشیمی خارک	۱۵,۵۰۰	-۴۳۴
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۸۵۵	۲۹
داروسازی امین	۳,۴۶۵	-۱۴۴
سیمان فارس نو	۵,۶۲۵	-۲۰۱
ایران‌ارقام	۲,۶۳۳	-۱۰۹
پمپ سازی ایران	۳,۱۸۲	-۱۳۲
ایران‌یاساتایروررابر	۴,۵۵۵	-۸۴
پاکسان	۴,۴۴۰	-۱۷۹
شیمی داروئی داروپخش	۶,۸۶۵	-۲۸۶
موتوژن	۵,۶۰۱	-۱۳۴
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۷,۰۰۰	-۱۱۱
سرمایه گذاری پردیس	۱,۰۱۹	-۲۳
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۷۴۸	-۷۲

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سرمایه گذاری شاهد	۱,۳۵۸	-۷
سیمان کرمان	۸,۵۱۰	-۲۷
بانک سینا	۱,۲۹۸	-۴۳
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۱۰۰	-۵۸
سیمان تهران	۲,۸۹۲	-۱۲۰
گروه صنعتی پاکشو	۸,۳۱۵	-۱۸۳
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۶۱۳	۴۶
بانک کارآفرین	۲,۰۰۰	-۵۰
بیمه پارسیان	۱,۹۴۳	-۷۶
آبسال	۴,۱۲۰	-۱۷۱
پارس دارو	۳۳,۴۸۳	-۱۳۹۵
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۲,۳۴۲	-۶۸
بیسکویت گرجی	۳,۱۵۲	-۱۰۵
داروسازی ابوریحان	۲۱,۰۱۰	-۸۷۱
چرخشگر	۲,۴۴۵	-۱۰۱
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۴,۲۳۸	-۸۷
گروه‌صنعتی‌بوتان	۲,۹۸۵	-۱۲۴
شرکت ارتباطات سیار ایران	۲۹,۱۸۰	-۶۸۶
ذغال‌سنگ نگین طبس	۲,۹۹۹	-۴۶
فولاد مبارکه اصفهان	۲,۰۳۳	-۸۴
معدنی و صنعتی گل گهر	۴,۱۲۴	-۱۷۱
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۳,۵۸۹	-۱۲۹
جام‌دارو	۱۴,۱۰۰	۲
تولیدموادداولیه‌داروپخش	۱۷,۵۷۱	-۷۳۲
فنرسازی‌زر	۱,۸۰۱	-۷۴
پتروشیمی پردیس	۱۴,۹۴۵	-۴۲۸
لبنیات پاک	۴,۸۵۰	-۷۱
معادن‌منگنزایران	۳,۸۶۴	-۱۶۰
سرمایه گذاری دارویی تامین	۴,۶۳۰	-۱۰۴
صنایع شیمیایی فارس	۵,۵۹۴	-۲۳۳
کالسیمین	۳,۳۵۰	-۲۹
فرآورده‌های‌غدایی‌وقندپیرانشهر	۳,۵۵۰	۴
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۳,۴۰۱	-۷۹
شهد ایران	۱,۹۵۰	-۵۸
سیمان داراب	۱,۸۶۸	-۷۷
لیزینگ‌ایران	۱,۹۸۱	-۷۹
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۷,۰۸۰	-۲۹۵
کشت و صنعت چین چین	۱۹,۷۹۰	۵۳۷
قنداصفهان	۲,۸۵۹	-۱۱۹
معدنی املاح ایران	۱۱,۷۹۹	-۲۶۶
آلومینیوم‌ایران	۷,۰۰۰	-۴۵
داروسازی زاگرس فارمد پارس	۷,۵۰۴	-۳۱۲
کمباین سازی ایران	۱,۱۳۲	-۴۷
بانک‌پارسیان	۲,۳۱۰	-۹۶
نیرو محرکه	۲,۱۵۰	-۳۶
فرآورده‌های‌نسوزآذر	۴,۶۰۰	-۱۵۳
سیمان‌شاهرود	۳,۷۰۶	-۱۵۴
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۷,۱۷۵	-۲۸۲
مخابرات ایران	۲,۴۱۰	-۷۵
توسعه معادن روی ایران	۱,۷۹۰	-۶۷
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۳,۰۰۴	-۱۰۰
تولیدی کاشی تکسرام	۲,۹۳۷	-۱۲۲
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۶,۴۶۷	-۲۶۹
ملی سرب‌وروی ایران	۱,۱۳۷	-۴۷
لعابیران	۲,۴۳۵	۲۱
داروسازی فارابی	۹,۹۴۹	-۴۱۴
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۲,۴۳۷	-۱۰۱
گروه دارویی سبحان	۵,۹۷۴	-۸۸
سیمان فارس و خوزستان	۱,۸۱۰	-۴۹
فولاد خوزستان	۵,۶۸۷	-۲۳۶
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۱,۴۴۱	-۶۰
پتروشیمی شازند	۵,۸۳۶	-۲۰۴
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۶,۸۷۳	-۲۸۶
س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۲,۲۹۰	-۷۷
گروه مپنا (سهامی عام)	۶,۳۵۹	-۲۲۰
پتروشیمی‌شیراز	۳,۶۰۰	-۲۱
توسعه‌معادن‌وفلزات	۲,۰۱۰	-۲۷
سرمایه گذاری خوارزمی	۱,۲۹۰	-۲۷
دوده صنعتی پارس	۲,۸۲۷	-۱۱۷
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۹,۶۷۴	-۳۴۰
نفت بهران	۱۱,۰۶۲	-۴۶۰
صنعتی بهشهر	۷,۲۰۰	-۱۱۴
قند مرودشت	۲,۲۰۷	-۹۱
بانک انصار	۲,۳۸۹	-۵۹
سایپا	۱,۱۸۵	-۲۹
سیمان‌غرب	۴,۵۷۳	-۱۸۵
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۲,۳۴۰	-۷۲
کربن ایران	۲,۵۱۷	-۱۰۴
بانک ملت	۱,۹۲۹	-۵۷
فنرسازی‌خاور	۲,۴۷۲	-۱۰۳
مس شهیدباهنر	۱,۸۰۵	-۴۵
پلاسکوکار	۱,۲۳۰	-۲۵
پشم‌شیشه‌ایران	۷,۱۷۹	-۲۹۹
قند لرستان	۱۶,۹۵۷	-۷۰۶

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
تولیدمحورخودرو	۲,۱۵۵	-۸۹
الکتریک خودرو شرق	۱,۵۱۰	-۴۸
نیروکلر	۴,۴۹۸	-۹۸
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۴۳۰	-۴۶
افست	۱۱,۱۴۴	-۴۶۴
سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۰۳۲	-۲۶
عمران‌وتوسعه‌فارس	۴,۵۱۲	-۲۲۸
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۱۱,۰۰۰	-۲۹۱
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۱,۸۸۸	-۷۸
داروسازی کوثر	۴,۱۱۶	-۱۷۱
سیمان‌سپاهان	۱,۲۴۵	-۵۱
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۶,۱۵۰	-۲۵۴
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱,۰۳۰	-۱۴
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۲,۸۲۱	-۱۱۷
نفت سپاهان	۹,۹۲۴	-۳۸۰
بیمه البرز	۱,۱۶۰	-۱۳
پارس خودرو	۷۲۱	-۱۲
پارس مینو	۲,۸۶۰	-۱۰۹
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۲,۱۲۹	-۶
پست بانک ایران	۱,۴۴۰	-۳۵
گروه‌بهمن	۱,۶۰۰	-۵۲
ایران خودرودیزل	۷۲۵	-۲۳
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۵۲۲	-۶۳
ایرکا پارت صنعت	۵,۴۲۵	-۱۲۹
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۲,۹۹۰	-۱۵
ایران خودرو	۲,۵۱۸	-۲۸
تراکتورسازی‌ایران	۴,۷۵۴	-۱۸۷
نوردوقطعات فولادی	۴,۰۲۴	-۱۶۷
صنایع آذرآب	۲,۷۰۰	-۷۰
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۲,۱۲۶	-۸۸
سرمایه‌گذاری‌ملت	۵۷۱	-۲۳
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۳,۳۶۵	-۱۴۰
بانک صادرات ایران	۷۰۵	-۲۹
حمل‌ونقل‌توکا	۲,۰۶۷	-۸۱
بیمه آسیا	۱,۳۲۰	-۴۱
کمک‌فنرایندامین	۲,۰۶۹	-۵۲
سرمایه گذاری توسعه صنعتی ایران	۱,۰۷۴	-۴۴
داده‌پردازی‌ایران	۱,۷۷۹	-۷۴
بیمه دانا	۱,۴۹۴	-۵۶
سیمان شرق	۱,۲۳۴	-۴۰
فراورده های نسوزایران	۱۱,۴۲۵	-۴۷۶
لبنیات‌کالبر	۱,۲۳۰	-۴۶
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱,۱۴۳	-۴۷
بانک تجارت	۸۱۰	-۳۳
مهندسی‌نصیرماشین	۴,۵۱۸	-۷۴
ساپاشیشه	۱,۷۸۷	-۷۴
قند ثابت خراسان	۱,۰۲۸	-۴۲
داروسازی جابرابن‌حیان	۷,۳۲۰	-۳۰۴
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۳,۵۳۵	-۱۴۶
تولیدموادداولیه‌والیاف‌مصنوعی	۳,۹۹۴	-۱۶۶
پلی‌اکریل	۱,۴۳۴	-۵۹
تایدواترخاورمیانه	۴,۳۰۰	-۱۵۰
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۹۸۷	-۴۰
قند نیشابور	۱,۰۸۲	-۴۵
فیبر ایران	۳,۴۶۳	-۱۴۴
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۳,۰۶۷	-۱۲۷
زامیاد	۱,۴۲۳	-۵۹
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۱,۸۷۰	-۷۰
سایپا دیزل	۸۸۵	-۳۳
صنایع لاستیکی سهند	۵,۲۶۱	-۲۱۹
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۹,۱۸۸	-۳۸۲
شیشه همدان	۵,۸۴۹	-۱۳۹
شیشه و گاز	۵,۲۰۰	-۱۷۹
نیروترانس	۴,۶۱۳	-۱۸۰
لیزینگ‌خودروغدیر	۲,۲۳۸	-۹۳
مهرکام‌پارس	۱,۹۵۰	-۵۰
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲,۹۰۰	-۱۰۹
پارس خودرو	۷۰۴	-۲۹
کارخانجات قند قزوین	۲,۴۰۱	-۱۰۰
تامین ماسه ریخته‌گری	۵,۶۹۸	-۲۳۷
پارس‌سویچ	۳,۷۰۶	-۱۵۴
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱,۴۹۹	-۶۲
لنت ترمزایران	۳,۰۲۰	-۱۲۵
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۹,۴۲۸	-۳۹۲
مارگارین	۳,۲۷۰	-۱۳۶
ایران‌دارو	۵,۵۷۸	-۲۳۲
ح . بیسکویت گرجی	۲,۰۰۱	-۹۲
ح . پتروشیمی‌شیراز	۲,۲۱۰	-۹۶
ح . بانک سینا	۳۵۰	-۲۰
ح . ملی صنایع مس ایران	۶۸۰	-۳۹
ح . صنایع بهشهر(هلدینگ	۱,۱۰۰	-۶۲
ح . سرمایه گذاری‌صنعت ومعدن	۳۰۷	-۲۶
ح . توکافولاد(هلدینگ	۴۷۲	-۴۰
ح.بیمه پارسیان	۸۳۵	-۷۲

اخبار کوتاه شهرستانها

سفر یک روزه معاون اول رئیس جمهوری به گیلان

رشت - خبرنگار اطلاعات: معاون اول رئیس جمهوری امروز به گیلان سفر می‌کند.

استاندار گیلان در جلسه شورای برنامه‌ریزی استان با اعلام این خبر افزود: بهره‌برداری از سد «آیت‌الله بهجت» در شهر بیجار و کارخانه MDF فومنات بازدید از تالاب و منطقه آزاد بندرانزلی و حضور در جلسه شورای اداری استان از برنامه‌های سفر یکروزه مهندس جهانگیری به گیلان است.

دکتر محمدعلی نجفی گفت: در این سفر جمعی از معاونین رئیس جمهوری و تنی چند از وزیران دولت نیز معاون اول رئیس جمهوری را همراهی می کنند.

استاندار گیلان بحث و بررسی درباره مسایل کلان استان از جمله اشتغال، بررسی وضع کشاورزی، پروژه‌های زیست محیطی، پتروشیمی، راه‌آهن و بزرگراه‌های استان را از اولویت‌های قابل طرح در این سفر اعلام کرد.

دکتر نجفی همچنین با اشاره به وضع اسفناک آب و فاضلاب شهری استان گفت: اگر کمک موثر دولت در ساماندهی پسماند نباشد گیلان با مشکلات بیشتر مواجه می‌شود.

انجام نخستین عمل جراحی قلب باز، تعویض ریشه آئورت و بای پاس کرونر

اصفهان - خبرنگار اطلاعات: نخستین عمل جراحی قلب باز همزمان با تعویض ریشه آئورت و بای‌پاس کرونر با تکنیک تعویض ریشه آئورت و بای‌پاس کرونر با تکنیک David and coroner در مرکز آموزشی درمانی شهید دکتر چمران اصفهان انجام شد.

دکتر امیر میرمحمد صادقی، سرپرست تیم جراحی با تشخیص آنوریسم ریشه آئورت و نارسایی شدید دریچه آئورت و انسداد کامل شریان کرونر راست برای بیمار پنجاه و هفت ساله با همکاری گروهی متخصص این عمل جراحی را با موفقیت انجام داد.

در این عمل ریشه آئورت با حفظ دریچه آئورت خود بیمار تعویض شد و بای‌پاس شریان سینه‌ای داخلی راست به شریان کرونر راست قرار گرفت.

این عمل جراحی برای نخستین‌بار در این مرکز با موفقیت انجام شد و بیمار پس از گذراندن دوره نقاهت از بیمارستان مرخص شد.

این روش از آخرین شیوه‌های ترمیمی آئورت است که نیاز بیمار به مصرف داروهای ضدانعقادی مانند وارفارین بعد از عمل جراحی را کاهش می‌دهد.

بهره‌برداری از پروژه بزرگ میدان شهدا مشهد در سال ۹۶

مشهد - خبرنگار اطلاعات: عملیات اجرایی پروژه میدان شهدا بزرگترین پروژه شهری مشهد با اعتباری معادل ۱۲۰۰ میلیارد تومان سال ۹۶ به پایان می‌رسد.

مدیر اجرایی این پروژه بزرگ در جمع خبرنگاران اعلام کرد: تراز مالی این پروژه برای شهرداری مشهد صفر است و تاکنون ۸۷۰ میلیارد تومان برای اجرای این طرح هزینه شده است.

وی با اشاره به این که پروژه میدان شهدا که محل تلاقی ۳ خط قطار شهری مشهد است؛ افزود: ایجاد شبکه زیر سطحی وسیع شامل پارکینگ‌ها و محل عبور و مرور شهروندان از ویژگی های منحصر به فرد این پروژه شهری است.

خجسته نژاد گفت: در طرح میدان شهدا ۷۰ پروژه تعریف شده است که شامل پروژه‌های تجاری، فرهنگی و خدماتی می‌شود که این نیز از ویژگی‌های پروژه به شمار می آید. به گفته وی: ساختمان تالار شهر با ۱۸ هزار متر مربع زیر بنا امسال در میدان شهدای مشهد به بهره برداری می‌رسد.

او همچنین از ایجاد پارک «هشت آباد» برای تامین فضای سبز این پروژه بزرگ، خبر داد و گفت: در این پروژه بحث‌های حقوقی از مشکلات اصلی بود که مهم‌ترین آنها مربوط به اوقاف بود و اخیراً سرمایه گذار پروژه به نفع اوقاف از طرح خارج شد.

درخشش فیلمسازان تبریزی در آمریکا

تبریز - خبرنگار اطلاعات: انیمیش ساخته فیلمسازان تبریزی، بهترین فیلم جشنواره «بورگو اسپرینگز» آمریکا شناخته شد.

به گزارش روابط عمومی اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی «انیمیشن» دخترک آت اشغالی» ساخته مشترک «محمدزارع» و «شلاله خیری» به عنوان بهترین فیلم جشنواره بورگو اسپرینگز آمریکا شناخته شد.

این دو هنرمند تبریزی از اعضای فعال انجمن فیلم آذربایجان شرقی هستید و انیمیشن «دخترک آت آشغالی» منتخب بهترین فیلم انیمیشن جشنواره دوازدهم سیب استان در سال ۱۳۹۲ و برنده چندین جایزه از جشنواره‌های معتبر داخلی و خارجی نیز بوده است.

۱۲ راهکار برای افزایش سطح آب دریاچه ارومیه

ارومیه - خبرنگار اطلاعات: معاون عمرانی استاندار آذربایجان غربی گفت: ۱۲ راهکار اجرایی برای افزایش سطح آب دریاچه ارومیه در اولویت برنامه‌های ستاد استانی احیای این دریاچه قرار گرفته است.

دکتر هادی بهادری در جلسه مشترک با مجری طرح نجات دریاچه ارومیه اصلاح الگوی کشت، اجرای شبکه‌های آبیاری تحت فشار در مزارع و باغات، مقابله با برداشت‌های غیر مجاز، تجمیع و ساماندهی چاه‌های کشاورزی، برنامه‌ریزی برای بارورسازی ابرها، کشت نهال ها و درختچه‌های مقاوم به کم‌آبی و جایگزینی با کشت‌های آب بر و آغاز مطالعات طرح کاهش تبخیر از سطح دریاچه را از جمله این راهکارها دانست.

او همچنین به اجرای برنامه‌های فرهنگی در سطح استان و افزایش مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های مردم نهاد به‌خصوص در حوضه جنوبی آبریز دریارچه اشاره کرد و افزود: ۲۸ پروژه فرهنگی در کمیته فرهنگی اجتماعی ستاد استانی احیای دریاچه ارومیه به تصویب نهایی رسیده است که با همکاری مدارس، دانشگاه‌ها، گروه‌های مردمی و مجامع فرهنگی در استان اجرا می‌شود.

بهادری به افزایش مشارکت‌های مردمی در اجرای طرح‌های نجات‌بخشی دریاچه نیز اشاره کرد و گفت: با افزایش آگاهی مردم نسبت به وضع دریاچه و برنامه‌های دولت برای نجات آن شاهد مشارکت بیش از پیش مردم با مسئولان در پیشبرد طرح‌ها به‌خصوص در مدیریت و کاهش مصرف آب در بخش‌های عمومی و کشاورزی هستیم.

مدیر کل جهاد کشاورزی و مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای و سرپرست اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی نیز گزارشی از میزان اعتبارات اختصاص یافته به پروژه‌های مصوب ستاد ملی احیای دریاچه از محل این اعتبارات ارائه کرد.

دکتر مسعود تجریشی معاون پژوهشی دانشگاه شریف نیز گفت: از مجموع مصوبات ستاد ملی احیاء دریاچه ارومیه در سال جاری انجام ۸ طرح مطالعاتی در حوضه دریاچه ارومیه تصویب شده ست که از این تعداد ۵ پروژه مطالعاتی تا پایان سال اجرایی شده و بقیه برای سال آینده تامین اعتبار می‌شود.

تجریشی استفاده از توان علمی و اجرایی استان‌های حاشیه دریاچه ارومیه را از برنامه‌های ستاد احیای دریاچه بر شمرد و گفت: از سال آینده درقالب اجرای طرح کاهش ۴۰ درصدی مصرف آب کشاورزی پس از پایان مراحل آزمایشی عملیات اجرایی طرح در بخش جنوبی دریاچه آغاز می‌شود وی افزود: افزایش تولید، افزایش راندمان بهره‌وری و کاهش ۴۰ درصدی مصرف آب در دو سال از اهداف مهم این برنامه اجرایی است.

دکتر زینال‌زاده رئیس پژوهشکده مطالعات دریاچه ارومیه نیز در این نشست تخصصی گفت: پژوهشکده مطالعات دریاچه ارومیه با استفاده از ظرفیت‌های علمی دانشگاهی برای بهره‌برداری حداکثری و اجرایی شدن مطالعات تلاش می کند.

آغاز فعالیت جمعیت هواداران ایمنی راه‌ها در استان یزد

یزد - خبرنگار اطلاعات: ارتقای ایمنی راه ها برای کاهش تلفات جاده‌ای جزو برنامه‌های اصلی جمعیت طرفداران ایمنی راه‌ها است.

مطلب بالا را دوستعلی قاسمی عضو هیات مدیره جمعیت طرفداران ایمنی راه‌ها در مراسم گشایش نهمین دفتر این جمعیت در استان یزد اعلام کرد و افزود: عضوگیری این جمعیت در همه استان‌های کشور آغاز شده و دفاتر جمعیت تاکنون در هشت استان کشور فعال شده و یزد به عنوان نهمین دفتر جمعیت هواداران ایمنی راه‌ها فعالیت خود را آغاز خواهد کرد.

وی با بیان این‌که ۱۵ نفر به عنوان هیات اجرایی انتخاب می‌شوند، افزود: برخی اعضا نیز از نمایندگان مجلس، ائمه جمعه، مسئولان راه‌ها انتخاب می‌شوند تا در صورت نیاز به همکاری‌های دولتی بتوانیم از آنان استفاده کنیم.

قاسمی، نقش صدا و سیما، رسانه‌ها، آموزش و پرورش، هنرمندان و ورزشکاران را نیز در این تشکل بسیار حائز اهمیت و تاثیر گذار خواند و گفت: امیدواریم با بهره‌مندی از ظرفیت‌های استان یزد، جمعیت طرفداران ایمنی راه‌ها فعال شود و دبیری توانمند در دفتر یزد مشغول فعالیت شود.

او گفت: آمار تلفات جاده‌ای از ۲۸ هزار و ۷۵۲ نفر به ۱۸ هزار نفر رسیده که امیدواریم این آمار در سال ۹۳ کاهش یافته و به ۱۷ هزار نفر برسد.

سیدمحمدرضا سیدحسینی معاون عمرانی استاندار یزد نیز در این‌باره گفت: بحث ایمنی راه‌ها یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشور و استان یزد است زیرا شرایط راه‌ها در یزد متفاوت با بسیاری از استان‌های دیگر است.

او با بیان این‌که معادن، به سرعت راه‌های روستایی را از بین می‌برد، افزود: اگر بخواهیم با این اعتبارات به مقوله راه‌ها بپردازیم، حتی کل بودجه استان هم برای ساخت ۱۰۰ کیلومتر راه کافی نیست و با توجه به بیش از ۳۵۰۰ کیلومتر راه در استان یزد، بودجه‌های فعلی هیچ است.

او با اشاره به آمار تلفات درون شهری در یزد گفت: در این زمینه متاسفانه رتبه بالایی داریم و در تصادفات و تلفات برون شهری نیز گرچه کاهش چشمگیری داشته‌ایم اما باز هم آمار تلفات نسبت به جمعیت استان بالاست و این آمار به هیچ وجه خوب نیست. محمدرضا بشیری مدیرکل حمل و نقل و پایانه‌های استان یزد نیز با اشاره به قانون برنامه پنجم توسعه مبنی بر کاهش ۱۰ درصدی تلفات جاده‌ای گفت: بر اساس این قانون، آمار تلفات حوادث جاده‌ای باید هر سال نسبت به سال قبل کاهش ۱۰ درصدی پیدا کند که خوشبختانه در یزد در طول هشت ماه گذشته محقق شده است.

وی، وضع تحقق قانون برنامه پنجم توسعه در کل کشور را کند اعلام کرد و افزود: میزان تلفات جاده‌ای در کل کشور ۵٫۸ درصد بوده است که با ۱۰ درصد فاصله دارد.

بشیری با اشاره به این‌که آمار تلفات جاده‌ای در یزد از ۲۸۹ نفر در سال ۸۶ به ۱۶۲ نفر در سال ۹۲ رسیده است، افزود: خوشبختانه روند کاهشی در این زمینه را طی می کنیم و امیدواریم با همکاری مردم این وضع تداوم پیدا کند. او با اشاره به ایجاد دفتر جمعیت طرفداران ایمنی راه‌ها در استان یزد گفت: نقش رسانه‌ها، هنرمندان، ائمه جمعه و جماعات، بسیج و سپاه را در این زمینه بی‌بدیل می‌دانیم و امیدواریم بتوانیم برای فرهنگ‌سازی در زمینه کاهش تصادفات از همه این ظرفیت‌ها بهره‌مند شویم.

بشیری با بیان این‌که نقش رسانه‌ها بیش از سایر گروه‌ها حائز اهمیت است، افزود: در اجرای طرح‌های مختلف اگر به مردم اطلاع‌رسانی نشود، مردم نمی‌توانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند و رسالت این اطلاع‌رسانی بر عهده رسانه‌هاست. در این نشست با پیشنهاد مدیرکل راه و شهرسازی استان یزد، مدیرکل حمل و نقل و پایانه‌های استان یزد و معاون عمرانی استاندار یزد، سید علی‌محمد میرحسینی به عنوان دبیر جمعیت طرفداران ایمنی راه‌ها در استان یزد انتخاب شد.

ضرورت ایجاد تعامل بین بانک‌ها و سرمایه گذاران در سیستان و بلوچستان

زاهدان - خبرنگار اطلاعات: مشکلات سرمایه‌گذاری در سیستان و بلوچستان ناشی از نبود تعامل بین بانک‌ها و سرمایه‌گذاران است.

رئیس کل دادگستری سیستان و بلوچستان در نشست اعضای شورای قضایی استان با شورای هماهنگی بانک‌ها تأکید کرد: برای کمک به سرمایه‌گذاری و توسعه استان باید در ایجاد تعامل بین سرمایه‌گذاران و بانک‌ها تلاش شود.

حجت‌الاسلام ابراهیم حمیدی اشتغال‌زایی و ایجاد امنیت پایدار را منوط به نگاه حمایتی و ویژه به سرمایه‌گذاران دانست و گفت: میزان معوقات بانکی در سیستان و بلوچستان مبلغ ۳۸۵ میلیارد تومان است و بانک‌ها باید مطالبات دانه درشت را در اولویت قرار دهند و تا حصول نتیجه آن را پیگیری کنند.

وی بدهکاران بانک را به دو دسته قاصر و مقصر تقسیم‌بندی کرد و افزود: بدهکاران قاصر کسانی هستند که هدفشان افزایش سرمایه‌گذاری و تولید در استان بوده اما به دلایلی نتوانسته‌اند به اهداف خود برسند و مدیران باید از اختیارات خود برای کمک به این افراد استفاده کنند.

به گفته رئیس شورای قضائی سیستان و بلوچستان گروه دوم شامل افراد سودجو است که قصد استفاده از بیت‌المال را دارند و در این راستا باید هم بانک‌ها و هم مراجع قضائی سخت‌گیرانه برخورد کنند. وی استعلام از سیستم بانکی کشور برای شناسایی مشتریان بدحساب را یکی از توقعات دستگاه قضائی از این سیستم اعلام کرد و گفت: این اقدام نوعی حرکت پیشگیرانه برای جلوگیری از سوءاستفاده مخلان اقتصادی است.

رئیس کل دادگستری سیستان و بلوچستان همچنین خواستار اقدام به موقع بانک‌ها در تشکیل پرونده و طرح دعاوی شد و افزود: ضعف بزرگی که بسیاری از بانک‌ها دارند این است که در تشکیل پرونده و مراجعه به محاکم دیر اقدام می کنند و موجب افزایش مطالبات بانکی می‌شوند. حجت‌الاسلام حمیدی همچنین بر لزوم استفاده از وکلای باتجربه به عنوان نماینده حقوقی بانک‌ها و بازنگری در قراردادها و تفهیم آن به مشتریان تأکید کرد و آن را در رفع مشکلات اجتماعی مؤثر دانست. وی قراردادهای یک‌طرفه در بانک‌ها را یکی دیگر از ایرادات سیستم بانکی کشور اعلام کرد و از بانک‌ها خواست تا قراردادها را به صورت دو طرفه تنظیم کرده و بانک‌ها علاوه‌بر مشارکت در سرمایه‌گذاری در خرید محصولات تولیدی نیز سهیم شوند. او همچنین از رسیدگی به پرونده‌های دانه درشت و تشکیل کارگروه برای بررسی و پیگیری این مطالبات در استان خبر داد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

یک پیشنهاد

تهیه نان با نرخ آزاد باعث افزایش کیفیت این محصول خواهد شد و هم به نفع مردم است و هم به نفع مسئولان. پیشنهاد می‌شود نان آزادپز نیز در اختیار مردم قرار گیرد.

آستارا - مصرف کننده نان

گرانفروشی به بهانه نداشتن سهمیه آرد

برخی نانوایی‌های چند شهر استان‌های گلستان و مازندران در روزهای اخیر به بهانه آن که سهمیه آرد ندارند، نان ۵۰۰ تومانی را به بهای ۱۰۰۰ تومان می‌فروشند، حال آنکه تا چندی قبل همان نان را ۱۵۰ تومان می خریدیم. خرید نان هم به داستانی تبدیل شده است!

ساری - تلفن به خط ارتباطی

وزارت آموزش و پرورش پاسخگو باشد

لطفاً مسئولان وزارت آموزش و پرورش درباره زمان پرداخت وام ۲ میلیون تومانی به فرهنگیان بازنشسته اطلاع‌رسانی کنند.

آق‌قلا (گلستان) - دبیر بازنشسته

درختان قطع شده در منطقه ۷!

شهرداری منطقه ۷ تهران، درختان تقاطع خیابان مطهری - مفتح را قطع و جای آن تابلو نصب کرده است که به نظر من اقدامی ضدمحیط‌زیستی است! لطفاً مسئولان در این باره توضیح دهند.

از ساکنان محل

تقاضا از سردبیر روزنامه اطلاعات

از چاپ سر مقاله‌های تاثیرگذار و ارزنده سردبیر روزنامه اطلاعات سپاسگزارم، از ایشان تقاضا می‌شود درباره علل وقوع فسادهای مالی در ایران و همچنین راه‌های جذب بیشتر جوانان به مساجد مطلب بنویسند و موضوع را ریشه‌یابی کنند.

خواننده روزنامه اطلاعات

چاپ روزنامه‌های آزاد چاره‌ساز است

یکی از راه‌های پیشگیری از فساد مالی، چاپ روزنامه‌های آزاد است. وقتی روزنامه‌ها بتوانند آزادانه بنویسند و هیچ چیز محرمانه نباشد و وقتی ارگان‌ها و نهاهای مختلف بدانند که در مطبوعات حسابرسی می‌شوند و باید پاسخگوی افکار عمومی باشند، امکان اختلاس به حداقل کاهش می‌یابد.

تلفن به خط ارتباطی

مطبوعات بزرگنمایی نکنند

بیشتر روزنامه‌ها عیدی کارگران را مبلغ یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان با حروف درشت تیتر کردند، حال آنکه همه می‌دانند تعداد اندکی از حقوق‌بگیران تحت پوشش بیمه سازمان تأمین اجتماعی بالاترین سقف عیدی را دریافت می کنند و از این رو جا دارد مطبوعات در این مورد بزرگنمایی نکنند.

بیمه‌شده تأمین اجتماعی

با این حقوق‌ها نمی‌توان پس‌انداز کرد

همسرم با دریافت ۷۰۰ هزار تومان مستمری ماهانه و داشتن ۳ فرزند تحصیلکرده بیکار، چگونه می تواند خانواده خود را اداره کند؟ تهیه جهیزیه برای دختران در آستانه ازدواج و مسکن برای پسران جوان، برعهده والدین است، حال آنکه با این حقوق‌ها، پولی برای پس‌انداز و تأمین آینده فرزندان باقی نمی‌ماند.

همسر بازنشسته کشوری

تشکر از حُسن برخورد کارکنان بانک

از کارکنان بانک ملی ایران، شعبه شهید صدوقی کرج به دلیل مشتری‌مداری و ارائه خدمات سریع و محترمانه به مراجعان، تشکر می‌شود.

کرج - فخرپور

اسامی ایستگاه‌ها را اعلام کنند

برخی از ساعت‌های ایستگاه‌های مترو تنظیم شده نیست و گاهی راهبران قطارهای مترو، اسامی ایستگاه‌ها را اعلام نمی‌کنند که برای مسافران، مشکلاتی به وجود می‌آورد.

علی از تهران

فروش ویژه بمناسبت ولادت رسول اکرم (ص)

تسهیلات ویژه بدون ضامن

کرمان موتور




دانلود اپلیکیشن کرمان موتور


لیست نمایندگان



www.kermanmotor.ir

برای اطلاعات بیشتر به وب سایت یا نمایندگی های مجاز شرکت کرمان موتور مراجعه نمایید

امداد خودرو کرمان موتور ۶۴۰۲۶-۰۲۱

LIFAN X60



فروش قطعی تحویل ۳۰ روزه خودروی لیفان X60 با پرداخت ۵۹۴،۰۰۰،۰۰۰ ریال

نوع فروش	مرحله اول (همزمان با ثبت نام)	زمان تحویل	وضعیت سند	تعداد اقساط (ماه)	مبلغ اقساط (ماهیانه)	تاریخ پرداخت اولین قسط
نقد و اقساط	۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰	تحویل بهمن ۹۳	سند در رهن	۱۲	۲۹،۲۴۰،۰۰۰	یک ماه پس از تحویل خودرو
	۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰			۲۴	۱۶،۷۱۰،۰۰۰	
	۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰			۳۶	۱۲،۴۵۰،۰۰۰	
	۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰			۱۲	۱۹،۸۶۰،۰۰۰	
	۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰			۲۴	۱۱،۴۶۰،۰۰۰	
	۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰			۳۶	۸،۶۰۰،۰۰۰	

LIFAN 620



فروش قطعی تحویل ۳۰ روزه خودروی لیفان ۶۲۰ با پرداخت ۴۴۳،۰۰۰،۰۰۰ ریال

نوع فروش	مرحله اول (همزمان با ثبت نام)	مرحله دوم	زمان تحویل	وضعیت سند	تعداد اقساط (ماه)	مبلغ اقساط (ماهیانه)	تاریخ پرداخت اولین قسط
نقد و اقساط	۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰	—	تحویل بهمن ۹۳	سند در رهن	۲۴	۱۳،۲۶۰،۰۰۰	یک ماه پس از تحویل خودرو
	۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰	—	تحویل بهمن ۹۳		۳۶	۹،۸۵۰،۰۰۰	
	۲۴۰،۰۰۰،۰۰۰	—	تحویل بهمن ۹۳		۲۴	۱۱،۱۶۰،۰۰۰	
	۲۴۰،۰۰۰،۰۰۰	—	تحویل بهمن ۹۳		۳۶	۸،۳۱۰،۰۰۰	
	۲۸۰،۰۰۰،۰۰۰	—	تحویل بهمن ۹۳		۲۴	۹،۰۶۰،۰۰۰	
	۲۸۰،۰۰۰،۰۰۰	—	تحویل بهمن ۹۳		۳۶	۶،۷۷۰،۰۰۰	
	۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰	تحویل اسفند ۹۳		۱۲	۱۳،۴۶۰،۰۰۰	
	۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰	تحویل اسفند ۹۳		۲۴	۷،۶۹۰،۰۰۰	
	۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰	تحویل اسفند ۹۳		۳۶	۵،۷۷۰،۰۰۰	

۱. سند خودرو تا پایان اقساط در رهن شرکت باقی خواهد ماند و تنها با تسویه نهائی سند خودرو آزاد خواهد شد.
۲. هزینه بیمه بدنه در طول مدت بازپرداخت از طرف شرکت پرداخت می شود.
۳. دریافت اقساط ماهیانه یا هر سه ماه یکبار.

حکم رهبری فصل‌الخطاب است

همانگونه که صورت افراد می تواند معرف سیرت ایشان باشد، معکوس این مسئله هم می تواند صادق باشد، یعنی کسی نشان دهد آن که نیست و آن که هست نشان ندهد! هم او که در ظاهر، از خدا و دین و قرآن و نماز و رحمت و گذشت و مروت و مدارا، دم می‌زند، اما خود به هیچ یک از این اصول پایبند نمی‌باشد. تظاهر به نیکی‌ها و نیک‌نامی‌ها و کارنامه کامیاب خود می کند، اما در حقیقت معنا و مرام و روش، زشت و بدنام و ناکام‌یاب است. وعده می دهد، اما به وعده خود عمل نمی کند، از اخلاق می گوید، اما بداخلاقی می کند، بر طبل عدل می کوبد، اما عدالت را دور می زند!

اگر واعظان، آنچه در منابر و معابر خود می گویند، خود به آن عمل کنند، مداحان همان قدر که از مریدان خود، خلوص می خواهند، خود خالص باشند، افراد و دستگاه‌هایی که سمینارهای قرآن و نماز برپا می‌دارند، خود عامل به قرآن و نماز بودند، اصحاب رسانه و ارباب سایت‌های مدعی آزادی‌خواهی، آزادانه آثار غیر خود را منتشر می کردند، دولتمردان و متولیان امور، به جای برگزاری میتینگ مبارزه با فساد، این مبارزه به حق را از خود و اطرافیان خود آغاز می کردند و از بیت‌المال مبارک مسلمین حفاظت می کردند و دست مستضعفین را می گرفتند، شهرداری و سایر دستگاه‌ها، شعارهایی را که در سطح شهر نصب می کنند، حداقل خود بخش حداقلی آن را رعایت می کردند، مسئولین و کسانی که دارای نفوذ کلام هستند و به تریبون‌های عمومی دسترسی دارند، بویژه نخبگان، علما و روحانیت که خود مظهر رحمت و وحدت هستند، اینقدر از خشونت و دوئیت و دشمنی حرف نمی‌زدند و در یک کلمه همه خدا را در خود و خود را در خدا جستجو می کردند، امروز شاهد اختلاف فاحش صورت‌ها و سیرت‌ها و خود بزرگ‌بینی‌های ظاهری، در مقابل تحقیر باطنی خود نمی‌بودیم.

افسوس و هزاران قصه پرغصه که در عصر و عرصه‌ای که ما زندگی می کنیم، برخی افراد و گروه‌ها، ظاهراً نان خود را در دامن‌زدن به اختلافات بین بزرگان قوم جستجو می کنند و بدینوسیله می خواهند، از آب گل‌آلود ماهی خود را صید نمایند! کسانی که با القاء مطالب غلط و ارائه اخبار و نقل‌قول‌های بی‌اعتبار و یا نه چندان معتبر، نشان می دهند که احیاناً از ایجاد بی اعتمادی و شیوع بد، بدگمانی بین طرفین مورد مناقشه، منتفع می شوند اما آنچه از این نجوا مراد می کنم، این است که بعد از گذشت سه‌دهه از عمر انقلاب‌اسلامی، امروز ایران وارث اسلام، تشیع، تمدن و مسئول بیداری ملت‌های مسلمان است و برای انجام این رسالت بزرگ دینی و ملی خود، از هیچ کوششی فروگذار نکرده است و در این مسیر پرفراز و نشیب، از جان و مال و آبروی خود هزینه می کند. نتیجه این که امروز، دوست و دشمن ایران را ام‌القرای جهان اسلام و دارالتقریب بین‌المذاهب می دانند، از این‌رو، هرگونه اظهار نظر، اعلام موضع و اقدامی که از سوی شخصیت‌ها و مسئولین داخلی کشور صورت پذیرد که موجب تضعیف انقلاب و خدشه به وحدت ملی گردد و از اندازه‌های بین‌المللی ایران در جهان بکاهد، به گمان من نوعی گژاندیشی منفی و مخرب است که ما بدانیم و ندانیم، توسط عوامل بیگانه و سرویس‌های استعماری انشاء و القاء می‌شود.

در شرایط حساس و استراتژیک دوران‌گذار و نظم نوین جهانی، که هریک از دولت‌ها و قدرت‌های خودخوانده، با تمسک به تئوری توطئه، درپی استیلای مستعمرات خود و سهم‌خواهی بین‌المللی، می کوشند حتی با دشمنان تاریخ خود وحدت کنند، چرا و چگونه است که ایران بزرگ که محققاً دارای بیشترین سهم از معادله تقسیم قدرت در جهان کنونی است، باید همچنان اسیر اختلافات نفسگیر، آن هم برای هر پیچ و هر هیچ باشد؟! هیچ عقل سلیمی و وجدان بیداری تشدید دوئیت و اختلاف، به ویژه در میان عالمان دینی، دانشمندان، دولتمردان، گروه‌ها و اصحاب رسانه را برنمی تابد. اصول مترقی اسلام و اصل ولایت فقیه در قانون اساسی ایران، چراغ راه رهبری جهانی است و کسانی که با الفبای حکومت اسلامی آشنایی دارند، نیک می دانند که در نظام جمهوری اسلامی، هیچ فعل، یا افعال حیاتی صورت نمی‌پذیرد، مگر با اذن ولی و برخوردار از همه شئون قانون اساسی از این‌رو، همانگونه که دیروز و در زمان رهبری امام راحل، وحدت کلمه اسم رمز مقامات و نیروهای انقلاب بود و در مسائل مهمی چون پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و از سرگیری روابط با دولت عربستان، مورد استقبال آحاد مردم و جناح‌های سیاسی قرار می گرفت، امروز و در دوران رهبری حاضر نیز، ممکن است، در مسائلی از قبیل مذاکرات موصوف به گروه ۱+۵، به تصمیم مهم و نتیجه مهم‌تری دست یابد و قفل تحریم‌های ظالمانه، به لطف تدبیر خردمندانه منشور حکمت، عزت و مصلحت، گشوده شود، در این میان هرکس ادعای ولایت‌پذیری بیشتری دارد، باید با خط رهبری همراه‌تر نشان دهد، زیرا علاوه‌بر این‌که حکم رهبری در همه فواصل، فصل‌الخطاب است، همه می‌دانیم از امام و رهبر انقلاب، کسی و کسانی استکبارستیزتر نبوده و نیستند! پخته داند کاین سخن با خام نیست!

من غلام نظر آصف عهدم کو را
صورت خواجگی و سیرت درویشان است

محمدتقی فرجی

تجارت بی‌دغدغه بانک‌ها و گرفتاری ضامن‌های وام‌گیرندگان!

گهگاه افرادی را می‌بینیم که بر سر زنان، این طرف و آن طرف می‌دوند و آه و ناله سر می‌دهند که «بدبخت شدم، حقوقم مسدود شده است و...»، و ما را نصیحت می کنند که «حتی ضامن وام برادرتان هم نشوید! وقتی جویای کارشان می‌شویم، همگی‌شان را به یک درد مبتلا می‌بینیم «ضامن وام دوست و آشنا شدن و آن فرد دنبال کار خود رفتن و ضامن بی‌چاره گرفتار پس دادن تاوان وام و مسدود شدن حقوق و مشکلات دیگر»!

به راستی در جریان وام‌دهی، چرا بانکی‌ها قوانین خاص و ویژه برای خود وضع می کنند تا تجارتی بی‌دغدغه داشته باشند؟

درآمد و تجارت به شیوهٔ بانکی‌ها بیشتر اوقات تجارتی سودآور و بدون ضرر و زیان است؛ لازم است متقاضی وام مبلغی پول در حساب خود واریز کند تا به اصطلاح مدتی «کارکرد» داشته باشد و پس از آن که شرایط دریافت وام را کسب کرد، آن وقت باید ۲ نفر ضامن به بانک معرفی کند و در آنجا از هر کدام از ضامنین چک و سفته به میزان کل مبلغ وام و سود آن را می گیرند، ضمن آن‌که از کارمندان علاوه بر اینها حکم کارگزینی، فیش حقوقی، پرینت صورت حساب چند ماهه و گواهی کسر اقساط نیز دریافت می کنند، در حقیقت تمامی اسرار و رمز و رازهای حقوق و دخل و خرج هر فرد باید به راحتی در اختیار بانکی‌ها قرار گیرد!

اما مشکل اساسی آنجاست که برخی از وام گیرندگان محترم پس از دریافت وام، اقساط خود را نمی‌پردازند و به واسطه حاشیه امنیتی که بانک‌ها برایشان ایجاد کرده‌اند، پرداخت قسط‌های خود را به ضامنین محول می کنند و بانک نیز از هر کدام از این ۲ ضامن که دلش خواست، می‌تواند مطالبات خود را دریافت کند.

به راستی چرا به بانک‌ها این همه اختیار داده می‌شود که به راحتی حساب افرادی را که زندگیشان باحقوق ماهانه می گذرد و به دلیل احساس نوعدوستی و شاید رودربایستی، ضمانت وام فردی را پذیرفته‌اند، مسدود کند و ضامن و خانواده‌شان مدت‌ها گرفتاری و سختی بکشند؟

چرا بانک‌ها بر اساس سرمایه‌های نقدی و غیر نقدی به افراد تسهیلات نمی‌دهند و به ضامنین اتکا می کند؟ لازم است میزان وام فقط بر اساس ثروت و سرمایه وام گیرنده باشد و در صورت عدم پرداخت اقساط از سرمایه‌های نقدی و وثیقه‌هایش مطالبه شود تا دیگران دچار مشکل و زحمت نشوند.

از مسئولین محترم امور انتظار می‌رود در روند کار بانک‌ها درخصوص اعطای تسهیلات، نظارتی دقیق‌تر داشته باشند و مقرراتی غیر از این‌گونه که مرسوم است، اتخاذ کنند که در این ارتباط پیشنهادهایی به شرح زیر دارم:

ـ بانک‌ها موظف شوند فقط بر اساس میزان کارکرد و اعتبار افراد، به آنان وام و تسهیلات بپردازند.

ـ پاسخگو و ضامن وام هر فرد فقط خودش باشد و منابع مالی و وثیقه‌هایی که خودش در اختیار دارد، به عنوان ضامن منظور شود.

ـ در صورتی که مبلغ وام بالا باشد و وثیقه‌های وام گیرنده کفاف نکند و ضرورتاً و در شرایط ویژه لازم باشد تا افرادی معتبر ضمانت وام را عهده‌دار شوند، از «چند نفر» ضامن استفاده شود تا «مازاد» بر منابع و وثیقه‌های وام گیرنده را ضمانت کنند و در صورتی که مقروض نتواند اقساط وام خود را بپردازد، پس از ضبط وثیقه‌هایش، مابه‌التفاوت بدهی‌هایش، بالسویه بین ضامنین تقسیط شود.

ـ از همان ابتدا درصد ضمانت مشخص شود و برای پیشگیری از مشکلات بعدی، هر فرد فقط می تواند تا درصد معینی را ضمانت کند.

ـ همان‌گونه که بانکی‌ها، ضامنین را در «بدهی» اشخاص شریک می کنند، لازم است در این تجارت و معامله بخشی از «سود بانکی» به ضامنین داده شود، چون در حقیقت نوعی تجارت شراکتی به حساب می‌آید.

ـ قانونی وضع شود تا بر اساس آن کارمندان فقط تا سقف معینی را حق ضمانت داشته باشند تا در صورتی که مشکلی برای وام گیرنده رخ دهد، میزان قسط به گونه‌ای باشد که حقوق ضامن بتواند آن را پوشش دهد و خللی در زندگی برای خانواده ضامن به وجود نیاید. به عقیده من اگر نظراتی دقیق‌تر بر روند اعطای وام بانک‌ها صورت پذیرد، منبعد شاهد سودجویی برخی از افراد فرصت‌طلب و گرفتاری ضامنین بخت برگشته، که اغلب از قشر کارمندان شریف هستند، نخواهیم بود.

شاید گفته شود که افراد باید به هنگام ضامن شدن رودربایستی‌ها را کنار بگذارند و وقتی ضمانت فردی را پذیرفتند، باید جورش را هم بکشند، که در جواب باید گفت در یک محیط اداری یا در یک محل بودن و یا آشنایی با افراد، گاهی شرایطی پیش می‌آورد که همهٔ افراد این روحیه «نه» گفتن را ندارند و افراد سودجو نیز آنان را در حقیقت، «شکار» می کنند و آن فرد خیرخواه، گرفتار می‌شود. پس لازم است قوانین اداری به گونه‌ای باشد که از سویی فرصت به افراد فرصت‌طلب داده نشود و از سوی دیگر همواره حامی و پشتیبان و دستگیر همهٔ اقشار مطلع و غیر مطلع باشد.

حسن غنیمتی
جویبار (مازندران)

مختصری درباره موانع اجتماعی و فرهنگی رشد احزاب در ایران

سابقه احزاب سیاسی در کشور ما به یک قرن و نیم پیش بر می گردد، با این حال هنوز این نهاد بسیار جوان است و طی سال‌های اخیر دچار تغییرات شدیدی شده که به تبع آن، جامعه ایرانی را نیز دچار دگرگونی‌های زیادی کرده است. به طور کلی موانع توسعه احزاب در ایران را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

ساختار قبیله‌ای و قومی ـ ساختار قبیله‌ای و عشیره‌ای و همچنین وجود اقوام مختلف موجب شکاف‌های عمیق و همچنین نزاع‌هایی برسر قبیله و قدرت در طول تاریخ ایران شده است که مانع حضور مردم به صورت داوطلبانه و آزاد در نهادهای مدنی مانند احزاب شده است.

نبود طبقات اجتماعی متمایز و بخصوص طبقه متوسط ـ احزاب به عنوان نمایندگان طبقات گوناگون جامعه در بستری از قدرت‌های سیاسی و اجتماعی فعلیت یافته‌اند و مبارزه می‌کنند. درجامعه ایرانی به دلیل توسعه‌نیافتگی، پایین بودن سطح سواد و ساختار معیشتی یک نوع ساختار طبقاتی هرمی شکل، حاکم بوده است که این ساختار اقلیتی از طبقات بالا نظیر پادشاهان و درباریان و اکثریت عظیمی شامل توده‌های فقیر تشکیل می‌دادند، که در چنین جامعه‌ای نهادهای مرتبط آن شکل نمی‌گیرد.

رشد طبقات متوسط ـ در سال‌های اخیر طبقات متوسط رشدکرده، اما به وسیله مکانیسم‌هایی ناکام شده است که از جمله با بسط و گسترش مصرف‌گرایی، می‌توان این طبقات را خنثی کرد. که در سال‌های اخیر شاهد ورود بی سابقه انواع کالاهای مصرفی به کشور از لوازم آرایشی گرفته تا انواع خودرو تا لوازم خانگی واسباب بازی برای رواج فرهنگ مصرف گرایی بوده‌ایم. با این حال با گسترش تحریم‌ها، دیگر ورود کالاهای مصرفی بسیار سخت و قیمت کالاها نیز خیلی بالا رفته است.

وجود نهادهای رقیب سنتی برای نهادهای مدنی ـ در ایران نهادهای دینی و مراکز و دستگاه‌های مربوط به آن نظیر مساجد، مدارس علمیه، تشکیلات روحانیت و نظایر آن‌ها مانند یک حزب، اما با مشارکت عده‌ای خاص عمل می‌کردند و از این رو با توجه به کارکرد آنها نیاز به وجود احزاب در جامعه ایرانی کمتر احساس می‌شد، که البته این عامل موجب می‌شد ،که نه فقط احزاب شکل نگیرند و در صورت شکل گیری با مشکل روبرو شوند، بلکه این نهادها نیز از اهداف اصلی خود باز بمانند.

قدرت و تاثیرگذاری گروه‌های ذی نفوذ: در بسیاری از موارد، احزاب سیاسی تحت تاثیر گروه‌های ذی نفوذ شکل می گرفتند و فعالیت می‌کردند، بازاریان، دربار، اشراف، خوانین و ملاکین از گروه‌های عمده ذی نفوذ در تاریخ معاصر ایران بوده‌اندو محله، مسجد، پاتوق و راسته بازار مکان‌های اولیه شکل گیری احزاب بوده‌اند و ریشه بسیاری از احزاب ظاهراً موجود نیز برخی گروه‌های ذی‌نفع که به صورت محفلی عمل می‌کردند، بوده است.

نوع کنش‌های غالب اجتماعی: در جوامعی که اعمال کنندگان قدرت مشروعیت کاریزمایی یا سنتی دارند امکان شکل گیری احزاب و یا تداوم فعالیت‌های آن امکان‌پذیر نیست.

وجود لمپنیزم: در ایران هیچکس به اندازه لمپن‌ها دشمن دموکراسی در دوران معاصر و آرامش و قرار مردم در گذشته نبوده است. اینقدر که در ایران از روشنفکران و نخبگان انتقاد شده است لمپن‌ها و لمپنیزم مورد انتقاد قرار نگرفته‌اند. پایین بودن سطح سواد، ارتباطات و آگاهی‌های عمومی، پراکندگی جمعیت و روستانشینی نیز از جمله دیگر عوامل اجتماعی موثر بر عدم موفقیت احزاب سیاسی در ایران بوده است.

عوامل فرهنگی:

فرهنگ و یا به عبارتی شیوه تفکر و احساس و عمل و فرهنگ سیاسی در ایران به گونه‌ای است که یا احزاب در آن شکل نمی گیرند و یا به شکل ناکارآمدی در می‌آیند، نوع نگرش به سیاست و کارهای سیاسی: در فرهنگ ایرانی نوع نگرش به سیاست و مسایل سیاسی منفی بوده در نتیجه مانع دخالت مردم در امور سیاسی و مشارکت در نهادهای مدنی سیاسی بوده است.

روحیه و ذهنیت توطئه‌نگر: توطئه استکبار جهانی، توطئه امپریالیسم، توطئه صهیونیسم و امثال آن‌ها از مهم‌ترین ابزارهای ترساندن مردم از فعالیت‌های سیاسی و حزبی بوده است. هرچند توطئه واقعیت است و توطئه‌گران در همه عالم وجود دارند، اما در این منطقه بسیار به چشم می‌خورند، شاید یکی از دلایل وفور ذهنیت توطئه در ایران، بستر فرهنگی جامعه ما باشد.

فرهنگ مبتنی بر حق نه تکلیف: در فرهنگ سیاسی مبتنی بر تکلیف و نه حق، احزابی مبتنی بر یکسان بودن مردم و شعور و حق آن‌ها، شکل نمی گیرند و در صورت شکل گیری، پایدار نمی‌مانند.

اگر بخواهیم فرهنگ و فرهنگ سیاسی را که مانع شکل گیری احزاب واقعی و موجب عدم کارایی احزاب شکل گرفته شده اند، خلاصه کنیم، می‌توان گفت برخی از آن‌ها عبارتند از فرهنگ غیر مشارکتی، نبود تفکر سازمانی و حزبی، فرهنگ تبعی، نبود حق و توان تشکل، ضعف اعتقاد به فردیت، سنت دولت‌سالاری، ضعف کارهای جمعی، غرور کاذب فردی و ادعای تک بودن، نخبه‌گرایی و اعتقاد به ابربازیگر، قانون گریزی به عنوان امتیاز، تقلید، تقدیرگرایی، خردناورزی، انقیادطلبی، عدم تحمل دگراندیشان، تک حقیقت پنداری، سیاست‌گریزی و دیدگاه منفی به آن، اعتقاد به تکلیف نه حق، خشونت‌ورزی، بی‌اعتمادی، عدم تساهل، خرافه‌گرایی، انتظارگرایی‌های منفعلانه، آنومی و آشفتگی‌های هنجاری، شایعه‌گرایی، افراطی گرایی، خاص گرایی و مناسبات شخصی، افسانه‌پردازی و اعتقاد به شخصیت‌های اسطوره‌ای، فرهنگ ابهام و ایهام و دوپهلویی به صورت یک صنعت در شعر و ادبیات و تعاملات روزمره، تملق و چاپلوسی، و البته در این فرهنگ ویژگی‌های بسیار مثبتی نیز وجود دارد که در جای خود قابل بحث است.

دکتر علی رحمانی فیروزجاه
جامعه شناس و استاد دانشگاه

در گذرگاه زندگی

آخرین بار برای چه کسی نامه نوشته‌اید؟

توانایی اندیشیدن آگاهانه و گفتار، عطیه‌ای الهی است که انسان را انسان کرد. انسان توانست به جای اندیشه با تصاویر و عواطف، با واژه‌ها بیندیشد و فکر خود را به دیگران انتقال دهد و در نتیجه قادر به برنامه ریزی‌های جمعی و هماهنگی با انسان‌های دیگر شود، او توانست فرهنگ و سنت را به نسل‌های بعدی منتقل کند.

این نخستین انقلاب ارتباطی بود و سپس در حدود ۵ هزار سال پیش دومین انقلاب ارتباطی صورت گرفت و آن پیدایش نگارش بود. واژه‌ها ابتدا به صورت تصویر، سپس نماد و سرانجام به شکل ترکیبی از حروف الفباء بازنمایی شد و بشر توانست بنویسد. فرهنگ بشری به صورتی دقیق‌تر ثبت و امکان حفظ و انتقال آن برای قرن‌ها امکان پذیر شد. جادوی نوشتن، اندیشه و احساس را به نوشتار تبدیل کرد. این امر چنان مهم بوده است که زندگی نوع انسان به ۲ دورهٔ پیش از تاریخ و پس از تاریخ تقسیم می‌شود که بر مبنای اختراع خط است.

انسان ضمن نوشتن نه تنها اندیشه و احساس خود را بر صفحه کاغذ عینیّت می‌بخشد، بلکه از طریق دستخط خویش، شخصیت، حالت عاطفی و حتی سلامت یا بیماری جسم و روان خود را هم به نمایش می گذارد. اما جز آنکه دستخط افراد از ویژگی‌های انفرادی آنان سخن می گوید، خط های ملل گوناگون هم بازتاب شخصیت و هویت گروهی آنان است. از جمله خط نستعلیق که برگزیده ایرانیان است و ویژگی‌های ایرانی را بیان می کند، خطی نرم و گردان که حالتی زنده دارد و پیچ و خم‌های آن نشأت گرفته از اجزای بدن آدم است. پیامی که از خط فارسی شنیده می‌شود، نرمی و اعتدال است و ارتباط و موزون با اجزای بدن انسان، آن را به وجوه انسانی پیوند می‌دهد.

خداوند ۲ ویژگی بزرگ برای انسان قرار داده است که او را از دیگر جانداران متمایز می کند. مغز بزرگ، توانایی اندیشیدن با واژه‌ها را دارد و به انسان امکان گفتار را می‌دهد، و دست‌هایی که قادر به ساختن و کاربرد ابزار است. نوشتن، رابط بین این ۲ ویژگی انسان است، یعنی اندیشه را به واسطه دست به واژه و جمله تبدیل می کند. این تجربه‌ای است که با تایپ کردن به دست نمی‌آید.

گردش نرم قلم نی خوش‌نویسی یا خلف آن، مداد و خودنویس می‌تواند تجربه لذت‌بخش شکل دادن به افکار و عواطف را روی کاغذ پدید بیاورد. افکار و عواطف و خاطرات، آرزوها و ترس‌ها، بیم‌ها و امیدها بر روی کاغذ به صورت جریانی سیال از جوهر یا مُرکّب که منحنی‌های زیبای خط فارسی را به نمایش می گذارد، به شکل واژه نقش می‌بندد.

نوشتن با دست و نامه نگاری با دوستان به معنی ارزش دادن به روابط انسانی نیز هست، زیرا برای هر نامه دست‌نوشته‌ای که برای دوست، همکار، رئیس، مرئوس یا عزیزی می‌نویسید، باید چیزی را هزینه کنید که هر کس مقدار بسیار کمی از آن را دارد، یعنی زمان! یک یادداشت دست‌نوشته، یک نامه شخصی، یک پیام مختصر یا خوشامد کوتاه به دریافت کننده این واقعیت را انتقال می‌دهد که نویسنده برای او ارزش قائل بوده است. یک نامه دست‌نوشته که به خطی خوش با خودنویس نوشته شده باشد، جنبهٔ شخصی دارد و عصارهٔ ادب و مهر است و این کاری است که یک صفحه نوشته تایپ شده یا پرینت رایانه‌ای یا تصویر بر صفحه نمایش، نمی‌تواند انجام دهد.

دکتر فربد فدائی ـ روانپزشک

رادیو سلامت؛ مشاور پزشکی رایگان!

رادیو، رسانه‌ای کهنسال است که نفوذش در میان جامعه، عمیق و وسیع است. این پیر خردمند با اصوات دلنشین خود با شنوندگان نجوا می‌کند و شنوندگان هم، آن را دوست صمیمی و همدم صادق خود می‌دانند.

در سالیان اخیر چندین ایستگاه رادیویی روی امواج اف‌ام در کشورمان برنامه دارد که به نظر من، اکثر آنها مخاطبان دائمی خود را دارند و به تدریج جایگاهی در میان اقشار مختلف مردم پیدا کرده‌اند که از این میان، رادیو سلامت با فرکانس ۱۰۲ مگاهرتز گنجی سرشار، جاری، مستمر و رایگان را مانند است.

به طوری که آنقدر برای شنوندگان دردمند و جویای علم، آثار گرانبها داشته است که دیگر رهایش نمی‌کنند و همچون نوشیدن آب شور، یا شنیدن برنامه‌های آن، تشنه‌تر و مشتاق‌تر می‌شوند و هر چه می‌شنوند و به گسترهٔ دانش پزشکی و پیراپزشکی خود می‌افزایند، از بی‌خبری و کمبود دانش خویش بیشتر آگاه می‌شوند!

به جا است که به سهم خود، شنیدن برنامه‌های رادیو سلامت را به تمامی هموطنان عزیزمان معرفی و توصیه کنم به جمع شنوندگان این برنامه بپیوندند و لذت کسب دانش، نشاط و آرامش را تجربه کنند.

سید جمال حسینی

ایمیل گفته‌ها و نوشته‌ها (ویژه خوانندگان) neveshteh@ettelaat.com

۱۵۶

گزینه‌های دشوار

هیلاری کلینتون

وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا

۲۰۰۹-۲۰۱۳

ترجمه:
علی اکبر عبدالرشیدی

Hillary Rodham Clinton
HARD CHOICES

من با این حرف رئیس جمهور موافق بودم که یک بار گفت "این فناوری جدید سوالات عمیق و جدی به وجود آورده است:

§ این سوال که چه کسی و چرا هدف قرار می گیرد،
§ سوال در باره تلفات غیر نظامی و خطر به وجود آوردن دشمنان جدید،
§ سوال در باره قانونی بودن این حملات در چارچوب قوانین امریکا و قوانین بین‌المللی،
§ سوال در مورد پاسخگو بودن و اخلاقیات"

مدتها در این مورد وقت صرف و در مورد پیچیدگی های این مسائل با "هارولد کوه" مشاور حقوقی وزارت امور خارجه صحبت کردم. وی قبل از آن مدتها رئیس دانشکده حقوق دانشگاه ییل و کارشناس صاحب‌نامی در حوزه حقوق بین‌الملل بود. استدلال هارولد این بود که در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین مثل استفاده از هر سلاح دیگری باید فرایندهای شفاف و استانداردهایی برای استفاده از آن تبیین کنیم که منطبق بر قوانین داخلی و قوانین بین‌المللی و موازین امنیت ملی امریکا باشد. اینکه امریکا کشور قانون است یکی از نقاط قوت ماست. دیوان عالی هم روشن کرده است که جنگ علیه تروریسم نمی تواند در یک "حفره تاریک قانونی" رخ دهد.

هر تصمیم منفردی برای حمله و استفاده از هواپیمای بدون سرنشین منوط به بررسی های دقیق قانونی و سیاسی بود. زمانی بود که من از یک حمله به خصوص به این دلیل که برای امنیت ملی ایالات متحده اهمیت داشت و منطبق بر موازینی بود که رئیس جمهور تعیین کرده بود حمایت می کردم و مواقعی هم بود که این حملات را تائید نمی کردم. بارها با دوست خوبم لئون پانتا رئیس سازمان اطلاعات مرکزی – سیا – بر سر یک حمله فریادها زدیم. اما به نظر من در هر مورد از این حملات این نکته حیاتی بود که این حملات بخشی از یک استراتژی هوشمند ضد تروریستی بزرگتر باشد که شامل دیپلماسی، اعمال قانون، تحریم و دیگر ابزارها هم بشود. دولت، هرکاری را انجام داد تا از کشته و مجروح شدن غیر نظامیان تا حد ممکن جلوگیری کند. اما با همه این تلاشها گزارشهایی از تلفات غیرنظامی ناشی از استفاده از این حملات به دست می رسید. گاهی این اطلاعات دروغ بود اما هرچه بود این خبرها به خشم و احساسات ضد امریکایی دامن می‌زد. از آنجا که این برنامه هنوز طبقه بندی شده و محرمانه باقی مانده است نمی توانم در مورد صحت این گزارش ها مطلبی در تائید یا رد آن اعلام کنم. حتی نمی توانم نحوه حمله و اقداماتی را که برای کاهش تلفات غیرنظامی صورت می گرفت، بخصوص در مقایسه با یک حمله معمولی دیگر مانند استفاده از موشک یا بمب یا هزینه‌هایی که روی دست تروریست ها می گذاشتیم فاش کنم. سوال دیگری که در پاکستان وجود داشت این بود که چگونه امریکا انتظار دارد بعد از حمایت طولانی مدت خود از پرویز مشرف حالا به عنوان مدعی پیشرفت و دموکراسی جدی گرفته شود. یک خبرنگار تلویزیونی رفتار ما را "پهن کردن فرش قرمز بر سر راه یک دیکتاتور" توصیف کرد. من و این خبرنگار تلویزیونی مدتی بر سر جرج بوش، پرویز مشرف و اینکه چه کسی مسئول چه کاری است با هم کلنجار رفتیم که سرانجام من گفتم:

– "ببین! ما هم می توانیم در مورد گذشته صحبت کنیم، این صحبت ها اغلب خیلی هم خوب است اما گذشته را تغییر نمی دهد، می توانیم در مورد آینده صحبت کنیم و ببینیم چه می توانیم انجام دهیم تا آینده‌ای متفاوت ایجاد کنیم. من معتقدم باید در مورد این که چگونه آینده را شکل دهیم صحبت کنیم."

مطمئن نیستم آیا توانسته‌ام نظر او را تغییر دهم یا نه. اما در پایان آن جلسه به نظر می رسید که خشم طرف مقابل من از جوشش افتاده است –دست کم اندکی. پس از آنکه کارم با خبرنگاران تمام شد نوبت به دیدار و صرف شام با رئیس جمهور زرداری رسید. آنجا بود که در یک لحظه آرام و قبل از آنکه وارد تالار پذیرایی کاخ ریاست جمهوری شویم زرداری آن عکس متعلق به ۱۴ سال قبل را به من نشان داد–عکسی که من، چلسی، بی نظیر و فرزندان آنها در آن دیده می شدند.

ادامه دارد

حادثه «شارلی ابدو» و تغییر چهره اروپا

بخش اول

سرویس خارجی: نمی توان حملات اخیر پاریس را که هنوز پیامدهای آن ادامه دارد، دست کم گرفت و بسیار ساده بینانه است که فکر کنیم این واقعه گذرا بود و فراموش خواهد شد. با وجود دست‌های پشت پرده که تلاش می کنند تمامی مسلمانان اروپا را تروریست‌های بالقوه نشان دهند، یقینا این اروپا دیگر اروپای قبل از حملات نخواهد بود، همانگونه که آمریکا برای مسلمانان، دیگر آمریکای پیش از ۱۱ سپتامبر نیست.

سایت خبری النشره لبنان در تحلیلی با عنوان «جنایت شارلی ابدو چهره اروپا را تغییر می‌دهد» نوشت: جنایت شارلی ابدو، فرانسه را به لرزه در آورد و کشورهای اروپایی را نیز به حرکت واداشت تا تنها به همبستگی با پاریس اکتفا نکنند و به فکر تقویت تدابیر امنیتی و افزایش میزان آمادگی خود برای مقابله با تروریسم بپردازند. تنها چند ساعت پس از حوادث پاریس انگلیس هشدار داد که گروه‌های افراطی سوریه برای حمله به غرب برنامه‌ریزی می کنند.

در همین راستا اندرو پارکر، رئیس دستگاه امنیت داخلی انگلیس (ام ای ۵) پس از این حوادث اعلام کرد که گروهی از تروریست‌های افراطی وابسته به القاعده در سوریه، با کمک شماری از شبه نظامیانی که از سوریه به اروپا بازمی گردند، برای انجام عملیاتی گسترده در غرب برنامه‌ریزی می کنند.

این اتفاق ناگهانی رخ داد و فرانسه به طور کلی فرو ریخت به طوری که در کمتر از دو روز چند حمله و عملیات گروگانگیری در این کشور اتفاق افتاد و نیروهای پلیس مجبور به اعلام حالت آماده‌باش کامل در تمامی مناطق پاریس شدند تا در صورت بروز حوادث جدید برای برقراری امنیت و نجات شهروندان وارد عمل شوند. بسیاری حادثه شارلی ابدو را نقطه آغازی می‌دانند که چهره اروپا را تغییر خواهد داد و به دلایل زیر نمی‌توان این افراد را به بدبینی یا مبالغه در ادعای خود متهم کرد:

۱- فرانسه و کل اروپا در همان تله‌ای افتادند که پیش از این آمریکا در آن افتاده بود. اروپایی‌ها بر این باورند که اعزام افراد تندرو از این کشورها به خاورمیانه و آفریقا می‌تواند خطر این افراد را از کشورهای صادر کننده آنان دور کند.

این نظریه برای مدتی کوتاه درست به نظر می‌رسید اما با بازگشت افراطی‌ها این نظریه رد و عمق اشتباه دولتمردان اروپایی آشکار شد. این تندروها در حالی به کشورهای خود در اروپا بازگشتند که از آنچه در خاورمیانه و آفریقا دیده و شنیده بودند، اشباع و افراطی گری در آنها نهادینه شده بود؛ افکاری که مانند آن را در اروپا نمی‌یابند و طبیعی است که دست به اصلاح سبک زندگی جوامع اروپایی بزنند و سعی کنند آن را آنگونه که خود می‌پندارند به «راه درست» بازگردانند.

۲- نکته مهم در مورد حادثه پاریس این است که این اقدام مخفیانه یا به شکل نامعلوم انجام نشده بلکه شبیه به اقدامات تروریستی است که در کشورهای ناامن جهان رخ می‌دهند.

اینکه در کشورهای اروپایی افراد مسلح در روز روشن از خودروهای خود پیاده شوند و خیابان‌های مرکز پایتخت را ببندند و با تیراندازی به ساختمان یک مرکز رسانه‌ای یورش برده و هرکه سر راهشان قرار دارد را بکشند و در نهایت بدون هیچ‌مشکلی محل حادثه را ترک کنند، اصلا عادی نیست و نشان از آن دارد که این تروریست‌ها نیروهای امنیتی و دستگاه‌های مبارزه با تروریسم و دستگاه‌های اطلاعاتی را به حساب نمی‌آورند و خطرناک‌تر این که نیروهای امنیتی احساس می‌کنند در معرض تهدید هستند و دیگر آن صلابت و اقتدار قبل را ندارند چرا که پلیس این کشور در جنوب پایتخت تنها چند ساعت پس از حادثه شارلی ابدو به قتل می‌رسد و کاری از دست کسی بر نمی‌آید.

***فقط چند ساعت پس از حوادث پاریس انگلیس هشدار داد که گروه‌های افراطی سوریه برای حمله به غرب برنامه‌ریزی می‌کنند**

***انگلیس، آلمان، بلژیک، هلند و دیگر کشورهای اروپایی ناقوس خطر را به صدا درآورده‌اند**

این به معنای ریزش دیوار مهمی است که در مسدود کردن راه نفوذ تروریست‌ها نقشی اساسی داشت.

۳-عجیب نیست که مسئولان کشورهای مختلف جهان برای بررسی مساله تروریسم در فرانسه نشستی تشکیل دهند و اتحادیه اروپا روز ۱۲ فوریه را تاریخ برگزاری نشست سران این اتحادیه برای بررسی راه‌های مقابله با تروریسم تعیین کند.

شاید برجسته‌ترین پیامد این موضوع تقویت تدابیر امنیتی باشد، به این معنا که شرایط به جایی رسیده که نیروهای پلیس در بیشتر خیابان‌ها و مناطق حساس با سلاح حاضر می‌شوند.

شرایطی که بسیار خاص و استثنایی است و تنها در بازدید شخصیت‌ها یا برگزاری کنفرانس‌های جهانی دیده می‌شود.

۴- انگلیس، آلمان، بلژیک، هلند و دیگر کشورهای اروپایی ناقوس خطر را به صدا درآورده‌اند چراکه تا این لحظه بیشتر آشوب‌ها و جنایاتی که در کشورهای اروپایی رخ می‌داد، کوچک و ناشی از خشم از یک مساله اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی بود و عملیات تروریستی که با انفجار بمب یا خودرو صورت می گرفت مخفیانه بود و هرگز اینگونه آشکارا رخ نمی‌داد. این نگرانی در کشورهای اروپایی با افزایش خشم در حال افزایش است و با وجود اینکه جوامع اروپایی با سوءاستفاده تروریست‌ها از احساسات مذهبی مردم در مخابره پیام‌های مجرمانه خود مخالفتی ندارند اما این حوادث شکست جوامع اروپایی را ثابت می‌کند.

به عنوان مثال دو برادر کواشی که عاملان حادثه اخیر پاریس بودند، از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۰ در مدرسه ای که ویژه کودکان دارای مشکلات اجتماعی بود، درس خوانده بودند و مدیر این مدرسه آن دو را کودکانی بی‌آزار معرفی کرده بود، اما آن دو پس از سفر به یمن و پیوستن به یکی از زیرمجموعه‌های القاعده در فهرست سیاه تروریست‌های آمریکا قرار گرفتند.

امروز دیگر هر عرب مسلمانی برای مسئولان اروپایی یک تروریست محسوب می‌شود گرچه آن فرد مسلمان در اروپا به دنیا آمده و بزرگ شده باشد درست همانند آنچه که پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برای مسلمانان ساکن آمریکا رخ داد. به همین دلیل اروپا پس از حادثه تروریستی فرانسه دیگر اروپای گذشته نخواهد بود، همانگونه که حالا هم به پادگانی بزرگ برای حفظ امنیت تبدیل شده است.

مشخص است که با هر سخت‌گیری و شدت عمل علیه مسلمانان که شمارشان در اروپا رو به افزایش است، کینه و دشمنی میان آنها و شهروندان غیرمسلمان این کشورها افزایش خواهد یافت و تروریسم راه خود را برای رخنه به ذهن افراد بسیاری خواهد گشود و سپس این افراد دست به اقداماتی می‌زنند که چهره اسلام را بد نام خواهد کرد. اسلامی که سال‌ها پیروان آن با دیگر ادیان در نقاط مختلف جهان بدون هیچ مشکلی زندگی می‌کردند.

در همین رابطه، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی برجسته روزنامه روسی «پراودا» طی یادداشتی به انتقاد از رویکرد دوگانه غرب در موضوع تروریسم پرداخت و نوشت: بومرنگی که غرب برای سرنگون کردن نظام سوریه پرتاب کرد، حالا به سمت حامیان تروریست‌ها بازگشته است. «تیموتی بنکرافت هینچی» درباره حادثه اخیر در فرانسه، مطلبی منتشر کرده و در آن به بررسی نقش مذهب و عملکرد و نگاه دوگانه غرب در برابر تروریسم پرداخته است. متن این یادداشت در ادامه آمده است:

تروریسم در همه‌جا محکوم است؛ نه فقط در پاریس

برای همه آنها که پس از قتل‌عام «شارلی ابدو» در پاریس، درباره آزادی رسانه‌ها و آزادی بیان فریاد سر می‌دهند؛ اجازه دهید نگاه عمیق‌تری داشته باشیم و ببینیم که غرب تا چه اندازه به سانسور و نشر اکاذیب مشغول است. برای همه آنها که از تروریسم شکایت دارند؛ بگذارید ریاکارانه عمل نکنیم.

بگذارید با ادای احترام به قربانیان حمله مشکوک به دفتر مجله طنز شارلی ابدو در پاریس، در ۷ ژانویه ۲۰۱۵، آغاز کنیم. حمله‌ای که اولین رویداد در آغاز سال نوی میلادی بود و نخستین محک اخبار ۲۰۱۵ را تشکیل داد.

اجازه دهید با تاکید بر یکی از ارزش‌های جهانی بشر آغاز کنیم: حق زندگی و اجازه دهید کسانی که آن را به هر شکل و فرمی زیر پا می‌گذارند، محکوم کنیم.

این امر مخالفت بدون قید و شرط با اعمال تروریستی در هر نقطه، هر زمان و در مقابل هر هدفی راشامل می‌شود و محکوم است؛ چه از سوی متعصب دیوانه‌ای در پایان مسابقه دو ماراتن صورت پذیرد، یا از سوی نیروهای بنیادگرا در انتقام توهین به پیامبرشان، یا از سوی یک بزدل در ارتفاع ۳۰ هزار پایی در آسمان با حمله به غیرنظامیان شرکت‌کننده در جشن عروسی یا توسط دولتی که در قیامی در یک کشور خارجی، از تروریست‌ها استفاده ابزاری کرده است. فرانسه، با کمال تاسف، دقیقا همین کار را انجام داده است.

***اسلام و مسلمانان یک مساله اند و بنیادگرایی اسلامی مساله دیگری است چرا که اسلام، چیزی بیش از دین صلح، که روشی برای زندگی است که احترام به تمامی موجودات زنده، از جمله حیوانات و گیاهان را شامل می‌شود**

پاریس زمانی با رهبری در «محور فوکوس» (ائتلاف فرانسه، انگلستان و ایالات متحده) به لیبی حمله کرد. این به معنی توجیه «قتل‌عام شارلی ابدو» نیست؛ ولی بگذارید رک و راست بگوییم، همه حملات تروریستی اشتباه هستند، چه از سوی «ناتو» در لیبی صورت پذیرد یا در سوریه یا هر جای دیگری. بومرنگ را پرتاب کردید و خب برگشت و درست به صورت خودتان برخورد کرد. ماه‌ها صرف این کردید که بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه را دیوصفت نشان دهید و بگویید که «باید برود»؛ خب، چه اتفاقی افتاد؟

هزاران جوان که زندگی خوبی نداشتند رهسپار سوریه شدند تا به نیروهای مخالف بپیوندند و بسیاری از آنها در این فکر بودند که با این کار، به کشورشان کمک می‌کنند و در راستای انجام وظایف مذهبی خود گام برمی‌دارند و حالا چه شد؟

بسیاری از این نیروها روحیه‌شان کاملا تضعیف شد چرا که «اپوزوسیون سوریه» را آنگونه که هست دیدند؛ دسته‌ای اراذل و اوباش و تروریست که بچه‌ها را به میخ می‌کشند، گلوی زنان را در خیابان‌ها می‌برند و پس از آن به اجسادشان تجاوز می‌کنند. کودکان مبتلا به «سندرم داون» را به عنوان بمب‌گذاران انتحاری به کار می‌گیرند و بسیاری دیگر از این دست. درست همانگونه که تروریست‌های عزیز غرب، در لیبی انجام می‌دادند. با این تفاوت که اینها تندرو هستند، و زندگی ندارند که بخواهند روزی به آن بازگردند و از تروریست‌هایی که برای سرنگونی بشار اسد در تلاشند، ترفندهای جدیدی آموخته‌اند.

حرکت بعدی در صفحه شطرنج سیاسی و اجتماعی این است که گروه‌های تندرو، مثل قارچ در تمام مناطق اروپا سر بربیاورند. در شرایطی که بیش از ۶۰ درصد از جوانان در برخی مناطق اروپا بی‌کار هستند و صدها مهاجر روزانه به دنبال سهم خودشان از کیک در اروپا می‌گردند.

از اینجا به بعد اوضاع دیگر مثبت نیست و به نظر می‌رسد همه چیز مارپیچی به سمت پایین باشد. در حالی که هر مشکلی، راه حلی دارد، این یکی بسیار پیچیده است و به نظر می‌رسد هیچ راه گریزی برای وضعیتی که دهها سال در هم آمیخته، وجود ندارد.

هنگامی که یک گروه تروریستی بومی می‌شود و دلایل ایجادش منطقه‌ای یا محلی هستند، تعامل سازمانی در دوسطح به‌نسبت آسان است – تعامل رسمی، از راه عملیات نظامی و سرویس‌های امنیتی و تعامل غیررسمی از راه گفتگو برای حل مشکل در صحنه سیاسی.

تعامل با گروه‌های تروریستی در آفریقا مانند جمهوری دموکراتیک کنگو، نمونه‌های موفق این روش عملکرد هستند. اما هنگامی که اقدامات تروریستی از سوی جوانان ناراضی و بدون هیچ علت خاصی جز وهم و خیالات واهی آرمان‌گرایانه مبهم به نام دفاع از اسلام صورت می‌پذیرد، چنین رویکردی امکان‌پذیر نیست. اسلام و مسلمانان یک چیزند و بنیادگرایی اسلامی چیز دیگریست چرا که اسلام، چیزی بیش از دین صلح، که روشی برای زندگی است که احترام به تمام موجودات زنده، از جمله حیوانات و گیاهان را شامل می‌شود.

این جوانان تندرو را نمی‌توان در سیستم آموزش و پرورش غربی به طور کلی سرزنش کرد چرا که بیشتر مردم خودشان را روی قطار منفجر نمی‌کنند و در مکان‌های عمومی بمبگذاری نمی‌کنند. با این حال، چه تعداد از این جوانان در جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، شغل پایدار و امید به آینده دارند؟ چه تعداد از این جوانان تندروی پاریسی از حومه و حلقه فقر که در سراسر شهرهای اصلی فرانسه گسترده شده، آمده‌اند؟

چه تعداد از جوانان تندروی بریتانیایی، جوانانی هستند که احساس می‌کنند از سوی جامعه‌ای که در آن رشد کرده‌اند طرد شده‌اند و دکترین رادیکالیسم را به عنوان راه فرار برگزیده‌اند همانگونه که عده‌ای دیگر، در همین فرار، به مواد مخدر پناه برده‌اند؟

بنابراین، مسئله به مذهب مربوط نیست بلکه یک مسئله اجتماعی -اقتصادی ساده است. راه پیش رو، تعامل رهبران جامعه و قدرت دادن به مقامات محلی برای تقویت ساختار آموزشی و توجه به افراد در مناطق خاص است.

اجازه دهید آنگونه که بایسته است سخن را تمام کنیم. بار دیگر با قربانیان حمله شارلی ابدو، خانواده‌ها و عزیزانشان همدردی کنیم و به کسانی که پس از این انتقام از نشریه طنز فرانسوی، درباره آزادی رسانه‌ها و آزادی بیان فریاد سر می‌دهند، حملات سایبری ماموران غربی علیه رسانه‌های اجتماعی را یادآوری کنیم؛ بگذارید به خاطر بیاوریم که چگونه حساب‌های رسانه‌های اجتماعی از سوی عوامل غربی به صورت هدفمند مورد حمله قرار گرفت؛ اجازه دهید به یاد بیاوریم چطور ایمیل‌های کاربران از سوی عوامل غربی هک شد. آیا معنی «آزادی بیان» این است؟

ادامه دارد

مولوی سلامی: شهید جنگی زهی الگوی روحانیت اهل سنت است

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: افکار و اندیشه‌های شهید مولوی جنگی زهی به عنوان شهید شاخص دفاع از وحدت میان فرق اسلامی الگو و خط مشی روحانیون اهل سنت است.

نماینده مردم سیستان و بلوچستان در مجلس خبرگان رهبری درمراسم بزرگداشت شهید مولوی جنگ زهی با اعلام این مطلب افزود: این شهید بزرگوار همواره در سخنرانی‌های خود همگان را به وحدت و برادری دعوت می‌کرد.

مولوی سلامی علت شهادت این روحانی برجسته را محبوبیت ویژه وی در جامعه اهل سنت دانست و افزود: به سبب اینکه مزدوران استکبار جهانی تحمل اقدامات وحدت طلبانه این مجاهد را نداشتند با کوردلی همیشگی خود مولوی جنگی زهی را به شهادت رساندند. او گفت: این شهید اقدامات مهمی به عنوان فرمانده پایگاه بسیج انجام داد.

معلمان به دانش‌آموزان بستری در بیمارستان درس می‌دهند

سرویس خبر: شماری از معلمان پایه‌های تحصیلی مختلف در شهر مشهد با هماهنگی آموزش و پرورش خراسان رضوی با حضور در بزرگ‌ترین و تخصصی‌ترین بیمارستان ویژه کودکان در شرق کشور به نام «دکتر شیخ» با عیادت از دانش‌آموزان بستری در این بیمارستان، به این علم‌آموزان که به خاطر بیماری‌های مختلف در این مرکز درمانی بستری هستند و از تحصیل بازمانده‌اند، درس می‌دهند. این معلمان با همراه داشتن کتاب‌های پایه‌های مختلف تحصیلی ضمن سرکشی به تمامی بخش‌های بیمارستان، ساعتی را با دانش‌آموزان به سر می‌برند و به آنان علم می‌آموزند.

یک هشتم مرگ و میر بر اثر آلودگی هواست

امروز در ایران روز "هوای پاک" است. این نامگذاری به این بهانه صورت گرفته تا همواره گوش به زنگ خطرات ناشی از افزایش حجم آلاینده های کربنی در هوا باشیم.

به گزارش مهر، تازه ترین گزارش جامع منتشر شده توسط سازمان بهداشت جهانی نشان می دهد تنها در سال ۲۰۱۲ حدود ۷ میلیون تن در سراسر جهان به دلیل استنشاق هوای آلوده دچار مرگ زودرس شدند. این آمار زمانی نگران کننده تر به نظر می رسد که متوجه می شویم از هر ۸ مرگ روی داده یک مرگ ناشی از هوای آلوده است. آمار منتشر شده از سوی سازمان بهداشت جهانی گویای آن است که استنشاق هوای آلوده در خارج از فضاهای سربسته عامل ۴۰ درصد از بیماری های خونی وابسته به عملکرد قلب است. همچنین این فاکتور تا ۴۰ درصد در بروز انواع سکته ها نقش دارد.

امنیت مرزهای مشترک ایران و عراق مطلوب است

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده مرزبانی ناجا که به همراه همتای عراقی خود دیروز از مرزهای شرقی کشور دیدن کرد گفت: باتوجه به هماهنگی و تعامل خوب انجام گرفته بین مرزبانی دو کشور، هیچ تهدیدی از سوی گروهک‌ها متوجه مرزهای مشترک ایران و عراق نیست و سطح امنیت مطلوب است.

سردار قاسم رضایی در حاشیه سفر هیات عراقی به زاهدان در نشست با اصحاب رسانه هماهنگی بین مرزبانی ۲ کشور را خوب ارزیابی کرد و افزود: مرزبانی عراق مصمم به حضور مقتدرانه برای حفاظت از مرزهای خود است.

وی اظهار داشت: تهدیداتی که از مرز عراق داریم عمدتاً از شمال منطقه است که شامل ورود کالاهای غیرمجاز یاحضور گروهک‌های تروریستی از جمله پژاک می‌شود که باتوجه به هماهنگی‌ها و توافقات انجام گرفته، نیروهای مرزبانی عراق عملیات‌هایی را در این مناطق برای پاکسازی انجام خواهند داد.

وی گفت: با فتوای علمای بزرگ عراق از جمله آیت‌الله العظمی سیستانی و بسیج مردمی و همراهی خوب آنان با ارتش و دولت مقتدر این کشور، داعش در عراق رو به افول است.

فرمانده مرزبانی ناجا ادامه داد: با توجه به مخالفت مردم عراق نسبت به حضور داعش هر روز شاهد انهدام این گروهک و بازپس‌گیری تصرفات آنان توسط نیروهای ارتشی در بخش‌های مختلف این کشور هستیم.

وی افزود: گروهک داعش مستقر در عراق از مرزهای جمهوری اسلامی ایران فاصله زیاد دارد و مردم و ارتش این کشور با اقتدار درحال عقب راندن این گروهک از مناطق تحت تصرفشان هستند.

فرمانده مرزبانی ناجا تاکید کرد: مرز سیستان و بلوچستان در سال‌های گذشته با ناامنی‌های ناشی از تحمیل توطئه‌های تروریستی از ناحیه استکبار مواجه بوده که با برنامه ریزی‌های خوب انجام گرفته و همکاری عالی مردم، مسئولان سیاسی، امنیتی و اجتماعی استان، امروزه شاهد یک منطقه امن هستیم که تجارب بدست آمده در این استان برای تأمین امنیت قابل انتقال به کشورهایی همچون عراق برای اعمال حاکمیت و قانون در کشورهایشان است.

وی ادامه داد: استفاده از امکانات، سیستم‌های الکترونیکی و اپتیکی و استقرار تاسیسات مرزبانی همراه با ساخت جاده‌های دسترسی در بسیاری از مناطق مرزی سیستان و بلوچستان از جمله این اقدامات است و فقط یک منطقه محدود حدود ۸۰ کیلومتر استان بدون امکانات مرزبانی است که با حضور پهپادها و گشت‌های محسوس و نامحسوس کنترل می‌شود.

او تأکید کرد: تلاش داریم با پشتیبانی دولت و حمایت مجلس تا پایان سال ۹۴ مرزبانان در تمام مرزها به صورت دائمی حضور داشته باشند.

فرمانده مرزبانی جمهوری اسلامی گفت: مرزبانی از فعال‌سازی بازارچه‌های مرزی در این استان استقبال می کند و خوشبختانه دولت و استاندار سیستان و بلوچستان با جدیت پیگیر اجرایی شدن این موضوع هستند.

*** تقدیر از حمایت ایران**

فرمانده مرزبانی عراق هم از حمایت و پشتیبانی بسیار خوب جمهوری اسلامی ایران به ویژه رهبر معظم انقلاب از این کشور در مقابله با گروهک داعش تقدیر کرد.

سرلشکر «عبدالکریم العامری» افزود: باتوجه به حمایت خوب ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران و عنایت ویژه رهبر معظم انقلاب از دولت و ملت عراق، داعش موفق به حضور در بغداد نشده است.

وی ادامه داد: اگر فتوای آیت‌الله العظمی سیستانی و سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی نبود اکنون باید داعش را در داخل بغداد مشاهده می کردیم.

او هدف از سفر به جمهوری اسلامی را با دیدن امکانات و تجهیزات مرزبانی ایران و استفاده از تجربیات موفق این کشور برای کنترل مرزها در عراق بیان کرد.

العامری گفت: عراق بیشترین مشکل خود را در مرزهای غربی با کشورهای سوریه، اردن و عربستان دارد اما در مرزهای شرقی با جمهوری اسلامی ایران مشکل خاص و قابل مشاهده نیست زیرا ایران مقتدرانه در حال بررسی و کنترل مرزهای خود است.

وی با بیان این‌که منطقه غربی عراق به دلیل حمایت از داعش و تروریست‌ها، منطقه خطرناکی به حساب می‌آید، افزود: تلاش داریم از تجربیاتی که در مرزبانی ایران مشاهده می‌کنیم، برای مبارزه با داعش در مرزهای کشور عراق بهره گیریم.

*** افزایش تجارت**

رئیس پایانه‌های مرزی عراق هم گفت: کاهش مراودات تجاری در مرزهای غربی این کشور، سبب رونق مبادلات تجاری در مرزهای شرقی، (مرز عراق با ایران) شده است.

سید «حسام موسوی» افزود: حوادثی که در سمت غرب عراق در مرزهای سوریه و اردن روی داد، سبب کاهش زیاد تجارت کالا از این مرزها شده است. رئیس پایانه‌های مرزی عراق گفت: روزانه حدود ۳۵۰ کامیون حامل کالا در مرزهای شرقی این کشور با ایران تردد می کنند و تسهیلات زیادی برای تجار ایرانی به منظور استفاده از مرزهای عراق وجود دارد.

شبکه راهزنان محموله‌های کامیون‌ها متلاشی شد

سرویس حوادث: رئیس پلیس آگاهی تهران با اعلام متلاشی شدن شبکه هفت نفری راهزنان محموله‌های باری کامیون‌ها در محدوده حسن‌آباد تا شهری، از دستگاه قضا خواست سخت‌ترین مجازات را برای این گروه اعمال کنند.

سرهنگ محمدیان

سرهنگ عباسعلی محمدیان در این‌باره افزود: یکی از جرائمی که احساس ناامنی و مشکلات جدی به وجود می‌آورد، بحث سرقت محموله یا راهزنی است.

وی اضافه کرد: اعضای این شبکه با بستن دست و پای رانندگان، آنها را به بیابان‌های اطراف برده و رها می‌کردند و پس از تخلیه محموله خودروها را هم رها می کردند و بار سرقتی را هم با مدارک جعلی به فروش می‌رساندند.

او افزود: سرکرده این شبکه ۷ماه قبل به دلیل سرقت به عنف بازداشت شده بود اما پس از ۳ ماه زندانی شدن آزاد شده و با تشکیل گروهی اقدام به راهزنی کرده است. وی در تشریح نحوه بازداشت این متهمان گفت: از سه ماه قبل چند فقره سرقت محموله‌های ورقه‌های فلزی، آلومینیومی، تیرآهن، میله‌گرد و کلاف‌های میل گردی در محدوده حسن‌آباد تا شهری گزارش شد و شیوه سرقت بدین صورت بود که دزدان درخودروهای سواری یا وانت که به شکل و شمایل تبلیغاتی آراسته شده و به نظر می‌رسید که مثلا خودرو خدماتی است در کنار کامیون‌های تریلر که در جاده‌ها در حال تردد بودند قرار گرفته و سرنشینان آن با اشاره به رانندگان تریلر می‌فهماندند که محموله در حال سقوط است یا تایرکامیون پنچر شده است.

رئیس پلیس آگاهی تهران افزود: با توقف راننده، سارقان بی‌درنگ او را مورد ضرب و شتم قرار داده و پس از بستن دست و پای وی و گرفتن پول و تلفن همراهش، آنان را در وضع بدی دربیابان رها می کردند و محموله را هم تخلیه و خودرو را در جای پرتی رها ساخته و سپس نسبت به فروش محموله اقدام می کردند. سرهنگ محمدیان اضافه کرد: با پیگیری پایگاه ۹ پلیس آگاهی و پوشش کامل جاده این شبکه شناسایی و محل تخلیه محموله‌ها هم مشخص و در نهایت هفت عضو این شبکه و مالخر محموله‌ها بازداشت شدند.

سرهنگ محمدیان با بیان این مطلب که ۳ نفر از اعضای این شبکه دارای سابقه کیفری هستند افزود: این دزدان به سرقت ۵ محموله به ارزش ۳۵۰ میلیون تومان اعتراف کرده‌اند اما مالخر مدعی است که تاکنون ۲۰ محموله از این دزدان خریداری کرده است. پلیس پایگاه نهم آگاهی از رانندگان محموله‌ها دردیگر نقاط کشور که به این شیوه از آنها سرقت شده است، می‌خواهد با مراجعه به پایگاه نهم در شهری یادادگاه ۱۰۱ کهریزک نسبت به شناسایی متهمان اقدام و طرح شکایت کنند.

برف، فلات مرکزی و جنوب کشور را سفیدپوش کرد

سرویس شهرستانها: بارش برف و باران در مناطق غربی و مرکزی ایران، در بیست و نهمین روز از فصل زمستان موجب خوشحالی مردم و کشاورزان شد.

در کرمان شدت بارش‌ها به حدی بود که مدارس همه مقاطع را به تعطیلی کشاند.

بارش‌ها در استان کرمان به صورت برف و باران ادامه داشت و احتمال سیلابی شدن رودخانه‌های جنوب استان وجود دارد. به دلیلِ بارش برف، مدارس سه مقطع تحصیلی کرمان، ماهان و چترود وَ مقاطع تَحصیلیِ ابتدایی و متوسطه اول بافت، سیرجان، بردسیر، رفسَنجان، سربنان و دشتخاک زرند، کوهساران، فیض‌آباد، طرز وَ کوهجهر راور دیروز تعطیل بود.

در شیراز هَم نخستین برف زمستانی طراوتی خاص به این شهر بخشید.

یزد هم از این نعمت الهی بی‌بهره نماند و بسیاری از ارتفاعات این استان سفیدپوش شد. مدارس مقطع ابتدایی برخی مناطق استان یزد به‌علت بارش برف و یخبندان دیروز تعطیل بود. با بارش برف، دانش‌آموزان مقطع ابتدایی روستاهای علی‌آباد، نصرآباد، ده بالا و سانیچ شهرستان تفت هم خانه نشین شدند. مدارس ابتدایی بخش خضرآباد شهرستان اشکذر هم دیروز تعطیل بود. پلیس راه از رانندگان خواست، وسائل نقلیه خود را به زنجیر چرخ و وسائل ایمنی مجهز کنند. ماموران راهداری یکشنبه شب موفق شدند، سرنشینان ۱۸۰ خودرو را که در جاده آمل به هراز گرفتار کولاک شده بودند، نجات دهند.

برف زمستانی کویر خراسان جنوبی را هم سفید پوش کرد. مناطق شمال شرق این استان از جمله سرایان، درمیان، سربیشه، قاین و حاجی‌آباد شاهد بارش برف بود. مدارس مقاطع تحصیلی شهر نطنز و طرقرود در این شهرستان به دلیل بارش برف نسبتاً سنگین تعطیل شد.

بارش برف در ارتفاعات نطنز به ۸۰ سانتیمتر رسید و در شهر هم ارتفاع برف ۳۸ سانتیمتر اعلام شد.

شهر برزک کاشان هم در روز هوای پاک با بارش برف سفیدپوش شد و کلاس درس مدارس نیز با یک ساعت تأخیر دایر شد.

بارش نخستین برف زمستانی در یاسوج وسی سخت سبب خوشحالی مردم و کشاورزان این مناطق شد.

*** طغیان رودخانه‌ها**

دبیر شورای هماهنگی مدیریت بحران جاسک از بسته شدن مسیر جاسک به میناب بر اثر طغیان برخی از رودخانه‌های این شهرستان خبر داد و گفت: تلاش برای بازگشایی این مسیر توسط نیروهای امدادی آغاز شده است. براثر بارندگی شدید برق شهر جاسک در شرق استان هرمزگان هم ساعتی قطع شد.

*** مدارس سپیدان تعطیل شد**

بارش برف در سپیدان استان فارس سبب شد آموزش و پرورش مدارس این شهرستان را در تمام مقاطع تحصیلی تعطیل کند.

اهانت به پیامبر(ص) نشان دهنده اوج استیصال فرهنگی غرب است

سرویس خبر: وزیر دادگستری وقایع اخیر و توهین نشریه فرانسوی به پیامبر مکرم اسلام(ص) را نشان دهنده اوج استیصال فرهنگی غرب دانست.

حجت‌الاسلام و المسلمین مصطفی پورمحمدی دلیل موضع گیری‌های اخیر کشورهای غربی و ایادی آن‌ها در منطقه را استیصال عمیق آن‌ها در مواجهه با انقلاب اسلامی بیان کرد و افزود: غرب و دست نشاندگان آن در منطقه، به این نکته رسیده‌اند که انقلاب اسلامی بساط آن‌ها را به هم خواهد ریخت. وی افزود: به راه انداختن جریان داعش از سوی غربی‌ها نیز نوعی خودزنی است و این‌ها به ابزاری متوسل شده‌اند که برای خودشان نیز خطرناک است، چرا که این تهدید و ترور، روزی به خودشان باز خواهد گشت که گوشه‌ای از آن را در جریان اخیر پاریس شاهد بودیم.

وی افزود: موضوعاتی مثل آزادی بیان در غرب به جریانی برضد خود تبدیل شده و منجر به بروز آشوب و به هم ریختگی جدی فکری و عملی در عرصه‌های سیاسی و امنیتی تبدیل شده است.

تعطیلی بازار کرمانشاه

بازاریان کرمانشاه در پی اهانت نشریه فرانسوی به ساحت مقدس پیامبر اسلام(ص) دیروز بازار را تعطیل کردند. بازاریان کرمانشاه باتجمع درمسجد حضرت اباالفضل العباس(ع) خشم و انزجار خود را از عمل شنیع اهانت به ساحت پاک پیامبر رحمت و مهربانی اعلام کردند. همچنین بازاریان و نمازگزاران مسجد مقبره تبریز دیروز بین نماز ظهر و عصر اقدام موهن و جاهلانه نشریه شارلی ابدو فرانسه علیه پیامبر اسلام (ص) را محکوم کردند. اصناف، کسبه و بازاریان بازار سنتی و مسقف تبریز با اعلام انزجار از اقدام وقیحانه این نشریه در ضدیت با اسلام، با سر دادن شعارهایی همچون مرگ برآمریکا، مرگ براسرائیل، مرگ برانگلیس و مرگ برفرانسه، لبیک یا رسول‌الله(ص) وای رهبر آزاده آماده‌ایم آماده این عمل را مصداق بارز ایجاد تفرقه بین ادیان دانستند. جامعه روحانیون اهل سنت هرمزگان هم متشکل از روحانیان، علما، فضلا، معتمدان و ائمه جمعه و جماعات اهل سنت استان با صدور بیانیه‌ای اقدام موهن نشریه فرانسوی مبنی بر چاپ کاریکاتور اهانت‌آمیز به پیامبر اکرم(ص) را محکوم کردند.

اخبار حوادث

محکومیت ۱۷۰ دندانپزشک در ۸ ماه

سرویس خبر: مدیر کل امور آموزش و همکاری‌های علمی سازمان پزشکی قانونی کشور با اشاره به افزایش ۱۵/۹ درصدی موارد قصور دندانپزشکی در هشت ماهه امسال، گفت: ۱۷۰ دندانپزشک محکوم شدند.

دکتر مسعود قادی پاشا افزود: در این مدت ۳۰۶ دندانپزشک مورد شکایت واقع شدند و پرونده آنان به دلیل قصور دندانپزشکی در کمیسیون‌های پزشکی قانونی بررسی شد؛ از این عده ۱۷۰ مورد منجر به محکومیت و ۱۳۶ مورد منجر به تبرئه شدند. وی گفت: در این مدت قصور دندانپزشکی از نظر فراوانی تعداد موارد بررسی در مقایسه با دیگر رشته‌های تخصصی در رتبه چهارم پس از جراحی زنان وزایمان، جراحی عمومی و جراحی ارتوپدی قرار داشته است. دکتر قادی پاشا اضافه کرد: از آنجا که سازمان پزشکی قانونی کشور در مواردی به استعلامات قضایی با کمک علم دندانپزشکی قانونی پاسخ می‌دهد، بر آن شدیم تا کنفرانسی با موضوع دندانپزشکی قانونی ویژه همکاران دندانپزشک قانونی در سازمان برگزار کنیم.

شرور مسلح در ایرانشهر به هلاکت رسید

زاهدان: جانشین فرمانده انتظامی ایرانشهر گفت: یک شرور مسلح که دارای سوابق قتل و سرقت‌های مسلحانه در این شهرستان بود، در درگیری با مأموران انتظامی به هلاکت رسید.

سرهنگ «فرهاد بنایی» افزود: مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی و همکاری اداره اطلاعات این شهرستان موفق به شناسایی این شرور و مخفیگاه وی شدند. اما او بادیدن ماموران اقدام به تیراندازی کرد که باتیراندازی متقابل به هلاکت رسید.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات
تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰
ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
- موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- چاپ پیام ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

والدین تجربه تلخ مرا تکرار نکنند!

برای تولد فرزند یکساله‌ام، یک بسته فشفشه خانگی به پیشنهاد فروشنده مغازه وسایل تزئینی واقع در اطراف چهارراه نظام آباد خریدم که به دلیل عدم تجربه صاحب مغازه و یا شاید حواس‌پرتی او، به اشتباه فشفشه‌ای را که باید در محیط‌های باز و در شعاع ٤ متری روشن شود، به من فروخت که متأسفانه با کبریت زدن به آن در داخل منزل، نزدیک بود فاجعه‌ای رخ دهد و محل جشن تولد نوزادم آتش بگیرد! به والدین عزیز توصیه می‌کنم هنگام خرید فشفشه‌های جشن تولد حتماً از بی‌خطر بودن آن‌ها اطمینان حاصل کنند تا خدای نکرده برای فرزند دلبندشان و همچنین میهمانان، مشکلی ایجاد نشود.
یک مادر

سرگردانی مسافران شهرک مارلیک

بیشتر رانندگان مسافربر مسیر فلکه پنجم فردیس ـ فاز ۳ مارلیک از ۲بانده عبور می‌کنند که در نتیجه مسافرانی که قصد پیاده شدن در میدان ارغوان را دارند، دچار مشکل می‌شوند. از مسئولان ذیربط تقاضا می‌شود برای رفع مشکل چاره‌ای بیندیشند.
مارلیک (کرج)ـ پوریا محمودی

لزوم استفاده اجباری از اسکلت‌های بتنی

به دلیل زلزله‌خیز بودن ایران و به خصوص تهران، نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید قانونی تصویب کنند که براساس آن، استفاده از اسکلت‌های بتنی در ساخت بناهای مسکونی اجباری باشد تا در صورت وقوع احتمالی زلزله، شاهد خسارت و آسیب کمتری باشیم.
علیرضا احمدی

جالب است!

جالب است که برخی از مؤسسات مالی، اعتباری غیرمجاز در حد یک بانک فعالیت‌های اقتصادی دارند و هیچ نهادی مانع ادامه کارشان نمی‌شود! چگونه است که برای راه‌اندازی یک مغازه کوچک، متقاضی مجبور به گرفتن مجوز است، اما نهادهای مالی بدون دردسر با پول مردم کار می‌کنند و کسی جلودارشان نیست؟
نیک پی

مشکلات کارت منزلت رفع شود

ضروری است برای تکریم سالمندان، مشکلات کارت منزلت هرچه سریع‌تر برطرف شود زیرا به هر دلیلی کارت ایراد داشته باشد، دارنده آن مجبور است برای رفع مشکل به ایستگاه متروی امام خمینی مراجعه کند که معمولاً رفت و آمد برای این قشر، دشوار است و از طرف دیگر، بیشتر اوقات، کارت‌ها در سفرهایی با فاصله کوتاه تأیید نمی‌شود که ناراحتی سالمند و گاهی مشاجره با کارمندان ایستگاه را به دنبال دارد و در پایان این که بعد از اتمام اعتبار، دارنده کارت مجبور است برای استفاده مجدد با پرداخت پول، آن را شارژ کند.
دارنده کارت منزلت

بیمه هنرمندان هنرهای تجسمی در بلاتکلیفی

پارسال به همراه حدود ۲۰۰۰ نفر از هنرمندان هنرهای تجسمی برای بیمه درمانی این قشر از طریق وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی و مؤسسه‌های هنرهای تجسمی اقدام کردم، که متأسفانه هیچ نتیجه‌ای در بر نداشت. لطفاً مسئولان، موضوع را پیگیری کنند.
محمدی ـ از هنرمندان هنرهای تجسمی

راهکارهای کاربردی برای دولت

مقاله سردبیر روزنامه اطلاعات با عنوان «پاسخ به فراخوان رئیس جمهوری راهکارهای کاربردی برای حل مشکل حذف یارانه متمولان ارائه داده بود که امید می‌رود با بهره‌گیری از این نظرات، دولت بتواند راه‌حل مناسبی را در پیش بگیرد.
خواننده روزنامه اطلاعات

ابرهای بارور را بارانی کنیم

توصیه می‌کنم براساس پیش‌بینی سازمان هواشناسی، زمان ورود ابرهای بارور به سطح شهر تهران، شهرداری با اجرای طرح‌های زوج و فرد و عدم فروش طرح ترافیک روزانه، از تردد خودروهای اضافه جلوگیری کند تا آلودگی کاهش یابد و ابرها فرصت باریدن بیابند که اگر غیر از این باشد، به زودی کمبود آب، معضلی غیرقابل حل خواهد بود.
حسینی

گلایه از یک سرپرست

متأسفانه برخی از کارکنان شورای حل اختلاف واقع در خیابان آیت‌الله مدنی به ارباب رجوع پاسخ درست و روشنی نمی‌دهند و مراجعان را در بلاتکلیفی قرار می‌دهند که باید بر عملکرد آنان بیشتر نظارت شود.
از مراجعان به شورا

امکان دریافت اطلاعات به صورت تلفنی نیست

تلفن‌های راه‌آهن ناحیه قزوین همیشه یا اشغال است یا بوق آزاد می‌زند، اما کسی پاسخگو نیست. بیشتر ادارات این شهرستان هم چنین مشکلی دارند و امکان دریافت اطلاعات به صورت تلفنی را فراهم نمی‌کنند.
قزوین ـ یک شهروند

یک سئوال از شرکت ملی گاز

چرا دولت از گاز مصرفی منازل مسکونی، ارزش افزوده دریافت می‌کند؟ مگر گاز ثروت ملی نیست، پس دریافت مالیات بر ارزش افزوده از این انرژی چه معنایی دارد؟
تلفن به خط ارتباطی

سهام عدالت در بلاتکلیفی!

دولت تکلیف سهام عدالت را روشن کند تا سهامداران از سرگردانی درآیند. آیا قرار است این سهام به افراد تعلق گیرد یا به طور کلی موضوع منتفی شده است؟
خلخال ـ دارنده سهام عدالت

انتظار از صدا و سیما

چرا از شبکه‌های متعدد تلویزیون، اسم، تصویر و خبری از محبوب‌ترین افراد شاخص و معتمد رشته‌های شعر، موسیقی، فرهنگ و هنر پخش نمی‌شود و برنامه‌هایی با موضوع هنرمندان کمتر به نمایش در می‌آید؟ ای کاش صدا و سیما به این موضوع توجه بیشتری داشته باشد.
بیننده تلویزیون

درخواست از دولت

مبلغ یارانه هر چند ناچیز است، اما دردی از دردهای مالی خانواده‌های فقیر و مستمند را دوا می‌کند. از دولت تدبیر و امید انتظار می‌رود یارانه اقشار محروم و متوسط جامعه را حذف نکند، زیرا تورم و گرانی‌ها فشار زیادی بر خانواده‌ها وارد آورده است.
یک یارانه‌بگیر

یارانه اغنیا حذف شود

آیا یارانه ٤٥ هزار تومانی در زندگی اغنیاء تأثیری دارد؟ به دولت پیشنهاد می‌شود یارانه این قشر را با بررسی حذف و مبلغ آن را صرف افزایش یارانه گروه کارگران، کشاورزان و طبقات فقیر جامعه کند.
ساری ـ م، محمدی

مخالف کوچک شدن قطع روزنامه هستم

برخی خوانندگان روزنامه اطلاعات پیشنهاد می‌کنند قطع روزنامه کوچک شود که من به عنوان یکی از مشترکان قدیمی روزنامه با این موضوع مخالفم، زیرا قطع فعلی روزنامه بیانگر هویت این نشریه پربار است.
خواننده قدیمی روزنامه اطلاعات

سود دریافت نکرده‌ام

سال‌ها قبل از شرکت سیمان سبزوار، سهام خریده‌ام، اما هیچ مبلغی به عنوان سود دریافت نکرده‌ام. لازم است بر عملکرد شرکت‌های بورسی و پرداخت سود آن، نظارت داشته باشند تا سهامداران متضرر نشوند.
شاهرود ـ سهامداران سیمان

نهادینه کردن فرهنگ اخلاق‌مداری

متأسفانه گرانفروشی و کم‌فروشی در بخش‌های مختلف جامعه مثل برخی قصابی‌ها و فروشگاه‌ها گسترش یافته است که باید با بازرسی‌های مستمر، از میزان آن کاست، ضمن آن که نهادینه کردن فرهنگ اخلاق‌مداری می‌تواند چاره‌ساز باشد.
تلفن به خط ارتباطی

مسئولان مشکل آلودگی هوا را حل کنند

در ٦ ماهه دوم سال، مردم تهران و کلانشهرها برای نفس کشیدن با مشکل روبرو هستند. مسئولان ذی‌ربط باید برای جلوگیری از رسیدن به مرحله بحران، به صورت ریشه‌ای و با تدارک برنامه‌های کاربردی مشکل را حل کنند و یا در صورت عدم توانایی، مسئولیت‌هایشان را به افراد کارآمدتری بسپارند.
شهروند تهرانی

بقیه در صفحه ۹

صعود مقتدرانه تیم ملی فوتبال به جمع ۸ تیم برتر آسیا

مصاف صدرنشینی گروه سوم جام شانزدهم، دیروز با پیروزی یک –صفر ملی پوشان فوتبال ایران مقابل امارات، پایان یافت.

ملی پوشان فوتبال ایران، دیروز در سومین و آخرین دیدار مرحله گروهی شانزدهمین دوره جام ملت های آسیا – ۲۰۱۵ استرالیا، در حالی به مصاف تیم امارات رفتند که فقط با شکست سومین حریف عربی خود، عنوان صدرنشینی گروه سوم را تصاحب می کردند. بازی تیم های ملی فوتبال ایران و امارات، از ساعت ۱۲:۳۰ دقیقه دیروز در ورزشگاه «سانکروپ» شهر بریزبین کشور استرالیا برگزار شد؛ بازیکنان کشورمان در پایان این بازی، سومین پیروزی پیاپی خود را جشن گرفتند. رضا قوچان نژاد در دقیقه ۱+۹۰ گل برتری ایران را در مقابل امارات به ثمر رساند.

شاگردان کی‌روش در این دیدار، بیشتر به ضد حملات و ارسال توپ‌های بلند چشم داشتند. اماراتی‌ها نیز تلاش می کردند که با پاسکاری و حرکات انفرادی در عمق دفاع ایران، ایجاد موقعیت کرده و صاحب فرصت گلزنی شوند.

اماراتی‌ها، نیمه نخست این دیدار را بهتر از تیم ایران، آغاز کردند و با شوتی که «اسماعیل» در دقیقه پنجم روانه دروازه ایران کرد، نشان دادند که حریف دست و پا بسته‌ای نیستند. البته بازیکنان کشورمان، پس از ۱۰ دقیقه بازی را در دست گرفتند و سردار آزمون در دقیقه ۱۴ روی پاس ارسالی مهرداد پولادی در موقعیتی تک به تک با دروازه‌بان امارات قرار گرفت؛ ضربه بی دقت او به اوت رفت.

تیم ایران در ادامه بازی، باز هم فرصت گلزنی داشت؛ حرکت خوب امیری و پاس او به آزمون می توانست تبدیل به گل نخست این دیدار شود؛ توپ با ضربه جاندار این بازیکن و پس از برخورد با مدافع امارات، راهی کرنر شد.

در دقیقه ۱۸ سانتر ارسالی از جناح چپ ایران با ضربه سر جهانبخش همراه شد. «ناصر»، دروازه‌بان امارات با جاگیری مناسب، مانع از فروریختن دروازه این تیم شد.

بازی دو تیم در اواسط نیمه نخست، متعادل شد؛ اماراتی ها که چیزی حدود ۲۰ دقیقه در زمین خودی، مشغول دفاع بودند، حملاتی پراکنده روی دروازه ایران را تدارک دیدند. اما ساختار مناسب خط دفاعی ایران، مانع از ایجاد موقعیتی جدی و خطرناک روی دروازه تیم کشورمان شد تا این که در دقیقه ۳۶ روی یک ضربه ایستگاهی – که پشت محوطه جریمه ایران و به سود اماراتی‌ها اعلام شد – «احمد خلیل» تلاش کرد تا با ضربه ای فنی، توپ را وارد دروازه تیم ایران کند، ولی دیواره دفاعی تیم ملی فوتبال کشورمان، مانع از بروز این اتفاق شد. شوت «علی مبخوت» در دقیقه ۴۲ نیز می توانست، برای تیم ایران خطرساز شود، ولی توپ با شوت بی دقت او و با اختلاف، راهی بیرون از زمین مسابقه شد.

شاگردان کی‌روش در اواخر نیمه نخست (دقیقه ٤٤)، روی ضربه کرنر می توانستند به گل برسند، ولی ضربه سر آزمون با برخورد به مدافع قطر، دوباره به کرنر رفت تا نیمه نخست با تساوی بدون گل به پایان برسد.

بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران با آغاز نیمه دوم، بر بازی سوار شدند و در دقیقه ۵۲ ارسال خوب امیری برای جهانبخش، این بازیکن را در موقعیت گلزنی قرار داد؛ ضربه او با اختلاف، راهی خارج از زمین بازی شد. بعد از این فرصت، باز هم بازیکنان ایران بر توپ و میدان، مسلط بودند و فرصت‌های خوبی را برای گلزنی بدست می‌آوردند، ولی مدافعان اماراتی، موفقتر از آنان عمل کرده و همه توپ‌ها را از منطقه خطر، دور می کردند.

در اواسط نیمه‌دوم، بازی‌متعادلی از سوی دو تیم ارائه شد و توپ در بیشتر دقایق در میانه‌های میدان در جریان بود تا این که در دقیقه ۷۷ یک ضربه ایستگاهی به سود امارات اعلام شد و اسماعیل، تلاش کرد تا با شوتی یک ضرب، دروازه ایران را باز کند. اما توپ او با اختلاف از کنار دروازه ایران، راهی اوت شد. یک دقیقه بعد بود که «عمر عبدالرحمان» با یک پاس خوب، علی مبخوت را صاحب موقعیت کرد و این بازیکن، تلاش کرد تا در داخل محوطه جریمه تیم ایران با یک شوت، نخستین گل این دیدار را به ثمر برساند. اما شوت او نیز راهی بیرون زمین مسابقه شد تا کار همچنان بدون گل و مساوی، پیش برود.

در دقیقه ۸۱ توپ ارسالی دژآگه از روی نقطه کرنر با ضربه سر پورعلی گنجی همراه شد، لیکن ضربه سر او را دروازه‌بان امارات با واکنشی به موقع، دفع کرد و به کرنر فرستاد.

در دقیقه ۸۷ شوت اشکان دژآگه از پشت محوطه جریمه امارات، آن قدر قدرتمند نبود تا دروازه امارات را تهدید کند و دروازه‌بان این تیم به راحتی توپ را در آغوش گرفت.

البته این پایان کار نبود. چون که آندرانیک تیموریان در دقیقه ۱+۹۰ روی ارسال کوتاه از توپ برگشتی، تیم ایران «قوچی» را صاحب موقعیت کرد و رضا قوچان‌نژاد، این توپ را با ضربه سر، وارد دروازه تیم امارات کرد.

جواد نکونام، مهرداد پولادی و سردار آزمون در این دیدار با کارت زرد داور ژاپنی، جریمه شدند.

تیم ملی فوتبال ایران با ترکیب علیرضا حقیقی، سید جلال حسینی، مرتضی پورعلی گنجی، وحید امیری، خسرو حیدری(٦٣ اشکان دژآگه) مهرداد پولادی، جواد نکونام، آندرانیک تیموریان، سروش رفیعی، علیرضا جهانبخش(۵۸وریا غفوری) و سردار آزمون(۷۲ رضا قوچان نژاد) به میدان رفت.

ترکیب تیم ایران نسبت به دیدار قبلی، چهار تغییر داشت. خسرو حیدری، علیرضا جهانبخش، وحید امیری و سروش رفیعی به جای وریا غفوری، اشکان دژآگه، احسان حاج صفی و مسعود شجاعی در آغاز بازی وارد زمین شدند.

اظهارات سرمربیان

«مهدی علی» با وجود شکست امارات مقابل ایران، از نمایش بازیکنان تیم خود راضی است.

سرمربی تیم ملی فوتبال امارات، پس از شکست یک –صفر مقابل ایران در ثانیه‌های پایانی دیدار دیروز دو تیم، گفت: فوتبال همین است. ما در گروه، دوم شدیم. از حالا باید تمرکز خودمان را روی بازی با ژاپن در مرحله یک چهارم نهایی بگذاریم. بازی سختی با ژاپنی ها داریم. آنان، تیم بسیار خوب و قدرتمندی هستند.

وی افزود: ما برای متوقف کردن تیم ایران، همه کار کردیم و نمایش خوبی داشتیم. البته در طول بازی، مشکلاتی داشتیم که همین امر موجب شد تا نتیجه لازم را برای صدرنشینی، کسب نکنیم.

مهدی علی با بیان این که همه تیم‌ها، بعضی اوقات می‌برند و گاهی هم می‌بازند، گفت: فوتبال همین است. از نمایش تیمم خوشحالم. جنگنده بازی کردیم و توانستیم صعود کنیم.

ایران بهتر از امارات

سرمربی تیم ملی فوتبال ایران با ابراز خرسندی از موفقیت شاگردانش در بازی مقابل امارات، تاکید کرد که آنان، نمایش فوق‌العاده ای داشتند.

کارلوس کی‌روش، پس از پیروزی یک –صفر تیم ملی فوتبال ایران مقابل امارات، گفت: شاهد یک بازی خیلی خوب بودیم و خوشحالم که پیروز میدان شدیم. اعتقاد دارم که تیم ملی فوتبال امارات، بهترین تیم غرب آسیاست و امروز یک فوتبال عالی را ارائه داد. بازیکنان این تیم در کارهای ترکیبی، خوب بودند. چون که چند سال است، کنار هم بازی می‌کنند و همدیگر را می‌شناسند؛ به آنان تبریک می‌گویم.

او افزود: سپس به بازیکنان خودم تبریک می‌گویم؛ چون که آماده پیروزی بودند و گذشت را در آنان دیدم. بازیکنان تیم ایران، تلاش فوق‌العاده کردند. شاید اماراتی‌ها در تعداد پاس، موفق‌تر از ما بودند. اما ما به لحاظ تیمی، بهتر بودیم و در این بازی احساسی، پیروز شدیم.

کارلوس کی‌روش درباره تغییر ترکیب تیم ملی فوتبال ایران نسبت به دو بازی قبلی، تصریح کرد: ما می‌خواستیم بازیکنان جوانتر – که طراوت بیشتر و مصدومیت، کمتری داشتند – را در این دیدار به میدان بفرستیم. اما همه بازیکنان به لحاظ تکنیکی و روحی – روانی، آماده بازی بودند. هم دیدید که رفیعی، جهانبخش و امیری، چقدر دوندگی کردند و عملکرد خوبی را ارائه دادند. نمی‌خواستیم که در آغاز بازی، ریسک کنیم. اما نیاز به پیروزی، باعث شد که در اواسط بازی، این کار را انجام دهیم و بازیکنان باتجربه‌ای مثل دژآگه و قوچان‌نژاد را به زمین بیاوریم. در مجموع از عملکرد تیم در این دیدار راضی هستم.

قوچان‌نژاد، بهترین بازیکن دیدار ایران – امارات

رضا قوچان‌نژاد به عنوان بهترین بازیکن دیدار تیم‌های ملی فوتبال ایران و امارات انتخاب شد.

تیم ملی فوتبال ایران، دیروز در سومین دیدار دور گروهی جام ملت‌های آسیا مقابل امارات به میدان رفت و رضا قوچان‌نژاد – که از دقیقه ٦۳ به جای سردار آزمون در ترکیب تیم کشورمان قرار گرفت – در دقیقه ۱+۹۰ گل بسیار حساسی را به ثمر برساند.

او که در بازی با قطر نیز در ترکیب اصلی تیم ملی فوتبال ایران قرار نگرفته بود، در بازی دیروز هم به عنوان بازیکن جایگزین وارد میدان شد و در دقایق پایانی بازی با امارات، گل حساسی را به ثمر رساند تا تیم ایران با سه پیروزی و کسب ۹ امتیاز به عنوان صدرنشین گروه سوم، راهی مرحله یک چهارم نهایی جام شانزدهم شود.

ملی پوشان فوتبال ایران، امروز چشم به نتیجه سومین و آخرین بازی گروه چهارم دارند تا حریف خود را در مرحله حذفی بشناسند. تیم ملی فوتبال عراق، رقیب احتمالی ایران در مرحله یک چهارم نهایی جام شانزدهم خواهد بود.

پیوستن ۳ بازیکن نفت تهران به اردوی تیم ملی فوتبال امید در ترکیه

۳ بازیکن تیم نفت تهران، همراه با تیم ملی فوتبال امید (المپیک) ایران به اردوی تدارکاتی ترکیه می‌روند.

سرمربیان تیم های ملی فوتبال امید و تیم نفت تهران، توافق کردند که سه ملی‌پوش تیم نفت تهران به جمع اردونشینان تیم ملی فوتبال امید در ترکیه ملحق شوند.

پس از توافق محمد خاکپور و علیرضا منصوریان، سه بازیکن تیم نفت تهران به اردوی تیم ملی فوتبال امید در آنتالیای ترکیه اضافه می شوند تا این تیم حضور قدرتمندی در رقابت‌های انتخابی بازی های المپیک –۲۰۱٦ برزیل داشته باشد. همچنین جلسه کادر فنی تیم ملی فوتبال امید، برای آنالیز تمرینات ملی پوشان امید و بررسی شرایط این تیم در دیدارهای تدارکاتی آینده برگزار شد. تیم ملی فوتبال امید ایران، اردوی ۱۲ روزه تدارکاتی خود را در آنتالیای ترکیه برپا کرده است.

فهرست ۲۵ بازیکن آسیایی پرسپولیس

تیم فوتبال باشگاه پرسپولیس تهران، اسامی ۲۵ بازیکن را در فهرست آسیایی خود قرار داد.

در راستای اقدامات اداری مربوط به شرکت در لیگ قهرمانان آسیا، ۱۰ روز قبل از پایان مهلت اعلام شده از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا، فهرست کادر فنی، بازیکنان و همراهان تیم، همراه با مدارک مورد نیاز، تحویل بخش روابط بین الملل فدراسیون فوتبال شد تا اقدامات لازم از سوی فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ انجام شود.

تیم فوتبال پرسپولیس تا کنون نام ۲۵ بازیکن را در این فهرست قرار داده است و تا یک هفته مانده به بازی در لیگ قهرمانان آسیا، نام پنج بازیکن دیگر را به این فهرست اضافه می کند.

سوشا مکانی، مسعود همامی، مرتضی قدیمی‌پور، علیرضا نورمحمدی، محسن بنگر، بابک حاتمی، محمدرضا خانزاده، حمیدرضا علی عسگری، مایکل اومانا، مهدی جعفرپور، محمد نوری، هادی نوروزی، ژوزه تادئو، مهرداد کفشگری، محمد عباس‌زاده، رضا خالقی فر، مهدی دغاغله، پیام صادقیان، امید عالیشاه، مبین میردورقی، احمد نورالهی، مهدی طارمی، افشین اسماعیل‌زاده، رضا نوروزی و میلاد کمندانی، ترکیب آسیایی تیم پرسپولیس را تشکیل می دهند. طبق اعلام بخش امور ورزشی باشگاه، نام علی علیپور نیز پس از صدور کارت بازی وی، به این فهرست اضافه خواهد شد.

محرومیت ۲ ساله ۲ بازیکن دوپینگی در لیگ برتر فوتبال

۲ بازیکن تیم های لیگ برتری فولاد خوزستان و تراکتور سازی تبریز به علت دوپینگ، برای مدت ۲ سال از حضور در همه فعالیت‌های رسمی مرتبط با فوتبال، محروم شدند. همچنین از یک بازیکن فوتسال، رفع اتهام شد.

دکتر توحید سیف برقی، رییس کمیته کنترل دوپینگ فدراسیون فوتبال با اعلام خبر بالا، افزود: «ایوب والی»، بازیکن تیم فوتبال بزرگسالان فولاد خوزستان و «پیمان بابایی» بازیکن تیم فوتبال بزرگسالان تراکتورسازی تبریز به علت استفاده از ماده ممنوعه از گروه استرووییدهای آنابولیک به مدت دو سال از فعالیت‌های رسمی مرتبط با فوتبال، محروم شدند. همچنین پرونده های مربوط به تخلف دوپینگ دو بازیکن دیگر از لیگ برتر فوتبال آقایان و بانوان در حال رسیدگی است.

او، تصریح کرد: «محسن نظام دوست» بازیکن فوتسال در رده سنی بزرگسالان نیز براساس بند دوم ماده ۷۷ آیین نامه ملی کنترل دوپینگ، از اتهام دوپینگ تبرئه شد؛ او، اجازه دارد که تیم خود را در مسابقات آتی، همراهی کند.

وی با تاکید بر اینکه مبارزه با دوپینگ در فوتبال (لیگ برتر، لیگ های یک، دو و سه، فوتسال، فوتبال ساحلی در رده های سنی مختلف بانوان و آقایان و ۱۷ رده ملی) بسیار گسترده و حساس است، گفت: مسئولیت‌های ستاد ملی مبارزه با دوپینگ در سایر رشته‌های ورزشی غیر از فوتبال، نیازمند توجه ویژه و تامین بودجه لازم از سوی وزارت ورزش است تا ستاد مذکور در این امر خطیر، همیشه موفق باشد.

روی خط جام شانزدهم

تعیین حریف تیم ملی فوتبال ایران؛ امروز

حریف تیم ایران در مرحله یک چهارم نهایی، امروز در پایان رقابت های مرحله گروهی شانزدهمین دوره جام ملت‌های آسیا، مشخص خواهد شد.

تیم‌های ملی فوتبال ژاپن، عراق، اردن و فلسطین در گروه چهارم جام شانزدهم قرار دارند. سومین و آخرین دیدارهای این گروه، امروز با برگزاری دو دیدار همزمان برگزار خواهد شد. تیم‌های ملی فوتبال ژاپن با اردن و عراق با فلسطین به مصاف هم می‌روند تا پرونده مرحله گروهی جام شانزدهم، بسته شود.

دیدار تیم‌های ملی فوتبال ژاپن و اردن، ساعت ۱۲:۳۰ به وقت ایران در ورزشگاه شهر ملبورن برگزار می شود. تیم‌های ملی فوتبال عراق و فلسطین نیز در همین ساعت در ورزشگاه شهر کانبرا با هم رقابت خواهند کرد.

سامورایی‌های آبی در بازی نخست خود با نتیجه ٤ –صفر فلسطین را بردند و در دومین دیدار، تیم عراق را با یک گل از پیش رو برداشتند.

تیم ملی فوتبال عراق نیز در نخستین بازی خود با یک گل اردن را شکست داد و اردنی‌ها در دومین بازی خود با نتیجه ۵ – یک فلسطین را از پیش رو برداشتند. تیم ملی فوتبال فلسطین که نخستین حضور در جام ملت‌های آسیا را تجربه می‌کند در بازی با اردن یک گل را به ثمر رساند تا نخستین گل فلسطینی‌ها در جام ملت‌های آسیا، ثبت شود.

قبل از برگزاری بازی های آخرین روز از مرحله گروهی جام شانزدهم، ژاپن با کسب ٦ امتیاز و تفاضل گل ۵+، اردن با کسب ۳ امتیاز و تفاضل گل ۳+، عراق با کسب ۳ امتیاز و تفاضل گل صفر و فلسطین بدون کسب امتیاز و تفاضل گل ۸– در رده‌های اول تا چهارم گروه چهارم قرار دارند.

اگر اردنی‌ها، موفق به شکست ژاپن شوند، سرنوشت گروه چهارم در هاله ابهام قرار خواهد گرفت. چرا که با برد احتمالی عراق مقابل فلسطین، سرنوشت تیم‌های صعود کننده به مرحله یک چهارم نهایی با توجه به تفاضل گل تیم ها، مشخص خواهد شد.

ژاپن در صورت شکست از اردن به دلیل تفاضل گل ۵+ باز هم تیم اول گروه چهارم خواهد بود. فقط سرنوشت تیم دوم این گروه است که پس از دیدار تیم‌های ملی فوتبال اردن و عراق، تعیین خواهد شد.

برتری بحرین در دیدار تشریفاتی با قطر

دیدار تشریفاتی تیم‌های حذف شده گروه سوم جام شانزدهم با برتری بحرین مقابل قطر پایان یافت.

دیدار تیم‌های فوتبال قطر و بحرین با نتیجه ۲ – یک به سود بحرین، تمام شد تا این دیدار تشریفاتی با حذف بدون امتیاز میزبان جام جهانی در سال ۲۰۲۲ پایان یابد.

بحرینی‌ها با گل دقیقه ۳٤ «سید شوبار» از حریف پیش افتادند. نیمه نخست با همین نتیجه پایان یافت. «عبدالکریم حسن» در نیمه دوم (دقیقه ٦٨) نتیجه را برای قطر مساوی کرد. اما این بحرینی‌ها بودند که با گل دقیقه ۸۲ «سید جفار» نتیجه را ۲ – یک به سود خود تغییر دادند.

بحرین با کسب ۳ امتیاز در رده سوم جدول رده بندی گروه سوم قرار گرفت و قطر، بدون کسب امتیاز در رتبه چهارم ایستاد تا میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ در مرحله نخست جام ملت‌های آسیا از گردونه مسابقات، حذف شود.

رکورد ۸۰ ساله فوتبال دنیا شکست

رکورد جدیدی در شانزدهمین دوره جام ملت های آسیا به ثبت رسید؛ حتی یک بازی از ۲۲ بازی انجام شده در مرحله گروهی جام شانزدهم با نتیجه تساوی به پایان نرسیده است.

رکورد قبلی بازی‌های بدون تساوی، مربوط به جام جهانی ۱۹۳۰ می شود که در آن ۱۸ بازی بدون نتیجه تساوی به پایان رسیده بود. اما پریروز با پیروزی تیم چین مقابل تیم کره شمالی و تیم ازبکستان مقابل تیم عربستان، شمار بازی‌هایی که با برد و باخت به پایان رسید به عدد ۲۰ رسید؛ این آمار دیروز به ۲۲ بازی بدون تساوی، ارتقا یافت.

رکوردهای دیگری هم در شانزدهمین دوره جام ملت های آسیا به ثبت رسیده است. گل ثانیه ١٤ «علی مخبوط» اماراتی مقابل بحرین، سریع ترین گل تاریخ جام ملتهای آسیا ست.

«یاسوهیتو اندو» با حضور دراین دوره از مسابقات، شمار بازی های خود برای تیم ملی فوتبال ژاپن را به ۱۵۰ بازی رسمی رساند. «جاکا حبشه» نیز نخستین گل تاریخ فوتبال فلسطین در جام ملت های آسیا را به ثمر رساند.

استاد مشفق کاشانی، غزل سرای نامی ایران به رحمت ایزدی پیوست

بقیه از صفحه ۳

پیام تسلیت شورای شعر دفتر موسیقی

شورای شعر دفتر موسیقی معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی، درگذشت استاد مشفق کاشانی را تسلیت گفت.

به گزارش روابط عمومی دفتر موسیقی دربخشی ازاین پیام آمده است: با نهایت تأسف و اندوه، درگذشت سخنور و غزل سرای همیشه جاوید ایران زمین استاد مشفق کاشانی را به جامعه ادبی کشور به ویژه خانواده آن روان شاد ،اصحاب فرهنگ، ادب و هنر تسلیت می گوییم و برای بازماندگان صبر و شکیبایی از خداوند متعال آرزومندیم.

رضوان خداوند بر روان تابناکش که سروده‌های روشن ایشان، نغمه ماندگاری ست که به روزگاران در حافظه مردم سخن‌شناس ایران باقی خواهد ماند..

بیابانکی: مشفق حلقه اتصال غزل دیروز و امروز بود

سعید بیابانکی گفت مشفق کاشانی حلقه اتصال غزل دیروز و امروز فارسی به شمار می‌رفت.

سعید بیابانکی شاعر و عضو شورای موسیقی وزارت ارشاد در گفتگو با مهر با اشاره به ضایعه درگذشت مشفق کاشانی شاعر انقلاب اسلامی اظهار داشت: مرگ آقای مشفق غافلگیرکننده و بهت آور بود. ما همین روز شنبه بود که خدمت آقای مشفق در شورای شعر بودیم و مثل هر هفته ایشان شعر خواند و خاطره گفت و لطیفه هم برای ما تعریف کرد؛ روحیه شادی داشت و همین مساله بود که خبر درگذشت او را برای ما باورنکردنی می‌کرد.

وی ادامه داد: آقای مشفق حلقه اتصال غزل دیروز و امروز ما به شمار می‌رفت. این اواخر در ۹۰ سالگی گاهی غزل‌هایی را به شورا می‌آورد که توسط آقای آهی برای ما خوانده می‌شد و بسیار فوق‌العاده بود.

بیابانکی ادامه داد: به نظر من آقای مشفق و اوستا و مرحوم شاهرخی و سپیده کاشانی به شکلی غزل بعد از انقلاب را شکل دادند که ما امروز می توانیم جایگاه بلند آن را ببینیم. همه می‌دانیم که اتفاقات ادبی در لحظه و آن شکل نمی گیرد و نیاز به یک تلاش مستمر دارد و مرحوم مشفق نیز چنین شخصیتی برای شعر معاصر فارسی بود.

این شاعر افزود: حضور آقای مشفق در شورای شعر وزارت ارشاد در سه دهه گذشته همواره مایه ایجاد آرامش و سلامتی به این شورا و ادبیات آهنگین ما بود. حضور او همواره به شعر ما اعتمادی قابل توجه می‌داد و به طور مشخص سلامت شعر فارسی معاصر ما امروز مدیون تلاش‌های ایشان بود.

وی همچنین با اشاره به دقت مثال زدنی مشفق کاشانی تصریح کرد: او کسی بود که شاعر بزرگی مانند سهراب سپهری را کشف و به ادبیات ما معرفی کرد.

بیابانکی همچنین با اشاره به خاطره آشنایی خود با استاد مشفق در فاصله سال‌های ٦٨ و ٦٩ گفت: در دیدارم با او در زمان دانشجویی‌ام شعری خواندم و ایشان نیز من را تشویق کرد و شاید همان تشویق‌ها بود که باعث شد از شاعری منصرف نشوم و شعر را جدی بگیرم. انگار این نکته که دیگران را حمایت کنند و دست همه را بگیرند در درون ایشان نهادینه شده بود.

این شاعر، واقعه فوت آقای مشفق را نیز بسیار زیبا و راحت و شاعرانه توصیف کرد و گفت: شکل درگذشت آقای مشفق یادآور همان حکایت مواجهه عطار و درویش با یکدیگر بود که باعث انقلاب روحی در عطار شد. آقای مشفق نیز بسیار زیبا و در حالی که شعر می‌خواندند از دنیا رفتند.

روزنامه اطلاعات درگذشت این شاعر پیشکسوت و گرانقدر را به خاندان محترم کی منش و جامعه ادبی ایران صمیمانه تسلیت می گوید.

یادش گرامی

حمایت وزارت علوم از رشته های مرتبط با لیزر

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در بازدید از دومین نمایشگاه دستاورد های مرکز ملی علوم و فنون لیزر گفت: از امور تحقیقاتی و رشته های مرتبط با بخش لیزر در دانشگاه ها و مراکز پژوهشی و فناوری حمایت می کنیم.

به گزارش مهر، محمدفرهادی در این بازدید با اشاره به کاربردهای مفید انواع مختلف لیزر از جمله لیزرهای جامد، گازی و نیمه هادی ها در بخش های پزشکی، صنعت و کشاورزی اظهار داشت: خوشبختانه آنچه که امروز در این نمایشگاه دیدم تولید انواع لیزرها با قدرت های متفاوت توسط متخصصان کشورمان بود و این مسئله بسیار نوید بخش است که توانسته ایم این تکنولوژی بسیار مفید، ارزشمند و مورد نیاز در عرصه های مختلف را در داخل کشور و توسط متخصصان داخلی تولید کنیم.

ارکستر فرهنگی شهر تهران در خانه هنرمندان گشایش یافت

عکس: داود قهردار

نخستین کنسرت ارکستر فرهنگی شهر تهران، فیلارمونیک با سخنان دکتر مجید سرسنگی مدیرعامل خانه هنرمندان ایران و دکتر محمد سریر، رئیس شورای عالی خانه هنرمندان ایران، دیروز در سالن استاد ناظرزاده کرمانی خانه هنرمندان گشایش یافت.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر سرسنگی در آغاز این مراسم با اشاره به افتتاح این ارکستر در آستانه سالگرد پیروزی انقلاب‌اسلامی گفت: این اتفاق می‌تواند در تعامل جدی با دنیای هنر نقش ایفا کند و چهره درست و مخدوش نشده ایران اسلامی را معرفی کند. اگر این اتفاق مهم‌ترین رویداد فرهنگی امسال نباشد، یکی از مهم‌ترین رخدادهای فرهنگی خواهد بود. وی با تشکر از حمایت‌های شهردار تهران و شورای عالی خانه هنرمندان گفت: زمانی «دکارت» در ابتدای رساله «گفتار در روش» خود گفت: «می‌اندیشم، پس هستم». اگرچه این جمله دکارت سرآغاز رویکرد فردی و اجتماعی در غرب شد ولی این جمله برای تکریم اندیشه نبود. نگاهی به فلسفه هنر و ادبیات و حکمت ایران اسلامی نشان می‌دهد که اندیشیدن و تعقل جزء لاینفک انسان است.

وی درباره فقرزدایی گفت: انسان فقیر، فاقد اندیشه است. می‌خواهم بگویم فقر همه جا سر می‌کشد. در اینجا، تماشای ارکستر، ما را متوجه این نکته می‌کند که گفتگوی فقط در چند صدایی بودن معنا پیدا می‌کند.

سپس با دعوت دکتر سریر، ارکستر فیلارمونیک تهران با اجرای قطعه «شهیدان خدایی» به رهبری دکتر نادر مشایخی و رهبری گروه کر سیاوش لطفی، پانورامایی از موسیقی کلاسیک غرب و موسیقی نواحی مغولستان را اجرا کرد.

این کنسرت با صدای بیژن کامکار و دکتر عبدالحسین مختاباد همراه بود.

رئیس بانک مرکزی و دکتر فاضل عضو هیات امنای دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی شدند

دکتر ولی ا... سیف رئیس بانک مرکزی و دکتر ایرج فاضل به پیشنهاد ریاست دانشگاه، تایید وزارت بهداشت و ابلاغ رئیس جمهوری به عنوان اعضای هیات امنای دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی انتخاب شدند.

به گزارش مهر وزیر بهداشت در دومین نشست هیات امنای دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی در سال ۹۳ خاطرنشان کرد: بخش عمده ای از مناطق تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی باید دارای پوشش خدمات درمانی شود و از ظرفیت های موجود بهتر استفاده کرد. وی با اشاره به همکاری های اعضای هیات امنا و شهرداری ابراز امیدواری کرد دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی بتواند حداقل ۵ هزار تخت مدرن به مجموعه تحت مدیریت خود اضافه کند. هاشمی با تاکید بر این که دانشگاه باید ماموریت های خود را تغییر دهد گفت: این دانشگاه با بیش از نیم قرن سابقه درخشان باید فعالیت های خود را به صورت بین المللی و در خارج از مرزها گسترش دهد و همچنین از فرصت های آموزشی موجود در منطقه آسیای میانه و کشورهای همسایه نظیر عراق، سوریه و لبنان استفاده کند تا بستر مناسبی برای ادامه تحصیل جوانان مسلمان به ویژه شیعه فراهم شود.

ترحیم

هو الباقی

باکمال تأسف و تأثر درگذشت بانوی متدینه، مادری مهربان و فداکار مرحومه مغفوره **سرکار حاجیه خانم لیلا حسن‌زاده** را به همه بستگان و خانواده معزی بالاخص به فرزند گرامی ایشان صدیق ارجمند و همکار گرامی و بسیار عزیزمان جناب آقای دکتر سیدحسن میرحسینی، مدرس محترم دانشگاه، قاضی بازنشسته دیوانعالی کشور و معاون اسبق امور اسناد و املاک سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و عضو کانون وکلای دادگستری تسلیت عرض نموده برای آن مرحومه رحمت و رضوان و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌نمائیم.

به همین مناسبت مجلس ترحیم (زنانه و مردانه) از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ روز چهارشنبه ۱/بهمن/۹۳ درمسجد حضرت امیر(علیه‌السلام) واقع در تهران ـ خیابان کارگر شمالی ـ مقابل پمپ بنزین برگزار می‌گردد.

بدینوسیله مراتب جهت استحضار و شرکت کلیه سروران معظم همکاران محترم قضایی و ثبتی، استادان محترم دانشگاه و دانشجویان عزیز، وکلای محترم دادگستری و سردفتران محترم اسناد رسمی اعلام می‌شود.

محمدرضا علیزاده ـ هادی معزالدینی ـ دکتر محمدرضا احمدی ـ دکتر عباس شیری ـ دکتر عیسی امینی ـ دکتر رضا وصالی محمود ـ محمدحسین یعقوبی ـ محمدحسن کیانی ـ عبدالعلی سلطانی ـ حسین ساکی ـ احمدعلی سیروس ـ حشمت‌الله رونقی ـ امیرهوشنگ ایل بیگی ـ عبدالله پهلوان ـ علی شمس ـ حسین صفریان ـ محمدرضا زارعی ـ عبدالحسین اردوخانی ـ حسین خدایاری ـ احمد مقرب ـ احمدمحمودی جیرکل ـ سیدمرتضی میریحیی پور

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت **مادر جناب آقای سید حسن میرحسینی** وکیل محترم دادگستری را به اطلاع می‌رساند.
مجلس یادبود از ساعت ۱۴ تا ۱۵/۳۰ روز چهارشنبه ۹۳/۱۱/۱ در مسجد حضرت امیر(ع) واقع در خیابان کارگر شمالی مقابل پمپ بنزین برگزار می‌گردد.

کانون وکلای دادگستری مرکز

فرهیخته ارجمند، استاد دکتر مراد علی زهری

رئیس اسبق دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران و بنیانگذار علوم طیور ایران در جوار رحمت حق مأوا گرفت (رحمت‌الله علیه)

ضمن عرض تسلیت به خانواده معزز آن فقید سعید و همکاران دانشگاهی به استحضار می‌رساند مراسم بزرگداشت آن شادروان از ساعت ۱۵ تا ۱۷ روز سه‌شنبه ۹۳/۱۰/۳۰ در چهارراه قیطریه بلوار اندرزگو خیابان شریفی‌منش کوچه امینی کوچه آزادی پلاک ۱۵ منعقد می‌گردد.

دکتر محمدحسن بزرگمهری فرد، دکتر مجید معین‌وزیری، دکتر سیدمصطفی پیغمبری، دکتر وحید کریمی، دکتر محمدحسن‌زاده، دکتر مهدی وصفی مرندی، دکتر بهرام شجاعدوست

بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت تأسف و تألم درگذشت جانکاه شادروان **کاظم عسلی** فرزند محمود را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ترحیمی در روز پنجشنبه ۹۳/۱۱/۲ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد الرضا(ع) تهران واقع در خیابان سهروردی، خیابان خرمشهر (آپادانا)، میدان نیلوفر برگزار خواهد شد. شرکت عموم عزیزان موجب تسلی خاطر بازماندگان و شادی روح آن فقید سعید خواهد بود.

خانواده عسلی و منسوبین

با اندوه فراوان درگذشت همسر فداکار و پدر عزیز و بزرگوارمان **دکتر نظام‌الدین حائری‌زاده**، استاد بازنشسته دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، کارشناس رسمی دادگستری و کارشناس رسمی مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران را به آگاهی بستگان، دوستان و همکاران می‌رساند. یاد و خاطره آن عزیز را به‌اتفاق روز جمعه ۳ بهمن (۹۳/۱۱/۳) از ساعت ۱۵:۳۰ الی ۱۷ در مسجد الزهرا(س) واقع در شهرک غرب، فاز دوم، خیابان هرمزان، روبروی برجهای تهران، گرامی می‌داریم.

همسر: هنگامه باسقی
برادر: عمادالدین حائری‌زاده
فرزندان: دکتر فرزاد، دکتر فرزین، رامین و رکن‌الدین حائری‌زاده
عروس‌ها: پریسا هادی تهرانی، سمانه مهدویان
خانواده‌های وابسته

هو الباقی

بانهایت تأثر و تأسف درگذشت همکار گرامی **جناب آقای دکتر نظام‌الدین حائری‌زاده** کارشناس محترم رسمی دادگستری رشته مواد غذایی و مسمومیت‌های ناشی از آن را ضمن عرض تسلیت به اطلاع همکاران گرامی می‌رساند.
بهمین مناسبت مجلس ترحیمی روز جمعه ۹۳/۱۱/۳ از ساعت ۱۵/۳۰ الی ۱۷ در مسجدالزهرا (س) واقع در شهرک غرب، خیابان هرمزان منعقد می‌باشد.
حضور سروران گرامی باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.

کانون کارشناسان رسمی دادگستری و هیئت رئیسه گروه ۳ ـ امور پزشکی و غذایی

بسمه تعالی

ضمن عرض تسلیت خدمت خانواده‌های داغدار علوی طباطبائی و کلانتر معتمدی و آرزوی صبر جمیل برای این عزیزان، بدینوسیله به اطلاع می‌رساند مراسم هفت مرحوم **سیدرضا علوی طباطبائی** در روز جمعه مورخ ۹۳/۱۱/۳ از ساعت ۱۳/۳۰ الی ۱۵ در مسجد جامع شهرک غرب برگزار می‌گردد.
حضور همکاران، دوستان و آشنایان گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت‌مدیره و مدیرعامل بیمارستان بهمن

بازگشت همه به سوی اوست

با کمال تأثر و تأسف درگذشت **بانو هدیه رهبری** مادر و خواهری مهربان فرزند مهندس جواد رهبری و همسر مهندس سید محمد سلیلی (در آمریکا) را به اطلاع دوستان، آشنایان و کلیه بستگان می‌رسانیم.
به همین مناسبت مجلس ختمی به تاریخ جمعه ۹۳/۱۱/۳ از ساعت ۱۵ تا ۱۶/۳۰ در مسجد جامع بعثت واقع در شهرک اکباتان فاز یک روبروی بلوک ب ۱ برگزار خواهد شد. حضور شما سروران باعث شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.

خانواده‌های عزادار: رهبری ـ سلیلی

هوالباقی

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مادری دلسوز **بانو لطیفه تمجید شبستری (همسر مرحوم جمشید رضوانی شبستری)** را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و همشهریان محترم می‌رسانیم.
به همین مناسبت مجلس بزرگداشتی روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲ از ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ در مسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان دکتر فاطمی منعقد می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌های: رضوانی شبستری ـ تمجید شبستری ـ حسینی ـ نیکخواه بهرامی ـ دشمنگیر ـ بیعوض ـ جاهی ـ کمالی اصل ـ گزیده پور ـ حاج شیخی ـ عادل نیا ـ قربانی و سایر وابستگان سببی و نسبی.

بازگشت همه به سوی اوست

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر عزیزمان **داوود حاجی آقازاده** را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان، آشنایان و شبستری‌های مقیم تهران می‌رسانیم.
مجلس ترحیم آن مرحوم روز پنجشنبه ۱۳۹۳/۱۱/۲ از ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ در مسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان فاطمی (میدان جهاد) برگزار می‌گردد.

از طرف خانواده‌های: حاجی آقازاده ـ فروغ الدین ـ گنجعلیپور شبستری ـ اسماعیلزاده ـ تشکری ـ پور محمد ـ نجابتی ـ اسلامی ـ فاضلی فرد و سایر بستگان و آشنایان

بازگشت همه به سوی اوست

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر مهربان و فرزند عزیزمان **بانو طاهره مقصدی** همسر آقای اصغر غلامزاده را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و همشهریان محترم می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس ترحیم زنانه و مردانه آن مرحومه روز پنجشنبه ۹۳/۱۱/۲ از ساعت ۳ الی ۴/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان دکتر فاطمی برگزار می‌گردد.
حضور سروران گرامی موجب شادی روح آن عزیز و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌های: غلامزاده ـ مقصدی و سایر وابستگان سببی و نسبی

بازگشت همه به سوی اوست

بانهایت تأثر و تأسف درگذشت **پدر بزرگوار همکار گرامی جناب آقای دکتر خداکرم رستگار** را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رسانیم.
بدین مناسبت مجلس ترحیمی در روز پنجشنبه ۹۳/۱۱/۲ از ساعت ۱۳ الی ۱۴/۳۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی برگزار خواهد شد.

مدیرعامل، هیئت‌مدیره و پزشکان بیمارستان پارس

تسلیت

دوست و همکار ارجمند جناب آقای رهبری
بانهایت تأسف و تأثر درگذشت جانگداز و جانسوز برادرزاده عزیزتان را به شما صمیمانه تسلیت می‌گوییم.
هژبری ـ امیر و مهدی مؤمن‌زاده

همکار گرامی جناب آقای سعید زمانی
مصیبت وارده را حضور جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نماییم.
شعبه افست رتاتیو

استاد گرانقدر جناب آقای دکتر عباس مدنی
مصیبت وارده را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و بقای عمر شما و بازماندگان را از خداوند متعال خواهانیم.
دکتر نوشین کرمانی ـ دکتر هدایت الله تولی

خانواده محترم فلاحتی
مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نماییم.
شرکت ته تیس

همکار محترم جناب آقای دکتر محمد بلاجی
مصیبت وارده را از صمیم قلب به شما تسلیت عرض می‌نماییم.
دکتر هوشنگ زادانفرخ و بانو

همکار ارجمند جناب آقای دکتر عباس تحصیلی
با تأسف فراوان مصیبت وارده را به شما و خانواده عزیزتان تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان محترم صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
دکتر کیانی ـ دکتر شلتوکی ـ دکتر محمودی ـ دکتر میرمومن.

سرکار خانم دکتر رحمان‌زاده
جناب آقای مهندس هوشمند
با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم.
دکتر آزاد

جناب آقای علی ابوذری
بانهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.
همکاران شما در سازمان حسابرسی

جناب آقای مهندس مرتضی رضوی
با کمال تأسف و تأثر درگذشت ناگهانی همسرتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده بقای عمر و سلامتی بازماندگان را آرزومندیم
خانواده‌های: داور پناه ـ امیر یاوری

همکاران محترم سرکاران خانم زهرا و معصومه فلاحتی
بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر عزیزتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحومه شادی روح و برای بازماندگان شکیبایی آرزو داریم.
مدیریت و کارکنان شرکت شوبات

همکار گرامی جناب آقای نجف مختارپور
با کمال تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و بقای عمر و سلامتی بازماندگان را آرزومندیم.
هیئت مدیره و کارکنان مهندسین مشاور ماندپی

سپاسگزاری

«تشکر و قدردانی»

از همه عزیزان و سروران گرامی که در مراسم تشییع، تدفین و مجالس ترحیم شادروان **بهاءالدین هنربخش** شرکت فرموده و با پیام‌های تسلیت و ارسال تاج گل موجبات شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان را فراهم نموده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری نموده و از خداوند متعال، تندرستی و بهروزی عزیزان و سروران را مسئلت می‌نمائیم.

محرمی، مجید، شهین، مهین، مینا و فرزانه هنربخش ـ مهدی، حسن و الفت شنطیا ـ عبدالهی، فکور و صفری

آگهی تغییرات شرکت مهندسان مشاور تهران رایمند سهامی خاص به شماره ثبت ۸۸۲۵۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۲۶۶۷۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: صورت‌های مالی منتهی به سال ۱۳۹۲ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی آریان محاسب پویا شناسه ملی ۱۰۹۸۰۰۰۲۸۶۹ به سمت بازرس اصلی و آقای فرهاد خطیبی به شماره ملی ۰۰۵۲۲۴۷۰۲۳ به سمت بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. اشخاص ذیل به مدت دو سال به سمت عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند: شرکت شیمی نفت (سهامی خاص) به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۹۴۴۳۸ با نمایندگی آقای فرزاد حسینی به شماره کد ملی ۳۸۷۳۲۶۱۶۱۸ به سمت رئیس هیئت مدیره. آقای عدالت قشقائی عبدی شماره کد ملی ۰۰۳۱۷۷۶۷۱۱ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل. آقای حمید طباطبائی شماره کد ملی ۰۰۴۰۶۹۹۷۹۱ به سمت عضو هیئت مدیره. آقای نیوشا قادسی شماره کد ملی ۰۰۳۹۴۴۲۱۴۴ به سمت عضو هیئت مدیره و خانم انسیه نکوروح مطلق شماره کد ملی ۰۰۴۲۱۴۸۴۵۶ به سمت عضو هیئت مدیره. کلیه اسناد و اوراق بهادار با امضاء متفق رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل به همراه مهر شرکت معتبر می‌باشد. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۰۹۷۱۹۴_۳۴۲۹۹۷۴/م الف

* * *

آگهی تغییرات شرکت سیب سرخ پردیور سهامی خاص به شماره ثبت ۴۴۷۰۴۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۷۹۲۷۵۰

به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای علی ناصری با ش‌م ۴۰۱۱۱۰۹۶۲۲ به‌سمت بازرس اصلی و خانم فایزه رضایی با ش‌ملی ۰۰۶۹۰۵۳۰۸۱ به سمت بازرس علی‌البدل برای یکسال مالی تعیین گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. آقای محمدرضا تپه رشی با ش‌م ۳۲۵۸۹۶۸۱۱۱ به سمت رئیس هیات مدیره و آقای شاهین کیانیان با ش‌م ۳۲۵۸۹۱۰۲۹۴ به‌سمت نایب رئیس هیات مدیره و مدیرعامل برای مدت ۲ سال تعیین شدند. کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از قبیل چک سفته برات قراردادها و عقود و اوراق عادی و اداری با امضای مدیرعامل منفرداً همراه با مهر شرکت معتبر است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۰۶۱۳۷۹_۹۴۱۷۱۵۲/م‌الف

* * *

آگهی تغییرات شرکت طلوع دریای آبی شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۷۴۸۶ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۹۰۸۲۹

به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت. روزنامه اطلاعات به‌عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. موسسه حسابرسی بهبود سیستم‌های مدیریت حسابرسین به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۱۶۹۹۱ به‌سمت بازرس اصلی و محمد جواد شریفی به کدملی ۱۵۸۰۸۲۱۹۸۷ به‌عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت ۱ سال مالی انتخاب شدند. اعضای هیات مدیره شرکت برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. صندوق بازنشستگی و وظیفه مستخدمین سازمان بنادر و دریانوردی به شماره شناسه ملی ۱۴۰۰۰۱۸۰۶۱۴ به‌نمایندگی ابراهیم یاسری به کدملی ۰۰۵۱۹۵۷۶۷۱ شرکت خدمات دریایی و بندری آریا بنادر ایرانیان به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۲۷۰۶۶ به‌نمایندگی امیر نریمان نژاد به کدملی ۰۰۷۲۶۵۱۵۷۱ شرکت تعاونی خدمات پشتیبانی اداری بندر دریای افق به‌شماره ثبت ۳۴۰۳۲۸ و به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۷۳۹۱۸ به‌نمایندگی حبیب‌اله اکبری منفرد به کدملی ۰۰۳۵۱۰۲۶۵۹

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۶۱۴۴۰_۹۴۷۸۵۰۰/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت رباط ماشین سهامی خاص به شماره ثبت ۵۴۷۴۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۹۸۷۰۲

به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۲ به‌تصویب رسید. آقای جعفر حاجی عظیمی کدملی ۱۶۹۹۸۰۳۱۰۲ به‌سمت بازرس اصلی و آقای محسن علیجانی کدملی ۰۰۶۵۷۳۱۷۸۶ به‌سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک‌سال مالی انتخاب گردیدند. آقای دکتر اسماعیل حاجی‌زاده نمینی کدملی ۱۴۶۶۸۵۵۳۱۲ به‌سمت رئیس هیئت مدیره و آقای عبداله ریحانی ممقانی کدملی ۱۶۹۹۱۳۱۵۷۰ به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و اقای صادق ریحانی ممقانی کدملی ۰۰۶۱۸۱۰۵۵۱ به‌سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و آقای رامین ریحانی ممقانی کدملی ۰۴۵۳۲۹۰۷۴۴ و خانم مکرمه ذبیحی کدملی ۱۶۹۹۵۴۷۳۲۷ به‌سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. روزنامه اطلاعات به‌عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید. کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک سفته بروات و قراردادها و عقود اسلامی با امضاء ثابت مدیرعامل همراه با مهر شرکت و امضاء یکی از اعضای هیئت مدیره معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۰۶۱۴۲۲_۹۴۵۳۷۸۵/م‌الف

* * *

آگهی تغییرات شرکت پلی‌اتیلن گستران البرز شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۶۵۱۹۳ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۴۱۰۲۲۳۴

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۳ ۰۶/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ ـ آقای محمدهادی رهبری کدملی ۲۲۹۴۹۹۶۴۴۵ به نمایندگی از شرکت گسترش انرژی پاسارگاد ش‌ملی ۱۰۱۰۳۵۹۷۳۵۶ به عنوان رئیس هیأت‌مدیره و آقای احمد پیامی کدملی ۱۸۶۰۸۶۴۱۵۵ به نمایندگی از شرکت پترو دانیال کیش ش‌کلی ۱۰۸۶۲۱۳۵۳۱۸ به عنوان نایب‌رئیس هیأت‌مدیره و آقای مرتضی مورعی کتک‌لاهیجانی کدملی ۴۸۹۹۵۶۱۲۰۲ به نمایندگی از شرکت مدیریت طرحهای صنعتی نفتا نیر ش‌ملی ۱۰۳۲۰۳۴۶۶۰۹ به عنوان عضو هیأت‌مدیره و آقای بابک بانکیان تبریزی کدملی ۰۰۶۴۶۱۹۰۵۲ به عنوان مدیرعامل (خارج از اعضای هیأت‌مدیره) برای باقی‌مانده مدت تصدی انتخاب شدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری تهران
۰۹۴۹۲۰ ـ ۳۵۶۸۶۷۹/م‌الف

* * *

آگهی تغییرات شرکت ایران فناوری اطلاعات و ارتباطات گسترش شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۶۶۱۴۸ و شناسه‌ملی ۱۰۸۶۱۸۳۳۲۲۲

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۰۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، برات، سفته و سایر اوراق تجاری با امضاء ثابت مدیرعامل و یکی از اعضا هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد کلیه مکاتبات عادی و اداری با امضا مدیرعامل و مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری تهران
۰۹۴۹۱۹_۲۱۲۸۰۱۷/م‌الف

* * *

آگهی تغییرات شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۶۳۵۷ و شناسه‌ملی ۱۰۳۲۰۸۵۸۶۵۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای رحیم میدانی کدملی ۱۵۳۲۵۰۷۸۱۱ به جای آقای محمدرضا عطارزاده به عنوان عضو اصلی و رئیس هیئت‌مدیره شرکت برای بقیه مدت تصدی هیأت‌مدیره انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری تهران
۰۹۴۸۹۷ ـ ۳۴۱۹۴۴۷/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت مجموعه ورزشی تفریحی شهید چمران سهامی خاص به شماره ثبت ۸۶۳۰ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۰۳۶۹۰۵۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان برای سال مالی ۹۲ به تصویب رسید. روزنامه کثیرالانتشار «اطلاعات» برای درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. سازمان حسابرسی به شناسه‌ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ بعنوان بازرس قانونی برای یکسال مالی انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری تهران
۰۹۴۸۹۶ ـ ۳۴۲۸۶۵۸/م‌الف

* * *

آگهی تغییرات شرکت پتروشیمی باختر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۰۲۴۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۱۰۱۷۱

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۰ مجوز شماره ۴۱/۱۳۹۹۷ مورخ ۹۳/۶/۱۸ سازمان خصوصی‌سازی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: کلیه اوراق و اسناد تعهدآور و همچنین کلیه چک‌ها و بروات و سفته‌ها و سایر اوراق تجاری شرکت توأماً با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره و در غیاب مدیرعامل با امضای رئیس هیأت مدیره و یکی دیگر از اعضای هیأت مدیره به همراه مهر شرکت معتبر است. کلیه مکاتبات اداری نیز با امضای مدیرعامل یا رئیس هیأت مدیره و مهر شرکت انجام خواهد پذیرفت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۰۹۵۰۰۹_۳۵۲۷۴۴۹/م‌الف

* * *

آگهی تغییرات شرکت مکتاف سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۶۹۲۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۰۵۲۴۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت داروسازی کوثر به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۳۴۷۰۲ با نمایندگی عباس سکوت به کدملی ۰۰۳۹۲۰۶۲۶۲ به سمت نائب رئیس هیأت مدیره و شرکت داروسازی امین به شناسه ملی ۱۰۲۶۰۰۶۳۲۵۸ با نمایندگی مرتضی غفوری به کدملی ۰۰۳۵۰۲۰۱۸۰ به سمت مدیرعامل و عضو هیأت مدیره و شرکت سرمایه‌گذاری توسعه کوثر امین به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۰۳۶۸۴ به نمایندگی محمود بانکی به کدملی ۰۰۴۴۲۲۶۴۱۱ به سمت رئیس هیأت مدیره و سید فتح‌اله میرمحمد مکی به کدملی ۰۰۴۱۷۵۱۳۴۵ به سمت عضو هیأت مدیره و شرکت مکتاف دی راد به شناسه ملی ۰۰۷۹۰۹۳۵۰۷ با نمایندگی سینا قدوسی به کدملی ۰۰۴۴۲۷۸۸۳۷ به سمت عضو هیأت مدیره انتخاب گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از جمله چک، سفته، برات و قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مشترک مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضاء متفق دو نفر از اعضای هیأت مدیره، همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۰۹۵۰۰۸_۳۵۷۸۵۷۹/م‌الف

* * *

آگهی تغییرات شرکت کارگزاری مهر آفرین شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۱۳۷۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۲۱۲۵۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۴ و مجوز شماره ۱۲۱/۲۵۹۹۸۶ مورخ ۹۲/۱۱/۲ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: صورتهای مالی عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۶/۳۱ مورد تصویب قرار گرفت. مؤسسه حسابرسی دش و همکاران بشماره ثبت ۱۹۷۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۱۲۷۱ بسمت بازرس اصلی و مؤسسه حسابرسی رایمند و همکاران شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۰۵۹۹۹ بسمت بازرس علی‌البدل شرکت برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۰۹۵۰۰۷_۳۶۲۷۳۴۷/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گذاری و ساختمانی قهرمانان و پیشکسوتان ورزش کشور شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۹۳۳۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۰۱۲۰۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: متن ذیل به ماده ۲ اساسنامه الحاق گردید: خدمات عمومی تعمیر و نگهداری و بهره‌برداری از کلیه اماکن و تأسیسات اعم از مسکونی تجاری اداری تفریحی اقامتی و پذیرایی ورزشی و احداث نگهداری و بهره‌برداری از فضای سبز و انجام امور آشپزخانه رستوران و تکثیر.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۰۹۵۰۰۵_۳۲۷۸۷۷۹/م‌الف

* * *

آگهی تغییرات شرکت توسعه صنعت ساختمان رهپویان سورا شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۳۵۱۱۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۱۹۰۵۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۱/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: . ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت مربوط به عملکرد سال مالی منتهی به ۳۰ آذرماه ۱۳۹۲ مورد تصویب قرار گرفت. . مؤسسه حسابرسی سامان پندار به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۵۰۶۹ بعنوان بازرس اصلی و آقای محمدعلی جلالی به شماره کدملی ۰۰۷۰۶۵۹۵۷۵ بعنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال آتی انتخاب گردیدند. . روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار، جهت نشر آگهی‌های شرکت جهت سال مالی منتهی به ۱۳۹۳/۰۹/۳۰ تعیین گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۰۹۵۰۰۴_۳۵۹۵۱۶۱/م‌الف

* * *

آگهی تغییرات شرکت کارخانجات تولیدی نیرو ترانسفو سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۵۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۳۰۱۶۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: صورتهای مالی شرکت منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت. مؤسسه حسابرسی و خدمات مالی آریا به روش (ش م ۱۰۱۰۰۶۲۱۳۷۸) به سمت بازرس اصلی و آقای فتحعلی ولایی (ش م ۲۱۴۱۲۱۲۳۳۲) به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب شد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۰۹۴۹۳۲_۳۵۸۲۲۵۲/م‌الف

* * *

آگهی تغییرات شرکت تولیدی و صنعتی ثابت خراسان سهامی عام به شماره ثبت ۱۱۰۰۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۳۹۲۵۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۱۷ و مجوز شماره ۱۲۱/۲۷۱۷۸۲ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۵ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۵۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۵۱۰ میلیون سهم عادی یک هزار ریالی با نام (مبلغ ۴۰۳/۶۴۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال از محل مازاد تجدید ارزیابی و مبلغ ۶/۳۵۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال از محل سود انباشته) مورد تصویب قرار گرفت و ماده ۵ اساسنامه اصلاح و ذیل ثبت در تاریخ فوق از لحاظ افزایش سرمایه تکمیل امضا گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۰۹۴۹۳۱_۳۵۶۹۸۹۱/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت فولاد روان شیر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۷۹۷۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۳۰۴۳۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل برای بقیه مدت تصدی هیأت مدیره تعیین گردیدند: آقای غلامرضا رسولیان ش م ۰۴۵۰۹۴۷۶۳۷ به سمت رئیس هیأت مدیره شرکت ریخته‌گری فولاد طبرستان ش م ۱۰۱۰۰۹۲۵۱۷۶ به نمایندگی آقای اسداله اسلامی ش م ۴۸۹۹۶۴۳۱۸۷ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره شرکت پارس مولیبدن ش م ۱۰۸۶۱۶۳۳۹۸۸ به نمایندگی علی نصیری طوسی به سمت عضو هیأت مدیره آقای مسعود رواندوست ش م ۰۰۴۱۰۰۹۹۰۸ بسمت مدیرعامل و به سمت عضو هیأت مدیره کلیه اسناد و اوراق تعهدآور و قراردادها، چک، سفته، برات و عقود اسلامی با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره و یا دو نفر از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۰۹۴۹۳۰_۳۶۱۴۱۲۵/م‌الف

* * *

آگهی تغییرات شرکت آذین بسپار باز آزما سهامی خاص به شماره ثبت ۲۶۵۴۸۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۰۱۶۳۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. مؤسسه حسابرسی کاربرد ارقام به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۶۴۸۱۹ به عنوان بازرس اصلی و آقای محمد حسین بدخشانی به شماره ملی ۰۰۴۰۱۹۰۵۰۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. اعضا هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند: آقای رضا رضائی به شماره ملی ۴۹۱۰۹۵۳۳۹۶ و آقای حسین رحمانیان به شماره ملی ۲۲۳۹۶۷۶۸۵۱ و آقای سید سعید هاشمی به شماره ملی ۰۰۴۳۴۲۹۷۱۸

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۰۹۴۹۲۹_۳۵۷۳۴۵۹/م‌الف

* * *

آگهی تغییرات شرکت مهندسین مشاور برنا فرآیند شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۵۳۹۱۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۴۳۲۳۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضا هیئت مدیره به قرار ذیل: آقای سیفا... ابراهیمی ۱۲۱۹۲۴۴۴۴۹ (به نمایندگی شرکت پتروتکسان ۱۰۱۰۲۳۰۹۲۶۶) به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای محمود دریس‌پور ۱۸۱۸۳۸۶۸۱۱ به سمت نایب رئیس و عضو هیئت مدیره و آقای ابراهیم عبدی ۴۸۴۸۹۵۴۳۲۰ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و آقای ابوطالب ملکی ۰۶۲۱۲۱۵۳۹۲ به سمت عضو هیئت مدیره و آقای بهرام وکیلی ۱۲۱۹۳۵۳۴۶۹ به سمت عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند و کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت و کلیه اوراق عادی و مکاتبات با امضاء رئیس هیئت مدیره یا مدیرعامل منفرداً همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد. حدود اختیارات مدیرعامل نیز به قرار زیر تعیین گردید: . نمایندگی شرکت در برابر کلیه اشخاص و کلیه ادارات دولتی و مؤسسات خصوصی. . تهیه آیین‌نامه‌های داخلی شرکت و پیشنهاد به هیئت مدیره. . نصب و عزل کلیه ماموران و کارکنان شرکت تعیین شغل، حقوق، دستمزد، انعام، ترفیع، تنبیه و سایر شرایط استخدام، معافیت و خروج آنها از خدمت (در چهارچوب آئین‌نامه‌های مصوب هیئت مدیره). . عقد قرارداد، تغییر، تبدیل یا فسخ و اقامه آن در مورد خرید، فروش، معاوضه اموال منقول، غیر منقول و ماشین‌آلات و غیره در چارچوب مصوبات هیئت مدیره. . شرکت در مناقصه‌ها و مزایده‌هایی که جزء موضوع شرکت باشند. . افتتاح حساب و استفاده از آن به نام شرکت نزد بانکها و مؤسسات، تحصیل اعتبار از بانکها، شرکتها و مؤسسات. . تنظیم صورت دارایی و دیون شرکت پس از انقضای سال مالی و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و سود و زیان شرکت طبق ماده ۲۳۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت. . تهیه و تنظیم و ارائه آئین‌نامه‌های مورد نیاز شرکت به هیئت مدیره جهت تصویب.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۰۹۴۹۳۴_۳۵۵۵۱۴۳/م‌الف

اطلاعات
سال هشتاد و نهم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

تقویم اطلاعات

سه‌شنبه ۳۰ دی ۱۳۹۳
۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۳۶ - ۲۰ ژانویه ۲۰۱۵

ظهر شرعی	۱۲ و ۱۵ دقیقه
غروب آفتاب	۱۷ و ۱۹ دقیقه
اذان مغرب	۱۷ و ۳۸ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۳۱ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۴۴ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۷ و ۱۲ دقیقه

سرکرده داعش از بیم عملیات ارتش عراق در موصل به سوریه گریخت

سرویس خارجی: رسانه‌های عراقی از فرار ابوبکر البغدادی سرکرده تکفیری‌های تروریست داعش به سوریه خبر دادند. بنابر گزارش های منتشر شده البغدادی از ترس آغاز حملات ارتش عراق به موصل این کشور را ترک کرده است. عبدالله حمدان الشمری رئیس گروه موسوم به حرکه الضباط الاحرار در شهر موصل گفته است اطلاعات موثقی در دست است که نشان می دهد ابوبکر البغدادی از موصل به سوریه گریخته و ۱۹۰ نفر سرکرده داعش نیز همراه وی هستند. الشمری افزود اطلاعاتی که ما به دست آورده ایم نشان می دهد که ابوبکر البغدادی از موصل به سوریه گریخته و مسئولیت فرماندهی را به ابوعبیده التونسی معاون خود سپرده است.

حزب‌الله لبنان: پاسخ ما به جنایت رژیم صهیونیستی شدید و قاطع خواهد بود

سرویس خارجی: دبیرکل حزب‌الله لبنان در پیامی دوکلمه‌ای به صهیونیست‌ها هشدار داد و اعلام کرد است «پناهگاه‌هایتان را آماده کنید». پس از حمله هوایی رژیم صهیونیست به عناصر مقاومت و حزب‌الله در بلندی‌های جولان، سید حسن نصرالله خطاب به صهیونیست‌ها تنها به این بسنده کرد که «پناهگاه‌هایتان را آماده کنید». به گفته کارشناسان این جمله که بدون هیچ توضیحی و به دو زبان عبری و عربی در روی خروجی سایت شبکه المنار قرار گرفته، در واقع اعلام جنگ نصرالله به رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود.

همچنین حزب‌الله در بیانیه ای اعلام کرد با روش و مقیاس و کمی که فعلاً پرده از آن بر نمی‌دارد، به حمله هوایی جدید رژیم صهیونیستی و شهادت فرزند شهید عماد مغنیه پاسخ می‌دهد. حزب الله بعد از حمله موشکی رژیم صهیونیستی به گروهی از نیروهای مقاومت لبنان درمنطقه قنیطره واقع در جولان سوریه که به شهادت شش تن از این نیروها از جمله «جهاد مغنیه» فرزند شهید «عماد مغنیه» از فرماندهان حزب الله منجر شد، بیانیه ای صادر کرد. حزب الله اعلام کرد قصد ندارد پاسخی شتاب زده و بدون محاسبه به دشمن صهیونیستی بدهد و به فرصت نیاز دارد تا نقشه واکنش منطقی به این جنایت را که بالاتر از یک واکنش و کمتر از جنگ فراگیر خواهد بود، ترسیم و اجرا کند. همچنین پس از شهادت تعدادی از مبارزان حزب الله در حمله هوایی رژیم صهیونیستی به قنیطره در جولان سوریه نیروهای حزب‌الله لبنان در جنوب این کشور به حال آماده باش درآمدند.

از سویی رئیس سابق اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی پاسخ حزب‌الله به تهاجم هوایی این رژیم به جنوب سوریه که باعث شهادت نیروهای حزب‌الله شد را حتمی دانست. ژنرال «عاموس یادلین» در گفت‌وگو با رادیو ارتش اسرائیل، پاسخ حزب الله را حتمی دانست و گفت: فکر نمی‌کنم هدف این حمله آسیب زدن به حزب‌الله بوده باشد بلکه این حمله یک عملیات پیشگیرانه برای هدف قرار دادن فعالیت‌های حزب‌الله در بلندی‌های جولان بود. وی ادعا کرد: حزب‌الله تمایلی به آغاز حمله علیه اسرائیل از جنوب لبنان ندارد و به جای آن، حزب‌الله می‌خواهد خلأای را که بعد از شروع جنگ داخلی سوریه، در طرف سوری بلندی‌های جولان به وجود آمده است، از بین ببرد.

تلویزیون رژیم صهیونیستی هم اعلام کرد که حزب الله حمله به قنیطره را بدون پاسخ نمی گذارد، هرچند این حمله در خاک سوریه صورت گرفت. کارشناس تلویزیون اسرائیل با اشاره به حمله هوایی رژیم صهیونیستی تاکید کرد که حزب الله احتمالا دامنه نبرد احتمالی را گسترش می دهد. الون بن دیوید گفت: هدف این حمله فرماندهان حزب الله بودند و این حمله‌ای بی‌نظیر در نوع خودش به حساب می‌آید. وی با اشاره به اینکه حزب الله در سال گذشته در برابر یک موازنه جدید قرار گرفته است، تصریح کرد که حزب الله برای خود این حق را قائل است که به هر شکلی و در هر جای دیگر مواضع اسرائیل را هدف قرار دهد. وی در عین حال اعلام کرد که موجی از نگرانی از حمله حزب الله در منطقه الجلیل و جولان در فلسطین اشغالی در بین شهرک نشینان وجود دارد.

در این حال منابع خبری صهیونیستی اعلام کردند هدف اصلی حمله اسرائیل به قنیطره سوریه «ابو علی الطباطبایی» فرمانده جنگ آینده حزب الله با اسرائیل و مسئول حملات حزب الله بود. گفتنی است حزب الله با صدور بیانیه‌ای خبر هدف قرار گرفتن گروهی از رزمندگان مقاومت در منطقه قنیطره سوریه را تایید کرد و افزود: گروهی از مجاهدان حزب الله در جریان بازدید میدانی در شهرک «مزرعة الامل» قنیطره هدف حمله موشکی قرار گرفتند. شبکه تلویزیونی المیادین هم مدعی شد که نیروهای حزب الله در حال بررسی نصب سامانه سکوی پرتاب موشک در قنیطره بودند که هدف حملات اسرائیل قرار گرفتند. این درحالی است که یکی از رقبای انتخاباتی نخست وزیر رژیم صهیونیستی تاکید کرد حمله به حزب الله دارای اهداف انتخاباتی است. یواو گالانت گفت که نتانیاهو با اهداف انتخاباتی دستور حمله داد و در سال ۲۰۱۲ هم یک بار دست به چنین اقدامی زده بود. گالانت با انتقاد از این اقدام نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی تصریح کرد که نتانیاهو با اقدامات نظامی به دنبال تغییر نتیجه انتخابات است.

در چنین شرایطی پس از شهادت فرزند عماد مغنیه در حمله بالگرد صهیونیست‌ها به خاک سوریه و قول حزب‌الله برای پاسخ به این اقدام، ارتش رژیم صهیونیستی در مرز لبنان به حال آماده‌باش درآمد. کابینه امنیتی این رژیم نیز از بیم اقدام تلافی جویانه حزب الله تشکیل جلسه داد. کابینه امنیتی رژیم صهیونیستی تنش بر سر این موضوع و درگیری احتمالی در مرزهای شمالی اراضی اشغالی را مورد بحث و بررسی قرار داد. از سویی «موشه یالون» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی از حزب الله خواست درخصوص حضور نیروهای خود در سوریه توضیح دهد.

در این حال کارشناس تلویزیون المنار لبنان تاکید کرد که کارشناسان و تحلیلگران صهیونیست منتظر پاسخ احتمالی حزب الله لبنان به عملیات قنیطره هستند. حسن حجازی تصریح کرد که از نگاه رسانه‌های اسرائیلی، حزب الله حمله مذکور را بدون پاسخ نخواهد گذاشت. وی افزود: چند گزینه اصلی برای پاسخ احتمالی [illegible] شبیه حماقتی بزرگ بود تا یک ماجراجویی. در اسرائیل چه کسی این تصمیم اشتباه را گرفته تا مقاومت را بسنجد؟ حال که اوضاع بدین منوال دارد پیش می‌رود، سوال از آینده این مسئله، مختص اسرائیلی‌ها خواهد بود. سوالی که خیلی بدیهی است و می‌گوید که هر تجاوز اولیه دشمن، دعوت صریح مقاومت لبنان به اقدامی است که آن را مناسب می‌بیند؛ اقدامی مناسب در چارچوب قواعد جدیدی که «قواعد بازی» نامیده می‌شود. الاخبار در ادامه گزارش خود در این باره می‌افزاید: حماقتی که نمی‌توان آن را گامی جسورانه خواند، فاقد درایت کافی بود و شاید حتی فاقد مهارت، چرا که اقدام دشمن به تجاوز آشکار و حمله بالگردهایش به خودروهای حامل کادر مقاومت اسلامی و رزمندگان آن در مناطق مجاور جولان اشغالی، به این معناست که دشمن دیگر هر زمان که بخواهد آن ابزاری را در اختیار ندارد که در سالهای گذشته داشت؛ زمانی که عناصر مقاومت را هر وقت که می‌خواست [illegible] سرشناس جهان عرب در تحلیلی با اشاره به حمله اخیر رژیم صهیونیستی به فرماندهان حزب الله در جنوب سوریه تاکید کرد که حزب الله آماده پاسخ است. «عبدالباری عطوان» با اشاره به اینکه این حمله در شرایطی روی داد که سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله دو روز قبل تهدید کرد که حزب الله در نبرد بعدی به الجلیل (در شمال سرزمین‌های اشغالی) حمله خواهد کرد، تصریح کرد که فرماندهان ارشد حزب الله پس از این حمله نشستی اضطراری درباره چگونگی پاسخ به رژیم صهیونیستی برگزار کردند. عطوان با اشاره به اینکه درخواست‌های زیادی از حزب‌الله برای پاسخ به این حمله مطرح شده است، تاکید کرد که بعید نیست فرماندهان حزب الله به این درخواست پاسخ مثبت بدهند.

واکنش ایران، سوریه و مقاومت

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران حمله تروریستی بالگردهای رژیم صهیونیستی به خودروهای حامل جمعی از فرماندهان [illegible] مسیر جهاد و شهادت ثابت قدم و استوار ایستاده است.

علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی هم در پیامی به سیدحسن نصرالله ضمن تسلیت شهادت جمعی از مبارزان حزب الله در حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به شهر قنیطره تصریح کرد: بی‌تردید خون این شهدای عزیز به تقویت شجره طیبه مقاومت اسلامی در منطقه و ناکامی دشمنان اسلام به ویژه رژیم اشغالگر قدس و گروههای تروریستی تکفیری منجر خواهد شد. وی افزود: با تاسف فراوان از شهادت جمعی از مبارزان حزب الله طی حمله تروریستی رژیم اشغالگر قدس در شهر قنیطره مطلع شدم. این جنایت نفرت انگیز، بار دیگر همدستی گروههای تروریستی و رژیم اشغالگر قدس را در حمله به محور مقاومت اسلامی و خشم آنها را از تلالوء روزافزون جنبش مبارک حزب الله در عرصه‌های گوناگون نشان می‌دهد. اینجانب بار دیگر به این مناسبت ضمن ابراز مراتب تسلیت [illegible] صهیونیست ها درجنوب سوریه با هدف تضعیف محور مقاومت علیه تروریسم و اشغالگری در منطقه صورت می گیرد. «علاءالدین بروجردی» در پیامی خطاب به سید حسن نصرالله شهادت تعدادی از مجاهدین حزب الله در حمله تروریستی هوایی رژیم صهیونیستی را تبریک و تسلیت گفت.

دبیر شورای عالی امنیت ملی هم گفت: تجربه گذشته نشان می‌دهد که جریان مقاومت پاسخ اقدامات تروریستی رژیم صهیونیستی را با شدت و قاطعیت انقلابی در زمان و مکان مورد نظر خود خواهد داد. علی شمخانی نماینده مقام معظم رهبری و دبیر شورای عالی امنیت ملی در دیدار محمد سالم الغبان وزیر کشور عراق که به تهران سفر کرده است با اشاره به اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی در نقض حاکمیت دولت سوریه و به شهادت رساندن جمعی از رزمندگان حزب الله در منطقه قنیطره اظهار داشت: بدون شک این اقدام در تداوم همکاری با تروریست‌های [illegible] تاکید کرد که برخی از کشورهای عربی هدف قرار گرفتن نیروهای مقاومت را جشن گرفته اند.

رهبر جریان صدر عراق نیز در واکنش به شهادت فرزند شهید عماد مغنیه، ابراز امیدواری کرد که شهادت شیربچه مقاومت لبنان آغاز افول رژیم صهیونیستی باشد. «مقتدا صدر» گفت که این شهید، راهِ جهادِ یارانش علیه دشمن صهیونیستی را روشن خواهد کرد. وی طی بیانیه‌ای گفت: ما خبر شهادت شیربچه مقاومت اسلامی در لبنان را با اندوه فراوان، عزت و افتخار دریافت کردیم. جهاد فرزند مایه افتخار مقاومت یعنی حاج «رضوان» (رضوان الله تعالی علیهما) است. وی با این شهادت راه جهاد علیه دشمن اسرائیلی را برای یارانش روشن خواهد کرد همان‌گونه که پدرش یک مشعل برای تمامی نیروهای مقاومت بود. وی افزود: امیدوارم که این خونهای پاک، آغازی بر افول دولت شرمطلق یعنی اسرائیل نفرت‌انگیز و ارتش ظالم آن باشد.

جهاد اسلامی فلسطین هم در واکنش به تجاوز اسرائیل به جنوب سوریه و شهادت چند رزمنده حزب‌الله تاکید کرد که خون این شهدا مژده پیروزی حتمی بر دشمن صهیونیستی را به همراه دارد. در بیانیه جهاد آمده است: برادران مجاهد ما در راه خط مقاومت بیدارند و به وظیفه مبارک جهادی خود در دفاع از اراضی اشغال‌شده عربی با هدف در هم شکستن رژیم اشغالگر عمل می‌کنند همانگونه که در جنوب لبنان این کار را انجام دادند. «سامی ابوزهری» سخنگوی حماس نیز در اظهاراتی مطبوعاتی گفت: حماس هدف قرار دادن تعدادی از فرماندهان حزب‌الله را محکوم می‌کند و آن را از جمله تلاش‌های بیهوده اسرائیل برای بر هم زدن آرامش منطقه می‌داند. «صلاح البردویل» دیگر عضو حماس نیز گفت: عملیات ترور اسرائیلی، شکلی از اشکال بازی با خون بود که در باشگاه قمار انتخابات اسرائیل و در میان شکست سیاسی و اخلاقی انجام شد، شکست‌هایی که جز ائتلاف‌های بزدلانه در منطقه آن را نمی‌پوشانند.

آمار شهدا

نشریه دیلی استار مدعی [illegible] قنیطره در جنوب سوریه را اعلام کرد که به این شرح است: شهید محمد احمد عیسی معروف به «ابو عیسی»، شهید جهاد عماد مغنیه ملقب به جواد، شهید عباس ابراهیم حجازی معروف به سید عباس، متولد ۱۹۷۹ میلادی، شهید محمد علی حسن ابوالحسن معروف به کاظم، شهید غازی علی ضاوی معروف به دانیال و شهید علی حسن ابراهیم معروف به ایهاب.

از طرفی یک شبکه خبری وابسته به عربستان، ادعا کرد که در حمله رژیم صهیونیستی به جنوب سوریه، شش ایرانی نیز به شهادت رسیده‌اند. طبق ادعای العربیه، یک منبع نزدیک به حزب‌الله این خبر را اعلام کرده است اما حزب‌الله لبنان در بیانیه‌ای رسمی تنها اسم شش شهید لبنانی را اعلام کرد. هنوز هیچ منبع نزدیک به حزب‌الله این خبر را تایید نکرده است و امکان دارد این شایعه، فضاسازی علیه محور مقاومت در منطقه باشد. تلویزیون الجزیره هم به نقل از خبرنگار خود در سوریه مدعی شد که یکی از فرماندهان ایرانی از حمله هوایی اسرائیل به قنیطره سوریه جان سالم به در برد.

در این حال روابط عمومی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای از شهادت سردار «محمدعلی الله‌دادی» از مدافعان حرم حضرت زینب(س) و مردم مظلوم سوریه در حمله رژیم صهیونیستی خبر داد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: سردار سرتیپ پاسدار محمد علی الله دادی از فرماندهان شجاع، مخلص و خردمند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که نقش آفرینی‌های مؤثر وی در دوران دفاع مقدس و سپس در فرماندهی سپاه الغدیر استان یزد برای همیشه ماندگار و الهام بخش نسل‌های امروز و فردای میهن اسلامی خواهد بود.

تشییع باشکوه شهدای حزب الله

صدها تن از شیعیان و محبان اهل بیت(ع) پیکر شهدای حزب الله را در حرم حضرت زینب(س) تشییع کردند. شهدای حمله روز یکشنبه بالگرد رژیم صهیونیستی به کاروان فرماندهان حزب‌الله در استان «قنیطره» سوریه شب گذشته میهمان حرم مطهر عقیله بنی هاشم، حضرت زینب کبری(س) بودند. در این مراسم باشکوه جمع زیادی از مدافعان حرم، شیعیان و محبان اهل بیت(ع) در سوریه و شخصیت‌های دینی و سیاسی سوریه حضور داشتند. همچنین مراسم تشییع پیکر شهید جهاد مغنیه، فرزند شهید عماد مغنیه درحومه جنوبی بیروت برگزار شد.

کوتاه از سراسر جهان

تیراندازی به منزل «جوبایدن»

فارس: سرویس مخفی آمریکا اعلام کرد منزل معاون رئیس جمهوری آمریکا هدف حمله قرار گرفت. سرویس مخفی آمریکا تاکید کرد چندین گلوله از یک خودرو در نزدیکی منزل جو بایدن، به سمت منزل وی در ایالت دلاویر شلیک شد. مقامات می گویند بایدن و همسرش در زمان این تیراندازی در منزل نبوده‌اند. ماموران سرویس مخفی که در خانه بایدن مستقر بودند، صدای تیراندازی را شنیدند و خودرویی را دیدند که با سرعت زیاد از خیابان عبور کرد.

نیروهای چاد برای مبارزه با بوکوحرام وارد کامرون شدند

ایرنا: بخشی از نیروهای ارتش چاد که به منظور مبارزه با گروه تروریستی بوکوحرام به کامرون اعزام شده بودند، وارد این کشور شدند. سخنگوی ارتش کامرون گفت، این نیروها که اکنون وارد منطقه شمال کامرون شده اند، طی روزهای آینده به مناطق جنگی هم مرز با نیجریه اعزام خواهند شد. خبر دیگر اینکه تروریست‌های بوکوحرام، سه نفر را طی حمله‌ای در شمال کامرون کشتند و ۸۰ نفر دیگر از جمله زنان و کودکان را ربودند.

سرکرده شورشیان آفریقای مرکزی دستگیر شد

ایرنا: یکی از سرکردگان شورشیان مسیحی جمهوری آفریقای مرکزی (آنتی بالاکا) که به اتهام نسل کشی، شورش، غارت و تجاوز بازداشت شد. دادستان ارشد جمهوری آفریقای مرکزی اعلام کرد که رودریگ نگایبونا معروف به آندیلو در ۳۰۰ کیلومتری شمال بانگی پایتخت این کشور توسط صلحبانان سازمان ملل دستگیر شد.

جسد دادستان پرونده انفجار آمیا در آپارتمانش پیدا شد

ایرنا: جسد دادستان آرژانتینی مسئول پرونده بمب گذاری مرکز یهودیان در بوئنوس آیرس موسوم به آمیا، در واحد مسکونی اش پیدا شد. جسد «آلبرتو نیسمن» در وان حمام واحد مسکونی وی واقع در محله ای مرفه نشین در بوئنوس آیرس با گلوله ای که به سر شلیک شده بود پیدا شد. وی که مسئولیت رسیدگی به پرونده بمب گذاری آمیا در سال ۱۹۹۴ در بوئنوس آیرس را برعهده داشت هفته گذشته کریستینا فرناندز رییس جمهوری آرژانتین را متهم به اعمال نفوذ بر این پرونده کرده بود. وی ادعا کرده بود فرناندز قصد داشته اسناد این حمله را پنهان و مظنونان آن را تبرئه کند. مرکز یهودیان بوئنوس آیرس در سال ۱۹۹۴ در پی بمبگذاری منفجر شد که بر اثر آن ۸۵ نفر کشته شدند. دلیل این حمله و عاملان آن همچنان نامعلوم است.

درگیری نیروهای ارتش میانمار با شبه‌نظامیان

ایسنا: در جریان درگیری میان نیروهای دولتی میانمار با شبه‌نظامیان در شمال این کشور صدها تبعه چینی که عمدتا معدنچی هستند، در میان ۲۰۰۰ غیرنظامی‌ای هستند که محاصره شده‌اند. به دنبال این درگیری‌ها اتباع چین و غیرنظامیان میانماری در ایالت کاچین در شمال میانمار که هم مرز چین است، گیر افتاده اند و ارتش میانمار در حال مقابله با ارتش استقلال کاچین است.

توپخانه ارتش اوکراین «دونتسک» را زیر آتش گرفت

سرویس خارجی: مقام های محلی دونتسک در حالی از ۵۶ مورد نقض آتش‌بس از سوی نیروهای ارتش اوکراین در تازه ترین تحولات که منجر به کشته شدن ۹ تن و زخمی شدن ٤٤ تن دیگر از مردم غیرنظامی شد خبر دادند که پیش از آن سازمان ملل نسبت به افزایش شدید درگیری‌ها و شمار تلفات هشدارداده بود. در بیانیه صادر شده از سوی دبیرکل سازمان ملل تاکید شده بود: باید به هر روش از وخیم‌تر شدن اوضاعی که منجر به تلفات شماری از غیر نظامیان شده است، جلوگیری کرد.

مرسی: سیسی مسئول کشتار معترضان در انقلاب سال ۲۰۱۱ است

سرویس خارجی: «محمد مرسی» در ادامه جلسات محاکمه، «عبدالفتاح سیسی»، فرمانده وقت ارتش مصر را به کشتار معترضان در جریان قیام منجر به سرنگونی «حسنی مبارک»، در سال ۲۰۱۱ متهم کرد. مرسی در بیانیه ای که از قفس فلزی خود در دادگاه خواند، ادعا کرد، مردی که یک سال بعد، وی را سرنگون ساخت، یعنی «عبدالفتاح سیسی»، فرمانده ارتش در سال ۲۰۱۱ در این خشونت‌ها نقش مهمی داشت. مرسی به استناد مدارکی که آن را یک گزارش حقیقت یاب خواند گفت: عناصر متعلق به نهاد حاکم به ریاست سرکرده کودتا، در کشتار معترضان مشارکت داشتند. ارتش یا نهاد ریاست جمهوری مصر در این مورد اظهار نظری نکرده اند.

در خبری دیگر، احزاب لیبرال مصر با ارائه شکایتی جدید علیه «حسنی مبارک»، رئیس جمهوری مخلوع مصر، خواستار محاکمه مجدد وی شدند. در این میان، وزیر خارجه ترکیه در یک کنفرانس مطبوعاتی در کویت اعلام کرد، در صورتی که مصر گام‌های مثبتی به سمت ثبات و دموکراسی بردارد، ترکیه موضع خود را نسبت به این کشور تغییر خواهد داد.

درگیری سنگین حوثی ها با نیروهای گارد ریاست جمهوری یمن در صنعا

سرویس خارجی: درگیری‌های سنگینی میان جنبش انصارالله (حوثی‌ها) و نیروهای گارد ریاست جمهوری در اطراف کاخ ریاست جمهوری در صنعا رخ داد.

خبرها حاکی است، نیروهای گارد ریاست‌جمهوری منازل و مناطق اطراف کاخ را هدف قرار دادند و شمار زیادی از ساکنان این منازل ناگزیر به ترک منطقه شدند. نیروهای گارد ریاست‌جمهوری همچنین مسجد «ابراهیم الخلیل» را نیز بمباران کردند که طی آن دست کم ۱۰ تن کشته و چندین تن دیگر زخمی شدند. این در حالی است که همزمان با تشدید درگیری‌ها در اطراف کاخ ریاست جمهوری، چندین انفجار دیگر صنعا را به لرزه در آورد. در همین حال رسانه های عربی از بسته شدن سفارتخانه کشورهای خارجی در صنعا خبر دادند.

این در حالی است که سفیر آمریکا در یمن، دو روز پیش به دلیل نگرانی از تهدیدهای القاعده خاک این کشور را ترک کرده بود. درچنین شرایطی «عبدربه منصور هادی» رئیس جمهوری یمن ضمن دستور تشکیل کمیته ای برای بررسی آتش بس و مسائل مورد اختلاف با حوثی‌ها، به طور رسمی توقف درگیری ها در اطراف کاخ ریاست جمهوری را اعلام کرد. دلیل این درگیری‌ها اعلام نشده است اما اختلاف اصلی انقلابیون با رئیس‌جمهوری بر سر پیش‌نویس قانون اساسی و اصرار منصور هادی برای تجزیه یمن به شش اقلیم است؛ طرحی که گفته می‌شود از حمایت عربستان سعودی برخوردار است. در این راستا یک مقام جنبش انصارالله گفت: مقام‌های این جنبش در دیدار با رئیس جمهوری بر ضرورت بازنگری در تشکیل حکومت ترسیم شده در پیش نویس قانون اساسی تاکید کردند. وی افزود: تا دستیابی به قانون اساسی که خواسته های مردم یمن را محقق سازد، ساکت نخواهیم نشست و برای ایجاد تغییر در این قانون به مبارزه ادامه خواهیم داد. جنبش انصارالله یمن همچنین رئیس جمهوری را مسئول تشنج اوضاع این کشور دانست و از تداوم بمباران مواضع خود توسط گارد ریاست جمهوری خبر داد.

در تحولی دیگر انفجار یک موتورسیکلت در پایگاه حوثی ها در استان «اب» دهها کشته و مجروح برجا گذاشت. «انصار الشریعت» شاخه شبکه القاعده در یمن، مسئولیت این انفجار را برعهده گرفت. در چنین شرایطی سخنگوی حوثی ها اعلام کرد که رئیس جمهوری یمن از تروریست های القاعده در این کشور حمایت می کند. «محمد عبدالسلام» تاکید کرد که حمایت مالی و تجهیزاتی هادی از تروریست‌های القاعده باعث به وجود آمدن یک بحران امنیتی جدید و به زیان همه مردم یمن شده است.

مراسم تشییع پیکر شهید بحرینی تبدیل به تظاهرات علیه رژیم آل خلیفه شد

شرکت کنندگان در مراسم تشییع پیکر شهید بحرینی با سردادن شعار علیه رژیم آل‌خلیفه، این مراسم را به تظاهرات ضددولتی تبدیل کردند. نیروهای رژیم آل خلیفه نیز به شرکت کنندگان در مراسم تشییع پیکر این شهید بحرینی با استفاده از گازهای اشک آور و سمی حمله کردند که براثر آن چند تن زخمی شدند. در همین حال دیدبان حقوق بشر از کشورهای غربی خواست بر مقام های بحرینی برای آزادی شخصیت‌های مخالف این کشور از جمله دبیرکل جمعیت الوفاق فشار بیاورند.

اتحادیه اروپا از بیم حملات تروریستی نشست امنیتی برگزار کرد

سرویس خارجی: وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا با برگزاری نشستی در بروکسل اوضاع امنیتی موجود در این قاره را بررسی کردند. وضع هشدار در کشورهای اروپایی، در پی حملات دو هفته پیش در پاریس و نیز بازداشت ها و عملیات پلیس در کشورهای مختلف اروپا، ادامه دارد و وزیران خارجه اتحادیه اروپا دیروز در مورد افزایش همکاری ها علیه تروریسم نشست برگزار کردند. وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در بروکسل پایتخت بلژیک، گرد هم آمدند تا در مورد افزایش همکاری‌ها علیه مواردی مانند بازگشت شهروندان افراطی خود از عراق و سوریه، مذاکره کنند. این نشست در حالی برگزر شد که قرار است ۱۲ فوریه، سران کشورهای این اتحادیه نیز درباره مبارزه با تروریسم نشست ویژه ای برگزار کنند.

وزیران خارجه اتحادیه اروپا همچنین خواستار ایجاد یک ائتلاف ضد ترور با کشورهای عربی با هدف همکاری و تبادل اطلاعات شد. موگرینی، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفت: ما باید همکاری‌هایمان را تقویت کنیم. این اظهارات در نشست وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل ایراد شد که در آن نبیل العربی، دبیرکل اتحادیه عرب نیز شرکت داشت. وزیر امور خارجه فرانسه هم در اظهاراتی در تلاش برای محدودسازی آزادی‌های فردی به بهانه تهدیدات تروریستی در اروپا، خواستار تصویب سریع طرح ثبت و ضبط اطلاعات مسافران هوایی در اروپا شد. «لوران فابیوس» اعلام کرد: من امیدوارم که اتفاقات اخیر در فرانسه و بلژیک پارلمان اروپا را به سوی تصویب هرچه سریعتر طرح ثبت اطلاعات مسافران هوایی در اروپا پیش ببرد. وی افزود: این طرح در پارلمان اروپا بلوکه شده اما من امیدوارم پارلمان اروپا با توجه به آنچه در فرانسه و بلژیک به وقوع پیوسته، به این نتیجه برسد که باید این طرح را از حالت بلوکه خارج کند.

در پی حملات تروریستی در پاریس، سیاستمداران اتحادیه اروپا در ادامه محدودسازی آزادی‌های فردی به بهانه تهدیدات تروریستی در اروپا، بحثی را در زمینه افزایش امنیت و جلوگیری از حوادث مشابه حوادث پاریس آغاز کرده‌اند. یکی از پیشنهادهایی که مطرح شده این است که نام و مشخصات مسافران هواپیماها در یک بانک اطلاعاتی ثبت و تا چند سال نگهداری شود تا مسئولان امنیتی بتوانند از این اطلاعات در شناسایی و تعقیب تروریست‌ها بهره‌مند شوند. این پیشنهاد پیشتر نیز در سال ۲۰۱۱ مطرح شد اما پارلمان اروپا آن را رد کرد.

ادامه اعتراضات

تظاهرات در کشورهای اسلامی علیه هتاکی نشریه فرانسوی همچنان ادامه دارد. معترضان پاکستانی با تظاهرات مقابل کنسولگری فرانسه در کراچی، خشم و انزجار خود را از دولت این کشور نشان دادند. شهرهای مختلف پاکستان هم صحنه تظاهرات علیه بی‌توجهی فرانسه به اقدامات موهن این نشریه بود. در شهر کراچی، معترضان پس از سردادن شعارهایی علیه کسانی که با بهانه قراردادن آزادی بیان، آن را ابزاری برای توهین به مقدسات اسلامی و جریحه دار کردن احساسات مسلمانان قرار می‌دهند، با حضور دوباره مقابل کنسولگری فرانسه در این شهر، از دولت پاریس خواستند تا هرچه سریع تر نشریه شارلی ابدو را تعطیل کند. در این تظاهرات تصاویر و آدمک «فرانسوا اولاند» رئیس جمهوری فرانسه در اعتراض به بی‌اعتنایی و حمایت دولت فرانسه از آنچه نشریات این کشور به بهانه آزادی بیان علیه مقدسات اسلامی منتشر می‌کنند، زیرپا گذاشته و سپس به آتش کشیده شد.

«محمد نواز شریف» نخست وزیر پاکستان و نمایندگان مجلس این کشور و همچنین «چودری نثار علی خان» وزیر کشور پاکستان اقدام شارلی ابدو را در انتشار کاریکاتورهای توهین آمیز به ساحت مقدس پیامبر اسلام(ص) محکوم کردند. در عین حال هزاران نفر از مردم پاکستان در اعتراض به منتشر شدن کاریکاتور موهن درباره پیامبر(ص)، کالاهای فرانسوی را تحریم کرده و از مسلمانان خواستند با تحریم همه جانبه فرانسه خشم خود را نشان دهند. مردم شهر لاهور نیز با بستن پارچه‌های قرمز به بازوی خود اعلام کردند تا آخرین نفس از عزت پیامبر(ص) دفاع خواهند کرد.

در این حال سازمان همکاری اسلامی ضمن محکومیت شدید انتشار مجدد تصاویر اهانت بار به پیامبر اکرم (ص) اعلام کرد که اصرار این مجله فرانسوی بر ادامه چنین اقداماتی نشان دهنده تعصب و بی‌توجهی آن به احساسات تمامی مسلمانان جهان است. هیات مستقل حقوق بشر وابسته به سازمان همکاری اسلامی در بیانیه‌ای نسبت به انتشار دوباره تصاویر اهانت آمیز به پیامبر اکرم (ص) توسط مجله فرانسوی اظهار شگفتی کرد. سازمان همکاری اسلامی در این بیانیه ضمن محکومیت شدید این اقدام آن را به منزله تعصب، عدم احترام و بی‌توجهی به اعتقادات و احساسات بیش از ۱/۶ میلیارد مسلمان در جهان دانست و اعلام کرد: اهانت به شخصیتی که در دین اسلام بسیار مورد احترام است چیزی جز شکل افراطی تبعیض نژادی نیست.

رئیس‌جمهوری اکوادور هم نارضایتی و انتقاد خود را نسبت به انتشار کاریکاتور موهن از پیامبر اسلام (ص) در مجله فرانسوی شارلی ابدو ابراز کرد. از سویی پلیس آلمان از ممنوعیت برگزاری تظاهرات جنبش ضداسلامی پگیدا خبر داد. برگزاری تظاهرات جنبش ضداسلامی پگیدا در شهر درسدن آلمان ممنوع شد. پلیس آلمان با انتشار بیانیه ای اعلام کرد این جنبش از شکل یک تهدید ذهنی خارج شده و اکنون به یک تهدید عینی برای امنیت این کشور تبدیل شده است.

در چنین شرایطی نخست وزیر انگلستان گفت در جامعه آزاد می توان یک دین را به تمسخر گرفت! «دیوید کامرون» که با شبکه سی بی اس آمریکا مصاحبه می کرد گفت: من فکر می کنم در جامعه آزاد، این حق وجود دارد که در قبال دین دیگران توهین‌آمیز برخورد کنیم. کامرون در حالی این اظهارات را بیان کرد که پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک های جهان نظری متفاوت با وی دارد و اعلام داشته است که آزادی بیان اجازه توهین به ادیان را نمی دهد.

تظاهرات گسترده مردم چچن علیه هتک حرمت پیامبر (ص)

تظاهرات در کشورهای اسلامی علیه هتاکی نشریه فرانسوی همچنان ادامه دارد. صدها هزار نفر در مرکز جمهوری چچن در اعتراض به اقدام مجله فرانسوی شارلی ابدو تظاهرات کردند. شهر گروزنی مرکز جمهوری چچن در اعتراض به اقدام توهین آمیز مجله شارلی ابدو نسبت به پیامبر اسلام (ص) شاهد تظاهرات صدها هزار مسلمان بود. خبرگزاری فرانسه شمار شرکت کنندگان در این تظاهرات را ۸۰۰ هزار نفر اعلام کرد. مجله شارلی ابدو که هفته گذشته هدف حمله گروه های تندرو قرار گرفت اقدام به انتشار کاریکاتور موهن نسبت به پیامبر اسلام(ص) کرده است.

شهادت ۲ فلسطینی در حمله نیروهای رژیم صهیونیستی به «نقب»

سرویس خارجی: حمله نیروهای رژیم صهیونیستی به مراسم تشییع پیکر یک جوان فلسطینی در «نقب» که اخیرا به ضرب گلوله این نیروها به شهادت رسیده بود، به شهادت دو فلسطینی دیگر انجامید. در این حمله وحشیانه، دهها تن دیگر نیز زخمی شدند. درگیری زمانی آغاز شد که نیروهای اسرائیلی به سمت شرکت کنندگان در مراسم تشییع پیکر «سامی الجعار»، گاز اشک آور شلیک کردند. به دنبال این حمله دو فلسطینی شرکت کننده در مراسم براثر خفگی به شهادت رسیدند. همچنین به گزارش منابع فلسطینی، ۴۰ تن دیگر از شرکت کنندگان در این مراسم زخمی شدند. از دیگر سو، یکی از مقامات اتحادیه اروپا اعلام کرد، این اتحادیه در صدد است تا در حکم حذف حماس از فهرست گروه های تروریستی تجدیدنظر کند. در واکنش به این خبر، «سامی ابوزهری» سخنگوی حماس این اقدام اتحادیه اروپا را غیراخلاقی خواند و آن را نشانه طرفداری اروپا از اسرائیل اعلام کرد.

دیدار ولایتی با احمد جبرئیل

دکتر علی اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل در نشست خبری مشترک با «احمد جبرئیل»، دبیرکل جبهه آزادی‌بخش فلسطین گفت: احمد جبرئیل از مبارزان پیشکسوت فلسطینی علیه رژیم صهیونیستی است که گروهشان «جبهه خلق برای آزادی فلسطین» همواره مورد حمایت ایران بوده است. وی افزود: جبهه خلق برای آزادی فلسطین، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی با امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بیعت کرد و همواره بر این بیعت استوار و در کنار حزب‌الله لبنان بود. دکتر ولایتی اعلام کرد، بعد از مشکلاتی که برای سوریه به وجود آمد برخی گروه‌های مقاومت دچار تردید شدند، اما این گروه هیچگاه در حمایت از حکومت و مردم سوریه دچار تردید نشد و همین حالا نیز به سوریه کمک و علیه تکفیری‌ها مبارزه می‌کند.

مذاکره ظریف با وزیران خارجه ۱+۵ در داووس و مونیخ

بقیه از صفحه ۲

وی به خبرنگاران اعلام کرد: ما تمام موضوعات مورد نظر روی میز را بررسی کردیم و مذاکرات جدی داشتیم. ما کماکان می کوشیم اختلافات دو طرف را کاهش دهیم. سرپرست تیم مذاکره کننده هسته‌ای ایران ادامه داد که دور بعدی مذاکرات هسته ای ایران و ۱+۵ در اواسط بهمن‌ماه برگزار می‌شود. عراقچی گفت: زمان دقیق و محل نشست در رایزنی های بعدی مشخص می‌شود. رویترز هم از ژنو به نقل از دیپلمات‌ها گزارش داد: ایران و قدرت‌های مهم جهان روز یکشنبه پیشرفت محدودی در کاهش اختلافاتشان برسر برنامه هسته‌ای داشتند ولی موافقت کردند همزمان با فشار اوباما بر کنگره آمریکا برای جلوگیری از وضع تحریم‌های بیشتر علیه جمهوری اسلامی، تلاشهایشان را افزایش دهند. یک دیپلمات همزمان با نشست نهایی معاونان وزیران خارجه در اواخر بعداز ظهر یکشنبه به رویترز گفت: پیشرفت اساسی محدود بود و منصفانه باید گفت که همگی نسبت به تشدید تلاشها تعهد نشان دادند. وی افزود: جو مطلوبی به وجود آمده است که احتمالا به نشست بیشتر طی ماه های آینده در تلاش برای حصول پیشرفت منجر خواهد شد.

ریابکوف: ایران و ۱+۵ تا پایان ماه مارس موافقتنامه سیاسی را امضا می کنند

اما «سرگئی ریابکوف» مذاکره کننده ارشد هسته‌ای روسیه اعلام کرد: ایران و گروه ۱+۵ تا پایان ماه مارس (نیمه اول فروردین ماه) موافقتنامه سیاسی را امضا می کنند. به گزارش خبرگزاری روسیا سگودنیا، ریابکوف روز دوشنبه گفت: کشورهای عضو گروه ۱+۵ و ایران قصد دارند تا پایان ماه مارس موافقتنامه سیاسی در مورد برنامه هسته ای ایران را امضا کنند. مقام ارشد روس خاطرنشان کرد: پیشرفت حاصل خواهد شد زیرا تمام شرکت کنندگان در مذاکرات اهمیت مساله را درک می کنند. مذاکره کننده ارشد هسته‌ای روسیه به تصمیم کشورهای عضو گروه ۱+۵ برای برگزاری دور جدید مذاکرات با ایران در اوایل ماه فوریه اشاره کرد و گفت: تفاهم کلی در مورد برگزاری این دیدار در اوایل ماه فوریه به دست آمده است. ریابکوف گفت: این دور از مذاکرات بسیار سودمند بود.

صالحی: ایران به ۱۸ سئوال آژانس پاسخ داده است

علی اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی هم گفت: آژانس در چارچوب پادمان به طور مرتب بازرسی های خود را انجام می دهد. وی تصریح کرد: ایران به ۱۸ سئوال آژانس بین المللی انرژی اتمی پاسخ داده است، آژانس نسبت به دو سئوال درخواست پاسخ بیشتر کرده است که همکاران ما اقدامات لازم را انجام می دهند تا در حد لازم پاسخ داده شود.

صالحی که با خبرنگاران گفتگو می کرد، در پاسخ به این سئوال که ظاهرا پایانی بر سئوالات آژانس وجود ندارد، گفت: وقتی که موضوع سیاسی شود این گونه است، بهانه های سیاسی حد پایانی ندارد. وی خاطر نشان کرد: با صبر و حوصله مسائل خود را پیش می‌بریم و این گونه امور ما را نگران نکرده و از مسیر خارج نمی کند. ما می‌دانیم چه کار می کنیم. معاون رئیس جمهوری به اقدامات دولت درباره مبارزه با آلودگی هوا اشاره کرد و گفت: دولت یازدهم و شخص دکتر روحانی و خانم ابتکار قدم های بلندی را درباره هوای پاک برداشته اند.

صالحی افزود: یکی از اقدامات بسیار موثر در این جهت، انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر است، یکی از آلاینده‌ترین منابع آلایندگی، نیروگاه ها هستند. هر نیروگاه هزار مگاواتی در سال، ۷ میلیون تن آلایندگی تولید می کند. وی ادامه داد: ما در پیک فعالیت نیروگاه ها، ۴۵ هزار مگاوات تولید داریم که اگر در ۷ میلیون تن آلایندگی ضرب کنیم، حدود ۳۰۰ میلیون تن در سال از همین نیروگاه ها آلایندگی تولید می شود، در صورتی که اگر به جای این نیروگاه ها، نیروگاه‌های هسته‌ای داشتیم، این میزان آلایندگی ایجاد نمی شد.

روسیه: برکناری اسد از دستور کار آمریکا خارج شده است

سرویس خارجی: سفیر روسیه در لبنان، با اشاره به تغییر شرایط منطقه‌ای، برکناری رئیس‌جمهوری سوریه را خارج از طرح آمریکا برای سوریه دانست. «الکساندر زاسبکین» با بیان تغییر موضع کشورهای جهان در قبال سوریه، اعلام کرد دیگر برکناری بشار اسد برای آمریکا مطرح نیست. سفیر روسیه گفت: علاوه بر آمریکا کشورهای جهان نیز قانع شده‌اند که برکناری بشار اسد، امکان پذیر نیست و منطقی است که در اوضاع کنونی موضع خود را در قبال کسانی که می‌خواهند به وسیله سلاح، بشار اسد را سرنگون کنند تغییر دهند.

در چنین شرایطی رئیس سابق گروه موسوم به ائتلاف مخالفان سوریه برای بررسی اوضاع میدانی سوریه با هیأتی از کنگره آمریکا به ریاست جان مک‌کین در ریاض دیدار کرد. احمد جربا و هیأت کنگره آمریکا اوضاع و آخرین تحولات در جنگ مخالفان علیه نظام سوریه و تشکیلات تروریستی داعش را بررسی کردند. این درحالی است که وکلای عرب خواستار بازگشت سوریه به اتحادیه عرب شدند. کنگره سراسری اتحادیه وکلای عرب در نشستی در قاهره با عنوان پیش به سوی تشکیل جبهه عربی برای مقابله با تروریسم و تقسیم، خواستار بازگشت سوریه به اتحادیه عرب و وحدت ملت های عرب برای مقابله با توطئه های غربی شد. اتحادیه وکلای عرب نسبت به توطئه تقسیم وطن عربی با استفاده از تروریسمی که در طول تاریخ برای اجرای نقشه های استعماری بکار گرفته شده، هشدار داد که از صهیونیستها برای اشغال فلسطین، مسیحیان در جنگ های صلیبی و در حال حاضر از دین اسلام برای تقسیم ملت ها از طریق تروریسم سوء استفاده شده است.

خبر دیگر اینکه گروه تروریستی داعش مدعی است یک فروند هواپیمای نیروهای ائتلاف بین المللی را در منطقه «بادیه ذبیان» در استان دیرالزور سوریه سرنگون کرده است. داعش در دیر الزور تصاویری از هواپیمای سرنگون شده را منتشر کرد. از طرفی منابع امنیتی اردنی خبر دادند که نیروهای گارد مرزی این کشور محموله ای سلاح را در مرز با سوریه کشف و ضبط کرده‌اند.

ادب و هنر ۳۰۰

سه شنبه ۳۰ دی ۱۳۹۳

سال هشتادو نهم-شماره ۲۶۰۷۲

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات

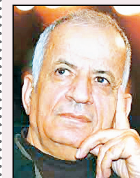


بس حلقه زدم بر در و حرفی نشنیدم — من هیچکسم یا که در این خانه کسی نیست؟

«بیدل شیرازی»



تلقی ناصرخسرو از علم کلام



دکتر مهدی محقق

دومین مجموعه درس گفتارهایی دربارهٔ ناصرخسرو به «زندگی و اندیشه‌های کلامی و فلسفی ناصرخسرو» اختصاص داشت که با سخنرانی دکتر مهدی محقق، مصحح و شارح اشعار ناصرخسرو در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد.

با آن‌که ناصرخسرو از شاعران و نویسندگان بزرگ زبان و ادب فارسی است، اما شایسته است از زندگی پر از حادثه و از شعر دینی و الهیات فلسفی و اندیشه‌های کلامی او بیشتر بدانیم.

ناصرخسرو و تسامح و تساهل

محقق سخنانش را این گونه آغاز کرد: هر یک از شعرای ما مقام خودشان را دارند. ولی ناصرخسرو از نظر زندگی و اندیشه‌هایش جایگاه ویژه‌ای دارد. متأسفانه دو علت باعث شده که «ناصرخسرو شناسی» آنچنان که باید و شاید پیشرفت نکند. یکی این که ناصرخسرو شیعه بود و مورد توجه اهل سنت نیست. به‌ویژه آنجاهایی که باید مورد احترام و تجلیل قرار بگیرد (مثل افغانستان و تاجیکستان).



دیگر آن که در ایران هم توجه چندانی به او نشده است. به علت این که شیعه اسماعیلی بوده است. ولی آن زبان ارزشمندی که ناصرخسرو به‌کار برده و مطالبی که در آثارش آورده است درخور مطالعه و تحقیق است و باید بیش از پیش مورد توجه قرار بگیرد.

به هر حال ناصرخسرو در زمانی زندگی می کرد که علوم اسلامی در درجه عالی بود و در مدارس خراسان تدریس می‌شد. شعرای ما همه از قرآن و حدیث شروع می کردند تا ادبیات عرب و امثال و اشعار عربی و علوم متداول زمان خودشان که حساب و هندسه و موسیقی و جبر و مقابله بود تا تفسیر و حدیث. نمونه‌اش «رسائل اخوان الصفا» است که مؤلفانش حدود ۴۲ رساله را در آنجا ذکر کرده‌اند. هر رساله‌اش هم درباره یک علم خاص است؛ در مدارس خراسان علوم مورد بحث و فحص بود و مثل اروپای قرون وسطی هر شهری کرسی یک علم را داشت. شهرهای خراسان به همین کیفیت بود.

به هر حال نخست باید دید که تلقی ناصرخسرو از علم کلام (علم عقاید دینی) چه بوده و نسبت به اندیشه‌های زمان خودش چه موضعی داشته است. از اشعار ناصرخسرو برمی‌آید که او در عین این که مُبلغ دین بود و یک تصلب و سختگیری داشتٍ ولی اهل تسامح و تساهل نسبت به ادیان دیگر هم بود. مثلاً نسبت به دین مسیح می‌بینیم که بسیار بسیار تسامح و تساهل دارد.

مسیحیان مشرک نیستند

می دانیم که خصیصه اسلام «توحید» است. توحید یعنی یگانگی خداوند. اما مسیحیان عقیده به تثلیث داشتند. این در دین اسلام شرک حساب می‌شود. خداوند شریک ندارد. پس چگونه می‌توان عیسی را پسر خدا دانست؟ ناصرخسرو کوشش می کرد که این مساله را حل بکند و بگوید که کشیشان نمی‌فهمیدند. چون کشیشان نظر به باطن و تاویل مسائل ندارند و ظاهر را می گیرند. با این کیفیت ناصرخسرو می‌خواهد بگوید که مسیحیان مشرک نیستند و خدای یگانه را می‌پرستند.

بقیه در صفحه ۲

۳۰۰ کتاب در ۳۰۰ ضمیمه ادب و هنر

محمدرضا حیدرزاده

سیصدمین شماره ضمیمه ادب و هنر پیش روی خوانندگان روزنامه اطلاعات و علاقه مندان به هنر و ادبیات قرار دارد.

بررسی آماری مطالب مربوط به معرفی کتاب‌های ادبی ایرانی و خارجی در این سیصد شماره نشان می دهد که تاکنون ۱۷۵ کتاب داستانی ایرانی و ۱۱۵ رمان خارجی –مجموعاً ۳۰۰ کتاب– در صفحات ضمیمه ادب و هنر به منظور آشنایی خوانندگان روزنامه اطلاعات با ادبیات چاپ شده است.

هدف اولیه معرفی کتاب های داستانی، آشنایی هرچه بیشتر جامعه و ادب دوستان با کتاب های داستانی روز و ترغیب و تشویق مردم به مطالعه است تا ضمیمه ادب و هنر بتواند سهمی هر چند اندک در افزایش سرانه مطالعه در کشور داشته باشد.

متأسفانه سرانه مطالعه در ایران در مقایسه با سایر کشورها در سطح پائینی قرار دارد. طبق آخرین آمارها سرانه مطالعه در ایران ۱۹/۵ دقیقه در روز است؛ در حالی که متوسط سرانه مطالعه در جهان ۴۵ دقیقه در روز عنوان شده است. این سرانه در ژاپن ۹۰ دقیقه، در انگلیس ۵۵ دقیقه، در هند ۶۰ دقیقه، در تایلند ۶۵ دقیقه، در مالزی ۵۵ دقیقه و در فیلی پین ۶۲ دقیقه است.

این فاصله آماری سرانه مطالعه در ایران با سایر کشورها را می توان کاهش داد که یکی از راههای رسیدن به این هدف، تشویق و ترغیب جامعه به مطالعه است. کاری که هدف غایی ضمیمه ادب و هنر است...

بررسی صفحه ادبیات ضمیمه ادب و هنر در طی سیصد شماره گذشته نشان می دهد که تقریباً یک کتاب رمان یا مجموعه قصه ایرانی یا خارجی حدود یک هفته پس از انتشار آن در بازار کتاب، در این صفحه معرفی شده تا علاقه مندان به ادبیات با تازه ترین کتاب های منتشر شده آشنا شوند.

گفتنی آن که از میان مجموعه داستان های چاپ شده در ضمیمه ادب و هنر، تعداد چهار کتاب در بازار نشر کشور از مرز چاپ دوازدهم تا شانزدهم گذشته و یک کتاب هم به مرز چاپ بیست و هشتم رسیده است که نشان دهنده اقبال جامعه کتابخوان از چنین کتاب هایی است.

ضمن آن که چند عنوان کتاب که با دلنوشته‌های



رهبر معظم انقلاب مزین بوده، از جمله کتاب «پنجره های تشنه» نوشته مهدی قزلی، کتاب «من زنده ام» نوشته معصومه آباد و کتاب «پایی که جا ماند» نوشته سید ناصر حسینی‌پور و ... در این مدت انتشار، زینت بخش صفحات ضمیمه ادب و هنر شده است.

در این فرصت پیش آمده، عناوین برخی کتاب های معرفی شده طی سیصد شماره گذشته ضمیمه ادب و هنر را با هم مرور می کنیم:

در بخش ادبیات ایران:

–تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب «پنجره‌های تشنه» نوشته مهدی قزلی.

–کتاب «پایی که جا ماند» نوشته سید ناصر حسینی‌پور.

–رمان «روز تاریک» نوشته لیلا جعفری با موضوع دفاع مقدس.

–کتاب «پنج اقلیم حضور» نوشته داریوش شایگان.

–آتش بدون دود: نوشته نادر ابراهیمی.

–هیچ چیز مثل مرگ تازه نیست: سروده گروس عبدالملکیان.

–رمان «مامان بینای ناتمام» نوشته عبدالمجید نجفی.

–رمان «شاهنامه» نوشته مرتضی صفری.

–رمان «از کرانه دیگر» نوشته محمد بهار لو.

–رمان «سگ ها در تاریکی» نوشته امین فقیری.

–کتاب «داستان کوتاه ایران» نوشته حسین پاینده.

–داستان «لبخند مسیح» نوشته سارا عرفانی.

–داستان «رک و پوست کنده» نوشته آسیه جوادی.

–داستان «از پائولو کوئلیو متنفرم» نوشته حمید رضا احمدی سرور.

بقیه در صفحه ۲

«محمدعلی کشاورز» در مراسم گرامیداشت خود در ارسباران:

خانم‌ها، آقایان، من مخلص همهٔ شما هستم!

هومن ظریف



عصر یک روز زمستانی بی‌باران، بسیاری از اهالی پیشکسوت تئاتر و سینما در فرهنگسرای نیاوران، باران محبّت شدند و درخشش برف شادی را از چشمان پیر تئاتر ایران؛ استاد محمدعلی کشاورز، خواستار شدند.

پیرمرد، باکوله‌باری از عزلت خودخواسته، باحلاوت همه نقش‌هایی که روزگار، در کسوت هنرمند، برای او خواسته، برخاست و به فرهنگسرای ارسباران آمد.

در انتهای مراسم، سخنش شیرین بود که گفت: «من جای جای کشورم، ایران را دیده‌ام» و شاید برای برخی هنرمندانی که لوکیشن‌های برهوت را هم در تهران انتظار دارند!، تلخ بود که ادامه داد: «هنرمندان عزیز باید اول مملکت خود را بشناسند. ببینند و درک کنند. آذربایجان و کردستان را ببینند. ما که به اصطلاح از گردونه خارج هستیم، اما شما جوان‌ها باید سراسر ایران را درک کنید. اگر در یک سناریو، نقشی بلوچی داشتید، باید بروید ببینید و سیستان و بلوچستان را از نظر عاطفی و احساسی بشناسید و مهمتر از همه باید نجیب باشید. اگر کسی مردم مملکت خودش را دوست داشته باشد و همپای سرباز وطنش، در هنر، جان‌بازی کند؛ می تواند به سوی آسمان‌ها پیشرفت کند.»

بقیه در صفحه ۴

تلقی ناصر خسرو از علم کلام

دکتر مهدی محقق

بقیه از صفحه اول

منتهی کشیش تاویل نمی تواند بکند. در یک جایی می گوید:

قول مسیح آن که گفت زی پدر خویش /می روم، این رمز بود پیش افاضل

می گوید این که مسیح از «پدر» نام می برد به این معنا نیست که او پدر جسمانی در آسمان داشت. بلکه این کلمه رمز است. رمز همان است که فرنگی ها به آن «سمبُل» می گویند و در فارسی کنونی کلمه «نماد» را به‌جای آن به‌کار می برند. رمز چیزی است که ظاهر آن مراد نیست، بلکه باطن آن مراد است. ناصر خسرو در جایی دیگر می گوید:

این همه رمزها و مثل ها را کلید /جمله اندر خانهٔ پیغمبر است
هر که بر تنزیل بی تاویل رفت /او به چشم راست در دین اعور است
ای گشایندهٔ در خیبر، قرآن /بی گشایش های خوبت خیبر است

سخن مسیح، رمز است

می گوید همان‌طور که در خیبر را گشودی (اشاره به حضرت علی علیه‌السلام است) قرآن هم بدون تفسیر و تأویل تو به خیبر می ماند. بنابراین ناصر خسرو می گوید که کلمهٔ «پدر» رمز است و مضمونش همان است که در قرآن کریم هم آمده است: «ای نفس مطمئنه (روح آرامگیر)، برگرد به اصل خودت، سوی پروردگارت». این نفس جزیی متصل می شود به اصل و منشاء خودش که نفسِ کلی باشد. پس منظور عیسی آن بود که نفس من از عالمِ بالا آمده، روح من چند روزی در این جهان بوده است و اکنون به اصل خودش می پیوندد. در ادبیات ما هم آمده است: «جان نهاده سوی بالا بال ها /تن زده اندر زمین چنگال ها». تن جسمانی ما به خاک می پیوندد و جان هم به بالا پرواز می کند.

می بینید که ناصر خسرو سخن مسیح را رمز می داند. او می گفت دانایان می فهمند که مسیح چه می گفت. ولیکن «رهبان گمراه گشت و هرقل جاهل». بدین گونه ناصر خسرو می کوشد که از مذهب مسیح شرک زدایی کند و آن تثلیث را توجیه کند. به هر حال آن سختگیری و تعصب مذهبی که در میان قشریون نسبت به مذاهب دیگر وجود داشته در ناصر خسرو نبوده است.

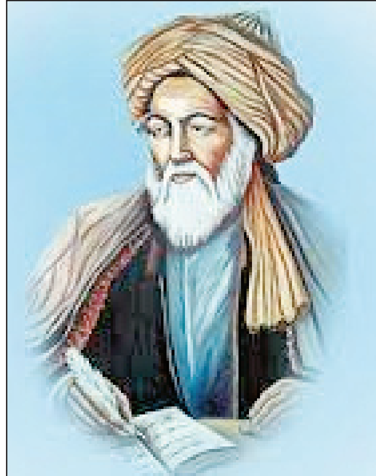
سهروردی می گوید ایرانیان باستان مشرک نبودند

در مورد مذهب ایرانیان باستان هم به همین گونه بود. شیخ شهاب‌الدین سهروردی در «حکمت الاشراق» خود می گوید که آنها مشرک نبودند که بگویند دو نیرو حاکم بر عالم است: یکی یزدان و یکی هم اهریمن. حکمتی که سهروردی معرفی می کند «حکمت خسروانی» نام می گذارد، یا «حکمت فهلویون». شیخ هادی سبزواری هم می گوید حکمای فهلویون «وجود» را مثل نور می دانستند. همان‌طور که نور یک چیز است و خودش ظاهر است، چیزهای دیگر را هم ظاهر می کند. منتهی «تشکیک» است. تشکیک یکی از اصطلاحات منطقی است. آن مفهومی را تشکیک می گویند که افرادش در درجات مختلف باشند. در برابر آن «متواطی» است که افرادش یکسان هستند. نور نیز متواطی است. یک نور شمع داریم، یک نور چراغ. تا برسیم به «انوار قاهره» که سهروردی آن را «انوار اسپهبدیه» می نامد.

سهروردی می گوید ایرانیان باستان مشرک نبودند. حاج ملاهادی سبزواری هم می گوید که «شّر» هویت وجودی ندارد. هویت وجودی «خیر» است. وقتی خیر نبود شّر جای آن را می گیرد. می بینیم که شیخ اشراق هم از ایرانیان باستان شرک زدایی می کند و می گوید این را با الحاد مانی نباید اشتباه کرد. چون مانی حقیقتاً عقیده شرک داشت. اما ایرانیان اصیل عقیده به خدای واحد داشتند.

آگاهی از مذهب ثنویت

در هر حال ناصر خسرو از مذهب ثنویت آگاهی داشت. اوِ عقاید زمان خودش را می شناخته است؛ مخصوصاً مذهب تثلیث و ثنویت را. در ضمن آگاهی از



مذهب مانی هم داشته است. مثلاً می گوید:

آنچه زیر روز و شب باشد نباشد یک نهاد
ره از اینجا گم شده است ای عاقلان بر مانوی

می گوید روز نور است و شب ظلمت است و یک نهاد ندارد. خداوند واجب‌الوجود است و نور محض است. ولی ممکن‌الوجود، که «ماسوی الله» باشد، ظلمت است. اگر هم نوری دارند از نور واجب‌الوجود می گیرند. اولیا و انبیا که نور در وجودشان سرشته شده این نور را از خداوند گرفته‌اند و گرنه ممکن‌الوجود از خودش چیزی ندارد: «ما که‌ایم اندر جهان پیچ پیچ /چون الف از خود ندارد هیچ هیچ». از این جهت است که شیخ محمود شبستری وقتی می خواهد ممکن‌الوجود را در برابر واجب‌الوجود بیاورد می گوید: «سیه‌رویی ز ممکن در دو عالم /جدا هرگز نشد، والله اعلم». «سیه‌رویی» تعبیری از ظلمت است. ظلمت هویت وجودی ندارد. نور است که هویت وجودی دارد.

به راه خیر یا شر برویم؟

ناصر خسرو در مورد جبر و اختیار هم معتقد است که تصمیم گیری با خود ماست که به راه خیر برویم یا به راه شّر: «راه تو زی خیر و شر هر دو گشاده است»، اکنون خواه سوی خیر برو یا سوی شّر. این همان است که در مکتب شیعه به آن «امر بین الامرین» می گویند. در همین مساله‌ی جبر و اختیار ناصر خسرو می گوید:

به میان قَدر و جبر ره راست بجوی /که به نزد عقلا جبر و قدر درد و عناست

این همان مفهوم «امر بین الامرین» است. نیروی اولیه از خداوند است اما خود ما آن نیرو را به اختیار خودمان به کار می بریم. قدر و جبر راه راست نیست. حضرت علی (ع) می فرمایند: «چپ و راست انسان را به هلاکت می افکند. جاده‌ای که انسان را به مقصود میِ رساند راه میانه است». اشاعره می گویند قدر خیر و قدر شّر از خداوند است. ولی معتزله می گویند خداوند قدرت های اولیه را می بخشد و ما به اختیار خودمان به کار می بریم.

ناصر خسرو عالم را حادث می داند

ناصر خسرو مسائل فلسفی را هم مطرح کرده و اصطلاحات فلسفی را به کار برده است. در یکی از قصایدش می گوید:

عالم قدیم نیست سوی دانا /مشنو محال دهری شیدا را

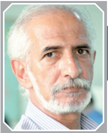
«دهری» کسانی بودند که عقیده به خداوند نداشتند. قدیم بودن عالم هم به این معناست که عالم خلق نشده، بلکه همیشه بوده است. اشکال این حرف در این است که ما این همه می گوییم خداوند «خالق» است. مهمترین صفت او همین است. پس چگونه می توانیم صفت «خلق» را از او سلب کنیم؟ این درست نیست. اشعری ها می گفتند که خداوند در زمان موهوم عالم را خلق کرده است. فلاسفه شیعه جواب می دادند که «زمان موهوم» مابه ازاء خارجی ندارد. برای همین است که میرداماد بر اساس داده‌های فلسفی که در ذهنش بوده گفته است که این زمان برای متغیرات است. افعال و صفات خداوند در این ظرف نیست. میرداماد در کتاب «قبسات» این مساله را حل کرده است. او می گوید ما سه ظرف «زمان»، «دهر» و «سرمد» داریم. خداوند در ظرف ما نیست. به همین کیفیت دیگر علمای شیعه مثل میرفندرسکی، عبدالرزاق لاهیجی، فیض کاشانی و حاج ملاهادی سبزواری به این موضوع اشاره کرده‌اند. ناصر خسرو هم می گوید دهری عالم را قدیم می داند اما ما عالم را حادث می دانیم. یعنی خداوند عالم را خلق کرده است. منتهی در چه ظرفی؟ این ظرف ظرف «زمان» نیست.

یک حَکیم گمنام ایرانی

ناصر خسرو در کتاب «زادالمسافرین» فصلی دارد به نام «رد بر طباعیان و دهریان و اصحاب هیولی». طباعیان کسانی بودند که می گفتند همین طبیعت هست، نه چیز دیگر. هیولی نیز به معنای ماده است. بحث بر سر این است که آن «هیولی اولی» که «ماده المواد» به آن می گویند، به چه کیفیت به وجود آمده است؟ آیا از عدم به وجود آمده؟ این مسائل در کتاب ناصر خسرو آمده است.

در همان کتاب، ناصر خسرو از یک حکیم گمنام ایرانی به نام «ابوالعباس ایرانشهری» نام می برد. ناصر خسرو می گوید که ایرانشهری می گفت خداوند همیشه صانع و خالق بوده است، اما زکریای رازی که ایرانشهری استاد و مقدم او بود، آن سخنِ خوب را به صورت زشت نشان داد و گفت خداوند اصلاً خالق نبوده است. پس در آن بیتی که ناصر خسرو می گوید: «مشنو محال دهری شیدا را» منظور او از «دهری شیدا» زکریای رازی است. من این نکته را در کتاب «فیلسوف ری، زکریای رازی» مفصل یاد کرده‌ام.

۳۰۰ کتاب در ۳۰۰ ضمیمه ادب و هنر



محمد رضا حیدر زاده

بقیه از صفحه اول

- داستان «دختران علیه دختران» نوشته مصطفی خرامان.

در زمینه ادبیات جهان:

- مجموعه داستان «گزارش برودی» اثر خورخه لوئیس بورخس نویسنده بزرگ قرن بیستم آمریکای لاتین با ترجمه مانی صالحی علامه.
- رمان «اومون را» نوشته ویکتور پلوین با ترجمه پیمان خاکسار.
- انتشار ۱۲ قصه از ۱۲ نوبلیست در یک کتاب با ترجمه اسدالله امرایی.
- کتاب مجموعه قصه نوشته ریموند داگلاس برادبری ترجمه پرویزدوانی.
- رمان «در جدال با مرگ» نوشته سوزان سانتاگ ترجمه فرزانه قوجلو.
- مجموعه داستان «مسیح عراق» نوشته حسن بلاسم / با بررسی رخداد های بیت المللی.
- رمان «سوار بر سورتمه آرتور شوپنهاور» نوشته یاسمینا رضا/ ترجمه حامد فولادوند.
- رمان «بینایی» نوشته ژوزه ساراماگو.
- رمان «د کامرون» نوشته جیووانی بوکاچیو /

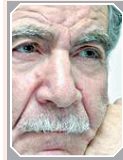


ترجمه محمد قاضی.

- رمان «دختر سروان» نوشته الکساندر پوشکین/ ترجمه حمید رضا آتش برآب.
- رمان «دخمه های واتیکان» نوشته آندره ژید/ ترجمه سیروس ذکا.
- رمان «کینکاس بوربا» نوشته ماشادو د آسیس /ترجمه عبدالله کوثری.
- کتاب «آخرین یادداشت‌ها» اثر فردریش نیچه/ ترجمه حمید رضا امیدی سرور.
- استانبول (اورهان پاموک) ترجمه شهلا طهماسبی.
- اتحادیه ابلهان (جان کندی تول) ترجمه پیمان خاکسار.
- باشگاه مشت‌زنی (چاک پالانیک) ترجمه پیمان خاکسار.
- بانوی میزبان (فئودر داستایفسکی) ترجمه سروش حبیبی.
- برمی گردیم گل نسرین بچینیم (ژان لافیت) ترجمه حسین نوروزی.
- بیگانه (آلبر کامو) ترجمه لیلی گلستان.

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»

رازِ راز



گفتگو از: کریم فیضی ۹۰

شناخت کیفیت

ما اگر به اصل تمرکز توجه پیدا کنیم ـ که نکته بسیار مهمی است ـ خواهیم پذیرفت که از دل یک نقطه بی نهایت کوچک، به متن یک بی نهایت بزرگ راه وجود دارد. بنابراین، می توان از بی نهایت به نقطه و از نقطه به نهایت رسید و منتقل شد. بنابراین، از هریک از این دو، که یکی بی نهایت کوچک است و دیگری بی نهایت بزرگ به همدیگر راه وجود دارد: ما می توانیم از ریزترین نقطه‌ها، به مدد تمرکز به بی نهایت‌های بزرگ برویم و برعکس. این کار شدنی است و معنایش این است که فرقی میان بی نهایت و یک نقطهٔ کوچک وجود ندارد، البته در نگاه غیرکمّی و کیفی. نقطه ما را به بی نهایت می تواند برساند و بی نهایت نیز می تواند در یک نقطه ناچیز ـ به حسب ظاهر ـ خلاصه شود.

* در بیت بعدی، شیخ محمود شبستری از دل انسانی سخن می گوید و آن را منزل و جایگاه خداوند بزرگ می داند که در اندیشه‌های دینی وعرفانی اسلامیان دارای مستنداتی گسترده است:

بدان خردی که آمد حبهٔ دل
خداوند دو عالم‌راست منزل

این بیت به قول منبری‌های قدیم، گریز منبر است و نتیجه گیری از حرف‌های قبل، شبستری بعد از مثالهای متعدد و ریز و درشتی که از ذره و قطره و فیل و پشه بیان کرد، در اینجا نتیجهٔ سخن را به این صورت بیان می کند که: دل، یک حبّه است که دانه‌ای است ریز. درعین حال، همین دل، وسیع ترین چیز ممکن هم هست. پس، دل، هم ریزترین شیء است، هم وسیع ترین. دل، حبّه و دانه‌ای است که همه چیز در آن است. دل به حساب مقیاس‌های فیزیکی بدن، بسیار کوچک است و حبّه و ارزنی بیش نیست.

* ولی همین دل کوچک، جای و جایگاهی است که خداوند دو عالم را در خودش جای داده است و خداوند در دل ـ که به لحاظ کمّی کوچک و ناچیز است ـ منزل گزیده است.

جای خداوند دو عالم، دل است. شیخ «دو عالم» را به این جهت ذکر کرده است که بزرگی خداوند را برساند، و الاّ خداوند بزرگتر از دو عالم است و بزرگی‌اش از دو عالم ناشی نمی‌شود. در حدیث قدسی آمده است که خداوند می فرماید: «لا یسعنی ارضی و لا سمائی و لکن لا یسعنی قلب عبدی المؤمن؛ یعنی من در آسمان و زمین پهناوری که آفریده‌ام، نمی گنجم ولی در دل بندهٔ مؤمن به خودم می گنجم. پس، کل عالم هستی و ملک و ملکوت نمی تواند خداوند متعال را در خودش جا بدهد، اما دل یک مؤمن راستگو و راست‌بین خدا را در خودش جا می دهد. خدایی که لایتناهی است، در هیچ چیزی جا نمی‌شود، جز در دل. اگر چیزی یک لایتناهی را در خودش جای بدهد، آیا متناهی است؟

* قطعاً متناهی نمی تواند لایتناهی را در خودش جا بدهد. پس باید پذیرفت که دل، به حکم منزل بودن برای خداوند، لایتناهی است، نه متناهی

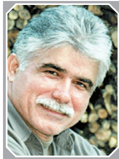
پس دل انسانها، به‌عنوان انسان، غیرمتناهی است، هر چند خودشان آن را محدود و متناهی می دانند! این اشتباهی است که انسان مرتکب می‌شود. انسانها وقتی در برابر همدیگر قرار می گیرند، متناهی هستند: من تناهی شما هستم، شما تناهی من. شما حد من هستید، من حد شما. هر دوی ما، با زمان و مکان و حجم و حد و اندازه متناهی شده‌ایم، اما دل ما، از نظر باطن، غیرمتناهی است، چون خداوند در دل ما منزل می گزینند. این نکته را هم بگوییم که هیچ کجا، خانه خدا و جایگاه حقیقی خداوند نیست، جز دل انسان.

ادامه دارد

نقدینه

به مناسبت سیصدمین شماره «ضمیمه ادب و هنر» روزنامه اطلاعات/ طنز نقدینه

حالا که رسید به سیصد ...



اکبر اکسیر

امروز سه‌شنبه، سی ام دیماه نود و سه، مصادف است با فرخنده زادروز شماره سیصد ادب و هنر جناب رضا رفیع (این قند پهلوی شکرخند طنز معاصر و فعال‌ترین عنصر نفوذی ستون طنز اکثر مطبوعات و برنامه‌های طنز اکثر شبکه‌های رادیو و تلویزیون ایران. مردی که شهامت آن را داشته تا رشد و تعالی طنز امروز و معرفی طنزپردازان چهارگوشه ایران عزیز را در صدر فعالیت‌های روزانه خود قرار دهد.)

ستون نقدینه از اولین شماره با تشویق همین جناب مستطاب، ستون ثابت این ضمیمه شد و توانست تا امروز مجموعه شعر دویست و هفتاد شاعر جوان اغلب گمنام و شهرستانی را به خوانندگان بزرگوار معرفی نماید. آن هم از زاویه مثبت به قصد تشویق طبق روش معمول روزنامه اطلاعات. روزنامه‌ای که به خاطر اعتدال و مردم‌داری، حتی صفحات تسلیتش پرمخاطب‌ترین صفحه ادبی ایران است!

***

برای شماره ویژه سیصد، برنامه‌های زیادی داشتیم که هیچ یک عملی نشد. قرار بود از سوی هیأت دولت، امروز سه‌شنبه به همین مناسبت تعطیل عمومی اعلام شود با درج در تقویم ملی! تا تمام اقشار مردم به جشن و پایکوبی بپردازند. آن هم به میمنت رسیدن ضمیمه ادب و هنر به شماره سیصد، بدون شکایت و جریمه و توقیف...

اما چون تمام روزهای سال به نام مناسبت‌های مختلف نامگذاری شده بود، این امر ممکن نشد. سردبیر محترم پیشنهاد داده بودند تا برای تشویق ستون‌داران این ضمیمه سیصد هزار تومان پاداش و فوق‌العاده شغل قرار دهند که از برنامه گلخانه شبکه ۳ به طور مستقیم پخش شود که به علت اینکه این هزینه در بودجه سال ۹۳ مؤسسه منظور نگردیده بود، منتفی گردید و مقرر شد تا به جای سیصد هزار تومان، سیصد SMS به طرف این عزیزان شلیک شود.

همکار طبقه پائین من، «حسن فرازمند»، شاعر خاطره‌ساز که کارش واکاوی ترانه‌های قدیمی است و صفحه گذاشتن پشت سر این خواننده و آن آهنگساز مرحوم خلدآشیان جنت مکان، اهدای سیصد تندیس واقعی برگ خزان را پیشنهاد فرموده بودند که به علت سپری شدن فصل خزان و رسیدن یک جبهه هوای سرد همراه با برف عملی نگردید.

«محمدعلی علومی» رمان‌نویس و طنزپرداز نجیب کرمانی ما که این روزها با موشکافی تمام به نبش قبر سعدی علیه‌الرحمه مشغول است، پیشنهاد داده بود تا برای برگزاری هر چه بهتر آئین گرامیداشت شماره سیصد، سیصد نفر از خوانندگان فهیم ضمیمه را به قید قرعه در قالب تور سه روزه ایرانگردی با اتوبوس‌های اسکانیا به قبر سعدی بفرستیم که پلیس راه تهران ـ شیراز به علت یخبندان و نقص فنی برنامه را حذف کرد.

مسئول خوش لهجه خوش آواز ستون نقدینه که در نقدهای خود یکی به نعل یکی به میخ و یکی به سر خود می‌کوبد و کتاب را نخوانده نقد می‌کند، پیشنهاد چاپ سیصد مجموعه شعر از شاعران تازه کار شهرستانی را داده بود که مورد اعتراض شدید اداره بهزیستی، سندیکای کامیونداران، کانون سردفتران، شورای ترافیک و هیأت امنای آسایشگاههای کودکان استثنایی واقع گردید و حذف شد.

جناب «هومن ظریف» (این ظریف ربطی به ۱+۵ و خانم اشتون و تیم ملی والیبال ایران ندارد!) که کارش شستن و اطو کردن اهل موسیقی است، پیشنهاد داده بود تا به همین مناسبت در قالب برنامه گلریزان به نفع همسران مظلوم و داغدار هنرمندان مقروض، کنسرتی اجرا شود که بسیار پیشنهاد جالبی بود، اما نظر به اینکه کلید سالن‌های کنسرت بعد از مرگ مرتضی پاشایی و اقدام ارجمند پیروز ارجمندنیا در اختیار خوانندگان رپ و پاپ و هیپ هاپ قرار گرفته بود و حتی زیرزمینی برای همایش نبود کنسل شد!

برادران کاکایی از سبزینه صفحه شش پیشنهاد داده بودند اگر مراسم باشکوه شام در برج میلاد برگزار نمائید، هزینه پذیرایی میوه و شیرینی آن از محل ده درصد حق‌التألیف شاعران کتاب اولی پرداخت خواهد شد که این پیشنهاد هم به علت تحت تعقیب بودن اکثر شاعران کتاب اولی از سوی ناشران مُلغی گردید.

استاد «کریم فیضی» دوست فرهیخته و عارفم (دومین فرد مؤسسه اطلاعات بعد از جناب دعایی در خروج از محل کار!) پیشنهاد مصاحبه سیصد قسمتی با مسئول جذاب‌ترین ستون ضمیمه به انتخاب خوانندگان را داده بودند که چون خودشان ذی‌نفع بودند، پیشنهادشان لغو شد.

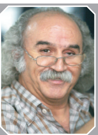
از آنجائی که اغلب مطالب ضمیمه طنزآمیز هستند، لذا اغلب پیشنهادها از سوی بچه‌های طنزاندیش ارائه گردید. آقای بهروز قطبی، طنزپرداز باسابقه ایران و همکار مؤسسه که با سی نام مستعار طنز می‌نویسند و به همین خاطر برای عموم ناشناس مانده‌اند! پیشنهاد ساده‌ای ارائه فرمودند و آن هم اهدای سیصد عدد سکه طلا به نویسندگان و خوانندگان برگزیده شماره سیصد بود که در تماس آقای رفیع با آقای کشتی‌آرا رئیس افزایش قیمت طلا، جهت پرهیز از نوسانات قیمت سکه شدیداً منتفی اعلام گردید.

از سوی آقای «مهرابی نژاد» همکار ضرب‌المثل‌ساز ما نیز فاکسی آمد که نوشته بود چقدر خوب است که برای سیصدمین شماره ضرب‌المثلی جعل کنیم، مثل این ضرب‌المثل: حالا که رسید به سیصد/ هر چی بگید می‌ارزد!

در خاتمه این جلسه، سردبیر محترم ادب و هنر، طی سخنان مبسوطی که از بلندگوی وانت محل پخش می‌شد، خاطرنشان گردید که صاحبان ستون‌های ادب و هنر اگر تا تحویل سال ۹۴ تحولی در مطالب ستون‌هایشان ایجاد نکردند، نام و ستون آنها حذف خواهد شد. آی که چه کیفی دارد حذف کردن!

واکاوی ترانه‌های قدیمی

قصهٔ من و سیصدمین شماره



احسن فرازمند

تقریباً از نخستین شماره‌های ویژه نامه ادب و هنر، همکاری ام را با این نشریه شروع کردم و هنگامی که واکاوی ترانه‌های قدیمی را شروع کردم، متوجه شدم که باید از پراکنده‌گویی‌هایم در این زمینه دست بردارم و تماس‌ها و مراجعات مکرری که به من شد، حکایت از آن داشت که باید این مقالات خاطره انگیزم را از تک شماره‌ای خارج کنم و سلسله وار و به صورت پاورقی ادامه دهم و بنا به خواست شمار زیادی از خوانندگان روزنامه به مخازن یادداشت‌ها و تحقیقاتی که از گذشته‌های دور آن را گردآوری کرده بودم، مراجعه کردم.

همین مطلب امروز سؤال بسیاری از کسانی است که هر وقت مرا می‌بینند از من می‌پرسند: این مطالب را از چه منابعی تهیه می‌کنی؟ و چه جوری این همه به گذشته‌ها نقب می‌زنی؟ و این خاطره‌ها را از هنرمندان قدیمی نقل می‌کنی؟!

و پاسخ من به همه کسانی که تلفن می‌زنند یا به من مراجعه می‌کنند یا در خیابان و پیاده‌رو و مترو و اتوبوس چنین سئوالی می‌کنند این است که این نوشته‌ها متعلق به روزها و سالهای اخیر نیست.

من از حدود سال ۱۳۵۳ که نخستین شعرهایم در «مجله جوانان» سابق چاپ شد، هر جا که مصاحبه‌ای، مطلبی، نکته‌ای از زبان نویسندگان، خبرنگاران، شاعران، ترانه‌سرایان و آهنگسازان و خوانندگان می‌خواندم، آن را می‌بریدم و در اتاق مخصوص خودم در خانهٔ پدری‌ام جمع‌آوری می‌کردم و بعد از ازدواج نیز به صورت دو گونی کاغذ بریده در آمده بود که کم کم به یک انباری برای آنها نیاز داشتم و تصمیم گرفتم آنها را سروسامان دهم.

این بود که آنها را براساس «نام ترانه» طبقه‌بندی کردم؛ مثلاً در مورد ترانه «مرغ سحر» هر چه هرجا بود، جمع آوری کردم و در یک فایل گردآوردم، که ان شاءالله به موقع سراغ آن نیز خواهیم رفت. اطرافیانم آن اوایل مرا سرزنش زیادی می‌کردند که اینها چیست و به چه درد تو می‌خورد؟! اما من مطمئن بودم که اینها یک روزی به کار من، مردم و دنیای موسیقی و شعر خواهد آمد و این روز، همان روز مباداست!

بد نیست یکی دو تا خاطره را در همین رابطه برایتان تعریف کنم: تابستان سال ۵۵ بود که برای ضبط یکی از ترانه‌های خودم به استودیوی باربد که مدیریت آن با یک سرهنگ ارتش به نام بشیرنژاد بود رفته بودم که دیدم جواد یساری (خواننده کوچه و بازار) آمد. بعد



از چاق سلامتی با او به آن طرف خیابان (شاهرضا، پل چوبی، ایستگاه درختی) که این روزها به آن خیابان انقلاب ـ پل چوبی ـ می‌گویند، رفتم. یک دفترچه چهل برگ خریدم و سریع به استودیو برگشتم و از جواد یساری خواستم که حرف بزند و من یادداشت کنم. او ابتدا پرسید برای چی و برای کجاست؟! گفتم برای تاریخ! او گفت: تاریخ دیگه چیه؟! گفتم: برای نسل‌های آینده؟ گفت: یعنی چی؟ گفتم: من امروز حرف‌های شما را یادداشت می‌کنم و به صورت مصاحبه می‌نویسم تا اگر روزی روزگاری مردم به این حرف‌ها احتیاج داشتند، آنها را در اختیارشان بگذارم.

او که به همراه سعید مهناویان آهنگسازش برای ضبط ترانه‌ای به این استودیو آمده بود و نمی‌خواست با من مصاحبه‌ای داشته باشد، مرا به سعید مهناویان حواله داد و گفت: او باید اجازه دهد!

موضوع را با او هم در میان گذاشتم. او کمی به من نگاه کرد و گفت: مصاحبه را برای همین امروز انجام بده که فردا رو کی دیده، کی شنیده؟... عجب دل خوشی داری آقا!

با این حال من با سماجت تمام، ایستادم و گفتم هر وقت کارتان تمام شد، من این مصاحبه را انجام می‌دهم و در همین هنگام حسین واثقی (خدا بیامرزدش) از راه رسید و فهمید موضوع چیست و به سعید مهناویان سفارش کرد که بگذارد این کار انجام شود و من هم به رغم اکراه آن دو، هی سؤال کردم و هی جواد یساری حرف زدو من هی نوشتم.

من آنجا بود که فهمیدم جواد یساری اصلاً بیسواد است و حتی سواد خواندن و نوشتن ندارد. یک کشتی گیر است و یک مغازه در خیابان فرهنگ، منشعب از میدان شاهپور (وحدت اسلامی امروز) دارد و بابت اجرای هر برنامه حتی در خواندن در عروسی‌ها با ارکستر چهار نفره‌اش ۳۵۰۰ تومان می‌گرفته است و گاهی یک شبه سه عروسی می‌رفته است. البته می‌گفت: با ماشین بنز آخرین مدل (۲۸۰) یک دفعه خودم را از علیشاه عوض (شهریار) به لواسان می‌رسانم!

و بدینسان هر چه او می‌گفت، من می‌نوشتم و همین چند وقت پیش بود که همان دفترچه چهل برگ را داشتم مرور می‌کردم. البته یک چنین مصاحبه‌ای را با خانم «اکی بنایی» خواهر پوری بنایی (بازیگر معروف سینما) یک روز هنگامی که می‌خواست وارد صفحه فروشی بتهوون در خیابان پهلوی (ولیعصر امروزی) بشود، به سختی انجام دادم و از او خواستم که بگوید چرا ترانه «مرغ سحر» را اجرا کرده است؟!

بقیه در صفحه ٤

مرد عیّار آواز
معیار آوازخوانی



علیرضا پور امید

بخش چهارم

آواز و تصنیف تاج

در هنر آواز تاج همین یک نکته بس که استاد حسن کسایی از این که نام او را در فهرست شاگردان تاج نیاورده‌اند، گلایه دارد: «... من از پنج سالگی برای آواز تحت تعلیم آقای تاج قرار گرفتم. تاج آن زمان چیزی حدود سی و دو ـ سه سال داشت. آخرین نوازنده‌ای هم که ۳۰ سال آخر عمر تاج را با او نوازندگی و به راستی با او زندگی کرد، من بودم.

... حال در میان شاگردان تاج اصلاً اسمی از من نمی‌آورند و این حق ناشناسی را باید با شعری از حافظ وصف کنم: نمی‌کنم گله‌ای لیک ابر رحمت دوست/ به کشتزار جگر تشنگان نداد نمی...»[1]

سخن استاد کسایی که به گفتهٔ حسن علیزاده، خودش: «... در زمینهٔ تکنوازی براساس بداهه‌پردازی ما چهره‌های برجسته‌ای چون استاد کسایی داریم، شما اگر از کسانی که موسیقی ملل جهان را می‌شناسند بپرسید کسایی کیست؟ او را به خوبی می‌شناسند... به نظر من او با بزرگترین تک‌نوازان (مسئولیت‌های) دنیا برابر است...»[2]

با چنین سخن و راوی آن (استاد کسایی) هر چه گفته شود، آن هم درباره جلال تاج، اضافه است و به تعبیر مولانا: «مادح خورشید، مداح خود است».

اما به هر حال بسیار شایق بودم که آواز افشاری استاد تاج را که بیش از ۵۰ سال پیش خوانده است، در جهت تحلیل و بررسی در این نوشته، برگزینم که از سویی جزو معدود اشعار است که اتفاقاً از سعدی نیست (غزل حافظ با مطلع: هرکه شد محرم دل در حرم یار بماند) و از سویی به اعتقاد اغلب معلمان و پیش‌کسوتان، اگر بهترین آواز افشاری نباشد (که هست) قطعاً جزو یکی دو آواز افشاری برتر ضبط شده در مجموعهٔ آوازخوانی ایران است، ولی چون آخرین بار چند سال قبل شنیده‌ام و درضمن نوار مربوطه را در درهم و برهمی و حجم انبوه نوارها و ریل‌ها و صفحه‌ها و سی‌دی‌ها نیافتم، توجه علاقه‌مندان و پردازندگان جدی حوزهٔ آواز را به آن و نیز به اجرای مثنوی تاج (سه‌گاه)[3] که با نی استاد حسن کسایی ضبط شده در مجموعه مثنوی‌خوانی و قیاس با آوازهای مثنوی خوانندگان بزرگ در آن مجموعه جلب می‌کنم.

تبحر و تسلط او و تنوع اجرائی تاج در مثنوی به قدری حائز اهمیت است که گویی یک دور نسبتاً کامل گوشه‌های سه‌گاه را در هنگامهٔ آواز مثنوی با اشاره و ظرافت ارائه می‌دهد (آلبوم مثنوی‌خوانی، CD شمارهٔ ۱، مؤسسهٔ فرهنگی ماهور). در مورد تصنیف‌خوانی او و این که در قبل و نیز دوران فعالیت تاج معمولاً برای تصنیف خواندن، ضربی‌خواندن و بعضاً کار عمل (در مقایسه با آواز) چندان اعتباری قائل نبودند، اما با این وصف، تصانیف: «امان از این دل»، «تصنیف اصفهان»، «شکایت معشوق»، «رنگهای طبیعت» و... شهادت بر مهارت و توانایی او در اجرای تصنیف می‌دهد.

پی‌نوشت:

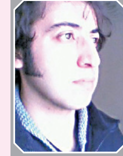
۱ـ فصلنامه دریچه ـ سال پنجم ـ شمارهٔ هفدهم ـ ویژه‌نامه استاد کسایی

۲ـ ادبستان ـ مجله، آذر سال ۱۳۷۱

۳ـ البته در دفترچه راهنمای آلبوم به اشتباه دستگاه همایون نوشته شده است

ادامه دارد

و باز مرغ خیالم ...



محمدرضا ممتاز واحد

در صدمین شماره ویـژه نامـه ادب و هنر، تیتـر مقالـه ای نظرم را برانگیخت که اگر اشتباه نکرده باشم، نویسنده اش خـود جنـاب رضا خـان رفیع بود با نام «حالا که رسـید به صد تـا ...»!؛ ناگهان نگارنـده در خیال فرو رفت و غرق در اندیشـه این که آیا می شـود روزی انتشـار سیصدمین شـمارگان ویژه نامه را به نظاره نشست؟! و چرا که نشود. با عنایت الهی همه چیز شدنی است.

ویژه نامـه ادب و هنر روزنامه اطلاعات در طول این سـیصد شماره به موسیقی بسیار خـوب پرداخته و ایـن اهتمام در برخی موارد –به حق– بسـیار بیشتر از بضاعت یک رسانه نوشـتاری بوده است. این مسـأله مورد تأیید



بسـیاری از فعالان عرصه موسـیقی کشور نیز هسـت و این مهمّ نهیبی اسـت بـه مدیران و متولیان کلان فرهنگی کشـور که همانطور که یک ویژه نامه به هر حال با بضاعت محدودش، در جهت اعتلا و ارتقای سطح موسیقی کشور می کوشد؛ شما هم باید –عزیزان دل!– هر چه بیشتر بکوشید.

امید است به حول و قوه الهی و با همت و وحدت اهالی اطلاعات، روند ویژه نامه ادب و هنـر باز هم تداوم یابد. و باز مرغ خیالم هوایی شـد و جشن هزارمین شمارگان ادب و هنر را ایـن بار در میان مردم و بـا کیک تولدی که به شـکل لوگوی ادب و هنر باشـد، در اندیشه ام تداعی کرد؟! به امید آن روز ...

قصهٔ من و سیصدمین شماره

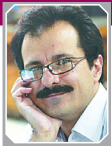
بقیه از صفحه۳

و او هر چه توضیح می‌داد، من قانع نمی‌شـدم تا ایـن که حوصله‌اش سـر رفت و با عصبانیت مرا هل داد و گفت: برو دنبال کارت آقا جان... چقدر مشنگی ؟! این حرفها به چه دردی می‌خوره؟ برو دنبال کارت! و هر چه کردم دیگر راضی به صحبت نشد که نشد! اما بعدها من به سعید نادری که شوهر پوری بنایی و در واقع شوهر خواهر اوست گفتم: بهش بگـو، کار خوبی نکردی، این به نفع تو بود کـه مردم روزگاران فردا از حرف‌های امروزی تو باخبر باشـند. نمی‌دانم سعید نادری پیام مرا به او رساند یا نه، ولی می‌دانم اگر سلسله گزارش‌هایم دربارهٔ ترانه «مرغ سـحر» را به چاپ برسـانم، او حتماً به یاد خاطره آن روز خواهد افتاد.

اینهـا را گفتـم که بدانید برخـی از مطالب پاورقـی «واکاوی ترانه‌هـای قدیمی» را چگونه و از کجـا تهیه می کنم. البته کتاب‌ها و نشـریات قدیمی کـه در کتابخانه ملی موجود اسـت، مرا خیلی یاری می‌دهد و نیز برخی از صاحب‌نظران و دوسـتان هنرمندم نیز مرا در دستیابی و ردیابی مطالـب راهنمایی می کننـد و همین جا به علاقه مندان این سلسـله پاورقی‌ها مژده بدهم که قرار اسـت این پاورقی‌ها به صورت کتاب هم از سال آینده منتشر شود که در این مورد هم به موقع شما را مطلع خواهم کرد.

«محمد علی کشاورز» در مراسم گرامیداشت خود در ارسباران:

خانم‌ها، آقایان، من مخلص همهٔ شما هستم!



هومن ظریف

بقیه از صفحه اول

با شـنیدن سخنان اسـتاد، بیشتر با این عصاره تئاتر و شـرف هنر ایران همدلی می کنم. درود می فرسـتم به محمدجعفر صافی، مدیر فرهنگسرای ارسباران که هنگام پاگذاشـتن پیرمرد بر روی سـن و جایگاه، موسیقی متن پدرسـالار را در سـالن طنین‌انداز کرد. و زخم دلم التیام می یابـد از دیدن دو منظره. منظره نشسـتن جوانی روی صندلی، در هنگام پخش سرود ملی و پوزخند فیلمبرداری جوان و خام، در هنگام سخنان پیرمرد. اما پیرمرد به تعبیر دکتر سعیدآبادی «جانی است چون شعله».

شـعله عشـق کشـاورز، بذر غرور ملّی را در دلم پروراند. اما سـعیدآبادی، دبیرکل کمیته یونسکو در ایران چنین گفته بود: «نمی‌دانم از کدام بُعد زندگی ایشان حرف بزنم. تصمیم گرفتم از دو بزرگ استمداد کنم.

از مولانا که گفت: «جانی اسـت چون شـعله ولی دودش زنورش بیشتر / چون دود از حد بگذرد، در خانه ننماید ضیاء/اگر دود را کمتر کنی، از نور شعله برخوری» اگر چه این سخن را، دکتر سعیدآبادی در شأن میرسیدعلی همدانی، عارف و عالم بزرگ ایرانی، پیشـتر گفته بود اما تکرار آن برای تجلیل از کشاورز، مصداق صدق مکرمت سعیدآبادی است، نسبت به استاد کشاورز.

سعیدآبادی در ادامه افزود: «مصداق این گفته مولانا را در شخصیت کشاورز می‌بینم که هم خود روشن است و هم فرهنگ و هنر ایران را روشن کرده است و اما شعری از فردوسی نیز مصداق اوست:

بکوشـید و نیکـی بـه بـار آوریـد
چـو دیدیـد سـرما، بهـار آوریـد
بـه پـاداش نیکـی بیابـی بهشـت
بـزرگ آن که جز تخم نیکی نکشـت

او جز نیکی و عشق و مهربانی در کشتزار هنر، بذری نکاشت و ما نیز به عنوان نماینده یونسکو، از فرهنگسرای ارسباران تشکر می کنیم و از اینکه بزرگان فرهنگی و هنری ایران را بشناسانیم، از هیچ کاری دریغ نمی‌ورزیم.»

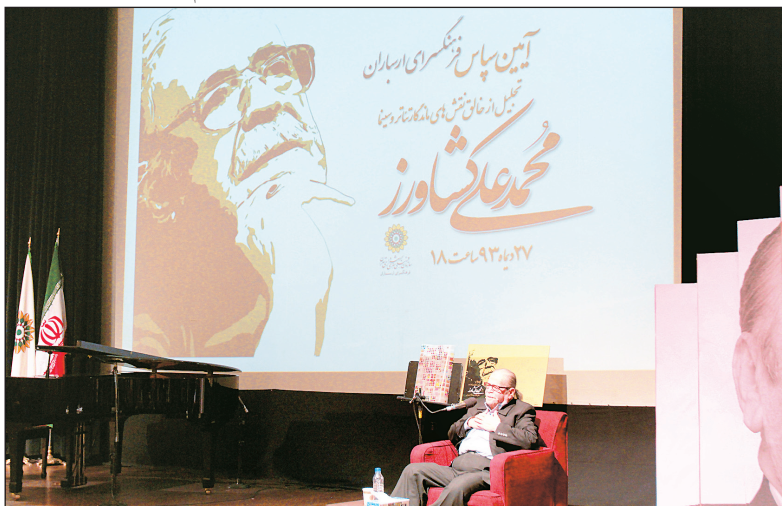
کشـاورز قله‌های افتخار را میلیمتر به میلیمتر پیمود تا به اوج رسید.

او در کارنامه هنری‌اش مصداق این سخن است که:

نـام نیکـو گـر بمانـد ز آدمـی
بـه کـزو مانـد سـرای زرنـگار

آنتیگون، آندورا، ادیپ شـهریار، بازی استرینبرگ، دایی وانیا، عاشق مترسک، لبخند با شکوه آقای گیل، همه و همه کارهای او هستند.

ده سـال پس از تأسـیس تلویزیون، یعنی ۱۳٤۷، او




در تلویزیون، غوغا کرد و سریال «خانه قمر خانم» او را به یاد می‌آوریم و مجموعه آنتروپولوژیک (انسان‌شناختی) «دایی جان ناپلئون».

او در این سـریال به نحو تحسـین‌آمیزی، نقشی به یادگار گذاشـت. آقای کشاورز، این جمعیت برای شما جمع شـده‌اند. گوهرهای باارزشـی که شـما را در میان



گرفته‌انـد. آیا این بزرگترین پاداش ٥٤ سـال کار هنری نیست؟

آیا خداوند جهان را به عدالت خلق نکرده است؟

شـب قوزی، زیر درختان زیتون، دلشدگان، مادر، کفش‌هـای میرزانوروز، کمال‌الملک و شـطرنج باد، به کارگردانـی مرد خردمنـد و مبتکر، محمدرضا اصلانی، خورشید در مرداب، فیلم فراموش‌ناشدنی بهرام بیضایی، رگبار، صادق کرده ناصر تقوایی. باید درباره تقوایی گفت که او همانند بدیع‌الزمان فروزانفر، بی درک مدرسه، به این درایت رسید، خشت و آیینه، آغاز موج نو سینمای ایران با ابراهیم گلستان، فیلم هالو و در مجموع باید بگوییم برای من افتخاری است که در کنار اصغر همت و جعفر صافی از کشاورز تجلیل می کنیم.»

در ایـن مجلس، ایرج راد، مدیرعامل خانه تئاتر نیز گفت: کشاورز، یکی از برجسته‌ترین هنرمندان این مملکت است. اینکه این مردم با عشق و رغبت و رضا در اینجا گرد آمده‌اند، بسـیار ارزشمند است. کشاورز، هنرمندی است که به عنوان انسـان بزرگ، انسـانیتش زبانزد است. یادم می‌آید سـال‌های دور، وقتی در شـبکه ۲، آثار زیبایی را می‌آفرید، خیابان‌ها خالی می‌شد. صدایش صلابت دارد

و خاص و شـاخص است و من در سال ۱۳٤۷، به عنوان شاگرد، نخستین کار نمایشی را با ایشان تجربه کردم.

کشـاورز کسـی نبود که برای جوان‌ها ارزش قائل نباشد. مخاطب او، همه سنین بود. همواره همه از وجود او بهره‌مند می‌شـدند. در روی صحنه تئاتر، با تماشـاگر، ارتباط برقرار می‌کرد و جاذبه‌ای خاص داشت.»

در نکوداشـت استاد کشـاورز، پیامکی نیز توسط اصغر همت به شـکلی هنرمندانـه و غیرمنتظره خوانده شـد: «هنرمند گرامی عزیزم آقای محمدعلی کشـاورز، بزرگداشـت شـما را تبریک می گویم. گرچه باز هم دیر است ولی جای شکرش باقی است.

کوچکت: عزّت.»

و این عزّت، جز عزّت تئاتر و سینمای ایران، انتظامی نبود.

در ادامه مراسم، سامان احتشامی دو قطعه موسیقی «پدر سالار» و «هزاردستان» را با کلاویه‌های پیانو بر قلب کشاورز نواخت.

جمشـید هاشم‌پور، که بارها، با عیادت از کشاورز، به وظیفه خود عمل کرده است؛ در سخنانی کوتاه در این مجلس گفت: من سالهاسـت که به استاد کشاورز ارادت دارم و افتخار داشـتم در یک اثر در کنار او حضور داشـته باشم و خیلی چیزها از استاد کشاورز یاد گرفتم.»

اکبر زنجانپور نیز گفت: آدم‌ها از تولد تا پایان حرکت می‌کنند و مراحل جوانی تا پیری را طی می‌کنند ولی هر آدم نماینده یک آدم اسـت، اما کشاورز، نقش‌های فراوانی را بازی کرده است و بر این اساس تجارب انسان‌های زیادی را در دل دارد. نباید او را و نقش‌هایش را تنها گذاشت.

از نکات شیرین این مراسم، حضور شاداب فریماه فرجامی، پس از سال‌ها بر روی صحنه بود که نوید شروع و آغاز تازه‌ای در کارهای هنری این بانوی توانمند سینما و تئاتر را می‌دهد.

فریماه فرجامی خیلی کوتاه و ذوق‌زده گفت: آقای کشاورز، من عاشق شما هستم. من سینما را عاشقانه کار کرده‌ام و دوباره ادامه خواهم داد.

نکته دیگر، مجری گری اصغر همت بود. او بازیگری و در برابر جمع، هنرآفرینی کردن را هیجان‌آمیزترین کار دنیا قلمداد کرد و کاشـف به عمـل آمد که او با افتخار و داوطلبانه مجری این مراسم شده است؛ بی چشمداشت.

در ایـن مراسـم، احمد مسـجدجامعی، مسـعود فروتن، نادر طریقت، بهروز بقایی، مهدی میامی، سـعید امیرسـلیمانی، محمد زرین‌دسـت، محمد متوسلانی، محمود بصیری، فریبا کوثری، داریوش اسدزاده، محمود کلاری، خسـرو خورشیدی و سـیدمحمود دعایی نیز حضور داشتند و در پایان این مراسم از تمبر یادبود استاد کشاورز رونمایی شد و تابلویی از طرف سردار طلایی و هدیه‌ای از سوی خانه تئاتر به ایشان اهدا شد.

اما تنها یک جمله که زیاد در بین مردم شنیده می‌شود، به‌عنوان کلید موفقیت استاد کشاورز، از این مراسم در ذهنم مرور می‌شود که استاد گفت: «خانم‌ها، آقایان، من مخلص همه شما هستم.» ترتیب واژگانش و آن «اخلاص»، عجب معجونی است.

نگارخانه

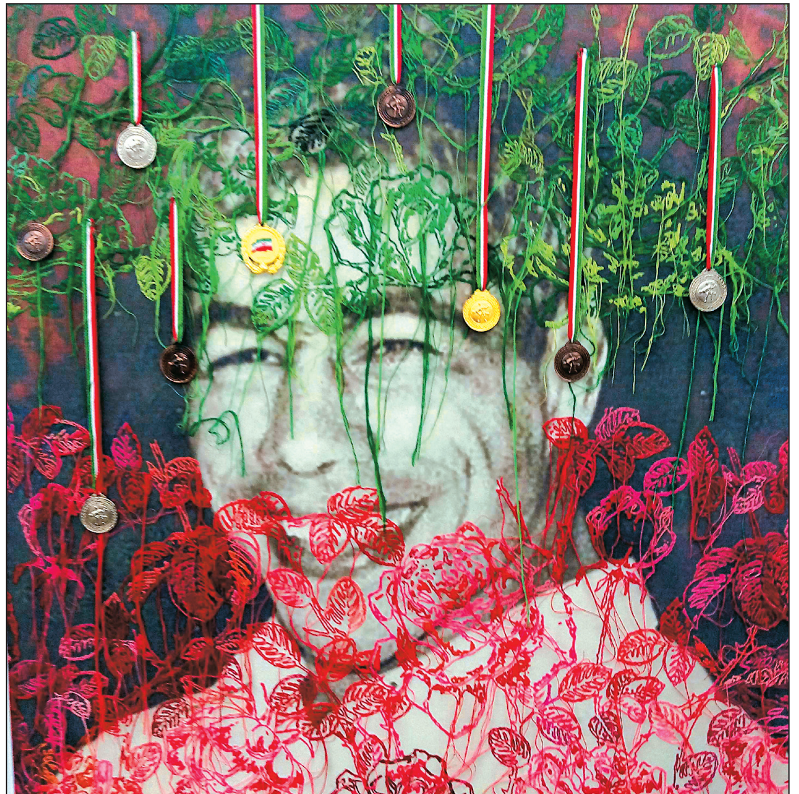
نگاهی به نمایشگاه «تختی از نگاه هنرمندان» در گالری شیرین

«تختی»، میدانش بی مجسمه است!



گلسا بحری

در اینجا هر کسی به یاد جهان پهلوان تختی، اثری از خود به جای گذاشته است . تمام این آثار با عشق به پهلوان تختی خلق شده اند و به همت آرش تنهایی گردآوری شده و در این نمایشگاه در معرض دید عموم قرار گرفته اند. روی میز گوشه گالری، کتاب «جهان پهلوان» اثر آرش تنهایی به چشم می خورد و نوشته های تنهایی در اول این کتاب نیز روی اولین دیوار گالری.



آرش تنهایی در نوشته های خود چنین آورده:«یک ـ نه رستم ششصد سال عمر کرد و نه اسفندیار روبین تن بود؛ اما آرزوی عمر دراز و بی مرگی همیشه با انسان بوده و هست. جهان پهلوان مرد آرزوهاست. درختی سر در آسمان ، اما ریشه در خاک و به سبب همین ریشه هاست که باورش می کنیم. این آرزوی ماست که جهان پهلوانی را ششصد ساله می کند و دیگری را روبین تن .

دو ـ جهان پهلوان، بالاترین درجه سپاه ایران پیش از اسلام بود. از جهان پهلوانان بسیاری در طول تاریخ ، اما تنها دو نام در خاطره ها ماندگار شده است. رستم پسر زال را شاهنامه «جهان پهلوان » می خواند و تاریخ معاصر ،غلامرضا تختی را ...»

آرش تنهایی در شش مورد غلامرضا تختی را توصیف کرده و در گام ششم این چنین نوشته است: «سربلندی قهرمان سرافرازی ملت است ، اما تختی میدانش بی مجسمه مانده است. هیچ موزه یا خانه ای ندارد. جایی که بتوان کتاب ها، مقالات و آثاری درباره او خواند. صدایش را شنید، فیلم کشتی هایش را دید، و با زندگی و منشش آشنا شد و بسیاری که در این نمایشگاه گرد آوری شده اند ، میتوان آنها را برای همیشه در خانه – موزۀ تختی به نمایش گذاشت و آن را به موزه زنده ای تبدیل کرد؛ که محل آمد و شد جوان ها باشد. اما این دیگر در توان یک نمایش گردان نیست. این دیگرانی را طلب می کند که این سرزمین و پهلوانش را دوست دارند.»

در صفحات دیگر کتاب، تصویرهای آثار موجود در این نمایشگاه حک شده و البته تصاویر هنرمندانی که خالق این هنرها بودند. بعداز نوشته‌های آرش تنهایی مجسمه ای از چهره غلامرضا تختی که از آثار جعفر نجیبی است، به چشم می خورد. به ترتیب آثار روی دیوارها گذاشته شده اند. اولین تابلو، تابلوی نقاشی از شهرام کریمی است که چهره غلامرضا تختی را به نمایش گذاشته است.

همچنین تابلوی نقاشی خط از ابراهیم حقیقی که روی آن نوشته شده:«چو خورشید در شب درخشیده ای». و نقاشی از رضا بانگیز که تختی را با لباس مخصوص کشتی به نمایش گذاشته است .

نقاشی با تکنیک راپید نیز از علی اکبر صادقی که روی آن تصویری از رستم و سهراب دو اسطورۀ شاهنامه فردوسی کشیده شده، به نمایش در آمده است. تابلوی بعدی متعلق به حامد صحیحی است که روی آن نوشته شده:« MUSCLE MEMORY»(حافظه عضلات). و تصویر تختی با دو بنده قرمز نمایش داده شده؛ اما در این تصویر چهره وی مشخص نیست.

اثر بعدی، تابلوی برجسته ای از تشک کشتی



و غلامرضا تختی در حالت های مختلف اجرای فنون کشتی از کامبیز صبوری است. تابلوی عکس از جاوید رمضانی و تابلوی برجسته ای از محمد علی بنی اسدی از جمله این کارهاست. پارچه ای گلدوزی شده از فرشید لاریمیان و حسام سماواتیان نیز که روی آن نوشته شده:«مظلوم تختی » به چشم می خورد.

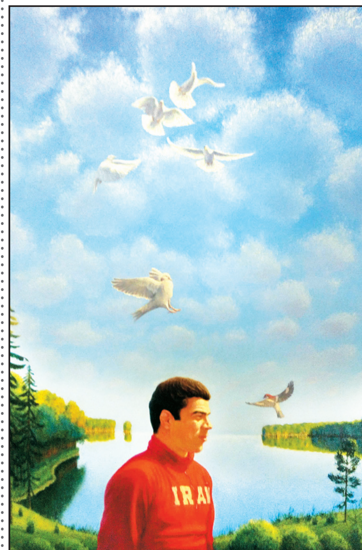
از دیگر آثار این نمایشگاه، تابلویی سه بعدی اثر شکوفه فلاح از تشک کشتی ، ۳ نقاشی از دلبر شهباز و مجسمه ای کوچک از غلامرضا تختی ،سه مجسمه به رنگ های سبز سفید و قرمز به نماد پرچم ایران از غلامرضا تختی اثر قدرت الله عاقلی ، کارت شناسایی ملی اثر علیرضا معصومی که روی آن نوشته شده: نام: جهان پهلوان / نام خانوادگی : تختی /نام پدر: رجب /شماره شناسنامه :۵۰۰ ، کتاب فرهنگ لغت از ماهو توسی که تختی را این گونه معنا کرده است:

«پهلوان، جوانمرد،حق شناس، دارنده حجب و حیا، به معنی ادب، کسی که فرودستان و نیازمندان را دستگیری می کند، پایبند به آیین جوانمردی، راز آلود، تختی غیر قابل ترجمه به زبان های دیگر است اگر myth را معادل آن بیاوریم، غلو آمیز است. اگر hero را معادل آن بیاوریم امساک کرده ایم.»

دو نقاشی از صحنه رقابت جهان پهلوان تختی، اثر شانیا ذاکر عاملی و کاشیکاری از تصاویر این پهلوان اثر خسرو حسن زاده،در نمایشگاه چشم نوازی می کرد. همچنین از دیگر آثار این نمایشگاه می توان از نقاشی از بزرگمهر حسین پور از تختی درون کوچه های طهران قدیم،نقاشی از سعید رفیعی که روی آن نوشته شده: خانی آباد ۱۳۰۹ /هتل آتلانتیک ١٣٤٦ ، نقاشی های دیگری از علی خسروی ، جاهد سربلند، سیمین کرامتی ، محمد مهدی طباطبایی ،بهمن بروجنی ،امید شایان، جمشید حقیقت شناس ،نگاره آیت اللهی ،مهدی سیفی و حسین تمجید،نام برد.

اثر سمیرا علیخانزاده در باب آینه‌ای که در پشت آن تصویری از تختی به نمایش گذاشته شده و اثری از رزیتا شرف جهان که روی تصویر جهان پهلوان به نماد رنگ های پرچم ایران گلدوزی کرده و مدال های وی روی آن گذاشته شده است ،مجسمه ای از ملک دادیار گروسی و نقاشی پهلوانی که روی دوشش بار سنگینی است اثر داریوش رادپور،نقاشی برجسته ای از رضا هدایت که شمایی از باغ بهشت را نشان می دهد و غلامرضا تختی و مادرش درون آن ایستاده اند.

یک نقاشی از روی تشک کشتی اثر علی ذاکری و آثار نقاشانی چون معصومه مظفری ،علی بیگی پرست ، نصرت الله مسلمیان، بهزاد شیشه گران ، کیان وطن ،خسرو خسروی ،مهرداد ختایی نیز در



این نمایشگاه ،به چشم می آمد. و در آخر نیز مجسمه کوچکی اثر شهرام انتخابی از تختی که به نمایش گذاشته شده بود.

در گوشه ای از کتاب جهان پهلوان خواندم که نوشته شده بود:«... به راستی هم تختی یکی بود و دومی نخواهد داشت ... جمشید مشایخی».

عکس ها از:هدیه داوری

طنز در بوستان سعدی



محمدعلی علومی

۵۰

باب اول
در عدل و تدبیر و رای
حکایت

شنیدم که فرماندهی دادگر
قبا داشتی هر دو روی آستر
یکی گفتش ای خسرو نیکروز
ز دیبای چینی قبایی بدوز
بگفت این قدر ستر و آسایشست
وزین بگذری زیب و آرایشست
نه از بهر آن می ستانم خراج
که زینت کنم بر خود و تخت و تاج
چو همچون زنان حُلّه[1] در تن کنم
به مردی کجا دفع دشمن کنم؟
مرا هم ز صد گونه آز و هواست
ولیکن خزینه نه تنها مراست
خزاین پر از بهر لشکر بود
نه از بهر آذین[2] و زیور بود
سپاهی که خوشدل نباشد ز شاه
ندارد حدود[3] ولایت[4] نگاه
چو دشمن خر روستایی بَرَد
مَلک، باج و دَه یک چرا می خورد؟
مخالف خَرَش بَرد و سلطان خَراج ۵
چه اقبال ماند در آن تخت و تاج؟
رعیّت درختست، اگر پروری
به کام دل دوستان برخوری

سعدی، هم در نثر و هم در نظم، استاد مسلم و حتی بی نظیر ادبیات فارسی است. کلام او سهل و ممتنع است. سهل است زیرا به زبان مردم عادیٍ و عامی و به زبان گفتار روزمره نزدیک است. مثلاً به همین بیت نخست توجه کنید:

شنیدم که فرماندهی دادگر
قبا داشتی هر دو روی آستر

این زبان، همان زبان بدون تعقید و پیچیدگی های ساختگی، زبان مردم است؛ اما در همان حال زبان نثر و نظم سعدی، صلابت و فصاحت دارد:

یکی گفتش ای خسرو نیکروز
ز دیبای چینی قبایی بدوز

جمع آوری میان این دو ویژگی، یعنی روانی و سادگی زبان با فصاحت، بلاغت و صلابت، باعث می‌شود که زبان سعدی سهل و ممتنع محسوب شود و هنوز از پس قرن‌ها، کلام او دلنشین و دلنشان و ماندگار و نمونه‌ای عالی از زبان فارسی باشد.

در حکایتی که مطالعه شد، با طنزی چند لایه مواجه هستیم: ١ـ طنز موقعیت، ٢ـ طنز آشکار، ٣ـ طنز کلام و عبارت، به این شرح که:

الف ـ داستان (یا حکایت) طنز موقعیت است؛ چرا که فرمانده، برخلاف همگنان و همردیفان خود و به رغم توانایی مادی و مالی، جامه‌ای ساده دارد. به‌خصوص توجه به این نکته مهم است که جامۀ فاخر، در انظار ظاهر بین و ظاهر پسند عامه، خود به خود جایگاهی برجسته برای صاحب جامه فراهم می‌آورد. حتماً آن لطیفۀ مشهور از ملانصرالدین را شنیده‌اید که به مجلسی به‌عنوان مهمان حضور داشت و چون با جامۀ فقیرانه رفته بود راهش ندادند، ملانصرالدین جامه عوض کرد و با لباسی فاخر به مهمانی رفت و در آنجا مرتب، آستین در بشقاب می‌زد و می گفت که: آستین! پلو بخور.

در این حکایت، فرمانده به رغم ظاهر بینی عامه با وجود مقام بالا و تمکن مالی، جامه‌ای ساده، نظیر مردم فرو دست اجتماعی پوشیده است و همین رفتار باعث شده است که...

ب ـ طنز آشکار است. در طنز آشکار تقابل‌ها و تضادهای طنز آمیز صراحت دارند. نظیر همین مورد که فرمانده‌ای توانگر، جامۀ سادۀ مردم عامی و رعیت را پوشیده است.

پی نوشت:
١. جامۀ فاخر
٢. زینت
٣. مرزها
٤. کشور، و نیز به معنای حکومت
٥. مالیات

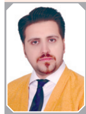
ادامه دارد

سبزینه
زیر نظر: عبدالجبار کاکایی

موسیقی

بررسی مکاتب موسیقی کلاسیک دنیا – ۲۰

چین و فرازها و فرودهای موسیقی



عماد فرخ‌نیا

بدین اشاره رفت که موسیقی چین پس از ورود آئین بودا به تدریج دچار تغییر شد. آئینی که از طریق سرزمین هند بزرگ به سوی چین پهناور آمد و می‌رفت که همچون هر فرهنگ اصیلی، هم تأثیر بپذیرد و هم تأثیر بگذارد.

حدود سال‌های ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلادی، عصر سیادت سازهای کوبه‌ای در اقصی نقاطِ چین است. سازهای طبل بزرگ، ناقوس بزرگ، زنگِ بزرگ، سنج‌های دایره و سه‌گوش زنگوله، شالوده موسیقی چین را شکل داده و مداوماً بر تنوعشان افزوده می‌شد.

در آواز نیز به موازات سازها، پیشرفت صورت می‌گرفت، بیش از هرنوع آواز، این مناجات بود که توجه ویژه هنرمندان را معطوف به خود می‌داشت.

در میان سازها، سازی به نام زِیْتر (Zither) که به شکل ۵ یا ۷ سیمه ساخته می‌شد، به شدت مورد اقبال حکیمان و هنرمندان چینی واقع شد. نواختن و همزمان، خواندن به شکل ویژه‌ای مورد توجه بود. در کنه باورهای موسیقیدانان این، موضوع به شدت مورد توجه بود که هیجانات، کنِش‌های حسی و هر نوع کیفیت عاطفی و شور و شوق حین نواختن و خواندن می‌بایست کنترل شود، و از یک فخامت اشرافی و عقلانی به قصد رسیدن به آرامش برای نوازنده و مخاطبین فاصله نگیرد. پس هرگز موسیقیدان چینی نمی توانست هیجانات، رفتارها و احساسات خویش را رها سازد تا هرکجا می خواهد برود و به هر صورتی بروز یابد. رعایت توازن و آراستگی، حتّی در بروز کنش‌ها، امری بس مهم است. در این بین، هم اصول هستی شناختی دین و حکمت باستان به شدّت بر موسیقی چین (بودائی) حاکم است و هم ترکیب آسمانی خلقت نزد حکما و هنرمندان، جالب آن که حتّی نواختن یک نُتْ، به ویژه باسازی چون «زیتر» بدون انگیزه مذهبی و خارج از مراسم مذهبی از اساس ممنوع و به تعبیری معصیت بود.

در قرن سوم میلادی برای نخستین بار چیزی شبیه به شاستی یادکمه (کلاویه) در فرهنگ موسیقی چینی اختراع می‌شود. بدین ترتیبَ که قطعه‌ای تقریباً کوچک (به اندازه ۲×cm۲) بر روی دسته سازها تعبیه می‌شد، این دکمه که از جنس صدف بود، بافشار بر سیم بر نقطه‌ای خاص که این نقطۀ خاص بود، صدای تِم (tem) متفاوت می‌یافت.

پس همین پیشرفتَ سبب ساز تَنوعّ بیشتر در ساختمانِ سازها و قابلیت‌های بیشتر اجرائی شد.

رقصَ نزد موسیقیدانان و عامه مردم در فرهنگ چین در مقایسه با مفهوم رقص در فرهنگ هند و بسیار متفاوت است. مفهوم رقص در سنت هنری چین، برآمده از باورهای تامّ و تمام مذهبی است. اگر مذهب و رویکرد الهی آئین لائو سیس کنفوسیوس و نهایتاً ورودِ بودائیسم به چین را از رقص چینی جدا سازیم، عملاً خود رقص هم وجود نخواهد داشت.

حدود قرن ٤ تا ٥ میلادی، عملاً رقص جای خویش را در موسیقی چین تثبیت کرد. یکی از سروده‌های کونگ فو (کنفوسیوس) در ٦ فرم اجرایی حفظ شده است که مسلماً بیش از یکهزار و ششصد سال است که نوازندگان حداقل در ۳ روایت آن با یک فلوت در دست چپ و یک پر قرقاول نر (که در سنت‌های چینی تجسم زیبایی، وقار و ثروت است) در دست راست، حین اجرا می رقصیده و اشعار کونگ فو حکیم را می خوانده‌اند.

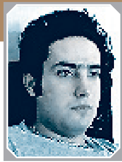
در هر برگردان، رقاص‌ها و رقاصه‌ها تا ۳۲ پوزیشن را می توانستند ارائه دهند. در واقع، در هر رقص چینی خلاقیت امر مهمی است و در عین حال رقص می بایست به شدت همان ضخامت، وقار، درونگرایی و دوری از سبکسری و حس شهوانی و عمق فلسفی، دینی را همواره حفظ کند.

موسیقی چین همواره سعی وافر داشته تا خرد و ذهن آدمی را برای رسیدن به آرامشی که میوه خرد حقیقی و نیروی برتر هستی است، یاری رساند. هرگز موسیقی چین به قصد تفنّن و لذت شکلِ نیافته و رشد نکرده است. موسیقی بر نظام ریاضی کاملادقیق ۷و ۱۲ پرده‌ای حکماو ریاضیدانان تحقق یافت و تطبیق کامل هندسی با حکمت آسمانی یافت و به شکل مستمر، همخّوانی هنر با حکمت چینیان سنجیده می شد تا مبادا تخطّی از اصول حکمت صورت گیرد یا موسیقی رنگ اِبتذال یابد.

ادامه دارد

گذری بر کتاب «این حق من نبود»، سروده آرزو رمضانی

جای خالی اتفاق



بهروز آقاکندی

یک

یکی از نکاتی که در همان تورق اولیه کتاب «این حق من نبود» آرزو رمضانی توجه مخاطب را جلب می کند؛ کلی گویی هایی است که در آثار این کتاب دیده می شود؛ یا به تعبیری، گفتن هایی که جایگزین نشان داده شده اند. بخوانید:



از دست تو دق کردم از دست تو غمگینم
من شبای تاریکو
از چشم تو می بینم (ص۲٦)
جز تو که بدی با من... من با همه بی رحمم
با این که بدی...
خوبم معنی شو نمی فهمم (ص۲۵)

واقعیت قضیه آن است که امروز مخاطب ترجیح می دهد به جای شنیدن مفاهیم کلی مثل: غم، تنهایی، بی رحمی و... آن هم به صورت صریح و با استفاده از خود آن کلمات، در اجرایی دقیق، آن بی رحمی و تنهایی را در ساخت و پرداختی شاعرانه ببیند. افلاطون می گوید ما آن چیزی می شویم که می بینیم؛ نه آن چیزی که می شنویم.

طبیعتاً شما از دیدن صحنه تصادف یک کودک بیشتر متاثر می شوید تا از شنیدن خبر یک خطی آن از دهان همسایه بغلی (می تواند همسایه رو به رویی هم باشد یا طبقه پایینی، ببنید با کدام راحت ترید)؛ چون احتمالاً رنگ لباس کودک را دیده اید؛ لبخندش را وقتی که داشته دنبال بادکنکش به خیابان می دویده؛ و شاید حتی رنگ بادکنکش هنوز در ذهن شما باشد. و نم نم بارانی که خیابان را خیس و لیز کرده بود.

می بینید؟ وقتی به سمت اجرای مفاهیم حرکت می کنیم، کم کم جزییات وارد کار می شود و مهمتر از همه «روایت عمودی» که باعث می شود اثر علاوه بر حیات در فق (بیت) در قسمت عمودی هم حیات پیدا کند و مخاطب احساس کند نیاز دارد تا بیت آخر پیش برود و... ویژگی هایی که جای خالی آنها در آثار رمضانی دیده می شود. بخوانید:

«دستای تو بدون من خالی تر از همیشه بود / برای سنگ چشم تو قلبم شبیه شیشه بود / تنهایی دنیامو گرفت سنگ تو قلبمو شکست / کی جز تو تو این ماجرا چشماشمو رو خاطره بست / تو این شبای بی صدا فاصله حق من نبود / فرصت خوبی واسۀ نبرد تن به تن نبود / تو این نبرد بی حریف تو بردی و من باختم / خونه آرزوهامو من روی دریا ساختم / دستای تو بدون من خالی تر از همیشه بود / تو رؤیایی که داشتم هیچکی شبیه تو نبود / ببین چی اومده سرم با همین اشتباه تو / به حرمت روزای خوب میگذرم از گناه تو / تو این شبای ب...»

وضعیت در تمام بیست و هشت اثر دیگر به همین منوال است که ما با روایت کسی مواجهیم که در حقش جفا شده و تنها مانده و... . به نظر می رسد رمضانی در این کتاب دچار نوعی خودسانسوری شده است. خودسانسوری که اجازه طرح شاعر را گرفته وضعیتی که کم و بیش همه کسانی که دست به قلم می برند، با آن مواجهند و فرقی هم نمی کند شما در ایران باشید یا آمریکا. وقتی گراهم گرین نویسنده مشهور انگلیسی صاحب اثر کم نظیر «امریکایی آرام» هنگامی که کار نوشتن رمان مقلدها تمام می شود، به ناشرش می نویسد:

«ببین! دیگر خسته شده ام از این که خوانندگان، زندگی خصوصی من و شخصیت های مرا یگانه فرض کرده اند. اصلاً هم میل ندارم که این بار توی نشریات زرد بنویسند که گرین مثل شخصیت این رمان، نام پدرش درپرده ای ازابهام است!»

البته این یک طرف قصه است و طرف دیگر آن توجه به این نکته است که هرچقدر هم ما بزرگ باشیم، وقتی تنها راوی خودمان باشیم، خیلی زود تمام می شویم و در دایره ای به تکرار خودمان می رسیم. حال فکر کنید اگر در همان دغدغه های شخصی هم برای بیست و نه اثر در یک کتاب در تمامی آنها سایه یک مضمون روی کارها افتاده باشد؛ چه وضعیتی پیش خواهد آمد. نکته ای که به نظر می رسد از دید شاعر کتاب «این حق من نبود» دور مانده است، بخوانید:

«با این که فاصله داریم هنوزم عطر تو اینجاست /هنوزم عاشقت هستم هنوزم از چشام پیداست / هنوزم از چشام پیداست که خیلی دوستت دارم / اگه برگردی پیش من دیگه تنهات نمی زارم /دلم می خواد بی وقفه به عشقت مبتلا باشم /از احساس تو یک لحظه م نمی تونم جدا باشم /به یاد تو که می افتم دلم خوش میشه هر لحظه /جدایی از تو آسون نیست برام دلتنگی محضه / شب و روزم رو پر کردی از احساسی که رویا نیست /برای من که دل بستم شبیهت توی دنیا نیست / دلم می خواد...» (ص ۳۱)

آثاری که از طرفی دیگر جای خالی کشف و شهود یا اتفاق شاعرانه در حوزه های مختلفی مثل جهان بینی تصاویر، بازی های زبانی و ... در آنها احساس می شود. مضاف بر آن که تکرار مضامین و پرداخت های تکراری، گاه ابیات را از ورطه سهل بودن به سمت سطحی بودن سوق می دهند. مثل:

«به یاد تو که می افتم دلم خوش میشه هر لحظه/ جدایی از تو آسون نیست برام دلتنگی محضه»

یا:

«هیچ وقت تنهام نذار بغضمو پرپر نکن/عاشقتم همیشه قهرم باور نکن» (ص ۲۰)

آثاری که به لحاظ زبانی، گاه فصاحت خود را از دست می دهند بخوانید :

«تو دنیایی که تقویم می پرسته / گذشته بخشی از آینده مونه / با گریه میگذره هر لحظۀ ما / که گریه ابتدای خندمونه»

و همان طور که می بینید، رسانایی زبان خصوصاً در مصرع اول (تو دنیایی که تقویم می پرسته)، از بین می رود و ساحت اثر بیشتر به سمت شعر میل می کند تا ترانه؛ وقتی حتی نوع اندیشه هم از جنس اندیشه ای محاوره ای نیست و باعث شده تا یکدستی زبانی هم از بین برود و کار به لحاظ زبانی به ورطه تکلف کشیده شود.

شعر امروز

برای استاد سهیل محمودی عزیز همزمان با سال روز تولدش

اوج و فاصله





افشین علاء

حیف است نیش خامه به میل رتیل ها
شعر و خطا به دستخوش حیف و میل ها
از ناکسان توقع مردانگی خطاست
در قحط سال فضل چه جای فضیل ها
اینجا که هم به فسق نهان فخر می کنند
هم گریه عیان به دعای کمیل ها
جای سمندر است، نه جای قلندران
دکان و دفتر است، نه جای سهیل ها
با خلوتت بساز که بیگانه‌ای هنوز
با شعر بخشنامه‌ای و باب میل ها
جای تو صدر محفل رندان عالم است
هر چند فارغی تو از این صدر و ذیل ها
در موج خیز حادثه، جدت پناه توست
دیگر تو را چه بیم ز توفان و سیل ها
خیل خسان اگر چه به انکارت آمدند
دلداده تواند به هر گوشه خیل ها
خفاش‌ها تو را نتوانند برفراز
بینند چون عقاب، از اعماق ویل ها
مثل ستاره نور بیفشان و دور باش
چون هست اوج و فاصله سهم سهیل ها

۹۳/۱۰/۲۷

نهنگ یا دریا

کیانوش خان محمدی

پرسیدم
پدر
نهنگ بزرگتر است یا دریا
گفت: معلوم است پسرم، نهنگ
برای همین است که از دریا بیرون می زند

طنزستان

کار در شعر حافظ



زهرا آذری

حافظ در جوانی خود، روزی الکی غم های گذشته و آینده را فراموش می کند و این که چه اندازه برای یافتن کار به درگاه خداوند دست به دعا برداشته بود را به یاد می آورد:

ز شست صدق گشادم هزار تیر دعا
ولی چه سود یکی کارگر نمی آید

(که در ایهام اشاره هم داشته به اینکه بنده خدا راضی به کارگری هم بوده است و جور نشده.) این بود که عزم خود را جزم می کند که کاری بیابد:

برسر آنم که گر زدست برآید
دست به کاری زنم که غصه سر آید

و از خانه بیرون می زند و با دیدن اولین آگهی استخدامی می فرماید:

همیشه پیشه من عاشقی و رندی بود
دگربکوشم و مشغول کار خود باشم

وبا عجله به سراغ مورد می رود و در صف انتظار می نشیند و فرم های خانم منشی را هم پر می کند و به بی کاران جمع شده در آن مکان می اندیشد و در ذهن خود زمزمه می کند:

بود آیا که در میکده ها بگشایند؟
گره از کار فروبستهٔ ما بگشایند؟

و با این که مصرع قبلی این بیتی که می خواهم بگویم را یادش نمی آید، لبخندی می زند و می گوید:

دل قوی دار که از بهر خدا بگشایند!

جوانان و پیران بیکار یکی یکی به داخل اتاق گزینش فراخوانده می شوند و حافظ همچنان منتظر است و دردلش آرزوهایی دارد:

یارب کی آن صبا بوزد کز نسیم آن
گردد شمامه کرمش کارساز من

کەناگاەیکی ازمدیران استخدامی که گوشی اش زنگ زده بوده و می خواسته جواب بدهد، از اتاق بیرون می آید و حافظ گل از گلش می شکفد که طرف را می شناسد:

ساقی بیا که از مدد بخت کارساز
کامی که خواستم ز خدا شد میسرم!

(اسم آشنای حافظ گویا «کامبیز» بوده که به صورت مخفف کامی آورده شده است!)

و آرام به طرف می گوید:

این یک دو دم که مهلت دیدار ممکن است
دریاب کار ما که نه پیداست کار عمر

طرف لبخندی به حافظ می زند که یعنی «اوکی» .حافظ دوباره می گوید:

چو در میان مراد آورید دست امید
ز عهد صحبت ما در میانه یاد آرید

(که منظور از «میانه» همان هیات ژوری حاضر در صحن علنی گزینش است.)

طرف درجواب حافظ چشمکی می زند و بر می گردد توی اتاق. حافظ دوباره یک ساعت دیگر در انتظار می نشیند و عاقبت با شنیدن اسمش قبل از ورود به اتاق به خود یادآوری می کند:

مدد از خاطر رندان طلب ای دل ورنه
کارصعب است مبادا که خطایی بکنیم

و با احتیاط وارد اتاق می شود و در مقابل هیأت گزینش می ایستد و منتظر سؤال و جواب می شود. گزینش سرتاپای حافظ را ازنظر می گذراند و می گوید: «متاهلی؟»

حافظ می گوید:

به هرزه بی می و معشوق عمر می گذرد
بطالتم بس از امروز کار خواهم کرد

گزینش پوزخندی می زند و می گوید: «ما مجردها را استخدام نمی کنیم؛ شرمنده!»

حافظ می فرماید: «من عاشقم، اما هنوز عشق مورد نظرم را نیافته ام. این چه فرمایشی است حاج آقا ؟!

برو به کار خود ای واعظ این چه فریاد است ؟
مرافتاده دل از ره، تو را چه افتاده است؟"

گزینش تسبیحش را می چرخاند و استخاره می گیرد که حافظ آدم درستی است یا نه و آیا استخدام او در سازمان مورد نظر خیری دارد؟ که حافظ با طنز می فرماید:

هر گه که دل به عشق دهی خوش دمی بود
درکارخیر حاجت هیچ استخاره نیست!

گزینش که از بلبل زبانی حافظ کمی رنجیده است، در گوش محتسب و آشنای حافظ و معاون و مدیر چیزی می گوید. آشنای حافظ ــ کامی ــ با رندی بحث را عوض می کند و از حافظ می پرسد: «اگر استخدام شدید، چه اندازه تعهد کاری و عشق خدمت به مردم دارید؟»

حافظ می فرماید:

چو شمع صبحدمم شد به مهر او روشن
که عمر در سر این کار و بار خواهم کرد!

آشنای حافظ می گوید: «به به! دیدید حاج آقا ایشون چه قدر متعهدند؟!»



گزینش دوباره سر درمیانه می کند و نظر جمع را عوض می کند.

حافظ در دلش می گوید:

"فی الجمله اعتبار مکن بر ثبات دهر
کاین کارخانه ای ست که تغییر می کنند "

و منتظر ادامه مراحل گزینش می شود. معاون می پرسد: «پسرم، شما سابقه کاری هم دارید؟ شغل قبلی تان چی بوده؟»

حافظ با همان لبخند مسحور کننده اش می گوید:

مرا روز ازل کاری به جز رندی نفرمودند
هر آن قسمت که آنجا رفت، از آن افزون نخواهد شد

یکی از گزینشی ها بلند می خندد و می گوید: «آخه رندی هم شد کار ؟! لابد توی میخانه هم کار می کردی!»

حافظ می فرماید:

بر در میخانه رفتن کار یکرنگان بود
خودفروشان را به کوی می فروشان راه نیست

گزینش می گوید: «منظورت اینه که ماهم که یکرنگیم، اهل میخانه ایم؟ تهمت می زنی؟!»

حافظ می فرماید:

محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد ببرد
قصه ماست که در هر سر بازار بماند!

و در جواب «چی گفتی؟! نشنیدم» او اضافه می کند:

در کارخانه ای که ره عقل و فضل نیست
فهم ضعیف رای فضولی چرا کند؟

گزینش عصبانی از پشت میز بلند می شود که آشنای حافظ او را می نشاند و می گوید: «چیز خاصی که نگفت. ایهام داشت. اگه جای این آمار و حسابداری یک ذره ادبیات خوانده بودی، برداشت غلط نمی کردی داداش!»

منشی وارد می شود و گزینش در گوشش چیزی می گوید. منشی تاتو کرده صدو ده کیلویی، نگاهی حاکی از تاسف به حافظ می اندازد و با گفتن «چشم قربان، الان زنگ می زنم حراست» از اتاق خارج می شود. حافظ در ذهنش می گذراند:

دوستان دختر رز توبه ز مستوری کرد
شد سوی محتسب و کار به دستوری کرد!

آشنای قدیمی حافظ که متوجه دستور گزینش می شود، رو به حافظ اشاره می کند که: «برو.... فرار کن!»

حافظ رو به آشنایش می گوید:

ما را ز منع عقل مترسان و می بیار
کان شحنه در ولایت ما هیچ کاره نیست!

و به سمت در خروجی راه می افتد و از جلوی منشی می رود سمت راه پله مخصوص بیکاران و می آید بیرون. درکنار پارک، پیری چنگی را می بیند که با دیدن حافظ زیباتر می نوازد. حافظ می گوید:

دلم ز پرده برون شد کجایی ای مطرب
بنال هان که از این پرده کار ما به نواست

(آهان آهانی که در دوره معاصر برای برخی حرکات موزون نادرست به کار می رود، گویا از همین بیت گرفته شده است.)

پیرچنگی می گوید: موسیقیو دوست داری ...نه ؟!»

حافظ می گوید: عاشقشم. خودم گفته ام که:

مطرب کجاست تا همه محصول زهد و علم
در کار چنگ و بربط و آواز نی کنم ؟

پیر چنگی می گوید: نکنه بی کاری ؟

حافظ می گوید:

گداخت جان که شود کار دل تمام و نشد
بسوختیم در این آرزوی خام و نشد "

پیرچنگی می گوید: "برو دنبال کار دولتی

حافظ می فرماید: اتفاقا خواب دیدم که کار دولتی و رسمی دارم. برای همین امروز اومدم دنبال کار.

دیدم به خواب خوش که به دستم پیاله بود
تعبیر رفت و کار به دولت حواله بود

پیرچنگی می گوید: این که پیاله دستت بوده و کارتم دولتی بوده، تعبیرش اینه که آبدارچی می شی .نونت تو روغنه!

حافظ از تعبیر خواب نیکویی که پیرچنگی درکرده است، تشکر می کند و بنا به دلایلی به همان آشنایش زنگ می زند و تقاضای تجدید نظر می کند:

آن که کارش گره از کار جهان بگشاید
گو در این کار بفرما نظری بهتر از این

اما آشنایش جواب حافظ را نمی دهد و حافظ دوباره روی پیغام گیر همراه او می فرماید:

چو دل در زلف تو بسته ست حافظ
بدین سان کار او در پا میفکن

و دیگر با آشنای ـ برای لای جرز خوبش ـ تماس نمی گیرد و خسته به طرف خانه استیجاری اش راه می افتد که دریوزه ای پاچه اش را می چسبد و تقاضای پول می کند. حافظ با دیدن گدا می فرماید:

شکر خدا که از مدد بخت کارساز
بر حسب آرزوست همه کار و بار دوست!

گدا می گوید: نه بابا ... بده در راه خدا ...آواره ام، بیچاره ام!

حافظ می گوید:

دلا مباش چنین هرزه گرد و هرجایی
که هیچ کار زپیشت بدین هنر نرود

گدا ناله کنان می گوید: مگر خودت نگفتی که: «کاندر این کشور گدایی رشک سلطانی بود»؟... پس چرا به من میگی هرجایی و هرزه گرد؟! دستت درد نکنه حافظ!

حافظ می گوید: من که هنوز دیوان شعرم را چاپ نکردم. تو شعر منو از کجا بلدی؟!

گدا در جواب حافظ می گوید:

ترک گدایی مکن که گنج بیابی
از نظر رهرویی که در گذر آید

و حافظ را از تحیر به تعجب دچار می کند تا از خود بپرسد:

چون این گره گشایم، وین راز چون نمایم ؟
دردی و سخت دردی، کاری و صعب کاری

و می رود که طبق روال سال های گذشته غاز بچراند!...

از فرمایشات ما

شفاف سازی هزینه ها



رضا رفیع

مگر که این مراکز تخصصی و کارشناسی مربوط به آمارگیری، بدون جوگیری، یک حرکتی ــ ولو به قول وزنه برداران، دوضرب ــ بکنند که معلوم شود آیا دخل ما با خرج ما جفت و جور است؛ یا که به قول سعدی کم خرج، دخلمان نوزده است و خرجمان بیست! (که در این صورت، باز به قول همان سعدی علیه الرحمه، بر احوال مان باید گریست!)

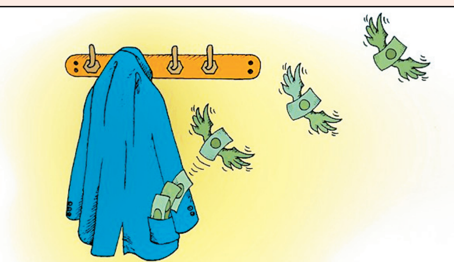
اصل سند:

بر احوال آن شخص باید گریست
که دخلش بود نوزده، خرج بیست

خدا را صدهزار مرتبه شکر که باز هنوز بعضی از مراکز مردمی دلسوز هستند که تلاش دارند تا سر از هزینه های زندگی اقشار مختلف ملت در آورند و در انظار عمومی و مسؤولان مملکتی، آن را علنی کنند؛ بلکه تقی به توقی خورد و مداخل مان بیشتر از مخارج مان شد. (البته اگر برعکس نشود، باز جای شکرش باقی است. شانس که نداریم؛ می بینید آمدند هدفمند مداخل ملت را کم کنند، زدند خیلی شیک و هدرمند، مخارج آنها را زیاد کردند!)

اخیراً در یکی از جراید یومیه (به گمانم همین جام جم خودمان!) اعلام شده بود که نتایج بررسی های جدید از وضعیت معیشت کارگران نشان می دهد که هزینهٔ ماهانهٔ هر خانوار ٤ نفره، حداقل به ۳/۱ و حداکثر به ۳/٦ میلیون تومان افزایش یافته و خوراک و مسکن نیز دارای بالاترین سهم در سبد هزینه هاست.

ـ بفرما!.... اگر نتایج الان دارد اینها را نشان می دهد؛ ما که قریب چندسال است داریم داد می زنیم که ایهاالناس، حقوق سربرج مان تا اواسط برج مان بیشتر دوام نمی یابد. از وسط ماه، یا پول دستی می گیریم از این و آن در محل کار، یا که به جای آبگوشت، فقط آب بار می گذاریم در منزل!... (این مطلب را یکی از همکاران کارمند ما



در اداره گفت و خود را از اقشار دهک پایین معرفی کرد و گفت که سابقاً به ما اقشار آسیب پذیر می گفتند. قبل از آن نیز مستضعف!)

بستهٔ پیشنهادی: حالا که به این خوبی، از هزینه های کلی یک خانوادهٔ چهارنفره پرده برداری شده و همه می دانند که این خانواده با این تعداد نفر، چقدر حقوق لازم دارد؛ ما نیز به عنوان یکی از حقوق بگیران همیشه در صحنه، عرایضی منطقی در ادامه داریم که عرض می کنیم:

۱ــ خوشنویسی مطلب: بعضی از مطالب خوب متأسفانه چون خوب نوشته نمی شوند، خیلی به چشم نمی آیند. فقط که خط سیاسی آدم نباید جذاب و جلب کننده باشد. بدهند عبارت علمی «یک خانوار چهارنفره با کمتر از سه میلیون، نمی تواند زندگی و حتی به خوبی فوت کند» را با خط نستعلیق درشت و درست بر روی تابلو بنویسند و سپس یک نسخه از تابلو نوشته را در هیأت دولت محترم بر دیوار نصب کنند که همواره نصب العین عزیزان در هر دوره و در هر دولتی باشد؛ هم یک نسخه در صحن علنی مجلس که نمایندگان همین اقشاری هستند که دم از پایین بودن حقوق خود می زنند. حالا حقوق بشر پیشکش!

۲ــ حساب سرانگشتی: خانواده ها با یک حساب سرانگشتی ساده، حساب کنند که وقتی یک خانوادهٔ چهارنفره برای گذران زندگی اش ماهانه به رقمی بالای سه میلیون تومان نیاز دارد، آن وقت یارانهٔ ماهی چهل و پنج هزار تومان را کجای دلشان بگذارند؟.... اشاره می کنند که بگذارند روی سر، حلوا حلوا کنند.

۳ــ قیاس مع الجالب: یک ترازوی دوکفه ای شاهین دار از بقالی سرکوچه قرض بگیریم، در یک کفه اش سبد هزینه ها را بگذاریم، در یک کفهٔ دیگرش نیز سبد کالای حمایتی دولت را. فقط نخندید که خوب نیست. به جای این رفتارهای زشت، نگاه کنید ببینید کدام کفه بالا ایستاده، کدام کفه پایین؟ و چقدر؟.... گفتم نخندید! (هرچند که خنده، حاصل مشاهدهٔ یک تناقض شدیداللحن است؛ اما این یک اصل علمی است، به شما چه مربوط است؟)

تبسم و تفکر





عباس ناصری

*متولد اردیبهشت ۵۸ـ بجنورد

*کاریکاتوریست مطبوعات و سرپرست گروه کاریکاتور تلنگر

*مسؤول فکور (سازمان جهانی کاریکاتور) در خراسان شمالی

*سابقهٔ همکاری با هفته نامه های طنزپارسی، نسیم بجنورد، آوای اترک، ارمغان خراسان شمالی، پیام شرق، ماهنامه های خورجین، کیهان کاریکاتور، چاووش، مرزبانان شرق، خانواده سبز، پیام سمنگان، طنز بچه مشد و ماهنامه طنز و کاریکاتور و ویژه نامه های متعدد استانی

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۳۰ دی ماه ۱۳۵۳ (برابر با ۷ محرم ۱۳۹۵، ۲۰ ژانویه ۱۹۷۵) نقل شده است

برنامه بیماریابی در مدارس آغاز شد

۶۰۰ هزار کودک کمتر از ۷ ساله پایتخت در بهمن ماه زیر پوشش واکسیناسیون همگانی فلج اطفال قرار میگیرند.

پزشکان به والدین اطفال توصیه کردند کودکان خود را به بیماری‌های واگیر فصلی تلقیح کنند. وزارت بهداری امروز اعلام کرد برای اجرای طرح پیشگیری تب رماتیسمی و رماتیسم قلب بین دانش آموزان مدارس بررسی هائی را آغاز کرده است.

براساس این طرح که در آموزشگاه‌ها اجرا می شود مامورین بهداشتی با مراجعه به مدارس از ترشحات گلوی دانش آموزان نمونه برداری میکنند.

این نمونه‌ها از نظر تشخیص بموقع تب رماتیسمی و رماتیسم قلب، مورد آزمایشات پزشکی قرار میگیرد.

پلاک تاکسی پنج هزار تومان ترقی کرد

به علت جلوگیری از مسافر بردن اتومبیل های شخصی قیمت پلاک تاکسی در بازار آزاد ۵ هزار تومان ترقی کرد. نرخ پلاک تاکسی هفته گذشته ۲۰ هزار تومان در بازار آزاد تنزل کرد.

قبلا پلاک تاکسی در بازار تا ۴۰ هزار تومان خرید و فروش میشد ولی بعلت حمل مسافر توسط اتومبیل های شخصی، نرخ آن تا ۲۰ هزار تومان پایین آمد.

پلیس راهنمایی و رانندگی بدنبال اعلام خبر مربوط به جلوگیری از کار اتومبیل های شخصی مسافرکش، از روز شنبه این هفته مبارزه وسیعی را برای جلوگیری از مسافر بردن اتومبیلهای شخصی آغاز کرد و همین امر باعث شد که نرخ پلاک تاکسی مجددا ۵ هزا تومان در بازار آزاد ترقی کند.

دانشگاه اصفهان آثار دوره صفویه را میخرد

کار تدوین مقررات و اساسنامه انستیتو صفوی شناسی در دانشگاه اصفهان آغاز شد. دکتر قاسم معتمدی رئیس دانشگاه اصفهان، در گفت‌وگویی با خبرنگار اطلاعات در اصفهان گفت: انستیتو صفوی شناسی که در حال حاضر مشغول نوشتن قوانین و مقررات مربوط به آن هستیم، یک مرکز اطلاعاتی درباره آثار و شواهد باقیمانده دوران صفویه در سطح جهانی خواهد بود.

این انستیتو در رشته فوق لیسانس دانشجو خواهد پذیرفت. دکتر معتمدی افزود: بموجب طرحی که در دست تهیه و تنظیم است انستیتو صفویه شناسی دانشگاه اصفهان، سعی خواهد کرد که آثار دوره سلطنت پادشاهان صفوی را که در اختیار افراد و یا کشورهای خارجی است، بتدریج بخرد و در این مرکز گردآوری کند.

پشت بام‌های تهران هم توقفگاه اتومبیل شده

فراکسیون اکثریت در انجمن شهر پایتخت، دیشت کوتاهی واحد زیباسازی شهرداری را در انجام وظایفش مورد انتقاد قرار داد.

دو نفر از نمایندگان انجمن شهر در این مورد گفتند: تهران چهره‌ای زشت دارد کیوسک‌های بدمنظره، تابلوهای بیقواره و پشت بام‌های پوشیده از لباسهای شسته و یا اشیاء بی مصرف، چهره پایتخت را کریه کرده است.

مردم تهران حتی از پشت بام بعنوان توقفگاه اتومبیل استفاده می کنند. منجله روی پشت بام بنائی که در خیابان ثریا و روبروی اتاق اصناف قرار دارد، چند دستگاه اتومبیل اسقاط پارک شده است!

مقر هیات نمایندگی شوروی را در نیویورک بگلوله بستند

نیویورک ـ یونایتدپرس ـ یک ناشناس مسلح صبح زود روز گذشته حداقل دو گلوله به داخل دو اطاق خواب در مقر هیئت نمایندگی شوروی در سازمان ملل (نیویورک) شلیک کرد.

ظاهراً قصد تیرانداز ناشناس این بوده است که از سیاست دولت شوروی در قبال یهودیان انتقام بگیرد.

در گزارش پلیس به زخمی شدن کسی در این ماجرا اشاره نشده است. اما از طرف مقامات هیئت نمایندگی شوروی به پلیس نیویورک اطلاع داده شده که هنگام وقوع تیراندازی یکی از دو اطاق خوابی که مورد حمله قرار گرفتند ـ اشغال بوده است. توضیح بیشتری در این باره داده نشده است.

اولین سفیر زن در واتیکان

سفارت اوگاندا در بن اعلام کرد که: خانم ۲۷ ساله، برنادت اولوو، سفیر اوگاندا در بن، با حفظ سمت، به نمایندگی کشورش در واتیکان منصوب شده است. او نخستین زنی است که به سفارت در دربار واتیکان رسیده زیرا واتیکان تاکنون از قبول سفیر زن خودداری میکرده، است.

خانم برنادت تا ژوئیه گذشته، دبیر سوم سفارت اوگاندا در بن بود، ولی از آن پس بمقام سفارت رسید.

قاب امروز



مرد آواره سوری هیزم جمع می کند - دوما/منبع: تلگراف

داستانک

گره‌های زندگی!

پیرمرد تهیدست، زندگی را در نهایت فقر و تنگدستی می گذراند و به سختی برای زن و فرزندانش قوت و غذایی ناچیز فراهم می کرد. از قضا یک روز که به آسیاب رفته بود، دهقانی مقداری گندم در دامن لباس اش ریخت و پیرمرد گوشه‌های آن را به هم گره زد و در همان حالی که به خانه بر می گشت با پروردگار از مشکلات خود سخن می گفت و برای گشایش آنها گشایش در کار می طلبید و تکرار می کرد: «ای گشاینده گره‌های ناگشوده! عنایتی فرما و گره‌ای از گره‌های زندگی ما بگشای.»

پیرمرد در حالی که این دعا را با خود زمزمه می کرد و می رفت، یکباره یک گره از گره‌های دامنش گشوده شد و گندم‌ها به زمین ریخت. او به شدت ناراحت شد و رو به خدا کرد و گفت:

«من تو را کی گفتم‌ای یار عزیز
کاین گره بگشای و گندم را بریز
آن گره را چون نیارستی گشود
این گره بگشودنت دیگر چه بود»

پیرمرد نشست تا گندم‌های به زمین ریخته را جمع کند ولی در کمال ناباوری دید دانه‌های گندم روی همیانی از زر ریخته است!

پس متوجه فضل و رحمت خداوندی شد و متواضعانه به سجده افتاد و از خدا طلب بخشش کرد.

نتیجه گیری مولانای بزرگ از بیان این حکایت:

تو مبین اندر درختی یا به چاه
تو مرا بین که منم مفتاح راه

سرایه

نی با تو و می نشستنم سامان است
نی بی تو و می زیستنم امکان است
اندیشه در این واقعه سرگردان است
این واقعه نیست درد بی درمان است

مولوی

امروز در تاریخ

همه بوی کودتا را حس کرده بودند!

در جریان بحران کابینه که کسی حاضر نمی شد رئیس الوزراء ایران شود! در این روز، سی ام دیماه، در سال ۱۲۹۹ هجری خورشیدی، سلطان احمد شاه قاجار از عین الدوله (عبدالمجید میرزا) خواست که زمام امور دولت را به دست گیرد که او هم نپذیرفت!. از یک هفته پیش از این، که سپهدار (فتح الله اکبر) از رئیس الوزرائی کناره گیری کرده بود، وزارتخانه ها به دست معاونان ارشد آنها اداره می شدند. جز احمد شاه، شاید بسیاری از دولتمردان بوی کودتای قریب الوقوع را حس کرده بودند که زیر بار مقام‌های پیشنهادی که چند روزه بود نمی رفتند؛ و پی برده بودند که با توجه به وقوع دگرگونی در روسیه، انگلستان خواب تازه برای ایران دیده است. احمدشاه از تماس های افسران انگلیسی مستقر در ایران هم با ژنرال رضاخان فرمانده تیپ قزاق آگاه نشده بود.

در پی کناره گیری سپهدار از ریاست وزراء (نخست وزیری)، احمد شاه از میرزا حسن خان مستوفی و سپس از میرزا حسن خان مشیر الدوله خواسته بود که ریاست دولت را به دست گیرند که نپذیرفته بودند. تردید نیست که ایندو بویی از نقشه دولت لندن برده بودند و نمی خواستند که خود را بمخاطره افکنند.

هر که را که رضاشاه برکنار و مجازات کرده بود جاه و مقام دادند!

۳۰ دی ماه ۱۳۲۰ به دسته دیگری از کسانی را که رضاشاه در طول سلطنت خود بویژه از ۱۳۱۴ به بعد (پس از دور شدن از دولت لندن و نزدیک شدن به آلمان و ایتالیا) برکنار کرده و به زندان افکنده بود بار دیگر مقام دولتی مهم دادند.

برای مثال: یکی از این افراد سلمان اسدی بود که او را به ریاست اداره انتشارات و تبلیغات ایران (وزارت ارشاد امروز) منصوب کردند. در میان این گروه کسانی دیده می شدند که دادگاه جرم آنان را محرز شناخته و به مجازات زندان محکوم کرده بود!. ایران از شهریور ۱۳۲۰ تحت اشغال نظامی متفقین درآمده بود و فروغی نخست وزیر پس از تعرّض نظامی انگلستان و شوروی به ایران یکی از همان اخراج شدگان بود.

«تاج محل» به دست استاد عیسی ایرانی ساخته شد

عمارت تاج محل در هند در این روز از ماه ژانویه سال ۱۶۵۳ میلادی تکمیل شد. «شاهجهان» امپراتور تیموری وقت هند (و به قول اروپاییان؛ مغولی) تصمیم به ساختن چنین عمارتی را به یاد بود همسر خود ـ ممتاز محل ـ گرفته بود که در اثنای وضع حمل چهاردهمین فرزند خویش در گذشته بود. کار ساختن این عمارت زیبا پس از دعوت از استاد عیسی معمار بزرگ ایرانی به هند از سال ۱۶۳۱ آغاز شد. استاد عیسی برای ساختن این عمارت باشکوه دهها معمار و تزیین کار از ایران (و عمدتا از شهرهای اصفهان، کرمان و شیراز) به هند برد.

سودوکو ۱۲۵۹

	۶				۹	۷		۵
۷	۱				۲	۴		
۴					۵		۶	
۲	۸				۴			
			۶				۸	۴
	۲		۳					۷
		۴	۵				۹	۳
۵		۳	۱				۲	

۶	۹	۴	۳	۵	۲	۷	۱	۸
۷	۱	۸	۶	۹	۴	۳	۵	۲
۳	۵	۲	۷	۱	۸	۶	۹	۴
۴	۶	۹	۲	۸	۳	۵	۷	۱
۵	۳	۷	۴	۶	۱	۲	۸	۹
۲	۸	۱	۹	۷	۵	۴	۶	۳
۱	۴	۶	۵	۲	۹	۸	۳	۷
۹	۷	۳	۸	۴	۶	۱	۲	۵
۸	۲	۵	۱	۳	۷	۹	۴	۶

حل ۱۲۵۸

جدول شرح در متن ۳۷۷۲

غلامحسین باغبان

دچار وضعیت دشوار شدن – د – جمع ادب – ضمیر غایب – محل نمایش فیلم – آبگیر خانگی – منفجر شدن – شهر استان خوزستان – مخزن آب خودرو – درجه نظامی – لقب امام هشتم – سرزمین – سگ ماهی – دانه کش بی آزار – کرجی و قایق – م – ضمیر وزنی – ناپیدا – گوشواره – سوره «انجیر» – گرد – انسان – دعا دست در نماز – کج و خمیده – لطیف – مقابل اثبات – سرایت آب – هماهنگ، مثل هم – ابریشم خام – نام زنانه – خطای فوتبالی – نوعی زیرانداز – قصه شعرگونه – هیئت وزیران – افسر ارشد فرنگی

حل ۳۷۷۱